



خلیج فارس

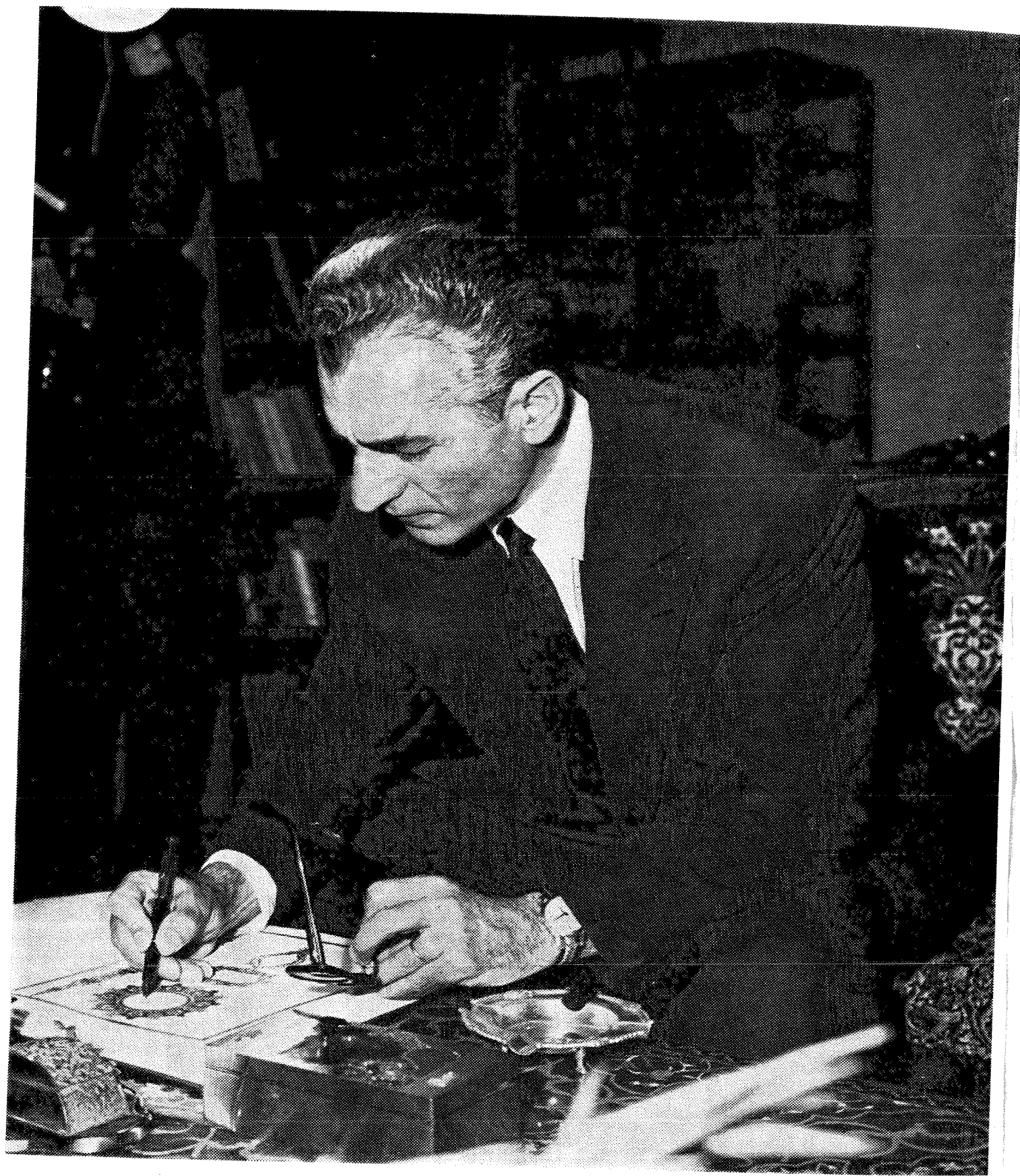
جلد دوم

پرویز گلشنی، دانشمند
تتمه سرکرد. عبدالجبار
۱۰۰۰

خلج فارس

جلد دوم

چاپخانه سازمان سمعی و بصری
هنرهای زیبای کشور



فهرست مطالب جلد دوم

موضوع :	شماره صفحه :
۱ - شمه‌ای از تاریخ دیپلماسی خلیج فارس	۱ تا ۳۵
۲ - منابع اقتصادی خلیج فارس	۳۶ « ۵۰
۳ - کارهای عمرانی در سواحل و جزایر خلیج فارس	۵۱ « ۵۹
۴ - جغرافیای تاریخی خلیج فارس	۶۰ « ۷۰
۵ - دریانوردی در خلیج فارس و پیشینه‌ی تاریخی آن	۷۱ « ۸۳
۶ - نظر اجمالی باقتصاد خلیج فارس	۸۴ « ۹۳
۷ - خلیج فارس در زمان صفویه	۹۴ « ۱۰۲
۸ - آثار باستانی در خلیج فارس	۱۰۳ « ۱۱۳
۹ - جزیره‌ی خارک	۱۱۴ « ۱۱۸
۱۰ - زبانهای محلی و فولکلور خلیج فارس	۱۱۹ « ۱۳۲
۱۱ - منابع ثروت در خلیج فارس	۱۳۳ « ۱۴۳
۱۲ - اوضاع اجتماعی خلیج فارس	۱۴۴ « ۱۵۱

خلج فارس

جلد دوم

چاپخانه سازمان سمعی وبصری
هنرهای زیبای کشور

فهرست مطالب جلد دوم

موضوع :	شماره صفحه :
۱ - شمه‌ای از تاریخ دیپلماسی خلیج فارس	۱ تا ۳۵
۲ - منابع اقتصادی خلیج فارس	۳۶ « ۵۰
۳ - کارهای عمرانی در سواحل و جزایر خلیج فارس	۵۱ « ۵۹
۴ - جغرافیای تاریخی خلیج فارس	۶۰ « ۷۰
۵ - دریانوردی در خلیج فارس و پیشینه‌ی تاریخی آن	۷۱ « ۸۳
۶ - نظر اجمالی باقتصاد خلیج فارس	۸۴ « ۹۳
۷ - خلیج فارس در زمان صفویه	۹۴ « ۱۰۲
۸ - آثار باستانی در خلیج فارس	۱۰۳ « ۱۱۳
۹ - جزیره‌ی خارك	۱۱۴ « ۱۱۸
۱۰ - زبانهای محلی و فولکلور خلیج فارس	۱۱۹ « ۱۳۲
۱۱ - منابع ثروت در خلیج فارس	۱۳۳ « ۱۴۳
۱۲ - اوضاع اجتماعی خلیج فارس	۱۴۴ « ۱۵۱

پیش‌گفتار جلد دوم

پیش از آنکه جلد نخستین کتاب سمینار خلیج فارس که مشتمل بر متن دوازده سخنرانی در زمینه‌های : جغرافیای طبیعی، زمین‌شناسی، آب و هوا، تاریخ، نام جزایر و بنادر، فلات قاره‌ی خلیج فارس و تاریخ نقشه‌برداری و موضوعهای دیگر مربوط باین خلیج است، منتشر شود، گمان نمیرفت که کتاب تا این اندازه مورد حسن استقبال و محل توجه عمومی بویژه مورد پسند گروه تحصیل کرده و دانش‌پژوه قرار گیرد. حدس نیز زدیم که هم‌میهنان گرامی تا این پایه بشناختن یکی از اجزاء کشور دلبستگی و شور و شوق نشان دهند. واضح است علت حسن پذیرشی که از جلد نخستین کتاب شد، زیبایی چاپ یا خوبی کاغذ یا بی‌غلط شدن مطالب و مانند این مزایا نیست. اگر این آثار ظاهری در برانگیختن توجه عمومی بکتاب سمینار خلیج فارس نیز اثری داشته، باری آن اثر بسیار اندک بوده است.

زیرا جامه‌ی زیبا هر چند قشنگ و دل‌فریب باشد اندام ناموزون را دلکش نمیسازد و آرایه فریبا رخساره‌ی زشت را دلپذیر نمیکند. سبب اصلی حسن توجه عمومی را بکتاب سمینار خلیج فارس، بعقیده‌ی وزارت اطلاعات در دو چیز باید جستجو کرد :

نخست ارزش علمی مندرجات کتاب که هر بخش آن در جای خود فشرده و عصاره‌ی سألها مطالعه و پژوهش علمی است و همه‌ی مطالب، چنانکه خوانندگان گرامی ملاحظه کرده‌اند، مستند و متقن و برپایه‌ی موازین دانشی بوسیله‌ی دانشمندان و محققان صلاحیت‌دار آماده شده است. از اینرو وزارت اطلاعات بارها از زحمات بی‌ریای آنان قدرشناسی کرده و در این فرصت بار دیگر از همگی تجلیل و تقدیر میکند.

درست است که پیش از این درباره‌ی خلیج فارس کتابها و رساله‌ها و گفتارها بزبان فارسی و زبانهای زنده‌ی دیگر نوشته شده اما کتابی که این جزء از میهن ما را که در حقیقت بزرگترین دروازه‌ی ایران بجهان است از هر جهت و باسلوب علمی معرفی کند وجود نداشت و این يك نقیصه بزرگ بود که بسا موجب بدفهمیها و کج‌فکریها هم میگردد. وزارت اطلاعات خوشوقت است که باتشکیل این سمینار و چاپ مباحثات و مطالعات آن در دومجلد این نقیصه را برطرف ساخته و مأخذ و منبع متقن و مستندی باختیار علاقمندان نهاده است. هر چند موضوعات مندرج در جلد اول و دوم، خلیج فارس را چنانکه باید و شاید میشناساند اما بعقیده‌ی وزارت اطلاعات و دانشمندان و محققانی که در سمینار شرکت کرده‌اند، هنوز میدان

پژوهش و کاوش در این زمینه بسیار گسترده است و اگر نشر این کتاب بتواند محرك و رهنمای جوانان دانش‌پژوه و میهن‌پرست بشود و هر کدام در يك زمینه از اوضاع گذشته و کنونی خلیج با صبر و حوصله و با سلوب علمی بکاوش و پژوهش برخیزند ، موجب کمال خوشحالی است و اثر نیک دیگریست که از چاپ و انتشار این کتاب عاید کشور خواهد شد .

هنوز در زمینه ی لجه‌ها و نیمه زبانهای سواحل خلیج و فرهنگ عامیانه (فلکولر) آنجا میدان جستجو و تتبع بسیار فراخ است . هنوز آثار باستانی بسیاری در دوسوی خلیج فارس هست که نیاز بمطالعه و مشاهده و پژوهش دارد و در سینه ی هر يك از آنها یادگارهای ارزنده‌ای از تمدن و فرهنگ با عظمت ایران نهفته است .

چه بسیار نام شهرها و دیه‌ها در هر دو ساحل خلیج فارس اکنون نیز متداول است که از اصل فارسی برخاسته و بصورت اصلی یا شکسته (مصحف) امروز هم بکار میرود .

هزارها کلمه ی فارسی در نیمه زبانهای ساحل غربی و جنوبی خلیج فارس رایج است که در طول قرون و اعصار باین سرزمینها رفته و نماینده ی نفوذ و تمدن و فرهنگ ایران در این بخش از جهان است . در رهنماهای دریانوردی بیشتر اصطلاحات فارسی است و پژوهش در آنها ما را بحقایقی از تاریخ ایران و تمدن کهن آن رهنمون تواند شد . مثلاً نام بگیوس (بغیه) پسر فرناکه دریاسالار ایرانی در زمره ی همراهان نیارخوس کزیتی دیده میشود . این مطلب ما را باین حقیقت رهنمایی میکند که رهنمای این کاروان دریایی که بفرمان اسکندر از دهانه ی رود سند تا دهانه ی رود فرات سفر کرده و نویسندگانی سفر مذکور را يك کشف جغرافیایی قلمداد کرده‌اند ، يك دریاسالار ایرانی بوده‌است و ایرانیان خیلی پیش از حمله ی اسکندر مقدونی این راه دریایی را میشناخته و در آن آمدررفت داشته‌اند .

نه تنها اصطلاحات دریانوردی بلکه در همه زمینه‌های تمدنی مانند نام جامه‌ها و پوشاکها ، داروها گلها و گیاهها ، اصطلاحات اداری و بازرگانی و مانند آنها غالباً کلمات فارسی یا کلمه‌هایی از ریشه فارسی است که جمع‌آوری آنها با سلوب علمی از لحاظ روشن ساختن نفوذ تمدن ایران در آنسوی خلیج فارس بسیار سودمند و در عین حال دلکش خواهد بود .

چه خوب است طبقه ی جوان و تحصیلکرده ، بویژه هم‌میهنان جنوبی ما ، هر کدام در رشته‌ای از این موضوعها بکاوش و جستجوی علمی برخیزند و بخشی از اوقات بیکاری را باینگونه موضوعات سودمند و در عین حال مسرت بخش مصروف دارند .

جهت دوم حسن‌پذیری که از کتاب سمینار خلیج فارس شد ، علاقه شدید هم‌میهنان عزیز بشناختن خانه ی بزرگ خودشان است . این علاقه از احساس مقدسی سرچشمه گرفته است که فروغ تابناک آن اعماق ضمیر هر ایرانی پائسرشت را روشن میکند . قهراً هر کسی میل دارد اجزاء میهنش را که زادگاه او و آرامگاه نیاکانش میباشد خوب بشناسد و از سرگذشت پیشین و استعدادهای کنونی آن در هر گوشه ، آگاه گردد . بحکم این نیازمندی بوده‌است که در ایران باستان ، در روزگاری که بیشتر ملل روی زمین هنوز از مرحله ی بیابان‌گردی بالاتر نیامده بودند ، ایرانیان از همه ی گوشه‌های وطن خویش معلومات بسیار جمع‌آوری کرده و در کتابها و سائنامه‌ها و دیوانهای برید و خراج ضبط نموده بودند .

مطالبی که در کتابهای البلدان والمسالك قرنهای اولی اسلامی در زمینه ی جغرافیا و منابع طبیعی و مالیات استانها می‌بینیم ، صرفنظر از جزئیاتی که نویسندگان آن کتابها در اثر مشاهداتشان بر کتابهای خود افزوده‌اند ، همگی مأخوذ و مقتبس از دیوانهای برید و خراج عسرساسانی است . یکنواخت بودن اسلوب شرح استانها و چگونگی فصل‌بندی در همه ی این کتابها ، آشکارا نشان میدهد که مطالب آنها از يك منبع رسمی اقتباس شده‌است . متأسفانه در قرنهای اخیر بواسطه عواملی چند میهن ما دچار نابسامانی و پیریشانی گردید و این آشفته‌گی بجایی رسید که اجزاء پیوسته ی آن از یکدیگر گسیخته گشت و همین گسیخته‌گی

موجب شد که مردم از یکدیگر و کشور خود نا آگاه و بی خبر بشوند حتی نسبت به یک حالت بیگانگی پیدا کنند . این روزگار سیاه دوام داشت تا اینکه :

قیام سوم اسفند ۱۳۹۹ خورشیدی که بپایمردی سرداری فداکار انجام گرفت ، بآن روزگار نباهی و سیاهی خاتمه داد و کشور را از آشفتگی و مردم را از پریشانی نجات بخشید و اجزاء پراکنده و گسیخته میهن ما باردیگر بهم پیوست و جنبش و کوشش جانشین خموشی و دلمردگی شد . در عصر رضاشاه کبیر بنیان گذار ایران نوین برای شناساندن اجزاء کشور کوششهایی بعمل آمد و رساله ها و گفتارهایی نوشته شد . اما افسوس که آثار شوم جنگ جهانی دوم پیشرفت ما را در این رشته مانند هر رشته دیگری فرهنگی و عمرانی متوقف ساخت .

اکنون خداوند را سپاس میگذاریم که بعنایت شاهنشاه بزرگ و توانا و دانش پرور ما آن آثار شوم از چهره ی ایران عزیز بکلی زدوده شده است و کشور ما در پرتو یک انقلاب بزرگ اجتماعی و اقتصادی بشاهراه روشنی افتاده است که پایان آن بازیافتن بزرگواری گذشته و آسایش حال و سرافرازی آینده است . برای رسیدن به هدفهای بزرگ انقلاب شاه و مردم از جمله شناختن اجزاء گوناگون کشور چه از جهت تاریخی و چه از جهت دیگر مانند شناختن منابع طبیعی و انسانی و غیره نهایت لزوم را دارا است . وزارت اطلاعات سرافراز است که نخستین گام را در راه این هدف عالی برداشته و باتشکیل سمینار خلیج فارس توانسته است بزرگترین شاهراه دریایی ایران را چنانکه شایسته است بشناساند . امیدواریم این اقدام دیباچه اینگونه کوششهای علمی و ملی گردد و تحت عنایت شاهنشاه توانا و دانش پرور و باهمت دانشمندان و محققان نظایر چنین انجمنهای تحقیقی باز هم برپا شود و سابقه ی تاریخی و آثار مدنیت عالی و درخشان ایران در هر گوشه ای از کشور بیش از پیش نمایان و روشن گردد .

سخنرانی آقای دکتر محسن عزیزی

مختصری از سیاست دولتهای اروپائی در خلیج فارس با توجه با اسناد دیپلماتی

آقای دکتر عزیزی استاد و معاون دانشکدهی حقوق ،



تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در
ایران و دورهی دکتری را در فرانسه
پایان رسانیده‌اند و سالیانست تاریخ
دیپلماسی عمومی و جغرافیای اقتصادی
را در دانشکدهی حقوق تدریس مینمایند .

قبل از بیان مقصود برای روشن ساختن معنی واقعی کلمه‌ی دیپلماسی که در عنوان
این سخنرانی بکار رفته و از نظر اینکه در محاورات و نوشته‌ها این کلمه با معانی گوناگون
استعمال شده است ، مجبوریم از استادان فن که در این باب سخن گفته‌اند کمک بگیریم
و باختصار به بینیم چگونه در این مورد اظهار نظر کرده‌اند . در مطبوعات و کتب گاهی
دیپلماسی را بمعنی سیاست خارجی بکار برده‌اند . چنانکه مثلاً نوشته‌اند دیپلماسی فلان دولت
در خاور میانه رو بضعف نهاده است . وزمانی منظور از آن « مذاکره و گفتگوی توأم با
تدبیر است » چنانکه گویند این موضوعی است که باید بوسیله‌ی دیپلماسی حل و فصل شود .
گاهی هم بمفهوم سازمانی است که این مذاکرات بوسیله‌ی آن انجام میشود . اما در مقامی هم
دیپلماسی بمعنی اداره کردن روابط بین‌المللی از طریق مذاکره و گفتگوست و طریقه
و شیوه‌ای که سفرای کبار و وزرای مختار برای تعدیل و اداره کردن این مذاکرات بکار

میرند دیپلماسی نامیده میشود و حرفه یا فن دیپلمات‌ها نیز دیپلماسی است.^۱

۱ - کتاب لغت انگلیسی اکسفورد (Oxford English Dictionary) دیده شود. وبستر که از فرهنگهای معتبر بین‌المللی است دیپلماسی را چنین تعریف میکند: دیپلماسی هنر و عمل انجام مذاکرات بین دولتها بمنظور عقد قراردادهاست. . . . مهارت و لیاقت در این فن نیز دیپلماسی نامیده میشود. مهارت و استادی در کسب فواید و منافع بدون ایجاد خصومت و دشمنی و بطور کلی مهارت و کاردانی در انجام امور، معانی دیگر دیپلماسی است.

در مقام دیگر دیپلماسی بکاربردن هوش و فراست و هنر و مهارت در اداره کردن روابط سیاسی بین دولتهای مستقل آمده است چنانکه «ستو» مورخ انگلیسی عبارت ساده‌تر دیپلماسی را «اداره کردن امور و معاملات بین کشورها بوسایل مسالمت‌آمیز» تعریف کرده است. کتاب E. Satow Diplomatic Practice طبع لندن سال ۱۹۵۸ صفحه‌ی ۴۱ دیده شود. درلاروس قرن بیستم (جلد دوم صفحه‌ی ۸۸۱) شغل و حرفه‌ی دیپلمات را عمل و هنر مذاکره کردن با دولت خارجی دانسته است. کوئینسی رایت استاد علوم سیاسی دانشگاه ویرجینیای امریکا معتقد است که معنی متعارفی دیپلماسی «فراست و چالاکی و مهارت و زیرکی در هر نوع معامله و مذاکره است ولی معنی اصطلاحی آن که در مناسبات بین‌المللی بکار میرود عبارت است از فن مذاکره و گفتگو بمنظور تحصیل حداکثر توفیق در نیل بمقاصد جمعی با حداقل زحمت در داخل یک رژیم سیاسی که در آن جنگ یکی از امکانات میباشد». کتاب «مطالعه‌ی مناسبات بین‌الملل» تألیف کوئینسی رایت دیده شود.

Quincy Wright of International Relations the study طبع نیویورک سال ۱۹۵۵.

بنادر تجاری خلیج فارس در زمان هخامنشیان عبارت بود از بندر دیلمان و تاکه Taoke و گوگانا Gogana و آپستانا Apostana و هرمز و یا Hermozie (دومرگان - کتاب تمدنهای نخستین صفحه‌ی ۴۰۹ دیده شود) و بنادر دیگری که نام آنها بما نرسیده است. گمان میرود که گوگانا همان بندر لنگه و آپستانا همان راس بستاندی کنونی و بندر هرمز یا مقابل عباسی و دیلمان بندر دیلم امروزه بوده است. ۲ - قسمت عمده‌ی نیروی بحری ایران را در زمان هخامنشی‌ها ملت فینیقی تشکیل میداد و بعدها در دوره‌ی اشکانیان دولت ایران بدریایا توجهی زیاد مبذول نداشت و وسیله‌ی آنهم کاملاً موجود نبود زیرا سواحل خلیج فارس را حکومت‌های مسقط و الخضر تحت تسلط درآورده بودند. اما اردشیر شاهنشاه ساسانی دید که رومیان از راه دریا با جزایر سرانندی و مالبار و سواحل هند روابطی برقرار کرده‌اند و بحریه‌ی تجاری روم در سایه‌ی بحریه‌ی جنگی آندولت (که هر ساله رومیان برای تثبیت قدرت خویش در اقیانوس هند در گردش می‌آوردند) رفته رفته زمام دادوستد را از دست ایرانیان میربایند. این مطالعات اردشیر را بمنافع بزرگ سیاسی و اقتصادی که از وجود یک بحریه‌ی مقتدر میتوان تحصیل کرد متوجه ساخت لذا پیش از هر چیز لازم دید که کرانه‌های خلیج فارس را بچنگ بیاورد و حکومت‌های مسقط و الخضر را که سد راه مقصود وی بودند از میان بردارد و چنین کرد. پس از تصفیه‌ی آن کار با سرعت و دقتی شایان توجه کرانه‌های خلیج فارس را تحت نظر گرفت و تکیه‌گاهها و بنادر متعدد ساخت و به تشکیل و تکمیل بحریه‌ی ایران پرداخت. اخلاف اردشیر قدم بقدم سیاست نیاکانشان را تعقیب کردند و بعد از اشغال آنجا و ایجاد نظم در سواحل سمت راست خلیج، بسواحل سمت چپ پرداختند و از آنجا به کناره‌های عربستان جنوبی و بتدریج به کرانه‌های شرقی بحر احمر سلطه‌ی خود را امتداد دادند. (تاریخ روابط سیاسی و تجاری روم و مشرق تألیف Reinaud صفحه‌ی ۲۴۱ دیده شود) در ابتدای اینکار دولت ایران برای آشنا ساختن ایرانی‌ها مأمور بحریمایی، ملاحان عرب را نیز استخدام کرد و با ایرانیها در آمیخت لیکن پس از آنکه زمانی ایرانیان از دیگران استادتر شدند و بالاخره در فنون بحری سرآمد همگان گشتند (مراجعه بکتاب ایران اقتصادی تألیف رحیم زاده‌ی صفوی صفحه‌ی ۹۲ - ۹۱ جلد اول).

هدف غایی مذاکرات سیاسی نیل بمقاصد و هدفهای معین است و این مقاصد که بخاطر آن دیپلمات تلاش میکند همان مقاصدی است که در سیاست خارجی دولت متبوع او گنجانیده شده است و در این مقام دیپلماسی معادل اجرای سیاست خارجی است. سیاست خارجی هر کشور ناظر بتأمین منافع و مصالح خاص آن کشور است ولی بطور کلی تمام مسائل و حوادث جهانی بخصوص در دوران جدید یکدیگر ارتباط و بستگی غیر قابل اجتناب دارد و کوچکترین واقعه‌ی تاریخی در دورترین نقطه‌ی دنیا اگر نیک موشکافی و تعمق در آن شود، ملاحظه میشود که با دستگاه عمومی حوادث جهان مربوط است. با وضع فعلی دنیا این وابستگی بدان درجه رسیده که هر کشوری خواه ناخواه در جریان عمومی سیاست عالم کشیده میشود.

البته نباید فراموش کرد که در نتیجه‌ی انقلاب صنعتی و استفاده از قوه‌ی بخار و تعمیم کار با ماشین از اواخر قرن هیجدهم، ارتباط بین دولتهای اروپایی که بفکر تهیه و بدست آوردن مواد خام و تبدیل آن بکالا در کارخانه‌های خود و بدست آوردن بازار فروش در نقاط دیگر جهان و از جمله خلیج فارس بوده اند بیشتر میشود و این ارتباط و همبستگی در سراسر قرن نوزدهم و بیستم افزون میگردد.

بررسی اجمالی اسناد دیپلماسی مربوط بخلیج فارس که در این مجموعه گردآوری شده نیز مؤید این مطلب است و بخوبی نشان میدهد که کشورهای جهان همچون حلقه‌های زنجیر واحدی بهم پیوستگی دارند و هرتأثیر و تغییری در هر یک از این حلقه‌ها کم و بیش در سایر دانه‌های زنجیر مؤثر است و موجب تغییرات و فعل و انفعالاتی میشود. پس از مطالعه‌ی این اسناد سیاسی بخوبی پی میبریم که دولتهای بزرگ جهان برای در دست گرفتن نقاط زرخیز و تحصیل مواد خام و بدست آوردن بازار فروش با در نظر گرفتن اهمیت خلیج فارس از لحاظ راه ارتباط با هندوستان که جزء شاهراههای بزرگ دنیاست، چگونه هر یک سعی و کوشش فراوان کرده اند که در مذاکرات طولانی، امتیازات بازرگانی بدست آورند و در ضمن همین تلاش بوده است که بر قابت با یکدیگر برخاسته اند و متدرجاً طی سالها یکی دیگری را از این میدان خارج کرده است. این سطور داستان این رقابتهای و تلاشهای دولتهای معظم را برای خارج ساختن رقباء خویش از این عرصه‌ی مبارزه نشان میدهد.

* * *

خلیج فارس از قدیمترین ازمنه‌ی تاریخ بشری مورد توجه بوده است و از روی کتیبه‌های مکشوفه در جزایر بحرین معلوم میشود که فنیقی‌ها و شاید اقوام دیگر پیش از آنها هم در خلیج فارس تجارت میکردند. بعد از فنیقی‌ها تجارت خلیج مدتی بدست بابلیها و بعد بدست ایرانیها افتاد ولی هر چند داریوش اسکیلاکس^۱ را مأمور سیاحت در خلیج کرد اما سفرنامه‌ی او بدست ما نرسیده است. سپس مسافرت دیگری در خلیج فارس توسط

نیارکوس^۱ یونانی انجام گرفت. که در زمان اسکندر از هندوستان بکشتی نشسته و در بندری در رود کارون پیاده شد. (سفرنامه‌ی او برای ما باقی مانده است) اعراب پس از اینکه در قرن هفتم میلادی به بین‌النهرین و ایران مسلط شدند از راه خلیج با هندوستان ارتباط پیدا کردند و تجارت خلیج بدست مسلمانان افتاد و این وضع تا اکتشاف دماغه‌ی امید نیز توسط واسکودوگامای^۲ پرتغالی ادامه داشت.

در سال ۱۴۹۷ واسکودوگامای پرتغالی از لیسبن حرکت کرد و پس از گذشتن از دماغه‌ی امید نیک به هندوستان رسید و بعد از یکسال بوطن خود برگشت. این مسافرت در تاریخ دنیا دارای اهمیت فراوان شد و از آن پس پادشاهان پرتغال خود را خداوند کشتیرانی و تجارت هندوستان و حبشه و سواحل ایران مینامیدند. در سال ۱۵۰۶ البوکرک به مشرق آمد و پس از آنکه دوسال وقت خود را برای تصرف عدن و سایر نقاط بین راه صرف نمود بخلیج فارس درآمد و بعد از تسخیر مسقط بهرمز حمله برد و آنرا تصرف کرد. البوکرک در ضمن پیشنهادهایی که پادشاه پرتغال داد در دست داشتن هرمز را از مهمترین لوازم کار خود شمرده بود.

چند سال بعد از تصرف هرمز بوسیله‌ی پرتغالیها شورشی در هرمز برپا شد و مردی بنام رئیس حامد علیه سیف‌الدین امیر جزیره که خود را تابع پادشاه ایران میخواند علم‌طغیان برافراشت و سیف‌الدین را دستگیر و زندانی کرد. البوکرک مجبور شد در سال ۱۵۱۵ بهرمز بیاید و آنجا را دوباره اشغال بکند و در این جا البوکرک نماینده‌ی را که از جانب شاه اسمعیل آمده بود پذیرفت و با او قراردادی راجع بهرمز بست که بموجب آن امیر هرمز بنام پادشاه پرتغال برای این جزیره حکومت میکرد و باین ترتیب تسلط پرتغالیها بر هرمز مسلم شد. البوکرک پس از آن به هندوستان رفت و اولین کسی بود که پای سیاست مستعمراتی اروپا را در آسیا گشود. پس از تصرف هرمز باز چندین بار شورشی در این جزیره برپا شد ولی همه را پرتغالیها خاموش کردند. چندی بعد ترکهای عثمانی ب فکر رقابت با پرتغال افتادند و نیروی دریایی ابتدا بفرماندهی پیریک و بعد مرادییک بخلیج فارس فرستادند ولی موفقیتی نصیبشان نشد.

چه پرتغالیها و چه انگلیسها که بعدها سبب انتقال سیادت خلیج از پرتغالیها شدند توجه داشتند که برای حفظ منافع اقتصادی کشوری که بخواهد در اقیانوس هند تجارت خود را بسط دهد، تسلط بر سواحل خلیج فارس نهایت اهمیت را دارد و نه تنها هنگامیکه دماغه‌ی امید نیک کشف گردید راه تجاری هند و اروپا از خلیج فارس میگذشت بلکه قرنهای پیش تر از آن نیز بازرگانان این راه از خلیج فارس میگذشتند و موجب پدید آمدن تمدن و ثروت بابل و نینوا و مراکز تجاری بغداد و بصره و ابگله گردیدند. بازرگانان اسلامی،

۱ - Néarque

۲ - Vascodegama

بغداد را محل تبادل محصولات شرق و غرب قرار دادند و ابریشم و طلا و فلفل و نیشکر و عاج و مرجان و صمغ و مروارید و عطریات هندوستان و چین را در بغداد با بلورآلات و آهن و سرب و مس مغرب زمین معاوضه میکردند و همواره کاروانها از بغداد از راه آسیای صغیر و دمشق و اسکندریه بسوی بندرهای بحرالروم و اروپا (مخصوصاً ونیز) می‌رفتند. بعد از کشف دماغه‌ی امیدنیک و پیدایش راه جدید هند هم باز راه آسیای میانه در تمام قرن شانزدهم و نیمه‌ی اول قرن هفدهم میلادی به اهمیت خود باقی بود و همچنان راه ارتباط هند و آسیای صغیر یعنی راه تجاری آسیا و اروپا بشمار می‌آمد زیرا بهترین راه ارتباطی راهی است که نزدیکتر و کم‌خرج‌تر باشد و این شرایط در خلیج فارس که راه طبیعی دریایی هند و مدیترانه بشمار میرود جمع است. خلیج فارس معبر عمومی شبه جزیره‌ی هندوستان و آسیای صغیر و سواحل ایران و عربستان است. اقیانوس هند بوسیله‌ی خلیج عمان و خلیج فارس که بوسیله تنگه‌ی هرمز بهم ارتباط دارند، در اعماق فلات ایران فرو رفته و پس از قریب ۲۵۰۰ کیلومتر مسافت به شط العرب میرسد. میدانیم که شط العرب که از اتصال دو رود فرات و دجله تشکیل شده قابل کشتی رانی است و فرات هم تا اواخر خاگ بین النهرین مورد استفاده‌ی کشتیهای کوچک است بنابراین حمل کالاهای شرق از راه دریایی بوسیله‌ی خلیج عمان و فارس و شط العرب و رود فرات تا اعماق آسیای صغیر با کشتی ممکن است و از آنجا راه کاروان رو کوتاهی است که بالاخره ببحرالروم وصل میشود و آسان‌ترین و ارزان‌ترین راهها همین راه است. این مسأله مورد توجه بازرگانی قدیم هم بوده چنانکه در زمان تمدن بابل و یونان و ایران زمان ساسانیان همین راه مورد استفاده قرار می‌گرفته و قرن‌ها تنها راه تجاری شرق و غرب بوده است و شهرهایی که در مسیر این خط تجاری مهم قرار داشته یا ایجاد شده‌اند پایتخت امپراطوری‌های معظم و مقتدر و مدتها از پر ثروت‌ترین شهرهای جهان بوده‌اند.

این راه تجاری نه تنها ارزانترین راههای ارتباط شرق و غرب است بلکه کوتاهترین و مستقیم‌ترین راههای بازرگانی است و با آنکه با حفر تنگه‌ی سوئز در ۱۸۶۹ احتمال میرفت که از اهمیت این راه کاسته شود چنین نشد و همچنان با اهمیت خود باقی ماند زیرا اگر بخواهند از اقیانوس هند تمام راه را با کشتی بروند ناچار باید کرانه‌های جنوبی عربستان و بحر احمر را دور بزنند و راه دورتر میشود به همین جهت است که عالم اقتصاد راه خلیج فارس را بر سایر راهها نه تنها در روزگار باستان بلکه در قرون وسطی و حتی پس از کشف دماغه‌ی امید نیک ترجیح داده است.

وقتی اهمیت این راه معلوم شد، بخوبی آشکار میشود چرا مالکان سابق سرزمین هندوستان که از بین ملل اروپا برخاستند، سیاست خود را فقط بر محور خلیج فارس و عمان و ممالک مجاور از جمله ایران قرار دادند.

هنگامیکه پرتغالیها نخستین بار بهند رسیدند مسلمانان، خلیج فارس و بحر عمان و دریای هند را در دست داشتند و با کشتی‌های خود از بصره و مسقط بسواحل هند و آفریقا

میرفتند و وسیله‌ی ارتباط آسیا و آفریقا بودند و بنابراین پرتقالیها نیامده رقیب خود را خوب تشخیص دادند و شروع بمبارزه کردند. چنانکه گفته شد در سال ۱۵۰۶ البوکرک مسقط را تصرف کرد و پرچم پرتقال را در این منطقه که بر راه دریایی مشرف و حاکم بود برافراشت و سپس هرمز و جزایر بحرین را در تحت اختیار آورد و بدین ترتیب پرتقالیها تمام نقاط سوق الجیشی دریایی را که در سواحل عربستان و ایران بودند بتدریج متصرف شدند و آنجا را مستحکم و تبدیل به سر بازخانه کردند و جزیره‌ی هرمز مرکز تسلیحات و زرادخانه‌ی پرتقالیها شد. زیرا این جزیره که در تنگه‌ی هرمز واقع است هم اهمیت نظامی و سوق الجیشی داشته و هم از نقاط تجاری مهم بشمار میرفته است. چون دریا از هر سو جزیره‌ی هرمز را احاطه کرده و حمله بدانجا از راه خشکی غیر ممکن بود و این موضوع برای دولت کشور گشایی چون پرتقال که فقط به نیروی دریایی خود متکی بود نهایت اهمیت را داشت این جزیره را که کوهستان‌هایی همچو کمر بند آنرا احاطه کرده است بوسائل مصنوعی مستحکم کردند و در پناه هر گونه حمله قرار دادند و رفته رفته هرمز مرکز ثروت و تجارت شد و محل تبادل کالای شرق و غرب گردید.

کشتیهای پرتقالی که از چین و هند میآمدند در آنجا کالاهای ایران و شرق را مبادله میکردند و موجب ثروت و مباحثات روز افزون پرتقالیها بودند. تاجایی که میگفتند اگر جهان همچو حلقه‌ی انگشتی باشد هرمز نگین الماس آن است.

اما گیتی کارش دگرگون شدن و تغییر است و فرشته‌ی اقبال دل هر جایی دارد و هنوز بیکی دل نباخته که دیر یا زود دیگری او را جلب میکند. اقبال پرتقالیها نیز دل از آنها کند و در آسمان دیگری پیروز درآمد. در سال ۱۵۸۷ م. شاه عباس بسلطنت رسید و این پادشاه نفوذ و تسلط پرتقالیها را در خلیج فارس منافی تأمین منافع ایران میدانست، لذا همواره مترصد فرصت بود که آنها را از این دریا براند. باین جهت بحکمران فارس الله وردی خان و پسرش امامقلی خان فرمان داد که به بهانه‌ی عقب افتادن خراج سالانه‌ی هرمز در کار پرتقال اشکال تراشی کنند. در ضمن چون نیروی دریایی مقتدری نداشت که با پرتقالیها درآویزد بفکر دوستی با ژاک پادشاه انگلیس برآمد. این وقایع در زمانی بود که انگلیس ها بهندوستان آمده مصمم بودند دست پرتقالیها را از آنجا کوتاه کنند. در سال ۱۵۹۹ م. شرکت هند شرقی برای بسط بازرگانی و نفوذ بریتانیا در هندوستان تشکیل گردیده و در شهرهای این کشور دارالتجاره‌های انگلیسی تأسیس شده بود.

در سال ۱۶۱۶ ادوارد نوک^۱ مأمور شد بخارک برود و کالای خود را در آنجا بفروشد. این اولین رابطه‌ی بازرگانی انگلستان با خلیج فارس بود. چندی بعد ریچارد استیل^۲ بسفارت بدربار ایران آمد و موفق شد از شاه عباس فرمانی بگیرد که بموجب آن شاه

۱ - E. Knock

۲ - R. Steel

ایران بکلیه‌ی اتباع خود از هر درجه و مقامی امر داد که مسافران و بازرگانان انگلیسی را با اکرام و اعزاز پذیرایی کنند و بدین ترتیب بازرگانان انگلیسی توانستند بهر بندری که میخواستند در خلیج فارس رفت و آمد کنند و آنها جاسک را برای مرکز خود انتخاب کردند. - تماس روئه^۱ سفیر انگلیس در هندوستان با این فکر بازرگانان لندن مخالف بود و میگفت امتیازهای بیشتری از جمله ساختن استحکامات از ایران باید گرفت. حتی در نامه‌ای که نوشته بود متذکر شده بود که اگر دولت ایران حق تجارت انحصاری بدولتی بدهد دولت انگلستان متوسل بقوه‌ی قهریه خواهد شد و در نتیجه آرامش خلیج بهم خواهد خورد ولی تجار انگلیسی باین اندیشه‌ها توجهی نکردند و روابط بازرگانی را گشودند و کم کم پیشرفت زیادی در این راه نصیبشان شد و بالاخره در ۱۶۱۸ م. تماس بارکر انگلیسی^۲ توانست انحصار تجارت ابریشم را بدست آورد.

در خلال این مدت، نفوذ پرتقالیها در خلیج فارس رو بضعف نهاد زیرا اساساً آنها متعصب و اجحاف کار بودند و استعداد و لیاقت کافی برای امور بازرگانی نداشتند. چه بجای مسالمت با ایران، تجارت مملکت را از بین بردند و ایرانیان را مجبور نمودند که امتعه‌ی خود را از تجارتخانه‌های پرتقالی بخرند و کالاهای خود را نیز با کشتیهای آنان حمل بکنند. این سوء سیاست اثر خود را بخشید و پرتقالیها که تنفر شدید مردم ایران را بخود جلب کرده بودند مجبور شدند جای خود را بر قیپ قوی و سیاستمدار خویش واگذار کنند.

در ۱۶۰۲ م. نیروی ایران پرتقالیها را از جزایر بحرین که مدتی تحت تسلط آنان بود بیرون کرد. آنها هم برای استحکام کار خود گمبرون (بندر عباس) را متصرف شدند و این امر بر تنفر مردم ساحلی ایران افزود. در ۱۶۲۰ م. ایرانیان پرتقالیها را از نقطه‌یی نزدیک رأس الخیمه بیرون راندند و در اواخر همین سال پرتقالیها از ورود تجار انگلیسی بجاسک ممانعت کردند و در نتیجه جنگ شدیدی میان آنان در گرفت که با شکست پرتقالیها پایان یافت^۳.

در سال ۱۶۲۱ که خیال شاه عباس از جانب عثمانیها نسبتاً راحت شده بود، خواست کار پرتقالیها را یکسره کند. از اینرو بحکمران فارس فرمان داد که نسبت به جزیره‌ی هرمز ادعای حکومت بکند و چون پرتقالیها جواب سختی باین ادعا دادند جنگ بین دو کشور آغاز گردید. ایرانیان ابتدا متوجه کیش شدند تاراه هرمز را بردشمن به بندند. امامقلی خان فرمانده نیروی ایران بیکدسته کشتیهای انگلیسی که برای تجارت به جزیره‌ی خارك آمده بودند پیشنهاد کرد که در حمله‌ی بهرمز، با ایرانیان همکاری کنند و آنها را تهدید کرد که

۱ - Th. Roue

۲ - Th. Barker

۳ - برای مطالعه‌ی خصوصیات این نبرد مراجعه شود بکتاب روابط ایران و اروپای غربی

تألیف دکتر خانابا بیانی صفحه‌ی ۸۰ - ۷۸ و ۸۷ - ۸۲ و ۱۲۱ - ۱۱۸.

اگر این پیشنهاد را نپذیرند امتیازات سابق ملغی خواهد شد زیرا علت اصلی جنگ، امتیازاتی است که بکمپانیهای خارجی داده شده است. نیروی دریایی انگلیس این پیشنهاد را با اضطراب تلقی کرد زیرا نمیخواستند بایک دولت اروپایی که با انگلیس در حال صلح بود به نبرد بپردازند. بالاخره قبل از شروع جنگ، پیمانی بین ایران و انگلستان امضاء شد که مفاد آن بدین قرار است:

«اگر قلعه‌ی هرمز بتصرف درآید همه‌ی مهمات و کلیه‌ی توپخانه‌ی آن متعلق بانگلیس‌هاست و اگر ایرانیان مایل باشند میتوانند بخرج خود استحکامات دیگری در جزیره بسازند. غنائم حاصله از جنگ به تساوی بین طرفین تقسیم میشود، اسراء مسیحی در دست انگلیسها و اسراء مسلمان در دست ایرانیان خواهند ماند. دولت ایران باید نصف قیمت آذوقه و مهمات را بپردازد. انگلیسی‌ها برای همیشه از پرداخت عوارض گمرکی دربندرعباس معاف خواهند بود. عایدات گمرکی بین دوطرف تقسیم خواهد شد.» سرانجام در ۲۳ آوریل ۱۶۲۲ پرتقالیها تسلیم شدند و پرچم پرتقال که مدت سه قرن بر فراز قلعه‌ی هرمز در اهتزاز بود، پایین کشیده شد.

فعالیت هلندی‌ها و فرانسوی‌ها در خلیج فارس و رقابت آنها با انگلیسی‌ها:

از سال ۱۶۴۰ م. بعد بقیه‌ی متصرفات پرتقالیها در خلیج فارس از دستشان خارج شد و سیادت آنها در این دریا پایان یافت، ولی پس از رفتن آنها از خلیج فارس و هندوستان، انگلیسها در اینجا تنها نماندند بلکه گرفتار دشمن قوی پنجه‌ای شدند که تاملتی خیال آنها را بخود مشغول داشته بود. این رقیب قوی پنجه، هلندیها بودند که از چندی قبل از آن تجارت و بحریمایی با شرق را شروع کرده و به پیشرفتهایی نیز نائل شده بودند. در ۱۵۹۷ م. سوداگران هلندی شرکتی بنام «کمپانی تجارت ممالک دوردست» تشکیل دادند و بر قایت با ملل دیگر که در شرق نفوذ داشتند پرداختند و در سال ۱۶۰۲ م. شرکتهای مختلفی که برای تجارت با هند تشکیل شده بود بدستور دولت هلند مجتمع شد و شرکت هند شرقی را تأسیس کردند.

طولی نکشید که منافع انگلیسیها با هلندیها تصادم پیدا کرد و رقابت بین این دو بر سر تجارت ادویه و ابریشم شروع شد. در موقع جنگ هرمز، هلندیها مساعدت مختصری بانگلیسیها کردند و این بهانه شد برای آنکه بعد از خاتمه‌ی جنگ و خرابی هرمز همینکه انگلیسیها به بندرعباس آمدند، آنها هم آنجا بیایند و تقاضای شرکت در تجارت ابریشم را بکنند. و چون شاه‌عباس در جنگ با عثمانیها گرفتار بود این موضوع را قبول کرد و هلندیها توانستند با سماجت زیاد امتیازاتی بدست آورند. هلندیها بتدریج بر نفوذ خود افزودند و در بازار گانی خلیج فارس دارای مقامی بزرگ شدند و کم‌کم رقیب خطرناکی برای انگلیسیها گردیدند.

عامل شرکت هند شرقی انگلیس در اصفهان که در جریان مذاکرات هلندیها با

شاه عباس بود، بی درنگ شرکت اطلاع داد که هلندیها جداً مصمم اند همه‌ی نقاط را بروی انگلیسیها به‌بندند و توماس روئه سفیر انگلیس در ایران طی مکتوبی در ۱۶۱۷ م. راجع به هلندیها چنین نوشت: «من هلندی‌ها را در شرق و غرب آزمایش کردم و سببیت و وحشی‌گری و حق‌ناشناسی آنها را بخوبی شناختم»^۱.

در سال ۱۶۲۳ م. شرکت هلندی هند شرقی همینکه اوضاع دربار شاه عباس را مساعد دید ب فکر افتاد که در اصفهان و در بندر عباس دارالتجاره باز کند لذا یکنفر هلندی بنام هوی‌برت ویس‌نیچ Huybert Visnich را به اصفهان فرستاد^۲. شاه عباس هم که بتازگی عثمانیها را شکست داده بود و از رقابت اروپاییها علیه یکدیگر برای بیرون کردن پرتغالیها استفاده میکرد دستور داد پذیرایی شایانی از سفیر هلند بکنند و پس از مذاکرات زیاد، قرارداد ۱۶۲۳ م. علیرغم عدم رضایت اطرافیان شاه منعقد شد. مفاد عمده‌ی این قرارداد که ۲۳ ماده دارد در زیر ذکر میشود:

در ماده‌ی اول - اعلیحضرت پادشاه ایران با افراد هلندی آزادی رفت و آمد و تجارت و خرید و فروش در تمام شهرها و بنادر ایران را میدهد. طبق ماده‌ی ۲ - هلندیها مجبور بقبول کالا نیستند بلکه هر نوع کالا را میتوانند بخرند و بفروشند. طبق ماده‌ی ۳ - هلندیها به استثنای حق راهداری، حقوق گمرکی بنقد خواه برای واردات و خواه صادرات نخواهند پرداخت.

بموجب ماده‌ی ۴ - باستثنای کالاهایی که ورود و صدور آنها قدغن شده هیچکس حق توقیف کالای هلندیها را در موقع صدور و ورود ندارد.

بموجب ماده‌ی ۵ - هلندیها مجازند در موقع خرید یا فروش کالا مقادیر و اوزان خودشان را بکار ببرند.

بموجب ماده‌ی ۶ - اگر از هلندیها کسی در ایران بمیرد و همراهش زن یا مرد هلندی دیگر نباشد حاکم محل، اموال او را نگاه خواهد داشت تا آنکه جانشین متوفی یا رؤساء شرکت هند شرقی هلند، اموال او را بخواهند و در اینصورت حاکم محل اموال متوفی را بآنها تسلیم خواهد کرد، اما اگر در محلی که آنشخص فوت کرده هلندی باشد حاکم حق نگاهداری اموال متوفی را ندارد.

بموجب ماده‌ی ۷ - اعلیحضرت پادشاه ایران متعهد میشود که بهای آنچه در سرزمین و قلمرو حکمرانی‌اش از هلندیها بسرقت برود بپردازد یا استرداد بکند.

ماده‌ی ۸ - برای اجاره کردن شتر، کاروان و یا چهارپایان در کار هلندیها

۱ - مراجعه شود بکتاب دکتر بیانی روابط ایران و دول اروپای غربی صفحه‌ی ۲۲۳.

۲ - برای تفصیل بیشتر درباره‌ی این مأموریت و ملاحظه‌ی متن قراردادی که بعداً منعقد شد کتاب دکتر خان‌بابا بیانی صفحه‌ی ۲۲۳ دیده شود. همچنین بکتاب هورویتر باسم دیپلماسی در خاورمیانه و نزدیک صفحه‌ی ۱۶ - ۱۸ جلد اول مراجعه شود.

اشکال تراشی نخواهند کرد بعلاوه مخارج کاروانها برای هلندیها همان خواهد بود که برای ایرانیها مقرر شده است .

مادهی ۹ - کلیه کارمندان دولت درسزمین ایران باید برای هلندیها جا و آذوقه واسب و در صورت لزوم بلد (راهنما) برای مسافرت از محلی بمحل دیگر همراه آنها بفرستند تا تأمین جان و مال داشته باشند .

مادهی ۱۰ - دارالتجاره ی هلندیها در ایران همه گونه آزادی خواهد داشت و هیچکس ازدستگاه عدالت وعدالتخانه بدون اجازه ی رئیس هلندیها حق ورود بدانجا ندارد و اگر کسی بعنف بخواد بدانجا وارد شود هلندیها حق مقاومت دارند باتوسل بزور .
در مادهی ۱۱ - حق ساختن و بنای کلیسا به هلندیها داده شده و در مادهی ۱۲ - هلندیها حق خرید غلامان مسیحی را دارند بشرط اینکه غلامان از رعایای مجلس طبقاتی ایالات شاه هلند باشند . در مادهی ۱۳ - ذکر شده که اگر یک نفر هلندی بمذهب اسلام درآید رئیس هلندیها او را توقیف و در اولین فرصت اموالش را ضبط خواهد کرد و بموجب مادهی ۱۴ هر هلندی که بقتل کسی دست زند یا در مقام ضرب و جرح کسی برآید بوسیله ی رؤسای خود محاکمه و عقوبت خواهد شد .

بموجب مادهی ۱۵ هر هلندی که در معیت زنها دیده شود بوسیله ی رئیس خویش محاکمه خواهد شد و بموجب مادهی ۱۶ هلندیها حق دارند که محلی نزدیک آرامنه برای ایجاد قبرستان انتخاب بکنند . برابر مادهی ۱۷ مترجم دارالتجاره ی هلندی دارای همان حقوق هلندیهاست و بموجب مادهی ۱۸ کسی حق ضرب و جرح کسانی را که در خدمت هلندیها هستند ندارد اعم از اینکه ایرانی یا ارمنی یا عرب یا بنگالی باشد . در مادهی ۱۹ ذکر شده اگر در اراضی سلطنتی کشتی هلندی بھاك نشیند و کالا را بوسایلی از دریا گرفته و بچنگ آورند ، باید کلیه ی صاحبمنصبان این قلمرو این قبیل کالاها را بدون معوض بصاحب اصلی برگردانند . بموجب مادهی ۲۰ حق صدور اسب وسایر حیوانات به هلندیها داده شده است .

بموجب مادهی ۲۱ کالاهایی که قبلاً (یعنی تا سال ۱۶۲۳) در شیراز و درهرمز بخشی وارد شود از پرداخت حق گمرکی معاف است . مادهی ۲۲ راهداران حق راهداری از هلندیها نباید بگیرند (بعداً تغییری در این ماده داده شد مبنی بر اینکه هلندیها مجازاند هر گونه کالایی را از ایران صادر بکنند باستثنای اسب وسایر کالاهای ممنوعه که قبلاً باید اجازه ی آنها بدست آورند .) و بالاخره در مادهی ۲۳ مقرر شده در صورتیکه سفیری از هلند بایران بیاید برای خواستن آزادیهای بیشتری برای هلندیها ، اعلیحضرت پادشاه ایران در صورتیکه تقاضا منطقی باشد آنها قبول خواهد کرد .

از سال ۱۶۲۵ م . ببعد در نتیجه ی رقابت شدید هلندیها وضع انگلیسیها بقدری بد شد که نزدیک بود شعبه ی تجارتخانه ی خود را در اصفهان نیز به بندند ، بخصوص که در همین اوقات (۱۶۲۹) با فوت شاه عباس اول بزرگترین دوست خود را در ایران ازدست دادند

و چون در ایران رسم بود که بعد از تغییر پادشاه همه امتیازات تجدید میگردید آنها بازحمات زیاد و مخارج فراوان توانستند از نو امتیاز خرید ابریشم را بدست بیاورند .

در خلال این احوال هلندیها دربندرعباس مستقر شدند و موقعیت خود را محکمتر کردند . دولت ایران هم پس از مرگ شاه عباس با آنها همراهی کرد و موفقیت شایانی نصیبشان گردید . حتی در ۱۶۴۴ و ۱۶۴۵ م . در زمان سلطنت شاه عباس دوم ، پس از اینکه برای بدست آوردن حق انحصار خرید و فروش ابریشم ، بین پادشاه ایران و کارل کنستان Karel Constant رئیس جدید دارالتجاری هلندیها در اصفهان اختلاف نظر پیش آمد ، کشتیهای هلندی بعنوان اعتراض علیه انعقاد قرارداد فیما بین ، در پائیز سال ۱۶۴۵ به جزیره ی قشم حمله کردند و راه را برای تجارت با خارج بستند . پادشاه صفوی چون نیروی دریایی نداشت تسلیم شد و درخواست شروع مذاکرات را کرد . فرمانده نیروی هلندی نیکلا بلک N. Black فوراً با اصفهان رفت و قرارداد جدیدی بست که بموجب آن به بازرگانان هلندی اجازه داده شد ابریشم را بهر قیمتی در هر گوشه ی ایران بخرند و بدون پرداخت حقوق گمرکی از ایران خارج کنند . این امتیاز نه تنها بر نفوذ هلندیها در بازرگانی خلیج افزود بلکه سیاست تجاری انگلیسیها که برای تقویت خود در ایران و سواحل عربستان دست به عملیاتی زده بودند ضربه ی مهلکی وارد آورد .

پس از آن هلندیها ب فکر توسعه ی منطقه ی نفوذ خود در خلیج فارس افتادند و در ۱۶۴۹ دارالتجاری انگلیس ها را در بصره و ایران کردند و پرتقالیها را از مسقط بیرون راندند . برای اینکه تا حدودی از اهمیت بازرگانی هلندیها در این تاریخ مطلع شویم بی مناسبت نیست بدانیم که در سال ۱۶۵۰ یازده کشتی هلندی با مقادیر عظیمی کالا به بندرعباس آمد و بقول تارونیه که در این تاریخ دربندرعباس بود هلندیها يك میلیون ونیم پوند فلفل و دیگر ادویه فروخته و با این مبلغ بهای ابریشمی را که در ایران خریده بودند پرداختند . شرح مفصل این اوضاع از موضوع بحث ما خارج است . همینقدر میگوییم که جنگ ۱۶۵۲ بین هلند و انگلستان در اروپا هم تأثیری در بهبود وضع وخیم انگلیسیها در خلیج فارس نکرد و تا اواخر قرن ۱۸ اوضاع بدین منوال بود ، ولی از این موقع بعد ، ورق بنفع انگلستان برگشت ، چه جنگهای اروپا از زمان لوئی چهاردهم هلند را تحت الشعاع انگلیس قرارداد و باعث شد که دولت بریتانیا مقام بزرگی را در سیاست جهان و بالنتیجه در خلیج فارس بدست آورد .

پس از آن انگلیسیها در خلیج فارس گرفتار رقابت فرانسویان شدند که از چندی پیش در هندوستان و این خلیج نفوذ زیادی پیدا کرده بودند ، اما مناسبات ایران و فرانسه تا سال ۱۶۷۱ بیشتر جنبه ی مذهبی داشته تا جنبه ی دیپلماسی و یا بازرگانی ولی اساس مناسبات بین دو دولت بر موضوع مسقط تکیه داشته است . زیرا پادشاهان ایران بعلت وضع جغرافیایی خاص مسقط در مدخل خلیج فارس توجه شایانی در این باره مبذول میداشتند . در اواخر قرن ۱۷ پس از ضعف پرتقالیها که در آنجا مستقر شده بودند با در نظر گرفتن مزایای طبیعی

خاك مسقط ، اهالی آنجا بعد از اینکه نیروی دریایی نیرومندی برای خود تشکیل دادند ، شروع بدست اندازی بسواحل خلیج کردند و مزاحمت کشتیهایی را که در دریای احمر و عمان و خلیج فارس رفت و آمد میکردند فراهم آوردند اما این مزاحمت بیش از همه متوجه بازرگانان و مسافران و زوار ایرانی میشد که یا بهند میرفتند و یا پس از عبور از دریای سرخ بمکه روی میآوردند .

قدرت دزدان دریایی مسقطی بحدی رسید که برای مدتی کوتاه جزیره ی بحرین را نیز از تصرف دولت ایران خارج کردند و چون پادشاه ایران نیروی دریایی نداشت به نوبت به پرتقالیه ها و انگلیسیها و هلندیها متوسل شد ولی با وجود زد و خوردها ، این سیاست به نتیجه نرسید و دست اندازی دزدان مسقطی روز بروز شدیدتر میشد بطوریکه در ظرف یکسال مبالغ هنگفتی از کالاهای ایرانیان را ضبط کردند .

پس از آن پادشاه صفوی متوجه دولت فرانسه شد و بمحمد رضاییک سفیر ایران در ورسای دستور داد که از بحریه ی فرانسه برای لشکرکشی بمسقط تقاضای کمک بکند . لیکن وضع فرانسه و نیروی دریایی آن پس از جنگهای طولانی که معروف بجنگهای جانشینی اسپانی است ، چنان بد بود که دربار فرانسه حاضر بچنین لشکرکشی نبود و با وجود اصرار محمد رضاییک دولت فرانسه چه در زمان لوئی ۱۴ وجه جانشین او حاضر باین کمک نشد . گذشته از این میان نمایندگان سیاسی فرانسه در این خصوص اختلاف نظر بود یعنی ژنرال قونسول فرانسه بنام گاردان در ایران مخالف ائتلاف ایران و فرانسه و پادری^۱ قنسول فرانسه در شیراز موافق با پیمان بود . از سوی دیگر امام مسقط که از نیات شاه سلطان حسین درباره ی مسقط آگاه شده بود ترجیح داد که دوستی فرانسویان را بخود جلب کند و فرانسویها تمایل زیادی نسبت باین موضوع نشان دادند^۲ .

این امر تأثیر بدی در دربار اصفهان نسبت بفرانسویها کرد و فعالیت انگلیسیها و هلندیها و پرتقالیه ها نیز برای اخراج فرانسویها از ایران و اختلاف نظری که بین گاردان ژنرال قنسول فرانسه در ایران و پادری قنسول فرانسه در شیراز موجود بود بدین وضع کمک کرد و مزید بر علت شد .

پادری دریک ملاقات خصوصی با اعتمادالدوله اظهار داشت که دولت فرانسه در برابر واگذاری بحرین برای صید مروارید بفرانسویها حاضر بکمک بایران علیه مسقط خواهد شد . فعالیت پادری سرانجام منجر بتصویب قرارداد ورسای که در ماه اوت ۱۷۱۵ م . منعقد شده بود گردید . متأسفانه فتنه ی افغانها و سقوط سلسله ی صفوی و هرج و مرج داخلی بکلیه ی این نقشه ها و طرح ها پایان داد .

از اواخر قرن هفدهم تا مدت تقریباً یک قرن اوضاع ایران دائماً در تغییر بود .

حمله‌ی افغانه، سلطنت نادرشاه، حکومت کریمخان زند و تأسیس سلسله‌ی قاجاریه هرروز سران ایران را بخود مشغول میکرد. دراین مدت انگلیسیها موقع خودرا درخلیج فارس کاملاً مستحکم کردند. درآغاز هلندیها را بکلی ازخلیج راندند وبعدها فرانسویان رقیب بزرگ خودرا شکست دادند وآسوده خاطر شدند. اساساً نباید فراموش کردکه مجاورت هندوستان با خلیج تأثیر بسزایی دراوضاع آن داشته واغلب درقرنهای اخیر خلیج فارس تحت تأثیر دولتی بودکه درهندوستان تسلط داشت وبراقیانوس هند حکمروایی میکرد زیرا میگفتند حفظ هندوستان بدون درنظرگرفتن این خلیج که برسواحل آن مشرف است مشکل خواهد بود.

فعالیت سیاسی دولتهای معظم درخلیج فارس درقرن نوزدهم

دراوائل قرن نوزدهم میلادی تغییراتی درسیاست دولتهای بزرگ دراین دریا حادث شد.

رقیب بزرگی که درشرق برای بریتانیا پیدا شده بود یعنی روسها آنها را دراین خلیج هم آسوده نگذاشتند وهرروز برشدت عمل خود میافزودند بطوریکه مدت يك قرن سیاست دولت بریتانیا را بخود متوجه ساختند. ازاین گذشته دراویل قرن بیستم هم رقیب دیگری برای هر دو پیدا شد که دولت آلمان بود. ازطرف دیگرهمینکه انگلیسیها ازمسائل داخلی هندوستان آسوده خاطر و کاملاً در آنجا مستقر شدند متوجه خلیج فارس وسواحل آن گردیدند.

توجه انگلستان این بار بکشورهای مجاور هندوستان تنها از لحاظ راه تجاری یا از نظر استقرار فقط تسلط برخطوط دریانوردی این نواحی نبود. زیرا در نتیجه‌ی دزدی دریایی و وضع ناامنی که دراین راه یعنی خلیج فارس وفرات وآسیای صغیر و بحر الروم پیدا شده بود دیگر ازاین راه، تجارتی نمیشد ومدتها بود که از راه مصر ودریای احمر کشتیها به اقیانوس هند میآمدند. بلکه تغییرات سیاسی که در اروپا با انقلاب کبیر فرانسه و رسیدن ناپلئون بقدرت و پیروزی پیدا شده بود موجب تأثرات وانعکاسهایی در خاور نزدیک شد ونواحی خاور نزدیک از جمله ایران وسواحل خلیج فارس دراین زمان اهمیت شایانی یافت. زیرا لشکریان فرانسوی در مصر پیاده شدند وناپلئون نقشه‌ی کمک به تیپو صاحب راجه‌ی هندوستان را که دوباره موجبات زحمت انگلیسیها را در هند فراهم آورده بود کشید وخیال داشت کشتیهای فرانسه را ا زدریای سرخ بسواحل هند بفرستد. درسامبر ۱۷۹۸ ناپلئون، ژنرال بن (Bon) را مأمور تصرف تنگه‌ی باب‌المندب کرد. بنابراین خطری متوجه هند انگلیس میشد. انگلیسیها هم پس از قرن‌ها زحمت نمیتوانستند خطر را حس کنند و بیکار بنشینند. بهمین مناسبت ازاین تاریخ، سیاست حفظ خطوط حمله برهند، در رأس کلیه‌ی مسائل قرار گرفت وآنچه پس ازاین تاریخ در شرق روی داده برای تأمین

همین منظور و جزئیات این اصل کلی بوده است.^۱

راه حمله بهند، دریای سرخ و خلیج فارس بود. از این رو تمام سعی انگلیسها بعد از این در این دو ناحیه بکار رفت که اقتدار و تسلط خود را محفوظ و برای روزمبادا نقاط اتکاء و دفاعی ایجاد کنند. در تعقیب همین سیاست بود که در ناحیه‌ی بحر احمر جزیره پریم (Perime) را که در تنگترین نقاط تنگه باب‌المندب واقع است و نیز جزایر گوریا موری را متصرف و مستحکم کردند^۲ و قرارداد دوستی با امیر «لاحج» که در سواحل جنوبی عربستان و نزدیک پریم تسلط داشت در ۱۸۴۳ م. منعقد نمودند^۳ اگرچه تیپو صاحب بالاخره در گذشت و لشکریان فرانسه نیز مصر را تخلیه کردند و رفتند و قاعده خطر دور شده بود ولی انگلیسها از این تجربه بیدار شده و سیاست حفظ معابر هند را همچنان ادامه دادند، بخصوص که آرزوی حمله بر هند همچنان در دماغ ناپلئون جوش میزد، منتها دیگر نیروی دریایی فرانسه وجود نداشت چون نلسن دریاسالار انگلیسی قسمتی از آنها را در ابوالخیر و قسمت دیگر را در ترافالگار بقر اقیانوس اطلس فرستاده بود و حمله از راه دریا برای فرانسه ممکن نبود و دریاها در حیطه‌ی اقتدار انگلیس بودند. بنابراین حمله باید از راه بتری یعنی از آسیای صغیر و رود فرات و بالاخره سرحد شمالی هندوستان صورت می‌گرفت. ناپلئون برای عملی کردن این نقشه می‌خواست قبلاً زمینه را آماده کند و در کشورهای آسیای صغیر، بسوریه و عربستان مأموران مخفی اعزام داشت که با قبایل و امراء عرب تماس بگیرند و دوستی و اتحاد آنها را جلب کنند و چنانکه میدانیم نمایندگان هم بدربار فتح‌علیشاه فرستاد.

این موضوع یکبار دیگر اهمیت خلیج فارس و ایران را در حفظ هندوستان آشکار ساخت و نظر دیگری نسبت باین نواحی پیدا شد. تا این موقع این نواحی فقط بهترین راه تجاری شرق و غرب بشمار می‌رفت ولی از زمان نقشه‌ی حمله ناپلئون بهند، ایران و خلیج فارس و دیگر نواحی که در اطراف این معبر واقع شده‌اند اهمیت سوق‌الجیشی و موقعیت نظامی مهمی پیدا کردند که در صورت سرازیر شدن لشکریان مهاجم از دره‌ی فرات، لشکریان انگلیس می‌توانستند از دریای عمان و خلیج فارس و شط‌العرب بالا بیایند و در سواحل پیاده شوند و بایک حرکت دورانی از عقب، ارتباط مهاجمان را قطع کنند و آنها

۱ - برای مطالعه‌ی فعالیتهای سیاسی انگلیسها در زمان نادرشاه و کریم‌خان زند و انعقاد قرارداد دوم جولای ۱۷۶۳ و اعطای امتیازات اقتصادی در بوشهر بانگلیسها مراجعه شود بکتاب هورویتر باسم دیپلماسی در خاور نزدیک و میانه جلد اول صفحه‌ی ۵۲ - ۵۴ و کتاب لکه‌هارت باسم نادرشاه صفحه‌ی ۲۸۲ - ۲۹۰.

۲ - مراجعه شود بسند شماره‌ی یک ضمائم این مقاله درباره‌ی واگذاری جزایر کوریا - موری بانگلیس.

۳ - برای مطالعه‌ی متن قرارداد دوستی و مودت بین سلطان لاحج و انگلیس، کتاب اچیزون باسم مجموعه‌ی عهد و قراردادها جلد دوم صفحه‌ی ۵۸ - ۶۰ دیده شود.

را محاصره نمایند .

سیاستمداران انگلیس در مواجهه با این خطر بی‌درنگ نقشه‌ی جدیدی طرح کردند و در صدد برآمدند تمام نواحی و نقاط مجاور این راه را در حلقه‌ی اتحاد بزرگی علیه نیروی مهاجم درآورند و بدینوسیله خاری در راه هر کشور اروپایی که هوس حمله برهند را درمخیله‌ی خود پیرو راند قرار دهند .

برای این منظور در سواحل عربستان امارت‌های کویت و عمان که رویهم‌رفته استقرار و قدرتی داشتند ، مطرح‌نظر واقع شدند . کویت بوسیله‌ی قبیله‌ی عتاییه ، از ایران منتزع شده و تشکیل دولت شبه‌جمهوری داده بود که يك شیخ در آن حکومت میکرد و بیش از ۲۰ هزار تن جمعیت نداشت . ولی موقعیت جغرافیایی جمهوری کویت ، هیچ قابل مقایسه با وسعت و جمعیت آن نبود ، زیرا بندر کویت در نزدیکی مصب فرات و در ۱۴ کیلومتری سرحد مغرب بصره و در مدخل خود نسبتاً وسیع و کاملاً در پناهی واقع است و دارای نقاط بسیار خوبی برای نزدیک شدن کشتیها و بهترین مکان برای منظور انگلیسها بود .

سیاست انگلیس موفق شد با شیخ کویت کنار بیاید و ایجاد دوستی کند و اتحادی برقرار سازد و سپاهیان مدافع هند از همین بندر کویت که مرکز سوق‌الجیشی لشکریان انگلیسی است ، در آتیه از خلیج فارس باید می‌گذشتند و بفرات داخل میشدند و برای حمله‌ی متقابل به نیروی مهاجم احتمالی ، اعزام می‌گردیدند .

کشور کوچک عمان نیز به‌همین ترتیب داخل حلقه‌ی اتحاد انگلیس شد . بدین ترتیب که در اواسط قرن هیجدهم کشور عمان با مقدماتی شبیه آنچه برای کشور کویت روی داده بود تشکیل شد ، یعنی پس از رفتن پرتغالیها و هلندیها از خلیج فارس و در زمان هرج و مرج آن صفحات ، شیخ احمد بن سعید نامی که از طرف ایرانیان حکومت صحار را داشت ، ایرانیان را از مسقط راند و در آن حوالی تشکیل حکومت مستقل عمان را داد و در ۱۷۴۹ اعلان استقلال کرد و نظر به لیاقت و شجاعتی که از خود بروز داد موفق شد در سواحل عربی خلیج فارس حکومت نیمه مذهبی و نیمه سیاسی تشکیل دهد . شیخ احمد بن سعید هنگام مرگ خود کشور وسیعی را که یکی از کشورهای قوی آسیای میانه بشمار میرفت باقی گذاشت .

جانشین او از سیاست منحرف شد و تمام سعی خود را در ترقی تجارت قرارداد . بعلاوه انگلیسیها موفق شدند در سال ۱۸۰۰ م . طبق قراردادی در مسقط نمایندگی داشته باشند . این اقدامات احتیاطی یعنی دوستی با عمان و کویت با اقدام دیگری تکمیل و نماینده‌ی انگلیسی سال ۱۸۰۳ در بصره مقیم شد و مشغول جلب قبایل و مراقبت از کشورهای مجاور گردید تا با اقدامات سیاسی علیه نقشه‌ی ناپلئون ، نقشه‌ی متقابلی تهیه کند .

جزئیات این اقدامات چه در عمان و کویت و چه در بین‌النهرین بسی قابل توجه و حاکی از نظر دور بین انگلیسها است که با چه صبر و بردباری و موقع‌شناسی دنبال هدف اصلی خود را گرفته و بدون آنکه ذره‌ای از منظور خود منحرف شوند با چه فداکاریها

بالاخره شاهد مقصود را در آغوش گرفتند ولی شرح این جزئیات از حوصله‌ی این مقال خارج است .

از سوی دیگر برای حفظ هند تنها کافی نبود که فقط کشورهای عربی را تقویت نموده و در حلقه‌ی اتحاد در آورند و فقط سیاست بحری را مراقبت کنند ، بلکه باید راه بّری آنرا نیز در نظر داشته باشند ، زیرا نیروی زمینی که از اروپا می‌آمد می‌توانست سواحل شرقی خلیج فارس ، امتداد این راه دریایی را به پیماید و خود را به هندوستان برساند همچنانکه نیروی مهاجم بحری از دریای سرخ و دریای ایران می‌توانست ، بسواحل هند برسد و از راه آسیای صغیر و بین‌النهرین و ایران نیز نیروی بّری ممکن بود به هندوستان چشم‌زخمی برساند . بهمین جهت سیاست انگلیس با اینکه در کویت و عمان و بین‌النهرین مشغول بود سواحل شرقی خلیج فارس را نیز از نظر دور نداشت و سعی میکرد بلوچستان و ایران را نیز در حلقه‌ی اتحاد و یا زیر نفوذ خود در آورد ، خاصه که این کشور جلب نظر ناپلئون را هم کرده بود .

همینکه در ۱۷۹۶ طبیعی‌دان معروف الیویه بایک میسیون فرانسوی بتهران آمد انگلیسها نیز سر جان مالکوم (S. John Malcom) را بتهران اعزام داشتند و موفق شدند در ۱۸۰۱ قرارداد اتحادی با ایران علیه فرانسه منعقد سازند ولی این قرارداد چندان فایده نبخشید و شهرت جهانگیری ناپلئون و شکست‌ناپذیری ارتش فرانسه بر مساعی و زر انگلیسها چربیده و فتح‌علیشاه قرارداد مالکوم را نادیده گرفت^۱ و شخصاً به ناپلئون نامه نوشت و تقاضای اتحاد و دوستی کرد

بعد از انعقاد قرارداد تیلست که میان فرانسه و روسیه بسته شد (۱۸۱۲ م .) و ناپلئون از کمک بایران دریغ کرد ، انگلیسها هم که مترصد فرصت و موقع بودند وقت را از دست ندادند و از این وضع نهایت استفاده را کردند و میسیون سر گوراوزلی (S. Goreously) را بتهران اعزام نمودند و ضمناً گرانت (Grant) و کریستی (Christi) وعده‌ای از افسران خود را مأمور تحقیقات جغرافیایی و مطالعات در جنوب ایران و بلوچستان کردند . ستاره‌ی اقبال ناپلئون سرانجام در سنت‌هلن خاموش شد و خطر فرانسه برای هند رفع گردید . ولی انگلیسها در مقابل خطر دیگری یعنی رقابت روسیه‌ی تزاری در خلیج قرار گرفتند . اساساً روسها هر وقت در نقاط دیگر دنیا با عدم موفقیت مواجه میشدند بسمت آسیای مرکزی برمیگشتند تا شکست خود را در آنجا جبران بکنند و برای رسیدن بدریای آزاد گرم جنوبی یعنی خلیج فارس و اقیانوس هند بیش از قسمتهای دیگر فعالیت میکردند ، زیرا در این قسمت علاوه بر دست یافتن بدریای آزاد ، منظور دیگری نیز داشتند که آن

۱ - ص ۴۵۸ ج ۲ ایران و مسأله ایران تألیف لرد کرزن و ص ۱۳۴ کتاب مرحوم اقبال

خلیج فارس و جزایر بحرین دیده شود .

تسلط بر هندوستان بود. انگلیسها^۱ بخلیج فارس نه تنها از این نظر بیشتر توجه داشتند که بر سر راه دریایی و خشکی مستعمره‌ی هند قرار داشت، بلکه اصرار آنها در حفظ سیادت خود در این دریا بیشتر از بابت اهمیت سوق الجیشی آن بود که اگر دولت مقتدر دیگری در خلیج فارس بندری بدست می‌آورد دیگر حفظ آرامش در آبهای ساحلی هند و مرزهای این کشور مشکل میشد.

بین رقیب جدید انگلیس با دشمنان سابق فرق عمده‌ی موجود بود. اگر هلند و پرتغال و فرانسه میبایست نیروی دریایی خود را از راه دور به شرق بیاورند و با نیروی دریایی عظیم انگلیس که بر دریاهای حکمروایی داشت بمبارزه پردازند، روسها بمناسبت نزدیک بودن نمیتوانستند فقط با پیشرفت در خشکی، خود را باین نواحی برسانند و سواحل خلیج را بتصرف آورند. باین جهت دیگر این کافی نبود که انگلیسها مواضع خود را در خلیج مستحکم کنند و منتظر حمله‌ی حریف بنشینند زیرا دشمن از راه خشکی می‌آمد و باید در سواحل بلکه جلوتر در داخل خاک ایران، در مرزهای خود روسیه جلو آنها را بگیرند و مانع شوند که دشمن بسمت این دریا پیش بیاید و بندری در این دریا بدست بیاورد.

لرد کرزن در گزارش خود که بسال ۱۸۹۹ بسمت نایب السلطنه‌ی هندوستان بدولت انگلیس فرستاده راجع باین موضوع چنین اظهار عقیده کرده است^۲ « این امر برای حکومت هندوستان غیر ممکن است که اجازه دهد بهر دولت اروپایی و مخصوصاً بروسیه که از نواحی جنوبی ایران تجاوز کرده و بخلیج فارس برسد یا تسهیلات بحری در خلیج بدست آورد حتی در صورتیکه نتواند نواحی جنوبی ایران را متصرف شود». راجع بهمین موضوع

۱ - در مراجعت خود از سواحل ایران سر جان ملکم بلرد مینتو فرمانفرمای هندوستان پیشنهادی کرد که با نیروی دریایی، جزایر خلیج فارس را تصرف بکنند ولی فرمانفرمای هند قبول این پیشنهاد را منوط به نتیجه‌ی مأموریت سر هارفورد جوتز (S. Harford Jones) مستقیماً از طرف دربار لندن آمده بود کرد. سر هارفورد جوتز فردای روزی که هیأت نمایندگی فرانسه از تهران بیرون رفت وارد تهران شد (۱۲ فوریه ۱۸۰۹ مطابق با ۲۷ ذیحجه ۱۲۲۳ هجری قمری) در نتیجه‌ی فعالیتهای جوتز قراردادی با دربار فتحعلیشاه منعقد شد که فصل نهم آن مربوط بموضوع حاکمیت ایران در خلیج فارس بود و بطوریکه از مفاد این فصل مستفاد میشود دولت انگلیس در این زمان حاکمیت ایران را بر خلیج فارس قبول داشته است. اینست عین فصل نهم: « اگر در بحر العجم دولت علیه ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیه انگلستان بشرط امکان و فراغ بال در آن وقت کشتی جنگی و قشون بدهند و اخراجات آنرا موافق بر آورد آنوقت قطع و فصل کنند و باز یافت نمایند و کشتیهای مذکور بر آن خورها و لنگرها عبور کنند که امنای دولت علیه ایران نشان دهند و از جای دیگر بی رخصت و ضرورت عبور ننمایند» (کتاب بحرین و مسائل خلیج فارس تألیف سر هنگ قائم مقامی صفحه‌ی ۳ طبع سال ۱۳۴۱ دیده شود).

۲ - برای مطالعه‌ی متن کامل گزارش لرد کرزن، مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۸۹۹ که بسیار مهم است مراجعه شود بکتاب هورویتر با اسم دیپلماسی در خاور میانه و نزدیک جلد اول از صفحه‌ی ۲۱۹ تا ۲۴۹ - طبع نیویورک سال ۱۹۵۶.

یعنی احداث بندرگاه روسی در خلیج، لردگرزن چند سال قبل از این گزارش چنین نوشته بود:

«احداث بندرگاه روسی که از دیرباز جزء آمال و آرزوهای میهن پرستان نوا و ولگا بوده است اگر صورت عمل بخود بگیرد آرامش و انتظامی را که با صرف مساعی و مجاهدت بسیار در نواحی خلیج برقرار گردیده است، مختل خواهد ساخت و تجارت با رونق آنجا را که میلیونها لیره ارزش دارد از میان خواهد برد و عنان اقوام مختلف آنجا را دوباره گشوده و آنها را بجان یکدیگر خواهد انداخت. خوب است دولتین انگلیس و روس مجادلات خود را در جای دیگر ادامه دهند و اختلافات خود را در جای دیگر حل کنند و این عرصه آرام و بی صدای تجارت را که صلح و سکوت و رحمت و خون دل در آن برقرار شده است، بمیدان کارزار مبدل نسازند.

هر دولتی که اجازه ای احداث بندری در خلیج فارس به روسیه بدهد بعقیده ای من (مقصود کرزن است) بعظمت انگلستان توهین وارد آورده و در بهم زدن اوضاع این سامان و شروع جنگ بین المللی جدیت بخرج داده است. بهمین جهت من سفیر انگلیس را که در این امور تسلیم شود و چنین اجازه ای را بدهد گناهکار و خائن بوطنش می شمارم»^۱.

در همین هنگام نواحی بندر عباس نیز زیر نفوذ یکی از امیرانی که حمایت شده و دوست انگلیسها بود، بعنوان اجاره گمرکات درآمد. او سید سعید سلطان مسقط بود که بایران بشورید و جزایر هرمز و لارک و قشم و هنگام و بندری چون بندر عباس و لنگه و بالاخره قریب ۸۰۰ کیلومتر از سواحل ایران را بتصرف در آورد.

بدبختانه همین ایام قسمتی دیگر از سواحل ایران مجزا شد یعنی قبایلی که سابقاً از نجد بسواحل شرقی خلیج فارس آمده و مستقر گردیده و تبعه ایران شده بودند از وضع بد سیاسی ایران استفاده کردند و خود را تابع سلطان نجد اعلام نمودند و بدین ترتیب سواحل شرقی ایران، از دماغه ی بستانه تا «نابند» از حیثه ی قدرت ایران خارج شد و فقط قسمتی که بین «نابند» و شط العرب بود در اختیار ایران ماند.

در سال ۱۸۵۷ م. میان ایران و افغانستان بر سر هرات نزاعی برخاست و لشکریان ایران، هرات را که بوسیله ی امیر افغان و با کمک مادی و معنوی هند انگلیس دفاع میشد محاصره کردند. برای انصراف ایرانیان از هرات، نیروی دریایی هند بفرماندهی دریاسالار اوترام (Outram) انگلیسی رهسپار سواحل ایران شد و بحمله پرداخت و محمره را به توپ بست و جزیره ی خارک را اشغال و بندر بوشهر را تصرف کرد. وضع آنروزی ایران طوری بود که انگلیسها میتوانند بیشتر پیش بروند و یکباره سواحل ایران را قبضه کنند. مخصوصاً که روسها رقیب قوی پنجه ی آنها در آن هنگام گرفتار جبران و اصلاح خرابیهای جنگهای کریمه بودند و وقت اقدام جدی نظامی علیه تجاوز انگلیس به بوشهر را نداشتند، ولی

اولیای سیاست انگلستان مقتضی ندیدند که پیشرفت خود را ادامه دهند و در حفظ آنچه با آسانی بچنگ آورده بودند کوشش کردند چون این عمل موجب گرفتاریهای بعدی و مستلزم مخارج هنگفت لشکر کشی میگردید، لذا همینکه ایران ناچار از محاصره هرات دست برداشت و از آنجا صرف نظر کرد، انگلیسها هم آنچه را تصرف نموده بودند رد کردند و محمره و بندر بوشهر را تخلیه نموده و بایران مسترد داشتند. برای فهم علت این نرملشی که انگلیسها کردند خوب است دقیق تر شده به بینیم سیاست خارجی آن روز انگلیس روی چه اصل و پایه ای دور میزده است؟

سیاست خارجی انگلستان مخصوصاً سیاست استعماری آن کشور به تناوب، زیر نفوذ دو فکر متضاد قرار داشت. سیاست مکتب منچستر و نخله ی اقتصادیون، که مایل بود از فتوحات و لشکر کشی ها و استعمار سیاسی کناره جویی کند. چه پیروان این مکتب عقیده داشتند که اینگونه سیاست زیان آور است و مخارج اعمال چنین سیاستی بمراتب از سود آن بیشتر است. سیاست دیگر نیز طرفدارانی داشت و آن سیاست امپریالیسم بود که از ازدیاد مستعمرات و بسط نفوذ نظامی و سیاسی طرفداری میکرد.

خوشبختانه برای ایران در آن زمان که بوشهر و قسمتی از سواحل ایران در خطر افتاده بود، سیاست سرمایه داران منچستر در وزارت خارجه انگلیس حکم فرما بود و از جنبه ی اقتصادی، نگهداری آنرا زیان آور تشخیص دادند. بعلاوه ممکن بود سختگیری در این باره ایران را بیشتر بطرف روسیه تزاری بکشانند.

بعد از آنهم که سیاست استعماری پیش گرفته شد، دیگر آن موقع مقتضی پیش نیامد و حتی از آن پس تغییرات سرحدی در جنوب ایران پیش آمد که چندان مناسب و مقتضی منافع هند انگلیس نبود. چنانکه در حکومت مسقط که زیر نفوذ انگلیسها در آمده بود تغییراتی حاصل شد و از سال ۱۸۵۷ در سیاست اخیر تغییر جهت داده شده و ناحیه ی مسقط تحت تسلط عمان بیکدرجه ترقی اقتصادی نایل گشته بود زیرا امراء عمان باتسهیل و تشویق بازرگانان موفق شده بودند آنجا را مرکز تجارت قرار دهند. سرمایه داران و بازرگانان هم از بصره و محمره (خرمشهر) و عربستان و حتی هندوستان و برخی نقاط خلیج فارس بدانجا روی آورده و در آنجا اقامت گزیدند. در نتیجه مسقط اهمیت تجاری شایان یافت و بندر عباس انبار کالا گردید و لنگه بندر آزاد اعلام شد و هیچگونه حقوق گمرکی نیز در آنجا برقرار نبود، در نتیجه عظمت یافت.

از راه بّری کالاهای شیراز و اصفهان و هرات و خراسان و ترکستان و از دریا کالاهای قاهره و زنگبار و بمبئی بدانجا همچو سیل فرو ریخت.

در کوچه های آن ملاحهای تمام کشورهای دریایی دیده میشدند و از بنادر مهم اقیانوس و با ثروت ترین آنها گردید. با آنکه شهرهای امیرنشین مسقط از هم دور و از کشورهای مجاور پرت افتاده بود سلطان مسقط آنجا را استحکام نبخشیده و وسایل دفاع فراهم نساخته بود و سید سعید عقیده داشت که «بهترین تسلیحات عمال کشتیهای چوبی من

است» با همه اینها اقبال عمان با رفتن سید سعید افول کرده و نتوانست سرزمینهای زیر سلطه‌ی خود را که در مجاورت ایران بدست آورده بود حفظ کند و ایران نفوذ او را از بندر لنگه و بندر عباس و شهرهای سواحل شرقی خلیج فارس تا پستانه برانداخت. و فقط از تمام نقاط خلیج فارس بندر جاسک و گوادر بنام اجاره برای سلطان مسقط باقی ماند.

ایران به پس گرفتن نقاط بالا اکتفا نکرد و بقیه‌ی سواحل خود را که بین دماغه‌ی «پستانه» و «نابند» واقع و امیر نجد بتصرف آورده بود نیز پس گرفت و دوباره تمام سواحل خلیج فارس از بلوچستان تا شط العرب بایران برگشت و از آن زمان تا کنون خوشبختانه این نقاط همچنان در تصرف ایران است.

اگرچه در موقع مقتضی (واقعه‌ی بوشهر) انگلستان نتوانست استفاده بکند و تسلط سیاسی خویش را بر این نواحی مستقر دارد ولی در عوض همانطور که گفتیم مکتب منچستر طالب بود نفوذ تجاری خود را در تمام این نواحی بسط بدهد و این عمل را با پشت کار و جدیت خستگی ناپذیری دنبال کرد، بطوریکه تا پایان جنگ جهانی اول و قبل از سال ۱۲۹۹ شمسی میتوان گفت از لحاظ اقتصادی این نواحی راجزء هندوستان میشمرند و نفوذ تجاری که انگلستان در جنوب ایران برای خود احراز کرد، بمراتب برتر و مستحکمتر از نفوذ تجاری در سواحل عربستان بود.

علاوه بر این، انگلیسها در انحصار بحریمایی خلیج بخود، سعی کردند و در این راه با داشتن سیادت بحری در اقیانوس هند موفقیت کامل بدست آوردند. چنانکه در سال ۱۸۲۰ م (۱۲۳۵ قمری) بهانه‌ی کوتاه کردن دست دزدان دریایی و اعراب جواسم که مرکزشان در جزیره‌ی قشم و راس الخیمه بود از دولت ایران خواستند اجازه دهد کشتیهای جنگی آنها در خلیج فارس رفت و آمد کند و دولت ایران نیز با این پیشنهاد موافقت کرد.

دولت انگلیس با این بهانه کشتیهای جنگی خود را بخلیج فارس فرستاد و با کمک سید سعید حاکم مسقط توانست اعراب جواسم را بکلی سرکوب و مغلوب کند ولی بدنبال این توفیق که در عین حال برای آرامش و امنیت خلیج فارس بسیار مفید بود، انگلیسها با شیوخ خلیج و از جمله باشیوخ عتوبی آل خلیفه که قسمتی از سواحل و جزایر خلیج را در دست داشتند قراردادهایی در ربیع الاول ۱۲۳۵ بستند و بموجب آن انگلیسها اجازه یافتند تا زمانیکه از بابت رفع اغتشاش و ناامنی در خلیج فارس اطمینان حاصل شود راس الخیمه که در حقیقت بمنزله‌ی مدخل خلیج فارس بود در دست انگلیسها باشد و کشتیهای جنگی انگلیس در جزیره‌ی قشم توقف کنند و همچنین نمایندگان سیاسی انگلیس در مراکز زیر سلطه‌ی این شیوخ از جمله در بحرین اقامت نمایند^۱.

شیخ بحرین هم که در این تاریخ شیخ سلمان بن احمد بود، برای استحکام قدرت

۱ - سند شماره‌ی ۶ ضائم این مقاله راجع بقرارداد نماینده‌ی انگلیس باشیوخ سواحل متصالحه ملاحظه شود.

وسلطه‌ی خود در بحرین باستناد قرارداد سال ۱۲۳۵ هجری قمری خود را در حمایت انگلیسها دانست و پرچم انگلستان را بر فراز مقر خودش برافراشت و بدین ترتیب انگلیسی‌ها از این تاریخ جای پای محکمی در بحرین برای خود بدست آوردند ولی عمل آنها برخلاف مفاد صریح فصل سوم عهدنامه‌ی ۱۲۲۹ دولتین ایران و انگلیس بود^۱ (یعنی فصل ۱۲ عهدنامه‌ی سال ۱۲۲۷ قمری).

۱ - مأموران سیاسی انگلیس که از دیرزمان بمنطقه‌ی خلیج فارس میآمدند برای تثبیت قدرت و پیشرفت نفوذ دولت متبوع خود در خلیج فارس و همچنین بمنظور بدست آوردن مقاصد و نیات سیاسی انگلستان همیشه به بهانه‌های مختلف و همچنین بنام آراسته و موجه نشان دادن « حفظ امنیت منطقه‌ی خلیج و جلوگیری از فروش برده » در امور خلیج مداخله میکردند و چون دولت ایران هم نیروی دریایی برای حفظ آرامش و نظم خلیج و بنادر آن نداشت انگلیسها این عمل را بعنوان کمک و همراهی بدولت ایران معرفی مینمودند. کلنل پلی (Pelly) نیز در ذی‌عقده‌ی ۱۲۷۵ هجری قمری به بحرین رفت و از بدو ورود خود بخلیج فارس با همین روش دست بکار تثبیت نفوذ انگلستان و ضعیف ساختن قدرت ایران شد و تا جایی فعالیت کرد که رفته‌رفته زمزمه‌ی انتزاع بحرین و استقلال آنجا را بگوش‌ها رسانید و در همین زمان با محمد بن خلیفه شیخ بحرین قراردادی بست که شیخ بحرین در آینده طبق نظر و دستور مأمور دولت انگلیس رفتار نماید.

سال ۱۲۷۶ هجری قمری ظاهراً برای بحرین سالی بحرانی و پر آشوب بوده ولی از بابت دولت ایران سالی است که مدارك بسیار دال بر مالکیت ایران بر بحرین بدست آمده است، چه در این سال بر اثر مداخلات مأموران انگلیس در امر حکومت بحرین، شیوخ بحرین موقع و وضع خود را در مخاطره یافته‌اند و برای تثبیت وضع و مقام خویش متوسل بدولت ایران شده‌اند و اسناد قاطعی دال بر اینکه رعیت و تابع دولت ایران هستند سپرده‌اند و این مدارك خود از اسناد قاطع مالکیت ایران بر بحرین میباشد.

(شش فقره از این مدارك در کتاب مهندس قائم مقامی تحت عنوان بحرین و مسائل خلیج فارس صفحه‌ی ۳۲ و بعد ذکر شده است برای تفصیل بیشتر باین کتاب مراجعه شود).
اسناد مربوط به بحرین که مورد مطالعه‌ی نویسنده قرار گرفته زیاد و از جمله اسنادی است تحت سری F.O. 72\2444, F.O. 78/2443 در بایگانی وزارت امور خارجه‌ی انگلیس شرح زیر موجود است:

۱ - مکاتبات متعددی که بین وزارت خارجه‌ی انگلیس و اداره‌ی هند (I.O.F.F.) از نوامبر ۱۸۶۹ تا فوریه ۱۸۷۰ مبادله شده است.

۲ - مکاتبات بین ژنرال حاجی محسن خان وزیر مختار وقت ایران در لندن و لرد کلرندون، مورخ نهم مارس ۱۸۷۰ و ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ زیر شماره‌ی ۲۴۸۲۵۱ و F.O. ۷۸۲۴۴۳ وزارت خارجه‌ی انگلیس.

۳ - نامه‌های وزارت امور خارجه‌ی انگلیس و اداره‌ی هند (I.O.) در ۲۲ مارس ۱۸۷۰ زیر شماره‌ی ۷۸۲۴۴۳ (F.O.)

۴ - نامه تومسن (Thomson) بلرد کلرندون در سال ۱۸۶۹.

۵ - گزارشهای رسمی دیگر مربوط باین موضوع.

۶ - نامه‌های وزارت خارجه‌ی انگلیس (F.O.) به تومسن مورخ ۳۰ مارس ۱۸۷۰.

۷ - نامه‌های حکومت هند به دوک آرگیل (Argyll) مورخ ۲۰ می ۱۸۷۰.

انگلیسها در سال ۱۸۳۵ میلادی نیز حق بازدید کشتیهای ایران را بدست آوردند و یکسال بعد «کلنل کنی چه» از کارون با کشتی بالا آمد و در داخل ایران با کشتی مسافرت کرد و بعد از او دیگران اقداماتش را دنبال کردند و تا مسافت زیادی در کارون کشتی رانی کردند و کار بجایی رسید که با آنکه از لحاظ سیاسی، انگلستان به ترکیب ایران آنوقت نتوانست دستی بزند، منظور آندولت که از تسلط سیاسی استفاده تجارتي و منافع اقتصادی بود تأمین شد و در سال ۱۹۰۰ تقریباً همه ی بازرگانی خلیج توسط کشتیهای انگلیس صورت میگرفت و انگلستان تنها کشوری است که در تمام سواحل عمان و خلیج فارس و ایران تجارت را در قبضه ی اختیار خود دارد. طبق آمار گمرکی سال ۱۹۰۰ م. از ۲۸۷۳۰۰۰ لیره واردات خلیج فارس فقط ۳۶۶۰۰۰ لیره از آن کشورهای دیگر و بقیه مربوط بانگلستان بود. و این نسبت البته همیشه بنفع انگلستان در تغییر بود. نسبت بصادرات نیز همینطور است. بنابراین حسن و مقبولی سیاست مکتب منچستر یا نحله ی اقتصاديون مسلم و واضح گشته ثابت گردید برای استعمار و بهره برداری اقتصادی و مالی نیازی به تندی و لشکر کشی و ایجاد دشمنی که نتیجه ی تسلط سیاسی و نظامی است نمیباشد. از لحاظ سیاسی هم مأمورین وزارت خارجه ی انگلیس در مسقط و کویت و بحرین و چند سالی هم در دوران جنگ جهانی اول در بوشهر و بندرعباس با اتکاء به نیروی دریایی هند مسلط میشوند و اقتدار معنوی خود را در کشورهای مجاور خلیج فارس و عمان بسط میدهند. انگلستان برای بسط نفوذ تجارتي و حفظ آن و مقابله در برابر روسها علاوه بر رقابت شدید در داخل ایران اقدام باستحکام مواضع خود در خلیج کرد. از جمله این اقدامات برقراری خطوط تلگراف و کابل زیر دریایی بود که از سال ۱۸۶۴ م. ایران و هند را بوسیله ی تلگراف زیر دریایی که از گوادر و جاسک و بندرعباس و لنگه و بوشهر میگذشت ارتباط داد و این خطوط را شهرهای داخلی ایران مربوط ساختند.

در این نقاط تلگراف خانه مجزی از شهر بنا کردند و خود هر يك دژ مستحکمی بود که دارای همه گونه وسایل دفاع و سربازانی برای حفظ آن بود. برای حفظ مراکز تلگرافی خود، انگلیسها اقدام به تأسیس کنسولگریهای متعدد در شهرهای ساحلی ایران

۱ - خاطرات و اسناد محرمانه درباره ی ادعای مستقل عثمانی و ایران بر سر حاکمیت بحرین

تهیه شده توسط ای. هرتسلیت (E. Hertslet) از طرف وزارت خارجه ی انگلیس در مارس ۱۸۷۴ اسناد شماره ی ۴ و ۵ ضامناً این مقاله دیده شود.

برای مطالعه ی کامل این اسناد مراجعه شود بکتاب اچیزون (G.U. Aitchison) با اسم مجموعه ی عهد و قراردادها طبع لندن جلد دوم و کتاب مسأله ی جزایر بحرین تر آقای دکتر غلامرضا تاج بخش و ضامناً و ملحقات آن طبع پاریس تحت عنوان (La Guestion des Ies Bahrein) سال ۱۹۶۰. بند ۲۵ گزارش لرد کرزن دیده شود (صفحه ی ۲۲۷ کتاب هورویتر با اسم دیپلماسی در خاور میانه و نزدیک طبع ۱۹۵۶ نیویورک).

کردند و وسایل کافی برای دفاع تلگرافخانه‌های خود جمع‌آوری نمودند. بطوریکه این مراکز بتدریج مانند يك سفارتخانه و کنسولگری دولت بریتانیا گردید و اعضاء آن مانند مأمورین سیاسی شدند و بقول اژن‌ابن (Eug. Aubin) نویسنده‌ی فرانسوی «درسیستم عملیات انگلیس تلگراف همان نقشی را که راههای شوسه درسیستم استعماری روسهای تزاری بازی میکند عهده‌دار بوده‌است»^۱.

بااینهمه روسها ازپای نایستاده وبا تمام قوا برای رسیدن بههدف مبارزه میکردند درسال ۱۸۸۷ م. شاه قاجار باصرار سفیر روس پیمانی را قبول کرد که بموجب آن دولت ایران متعهد میشد، بدون رضایت دولت روسیه اجازه ساختمان هیچ راه‌آهنی بخارجیان ندهد. منظور روسها ازاین قرارداد که بزور بایران تحمیل شد این بود که ازساختمان راه‌آهن که انگلیسها خیال داشتند ازخلیج فارس به بحر خزر بکشند جلوگیری بعمل آورند که امتیازی نظیر امتیاز رویتز بآنها داده نشود. درهمین سال عده‌ای ازافسران روسی بقصد بازرسی مسافرتی باصفهان وشیراز وبوشهر کردند ومطالعات وتحقیقاتی درباره‌ی خلیج فارس وسواحل آن بعمل آوردند و گزارشی بدولت متبوع خود دادند. چندی بعد يك مهندس روسی از بندرعباس بهرمز رفت تا دروضع استراتژیکی آن مطالعه کند. نامبرده پس ازمراجعت پیشنهاد کرد مخزن زغالی برای کشتیها دراین جزیره ازطرف روسها ایجاد گردد.

درسال ۱۸۹۶ م. بروزمرض طاعون درهند، بهانه شد که دوطیب روسی (دکتر مارک و اوست Marc Oust) برای جلوگیری ازمرض بیوشهر بروند واین پزشکان چندین بار از راه دریا به بندرعباس وبصره مسافرت کردند^۲. منظور ازاین مسافرتها تحقیق درباره‌ی وضع سواحل خلیج وانتخاب محلی برای مرکز بحری روسها بود. بالاخره درسال ۱۸۹۸ م. دولت روسیه جداً تصمیم گرفت که بندری دراین دریا بدست آورد و کنت کاپنیستکی^۳ یکی از رجال معروف روس تزاری به باب عالی پیشنهاد کرد اجازه دهند دولت روسیه راه‌آهنی ازطرابلس درساحل بحرالروم (سوریه) تا کویت بکشد. باین ترتیب معلوم میشد که روسها کویت را برای مرکز بحری خود انتخاب کرده‌اند ولی دولت بریتانیا باین آسانی نمیگذاشت، چنین بندری بدست روسها بیفتد. بدین جهت بااقدامات خود مانع

۱ - کتاب این مؤلف باسم ایران امروز (La Perse d'Aujourd'hui) طبع پاریس سال ۱۹۰۵ دیده شود.

۲ - بند ۳۸ گزارش لرد کرزن دیده شود. مراجعه شود برای مطالعه‌ی گزارش کامل بکتاب Y.C. Hurewitz باسم دیپلماسی در خاور نزدیک ومیانه جلد اول صفحه‌ی ۲۱۹ تا ۲۴۹ طبع نیویورک سال ۱۹۵۶.

۳ - Kapnistky

درضمائم این مقاله سند شماره‌ی ۷ دیده شود راجع بجلوگیری ازواگذاری پایگاه راه‌آهن بروسها در کویت.

دادن چنین امتیاز راه آهنی گردید و این مسأله را آنقدر بتعویق انداخت تا در سال ۱۹۰۷ با انعقاد قرارداد معروف و دادن منطقه‌ی نفوذ بروسها در شمال ایران آنها را وادار کرد که از نظریات خود در جنوب ایران ولو موقتاً هم شده صرف نظر کنند. بالاخره جنگ بین‌المللی اول و سقوط سلسله‌ی تزاری، بریتانیا را از این خطر بزرگ نجات داد. اهمیت این موضوع چنان بوده که ادمیرال ماهان Mahan که از پیروان پروپاقرص ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی بود در سال ۱۹۰۲ چنین نوشت:

«باتکاء مساعی متوالی که چندین نسل انگلیسی برای استقرار امنیت در خلیج فارس بکار برده، تنها انگلستان حق دارد از ثمر و بهره‌ی آن مساعی برخوردار گردد و هیچ دولت معظم دیگری را به شرکت قبول نخواهد نمود. بایستی هیچ پیشنهاد مذاکره را در این زمینه نپذیرد زیرا نه تنها منافع بریتانیا بلکه وظیفه‌ی آن دولت نسبت بامپراطوری انگلیس ایجاب مینماید که تسلط بر خلیج فارس و سواحل و کشور مجاور آن را منحصرأ حق خود بداند، چه امنیت هند وابسته باین موضوع است. بعلاوه امنیت ارتباط راه دریایی هند و اروپا و منافع اقتصادی و تجاری هندوستان بانفوذ دولت دیگری در سواحل خلیج فارس حتماً در خطر میافتد. بنابراین هیچگونه مذاکره و گفتگویی پیرامون مسائل خلیج فارس که منجر بکاستن نفوذ انگلیس شود مورد پذیرش بریتانیا واقع نخواهد شد». و لازم به تذکر نیست که این اصول عقاید وزارت خارجه‌ی بریتانیا بود که بزبان نویسنده‌ی نظامی متظاهر میگشت.

همین گفتار، بالاخره در ۵ مه ۱۹۰۳ بزبان وزیر خارجه‌ی وقت بریتانیا لرد لاندستون^۱ در مجلس اعیان بطریق ذیل اظهار شد: من این مطلب را بدون تردید و صریحاً میگویم که ایجاد هر مرکز دریایی و یا بندر مستحکمی را در خلیج فارس توسط یک دولت دیگر تهدید بزرگ و مستقیمی علیه منافع خود میدانیم و با تمام وسائلیکه در اختیار داریم با آن مبارزه خواهیم کرد. در تفسیر این نطق روزنامه‌ی تایمز لندن نوشت که این نظر بمنزله‌ی اصل مونروئه، در شرف مسلمان میباشد و ما نمیتوانیم هرگز از آن منحرف شویم. این اصل سیاسی مدتها هیچ تغییری نیافته است و چنانچه گفتیم حتی در موقع امضاء قرارداد روس و انگلیس در ۱۹۰۷ نیز دولت بریتانیا حاضر نشد که راجع بخلیج فارس اساساً صحبتی بنماید و با دادن منطقه‌ی نفوذ در شمال بروسها خلیج فارس را از خطر اتی حفظ کرد^۲. در ضمن تلگرافی که در روز امضاء قرارداد وزیر خارجه بریتانیا سر ادوارد گری بسفیر خود در سن پترزبورگ مخابره میکند متذکر میگردد که این قرارداد مربوط بخلیج

۱ - L. Landsdown

۲ - دولت و ملت ایران قرارداد ۱۹۰۷ را هیچگاه قبول نکردند و کوشش آزادیخواهان ایرانی مانع اجرای آن گردید.

فارس نیست و ما برای مزید اطلاع متن تلگراف را نقل میکنیم :

«امروز بجناب عالی بوسیله‌ی تلگراف اجازه دادم يك پیمان که متضمن مقرراتی راجع به ایران و افغانستان و ثبت است با روسیه امضاء کنیم . مقررات راجع بایران محدود بنواحی است که با سرحدات بریتانیا و روسیه درآسیا تماس پیدا میکند . خلیج فارس ضمیمه‌ی این نواحی نیست و فقط قسمتی از آن درخاک ایران است . بنابراین بنظر نمیآید که درج نظریه‌ی مثبتی راجع بمنافع مخصوص بریتانیای کبیر در قرارداد لازم باشد ، زیرا منافع مزبور نتیجه‌ی عملیاتی است که بریتانیای کبیر بیش از صد سال است درآبهای مذکور تعقیب میکند . دولت اعلیحضرت دلایل زیادی دارد که تصور میکند در صورتیکه حوادثی رخ دهد که مباحثه‌ی جدیدی راجع بمنافع بریتانیا در خلیج فارس لازم شود این مسأله باعث هیچگونه اشکالی مابین دولتین نخواهد شد چون دولت روس در جریان مذاکرات بطور وضوح اعلان کرده که منافع مخصوص بریتانیا را در خلیج فارس انکار نمیکند . برای آنکه کاملاً روشن باشد که این قرارداد با این نیت بسته نشده است که جزئی تغییری در وضع حاضر خلیج بدهد حکومت اعلیحضرت پادشاهی تصور میکند که مقتضی است توجه لازم را باظهارات سابق من راجع به سیاست بریتانیا جلب نماید حکومت اعلیحضرت پادشاهی کمافی السابق تمام مساعی خود را برای حفظ حالت موجود و حمایت منافع بریتانیا بکار خواهد برد و در همین حال هیچ میل ندارد که از تجارت مشروع دولت دیگری ممانعت نماید» .

از این تلگراف معلوم است که انگلستان در این زمان خلیج فارس را يك منطقه انگلیسی میدانند و هیچ میل ندارد راجع بمنطقه‌ای که برآ و بحرأ حق دارد آنرا جزء مناطق نفوذ خود بداند در هیچ پیمانی مطلبی گنجانیده شود یا در هیچ کنفرانسی مذاکره‌ای بعمل آید .

پس از پیشرفت قدرت آلمان در اروپا و همینکه گیوم ، قیصر آلمان بهنگام افتتاح ترعه‌ی کیل در شمال آنکشور ، گفت سرحدات ما در آن طرف آبها قرار دارد ، سیاست آلمان برای انگلستان خطرناک شناخته شد ، چون آلمان برای مقابله با ممالک مستعمره دار دنیا و توسعه‌ی تجارت خود شروع با ایجاد يك بحریه‌ی قوی کرد و این دیگر برای بریتانیا قابل تحمل نبود . پس آنها هم فرصت را از دست نداده و ب فکر پیدا کردن متحدینی برآمدند تا قبل از آنکه بحریه‌ی آلمان زیاد قوی شود آنرا از پای در آورند پس لازم بود بهتر تریبی هست دوستی پیدا کنند و روسیه بهترین کمک برای آنها بود چه اتریش و ایتالیا و عثمانی با آلمان متحد بودند و از فرانسه ب تنهایی کاری ساخته نبود ، بعلاوه با اتحاد با روسیه ازدو طرف آلمان را تهدید میکردند .

از اتحاد بین این دو دولت فرانسه هم ذینفع میشد زیرا نیروی آلمان قبل از همه خاک اینکشور را تهدید میکرد و تنها این دولت بود که میتوانست بین روسیه و بریتانیا واسطه شده و اتحاد را برقرار سازد چه فرانسه از یکطرف با روسیه طبق پیمان ۱۸۹۴ م . متحد

بود و از طرف دیگر در ۱۹۰۴ م. اختلافات خود را در مسأله‌ی مصر با انگلستان کنار گذاشته و با آن دولت قراردادی امضاء کرده بود. باین جهت دلالتی این اتحاد با و میرسید و در سال ۱۹۰۶ که کنفرانسی در الجزیره (جنوب اسپانی) تشکیل شد در فاصله‌ی بین جلسات، نمایندگان فرانسه بین نمایندگان دودولت واسطه شده و زمینه‌ی مذاکرات مستقیم را فراهم ساختند.

مذاکرات بزودی پیشرفت کرد و در اول سال ۱۹۰۷ در اصول پیمان توافق نظر حاصل شد و بالاخره در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ در سن پترزبورگ پیمانی راجع بمسائل شرق مشتمل بر سه قسمت مربوط به ایران و افغانستان و ثبت امضاء شد و اتفاق مثلث روسیه و فرانسه و انگلیس تشکیل گردید.

راجع بخلیج فارس چنانکه گفته شد در نامه‌ی منضمه‌ی قرارداد «سرادوارد گری» اعلام میدارد که طی مذاکرات و مقاولاتی که منجر بقرار داد گردیده دولت روسیه‌ی تزاری رسماً و صریحاً منافع مخصوص بریتانیا را در خلیج فارس تأیید و حکومت بریتانیا از این اظهارات اتخاذ سند نموده و مقتضی میداند که بطور عموم رسمیت منافع انگلیس را در خلیج فارس که پس از یک قرن کار و زحمت بدست آورده مسلم و محرز اعلام کند.

در فکر سیاسیون اروپا مخصوصاً فرانسه اتفاق روس و انگلیس از آنجا که منجر بر رفع تناقض آزادی - نیروی طرفین در شرق که برابر هم جبهه گرفته بودند میشد و در نتیجه طرفین میتوانند نیروی خود را در غرب تمرکز دهند و این نیروها باتفاق فرانسه ایجاد نیروی فوق العاده‌ای نموده آلمان را بفکر میانداخت که پیش از تصمیم حمله بفرانسه، اطراف عمل خود را بهتر سنجیده و با نیروی عظیم سه دولت بمخاصمه برنخیزد و در نتیجه جنگ اروپا در چنین خفه شود. ولی تاریخ بما نشان داد که جنگ فقط چند سالی بیشتر بتأخیر نیافتاد و بالاخره جنگ بین المللی اول با موخش ترین شکلی پس از ۷ سال عالم را زیر ویر نمود.

کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی خوشبختانه اوضاع پس از جنگ جهانی اول را در ایران تغییر جهت داد و با همت و پشتکار رضاشاه کبیر حکومت خانجانی (فئودالیتنه) برافتاد و روز بروز نفوذ و تأثیر قدرت حکومت مرکزی ایران در سواحل خلیج فارس بیشتر مستقر گشت و حتی سواحل جنوبی خلیج، تحت تأثیر سیاسی و اقتصادی سواحل شمالی آن یعنی سواحل ایران قرار گرفت.

ضمائم

خلاصه اسناد سیاسی :

سند شماره ۱ راجع بواگذاری جزیره کوریا موری^۱

Deed of the Masqati Sultan Ceding the Kuria Muria Islands to the British Crown, 14 July 1845.

سابقه : در حالیکه فرانسویان نهایت علاقه را داشتند که باین جزایر (کوریا . موری) دسترسی پیدا کنند و همیشه آنرا مطالعه میکردند انگلیسها بالاخره این جزیره را از سلطان مسقط گرفتند تا اولاً از محصول گوانوی آن^۲ بهره برداری کنند و ثانیاً مرکزی برای استقرار دستگاههای مخابراتی و ارتباطی تلگرافی با هند در آن تأسیس نمایند . ترتیب استقرار در این جزایر از طرف انگلستان بشرح زیر است :

متن قرارداد :

«سعید بن سلطان بهر کسی که این ورقه را مشاهده کند ازاينکه مسلمان و یا غیر مسلم باشد اخطار میکند» :

آقای کاپیتان فرمانتل (Cap. Framantle) از طرف ملت نیرومند انگلیس بمن معرفی شده و نامبرده که از اعضای نیروی دریایی ملکه ی بزرگ انگلیس است بنمایندگی از طرف دولت متبوع خود ازمین خواسته است که جزیره ی کل فیام (Golfaim) (یعنی Kuria-Muria) را بآنان واگذار کنم و لذا من جزایر زیر را که از اجزاء کوریا موری محسوب میشوند یعنی هلانیا (Helenia) ، جیبلیا (Jiblia) ، صدا (Soda) ، هسکی (Haski) و کورزونند (Curzond) را جمعاً به ملکه ی ویکتوریا ملکه ی انگلیس پیش کش میکنم که مال خودش و متعلق بخودش باشد و هم چنین به اعقاب وی تعلق کامل داشته باشد . برای نشانه ی این انتقال در ذیل این ورقه امضاء و مهر خود را ضمیمه میکنم . امضائی که از طرف من و پسر من در نهایت آزادی شده و معتبر خواهد بود . این سند را بدون هیچگونه زور و اجبار امضاء کرده ام و کسی مرا وادار بانجام این عمل نکرده و من بنا بمیل و رغبت کامل خود مبادرت به تنظیم آن کرده ام .

۱ - کتاب مجموعه ی قراردادهای تألیف اچیزون جلد دوم صفحه ی ۳۰۲ دیده شود

C. V. Ailohison, Colleshonof

۲ - گوانو از فضولات پرندگان دریایی بدست میآید و کودهای فسفره بسیار ارزنده است که

پیش از توسعه ی استحصال کودهای شیمیایی در جهان ارزش بسیار زیادی داشته (مترجم) .

سند شماره‌ی ۲ قرارداد بازرگانی بین مسقط و فرانسه مورخ ۱۷ نوامبر ۱۸۴۴.^۱
Treaty of commerce: France and Musqat 17 Nov. 1844.

نکات مقدماتی راجع باهمیت مسقط :

- ۱ - بتاريخ ۳۱ ماه مه ۱۸۳۹ دولت بریتانیای کبیر بموجب قراردادی که با حکومت مسقط منعقد نمود حق کاپیتولاسیون بدست آورد . حاکم مسقط در این زمان حامی (Protector) یا سلطان ویا امام خوانده میشد و بهر حال بر جزیره‌ی زنگبار نیز حکومت داشت .
- ۲ - دولت ایالات متحده‌ی امریکا نیز قبلاً بتاريخ ۲۱ سپتامبر ۱۸۳۳ بدریافت چنین حقی از مسقط نائل آمده بود .
- ۳ - دولت فرانسه در تاریخ ۱۸۴۴ ضمن انعقاد يك قرارداد تجارتي با مسقط با حراز این حق از برای اتباع خویش نائل گردید .
- ۴ - بالاخره هلند در هفتم آوریل الی ۲۷ اوت ۱۸۷۷ موفق به تحصیل چنین حقی از برای اتباع خویش گردیده بود .

مفاد مواد عملی قرارداد ۱۷ نوامبر ۱۸۴۴ فرانسه و مسقط بقرار زیر است :

- ماده‌ی اول - بین پادشاه فرانسه و آیندگان و جانشینانش و اعلیحضرت سیدسعید بن سلطان ، سلطان مسقط و آیندگان و اخلافش و هم چنین آنها که سرزمینشان تحت سلطه‌ی او است همیشه حسن تفاهم و دوستی حکمفرما است .
- ماده‌ی دوم - بموجب این ماده آزادی تجارت برای اتباع طرفین در خاک یکدیگر شناخته شده .
- طبق ماده‌ی ۳ - فرانسویان محق بودند در خاک مسقط زمین خریداری کرده و در مستعمرات مسقط نیز اموال غیر منقوله داشته باشند . آزادی ورود و خروج نیز برای فرانسویان شناخته شد .
- ماده‌ی ۴ - اتباع سلطان میتوانند با استخدام فرانسویان در آیند و از کلیه مزایایی که برای کارکنان فرانسوی شناخته شده است بهره‌مند گردند ولی در صورت بروز عملیات خلاف و خیانت از طرف آنها از شغل خود برکنار گردیده و تسلیم مقامات ذیصلاحیت محلی خواهند شد .
- ماده‌ی ۵ - طرفین میتوانند در خاک یکدیگر در صورت اقتضا کنسولگری افتتاح نمایند . . .
- کنسول فرانسه میتواند بر فراز ساختمان کنسولگری خود پرچم فرانسه را

۱ - کتاب اچیزون باسم مجموعه‌ی عهود قراردادهای جلد دوم صفحه‌ی ۲۹ تا ۳۴ دیده شود .

باهتزاز درآورد .

ماده ۶ - در صورت بروز منازعه و اختلاف بین اتباع دو طرف اگر هر دو طرف مسیحی باشند صلاحیت رسیدگی در محاکم محلی ندارند و باید در کنسولگری قضیه حل و فصل شود .

و اگر اختلاف بین يك فرانسوی و يك مسلمان باشد در صورتیکه تبعه‌ی فرانسه متشکی واقع شود رسیدگی بقضیه در صلاحیت کنسولگری است و در صورت عکس یعنی شاکی بودن فرانسوی بدعوی در محاکم محلی رسیدگی میشود ولی در این حالت نیز باید حتماً نماینده‌ی کنسولگری حاضر باشد .
باضافه ۱۲ ماده دیگر

سند شماره ۳ راجع به مناسبات بین امریکا و حکمران مسقط .

Treaty of imity and commerce the U.S. and Musqat 21 Sept. 1833.

قرارداد دوستی و بازرگانی بین امریکا و مسقط^۱ :

حکمران مسقط که ما آنرا سلطان مناطق محروسه‌ی مسقط و عمان مینامیم و در حقیقت بعنوان حامی این نواحی بود در سال ۱۸۳۲ از ایالات متحده‌ی امریکای شمالی دعوت کرد که مبادرت بامضاء قرارداد تجارتی با مسقط بنماید .

بر اثر امضاء این قرارداد که دارای ۹ ماده است دولت ایالات متحده موفق به کسب حقوق و امتیازات زیر در مسقط گردید :

۱ - اجازه تأسیس کنسولگری و نمایندگیهای سیاسی را در بنادر سلطان بدست آورد .
۲ - بموجب این معاهده که دولت آمریکا هنوز هم آنرا بقوت خود باقی میداند دولت ایالات متحده حقوق مخصوص کاپیتولاسیون از برای اتباع خویش در مسقط بدست آورد .

۳ - حکومت سلطان مسقط متعهد گردید که از غارت کشتیهای تجارتی آمریکایی جلوگیری بعمل آورده و در صورتیکه دزدان دریایی اموال آمریکاییان را از کشتیها به یغما برند و بخاک سلطان پناهنده شوند سلطان آن اموال را ضبط و به صاحب مال مسترد گرداند و در صورتیکه صاحب مال شناخته نشود آنها را تسلیم کنسول آمریکا در مسقط بنماید .

۴ - بموجب این پیمان مقرر گردید که بازرگانان آمریکایی در مسقط از کلیه‌ی امتیازاتی که تجار محلی برخوردارند بهره‌مند گردند و بهیچوجه مالیات یا عوارض مخصوص از آنان مطالبه نشود .

۱ - متن کامل این قرارداد دیده شود در کتاب هورویتر با سم دیپلماسی در خاورمیانه و نزدیک

طبع نیویورک جلد اول صفحه‌ی ۱۰۸ - ۱۰۹ .

سند شماره‌ی ۴ راجع به بحرین : نامه لرد کلرندون (۲۹ اپریل ۱۸۶۹)
 Lord Clarendon's formula of the British position on the Bahrain Islands 29
 April 1869.

در قرن ۱۹ میلادی پس از آنکه جزایر بحرین متدرجاً تحت قدرت و استیلای حکومت انگلیس درآمد دولت شاهنشاهی ایران به روش متخذه توسط حکومت بریتانیا در بحرین و شیخ نشینهای شبه جزیره‌ی عربستان و برقراری روابط دوستانه‌ی مستقیم با آنها اعتراض میکند .

در پاسخ اعتراضیه‌ی دولت شاهنشاهی ایران که بسال ۱۸۶۹ میلادی صورت گرفته است لرد کلرندون (Lord clarendon) منشی وزارت امور خارجه انگلستان نامه‌ای بعنوان ژنرال حاجی محسن خان وزیر مختار وقت ایران در لندن صادر میکند که اهم مطالب آن بشرح زیر است :

عطف بنامه‌ی مورخ ۱۶ ماه جاری اینجانب که در آن از وصول گرامی نامه‌ی مورخ سیزدهم تان اظهار امتنان کرده بودم . در این لحظه افتخار دارم بعرض برسانم که باتوجه بکلیه‌ی جوانب امر نحوه‌ی ارتباط ما از طریق نمایندگی هندوستان با بحرین بعقل و موجبات زیر است و بس :

حکومت انگلیس تصدیق میکند که دولت شاهنشاهی ایران از حقوق خود در بحرین صرف نظر نکرده و با حفظ حق حاکمیت خویش در آن منطقه به پادشاه انگلیس بعلت دخالت در امور بحرین اعتراض کرده است . مقامات انگلیسی این اعتراض را موظفاً مورد ملاحظه قرار داده‌اند . اما باید مدعن بود که هم شما و هم حکومت و دولت متبوعتان محق هستید زیرا شیوخ بحرین از جهات مختلف کوشیده‌اند با ما نزدیکی حاصل نمایند و در ادوار مختلف این کوشش خود را بمنصه‌ی ظهور رسانیده‌اند و مستقیماً تعهداتی نسبت بدولت بریتانیا تقبل کرده‌اند . اما این تعهدات صرفاً بخاطر منع برده‌فروشی و جلوگیری از راهزنی دریایی صورت گرفته و هدف ما از آن حفظ انتظامات در خلیج بوده . اگر دولت شاهنشاهی ایران این آمادگی را داشته باشد که قوای کافی در خلیج بگمارد و ازدزدی دریایی و برده‌فروشی جلوگیری کند ، کشور ما از اجرای يك برنامه پردردسر که متضمن هزینه‌ی بسیار است نجات پیدا خواهد کرد . اما اگر شاهنشاه آماده‌ی اجرای چنین تکالیفی در خلیج نیستند اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصور نمیکند که منظور شاهنشاه ایران از منع اقدامات اخیر این باشد که بسبب عدم تنبیه و سرکوبی اخلا لگران موجب تشویق هرج و مرج و ناامنی در خلیج گردد .

احتیاج بآن هست که احساسات دوستانه‌ی حکومت بریتانیا را نسبت بدولت شاهنشاهی ایران بعرض برسانم و خاطر نشان کنم که دولت متبوع من نهایت علاقه را دارد که همیشه و همه جا موجبات رضایت خاطر شاهنشاه ایران را جلب کند . بنده مفتخرم که

بعرض برسانم هروقت چنین آمادگی از برای شما فراهم شود، دولت بریتانیا آماده است که دیگر اجباری در این منطقه بکار نبرد. اما حکومت بریتانیا نمیتواند راضی باین شود که در خلیج فارس بر اثر کناره گیریش بی نظمی و ناامنی حکمفرمایی کند و ارجاع امور قضائی شیوخ بحرین به محاکم تهران از هر جهت موجب تأخیر در دادرسی خواهد شد و بعلاوه عملی نبوده وضع آرامش کنونی را نیز بخطر خواهد انداخت. اما هروقت که چنین امری ملازمه پیدا کند طبیعی است که ارتباط کاملی باتوجه بمنافع دولت شاهنشاهی ایران برقرار خواهد شد^۱.

سند شماره ۵ - ایضاً راجع به بحرین^۲

از سلسله F.O. 78/1443

ترجمه‌ی نامه‌ای که محمد بن خلیفه در تاریخ ۲۰ ذی القعدة ۱۲۷۷ هجری برابر با ۳۱ ماه مه ۱۸۶۱ به Felix Jones نماینده‌ی سیاسی نیروی دریایی هند و نماینده‌ی پادشاه انگلیس در خلیج فارس در بحرین نوشته است:

در این سند که امروزه بنام کنوانسیون ۳۱ مه ۱۸۶۱ معروف است شیخ محمد بن خلیفه پس از تعارفات معمولی در مقدمه چنین آورده است:

مفاد عهدنامه‌ی مودت بین شیخ محمد بن خلیفه حاکم مستقل بحرین از طرف خود و آیندگان و کاپیتان فلیکس جونز نماینده‌ی نیروی دریایی انگلیس در هند که سمت ریاست مقامات انگلیسی را در خلیج فارس دارد به نمایندگی از طرف دولت انگلیس.

باتوجه باغتشاشاتی که از طرف قبایل عرب در خلیج فارس بوقوع پیوسته و منتهی به حملات متعددی به کشتیها در آبهای خلیج فارس گردیده اینجانب شیخ محمد بن خلیفه از طرف خود و آیندگان خویش در حضور معمرین و مشاهیر این منطقه که ناظر به تهیه‌ی این سند هستند، قبول میکنم که عهدنامه‌ی صلح و دوستی بین ما و حکومت انگلیس بسته شده و آنها میتوانند آزادانه بکارهای بازرگانی در این مناطق پرداخته و در محیطی امن در سواحل مناطق موصوف کشتیرانی کنند.

ماده‌ی اول - من کلیه‌ی معاهداتی را که پیش از این از طرف شیوخ بحرین و حکومت انگلیس بسته شده است برسمیت میشناسم و برای آنها ارزش قائل هستم اعم از اینکه این معاهدات را حکومت انگلستان بطور مستقیم یا از طریق نمایندگان خود در خلیج یا من غیر مستقیم با رؤساء گذشته‌ی عرب بامضاء رسانده باشد.

در ماده‌ی ۲ - چنین آمده:

۱ - دیده شود کتاب اجیزون باسم مجموعه‌ی عهود قراردادها . . . طبع ۱۹۳۳ جلد دوم.

۲ - ایضاً

من تعهد میکنم که از هر گونه حمله و ایجاد ناراحتی در دریا خودداری کرده و از بروز راهزنی دریایی و معاملات برده فروشی در خلیج جلوگیری کنم و به عوامل انگلیسی اجازه میدهم که در منطقه‌ی من اقدام به برقراری امنیت برای کشتیرانی و بازرگانی دریایی از این لحاظ بکنند .

در ماده‌ی ۵ - نیز ذکر شده که فصول این قرارداد اتحاد از تاریخ تصویب و یا قبول حکومت انگلیس بمرحله‌ی اجرا در خواهد آمد .

محل مهر	شیخ	محمد بن خلیفه حاکم بحرین
«	«	علی بن خلیفه برادر حاکم بحرین
«	«	حمد بن محمد پسر عموی حاکم
«	«	احمد بن مبارک پسر عموی شیخ محمد حاکم
«	«	خلیفه بن محمد پسر عموی حاکم
«	«	وامضاء فلیکس جونز نماینده‌ی سیاسی خلیج فارس .

سند شماره‌ی ۶ - قرارداد شیوخ سواحل متصالحه

Mutual agreement entered into by the shaikhs off trucional Oman the 24th June 1897 in regard to fraudulent absconders.

مقدمه - از آنجا که منافع کلیه‌ی رؤسا و شیوخ منطقه‌ی متصالحه ایجاب میکند که بمنظور جلوگیری از غصب خاک یکدیگر و پیشگیری از منازعات دائمی و مخصوصاً کمک به توسعه‌ی کشتیرانی و حمل و نقل دریایی در این مناطق بایکدیگر اتفاق حاصل کنند . بهمین جهت ما امضاء کنندگان ذیل که اثر مهر ما در ذیل ورقه دیده میشود در حضور ابوالقاسم خان منشی عامل نمایندگی سیاسی (انگلیس) که مخصوصاً برای اینکار تعیین شده و حاجی عبدالرحمن نماینده‌ی حکومت که بمنظور کمک همه جانبه باین منظور تعیین شده‌اند بهمین جهت بر طبق این موافقت‌نامه توافق نموده و رضایت میدهم که :

۱ - در صورت فرار یکی از اتباع و تقاضای پناهندگی در خاک دیگری اعم از طریق دریایی یا زمینی ما وظیفه‌ی خود میدانیم که نامبرده را به شیخ یا رئیس مربوط تحویل دهیم .

۲ - اگر ثابت شود که فراری مورد حمایت یکی از شیوخ قرار گرفته و تحویل داده نشده است و یا پذیرش نامبرده از طرف نماینده‌ی حکومتی درخواست شده باشد يك چنین شیخی محکوم خواهد بود که ۵۰ دلار بعنوان غرامت علاوه بر سایر ادعاهایی که بعداً ثابت خواهد شد علیه فراری مربوط بپردازد .

۳ - بعلاوه اگر شیخی چنین فراری را پناه بدهد و از تحویل او خودداری کند و یا پذیرش او را که مورد تقاضای نماینده‌ی حکومت او است قبول نکند و بعداً باو اجازه

بدهد که بکار صید مروارید در سواحل پیردازد چنین شیخی به ۱۰۰ دلار جریمه علاوه بر سایر هزینه‌های مورد ادعا که علیه فراری مطرح است محکوم خواهد شد .

۴ - در صورت بروز چنین حالاتی شورای حکمیتی تحت ریاست نماینده‌ی حکومت شخص فراری و شرکت طرفین منازعه و نماینده‌ی کلیه‌ی شیوخ متصالحه تشکیل خواهد شد . ضمناً در صورت تمایل شیوخ میتوانند راساً شرکت نمایند . تصمیم شورای اخیر فقط موقعی قابل اجراست که رئیس سیاسی انگلیس مقیم خلیج آنرا تأیید کرده باشد .

۵ - این جرائم فقط موقعی بمرحله‌ی اجرا درخواهند آمد که رئیس خلیج تصدیق کند شیخی که از او شکایت بعمل آمده حقیقهً تقصیر داشته و قابل تعقیب میباشد .

بنابراین با امضاء ذیل این سند ضمن تراضی خود را متعهد نموده‌ایم که مفاد این قرارداد را بدون مخالفت بموقع اجرا درآوریم .

امضاء : ۱ - سالم بن سلطان بن صقر القاسمی ۲ - شیخ راشد بن حمید بن راشد النعیمی
۳ - شیخ حشور بن مکتوم ۴ - احمد بن عبدالله بن راشد ۵ - (مأمور از طرف نماینده انگلیس)
شیخ زید بن خلیفه ۶ - حمید بن عبدالله بن سلطان الجاسمی .

سند شماره‌ی ۷ - مربوط بجلوگیری از واگذاری پایگاه راه آهن بروسها در کویت^۱

قرارداد متقابل بین شیخ کویت و دولت بریتانیا - ۲۳ ژانویه ۱۸۹۹ .
مقدمهً باید یادآوری نمود که از سال ۱۷۷۵ انگلستان با کویت روابط دوستانه داشته و کشتی‌های شرکت هند شرقی (کمپانی هند شرقی) هنگام عبور از خلیج فارس بسمت بصره ، در کویت توقف مینمود و کم کم یک مرکز پستی نیز در کویت بوجود آوردند .
در سال ۱۸۹۶ شیخ مبارك حاکم کویت گردید و از دولت انگلستان رسماً تقاضا نمود که او را بمنظور مقابله با عثمانیها یاری کند . دولت بریتانیا که در اینزمان مشاهده مینماید کنت کاپنیستکی (Count Kapnistky) که یکی از اتباع روس است میخواهد امتیاز ساختمان خط آهن از سواحل سوریه تا کویت را بگیرد و انجام این امر نزدیک است ، معجلاً اقدام به قبول درخواست شیخ مبارك میکند و بارون کورزن (که بعداً به لرد کورزن ملقب شده است) هفده روز پس از شروع دوران نایب السلطنه شدنش در هندوستان سند محرمانه‌ی زیر را امضاء گرفت

این سند را از طرف دولت انگلیس رئیس نمایندگی آندولت در کویت بنام جون مالکوم (Jodn. Malcolm) و از طرف امارت کویت خود شیخ مبارك بن صباح امضاء کرده‌اند . منظور از تهیه و امضاء این قرارداد دوستی و مودت آنست که نشان بدهد شیخ

۱ - متن این قرارداد دیده شود در کتاب هورویتر باسم دیپلماسی در خاورمیانه و نزدیک صفحه‌ی ۲۱۸ - ۲۱۹ .

تلگرافی عثمانی تا بندر فاو (Fao) دخالت کامل داشته باشند .

ودر خود خلیج فارس آلمانها يك كنسولگری در بوشهر افتتاح کرده اند (در سال ۱۸۹۷) تا از منافع ۶ نفر از اتباع آلمان که در آن بندر سکنی گزیده اند حمایت کنند . يك شرکت آلمانی کشتی رانی با سم برمن (Bremen) در این بندر آغاز فعالیت کرده ولی بخوبی محسوس است که از میزان ورود کشتی های اقیانوس پیمای آلمانی باین بندر کاسته شده است . در بصره نیز کوشش خستگی ناپذیری جهت بدست گرفتن بازار عمومی مبذول میگردد . در همین اواخر فعالیت های زیادی از طرف تعدادی از آلمانیها برای برآورد وضعیت بندر عباس صورت گرفته است . در خلال بهار همین امسال نیز يك مقام نظامی آلمانی با سم آرکونا (Arcona) به مسقط رفته و از این سلطان نشین دیدن کرده و هم چنین بندر لنگه را مورد بازدید قرار داده و بوشهر را نیز دیده است و اخیراً نیز بما خبر میرسد که تعداد بسیار زیادی از کشتی های آلمانی مصمم شده اند بمنظور اقدامات تجارتي راه خلیج فارس را در پیش بگیرند .

مؤلف دربند ۴۴ همین گزارش چنین ادامه میدهد :

وقتیکه اینهمه نشانه های علاقه مندی آلمانها را به نفوذ در خلیج فارس مشاهده میکنیم با توجه بسایر مسائل ملاحظه مینماییم که مسأله ی خلیج فارس از هر لحاظ بصورت مسأله ی قابل توجهی از برای امپراطوری بریتانیا درآمده است . تمایل آلمانها بر اینست که سرعت در کشورهای همسایه خود رخنه و نفوذ کنند و ابداً توجهی باین امر ندارند که تناسبی در ابراز سرعت از خود نشان دهند . بهر حال اینها همه درخور مطالعه و توجه است و بر حکومت اعلیحضرت پادشاه انگلیس فرض است که مسائل خلیج فارس را از هر لحاظ مورد توجه قرار دهد .

این خلاصه ای است از اسناد دیپلماسی که برای روشن ساختن مطالب گفته در متن تا اینجا آورده شد و در واقع مأخذ و مدارك مطلب بشمار میآید .

سخنرانی آقای سید محمد علی امام شوشتری

منابع اقتصادی خلیج فارس

آقای سید محمد علی امام شوشتری در سال ۱۳۸۴ متولد



شده‌اند. پس از طی تحصیلات ابتدائی
و فرا گرفتن علوم جدید و ادبیات عرب
و منطق و فقه و اصول در فن تاریخ و ادبیات
ایران و عرب به تحقیق و تتبع پرداختند.
ایشان تألیفاتی دارند که برخی از
آنها مانند «تاریخ جغرافیایی خوزستان»
و «تاریخ مقیاسات و نقود در حکومت
اسلامی» چاپ شده است.

آقای امام شوشتری در سمینار خلیج فارس زیر عنوان
«منابع اقتصادی خلیج فارس» سخن گفتند.

برای اینکه بتوان از وضع اقتصادی خلیج فارس در قرون گذشته که ایرانیان سهم
عمده‌ای در ایجاد و توسعه‌ی آن دارند، تصویری صحیح ترسیم کرد و گذشته‌ی اقتصادی این
خلیج ایرانی یا بگفته‌ی پیشینیان دریای پارس، را در آن منعکس ساخت، بناچار باید
در زمینه‌ی منابع ثروتی خلیج پارس و اهمیت بازرگانی آن در زمانهای گذشته گفتگویی کرد.
زیرا روشن است که اساس وضع اقتصادی هر منطقه، در هر زمان، بر منابع ثروت
آن متکی است و منابع ثروت چون با کار یعنی عامل انسانی توأم شود، وضع اقتصادی
هر ناحیه را، خوب یا بد، درخشان یا تاریک پدید می‌آورد. محتاج گفتن نیست که موقع
جغرافیایی هر منطقه و سهولت یا صعوبت وسایل و طرق مبادله‌ی کالا که محصول توأم شدن
نیروی انسانی با وضع طبیعی است، نیز در ترقی یا انحطاط وضع اقتصادی بسیار مؤثر
و کارگر می‌افتد.

خلیج فارس بویژه نواحی ایرانی‌نشین آن از دیدنی‌های منابع ثروت بسیار توانگر است
و این توانگری سبب شده است که این نواحی از روزگاران بسیار قدیم محل توجه ایرانیان
قرار گیرد و این قوم نیروی معنوی و جسمی خود را در آبادانی این سرزمینها و استفاده از

سخنرانی آقای سید محمد علی امام شوشتری

منابع اقتصادی خلیج فارس

آقای سید محمد علی امام شوشتری در سال ۱۳۸۴ متولد



شده‌اند. پس از طی تحصیلات ابتدائی و فراگرفتن علوم جدید و ادبیات عرب و منطق و فقه و اصول در فن تاریخ و ادبیات ایران و عرب به تحقیق و تتبع پرداختند. ایشان تألیفاتی دارند که برخی از آنها مانند «تاریخ جغرافیایی خوزستان» و «تاریخ مقیاسات و نقود در حکومت اسلامی» چاپ شده است.

آقای امام شوشتری در سمینار خلیج فارس زیر عنوان «منابع اقتصادی خلیج فارس» سخن گفتند.

برای اینکه بتوان از وضع اقتصادی خلیج فارس در قرون گذشته که ایرانیان سهم عمده‌ای در ایجاد و توسعه‌ی آن دارند، تصویری صحیح ترسیم کرد و گذشته‌ی اقتصادی این خلیج ایرانی یا بگفته‌ی پیشینیان دریای پارس، را در آن منعکس ساخت، بناچار باید در زمینه‌ی منابع ثروتی خلیج پارس و اهمیت بازرگانی آن در زمانهای گذشته گفتگویی کرد. زیرا روشن است که اساس وضع اقتصادی هر منطقه، در هر زمان، بر منابع ثروت آن متکی است و منابع ثروت چون با کار یعنی عامل انسانی توأم شود، وضع اقتصادی هر ناحیه را، خوب یا بد، درخشان یا تاریک پدید می‌آورد. محتاج گفتن نیست که موقع جغرافیایی هر منطقه و سهولت یا صعوبت وسایل و طرق مبادله‌ی کالا که محصول توأم شدن نیروی انسانی با وضع طبیعی است، نیز در ترقی یا انحطاط وضع اقتصادی بسیار مؤثر و کارگر می‌افتد.

خلیج فارس بویژه نواحی ایرانی‌نشین آن از دیده‌ی منابع ثروت بسیار توانگر است و این توانگری سبب شده است که این نواحی از روزگاران بسیار قدیم محل توجه ایرانیان قرار گیرد و این قوم نیروی معنوی و جسمی خود را در آبادانی این سرزمینها و استفاده از

منابع ثروت آن بکار اندازد .

وضع جغرافیایی خلیج فارس و قرار گرفتن آن میانه راههاییکه افریقا و اروپا را بشرق‌دور پیوسته میسازد ، از خصوصیات است که این خلیج را در میان دریاهای جهان ممتاز میساخت . باتوجه باین مقدمه باید اذعان کرد که گفتگو در تاریخ اقتصادی خلیج فارس که سهم بنده در این سمینار شده است ، موضوعی است بسیار بسیار پهناور و گسترش دامنه‌ی آن چندان وسیع است که نیاز بسالها مطالعه و پی‌جویی دارد و اگر بخواهیم وضع اقتصادی خلیج را از قدیم‌ترین زمان تا امروز تصویر کنیم ، ناچار باید تلاشها بکار بندیم و سالها صرف وقت کنیم تا کتابی حجیم پدید آید و آنچه بر این دریا گذشته روشن گردد .

زیرا بگواهی آثار تاریخی ، کهن‌ترین تمدنهای جهان نظیر تمدن عیلامیها و اکدیهها و سومریها و بابلیها و ایرانیها در مجاورت این دریا پدید آمده و بخش بزرگی از آن از راه خلیج فارس بسایر نقاط جهان منتقل شده است .

چون چنین فرصتی برای نویسنده نبود و زمانی که برای سخنرانیها معین شده ، ما را از بحث تفصیلی منع میکند ، بناچار تا آنجا که میسر شد ، مطالب را فشرده‌ام و کوشیده‌ام جانب اختصار هر چه بیشتر رعایت گردد . و در عین حال از روی هم رفته‌ی این سخنان تصویر سایه و روشنی از وضع اقتصادی خلیج فارس در گذشته ارائه گردد و شباهی از کلیات اوضاع اقتصادی خلیج از زمانهای پیشین تا امروز ، در برابر چشم خواننده‌ی گفتار مجسم کنم .

چنانچه در مقدمه اشاره شد وضع اقتصادی هر ناحیه در هر زمان بر منابع ثروتی آن متکی است . امروز چنین است در گذشته نیز چنین بوده است . پس در گفتگو از تاریخ اقتصادی باید منابع ثروت را برشمرد و در ضمن ، تاریخ بهره‌برداری از آن منابع را توضیح داد .

منابع ثروتی خلیج فارس را که موضوع سخن است میتوان بچند رشته تقسیم کرد .
منابع کشاورزی - منابع کانی - منابع دریایی .

۱ - منابع کشاورزی :

بنیاد کشاورزی بر دو عامل مهم استوار است . خاک زراعتی و آب . این دو عامل برعکس آنچه در روزگاران اخیر بغلط شهرت یافته است ، در کرانه‌های ایرانی خلیج فارس و برخی از جزایر آن باندازه‌ی کفایت وجود دارد و در زمانهای پیشین از آنها استفاده‌ی فراوان میشده است .

سطح زمینهای سواحل و جزایر ایران ، برعکس کرانه‌های عربستان ، در بیشتر جاها پوشیده از خاک زراعتی است . جلگه‌های وسیع شمالی و شمال غربی خلیج فارس مانند مناطق لیراوی ، شبانکاره ، دشت زط ، خاوران یا هندیجان و ده مملای کنونی ، سراسر از خاک زراعتی پوشیده است . حتی در جلگه‌های میانه کوههای ساحلی شرقی خلیج

تأحدود بندرعباس ، قشخاك زراعتی بفرآوانی دیده میشود .
 در سطح جزایر خلیج فارس مخصوصاً سه جزیره کیش و قشم و آوال (منامه‌ی
 امروزی) قشخاك زراعتی وجود دارد و روزگاری این سه جزیره خاصه جزیره کیش
 دارای نخلستان فراوان بوده که حاصل آنرا بدریانوردان می فروخته‌اند . جغرافی نویسان
 قرون وسطی از جمله ابن حوقل ، از فراوانی حاصل خرما ی این جزیره سخن گفته‌اند .
 عامل اساسی دوم در کشاورزی آب است . در نواحی خلیج فارس باز بخلاف آنچه
 شهرت یافته ، منابع آبهای روی زمینی و زیرزمینی بقدر کفایت وجود دارد .
 در این منطقه رودهای پرآبی موجود است که از آب آنها بهره‌ی فراوان میبرده‌اند ،
 بزرگترین این رودها رود ماند است که در کشتب جغرافیایی قدیم آنرا رود سیکان یاد
 کرده‌اند و در نزدیک بندر زیارت بوسیله‌ی خور زیارت وارد خلیج فارس میشود . این رود
 در ازترین رود فارس است و از نزدیکیهای استخر سرچشمه میگیرد و تا بدهانه‌ی خور برسد ،
 شاخه‌های متعددی بآن می پیوندد . در قدیم بر روی این شاخه‌ها بندهایی بسته بودند که آب
 رود بر زمینهای پیرامون آن سوار شود و باین وسیله دشتهای پهناوری را مشروب میکردند .
 دیگر رود میناب است که نزدیک ویرانه‌های شهر هرمز قدیم در تنگه‌ی هرمز
 وارد دریا میشود . از این رود که منبع آب بزرگی است در قدیم بیشتر استفاده میشده
 و زمینهای حاصلخیز اطراف میناب را آبیاری میکرد است .
 دیگر رود شاپور یا طبق نامیکه حمدالله مستوفی ذکر کرده شهریار رود ، این رود
 در نزدیک بندر ریگ وارد دریا میشود و امروز بخش پایین آنرا رود حله میگویند .
 در عصر رضاشاه کبیر بر روی رودخانه‌ی شاپور نزدیک قصبه‌ی رود حله ، بندی
 زده شده و میتوان بوسیله‌ی آن بند قسمت بزرگی از جلگه‌ی شمالی خلیج فارس را مانند
 روزگاران قدیم فاریاب کرد .
 دیگر رود کوچک شادگان که در نزدیک بندر گناوه وارد دریا میشود . از این
 رودها در روزگاران قدیم بویژه در عصر ساسانی و تا میانه‌های قرن ششم هجری استفاده‌ی
 فراوانی میشده است .
 از رودهای بزرگ دیگر این ناحیه ، رود هندیان است که آنرا رود زهره نیز
 نامیده‌اند . مقدار ریزش آب این رود باندازه‌ایست که تا سی کیلومتری از دریا قابل کشتیرانی
 است و کشتیهای کوچک وقایقهای موتوری در آن میتوانند رفت و آمد کنند و مسافر حمل
 نمایند . در عصر ساسانی بر روی این رود در چندین نقطه بندهایی زده بودند که آثار برخی
 از آنها و آثار جوی‌هاییکه بوسیله آن بندها پر آب میشده ، هنوز دیده میشود .
 آبادانی دشت خاوران و زط که در عصر ساسانی و تا قرن پنجم هجری بحاصلخیزی
 معروف بود نتیجه‌ی بهره‌برداری از بندهای این رود بوده است . شهر آسک که نخلستانهای
 فراوان داشته و دوشاب (شیره‌ی خرما) آن بگفته‌ی مقدسی شهره‌ی آفاق بوده و بخارج
 کشور صادر میگردیده در نزدیکیهای این رود واقع بوده است .

و نیز رود تاب که اکنون آنرا رود جراحی مینامند، دشت ریشهر را تا حدود بندر جَبّی (یا جَبّا شهری نزدیک شادگان کنونی بوده) و باسیان (قصبه بوزیه کنونی) سیراب میکرده است.

علاوه بر این رودها که در وصف آنها مختصری گفته شد، منابع آب زیرزمینی در کوهستانهای ساحلی خلیج فارس نیز وجود دارد که در زمانهای قدیم بوسیله قنات یا چاه از آنها بهره برداری میشده است.

میدانیم قنات در حقیقت يك چاه افقی یا دهلیزی است که بیک مخزن آب زیرزمینی پیوسته میگردد و از وسایل آبیاری است که ایرانیان در چند هزار سال قبل آنرا ابتکار کرده اند و در بیشتر نقاط فلات ایران بویژه در کوهپایه ها قناتهایی بسیار حفر کرده بودند که برخی چندین کیلومتر درازا داشت، در جلگه های سواحل خلیج فارس حتی در جلگه ای کم عرض ساحلی هم اکنون آثار قناتهایی دیده میشود که بحال ویرانگی افتاده است. در سال ۱۳۱۸ که مسافت از بندر لنگه تا بندر بوشهر را سوار اسب پیموده ام آثار چندین قنات مخروبه در نواحی مختلف دیدم که میتوان بار دیگر آنها را آباد کرد.

هم اکنون در شمال غربی بندر لنگه قصبه کوچکی بنام بردخان هست که دارای باغهای بزرگ مرکبات میباشد و آب لازم برای این باغها از دو رشته قنات فراهم میشود. قناتهاییکه شهر زیبای سیراف قدیم را با جمعیت سیصد هزار نفریش سیراب میکرده بنا بنوشته ی جغرافی نویسان قرون وسطی از جمله استخری از کوههای نزدیک آن که موسوم بشمیران بوده سرچشمه میگرفته است. قناتی که هم اکنون در جزیره ی خارك مقداری آب میدهد نیز نمونه ی دیگری از اینگونه قناتهای کهن است.

گذشته از رودخانه ها و قناتها در برخی جلگه های میانی کوههای ساحلی خلیج فارس، منابع آب زیرزمینی موجود است که میتوان با کندن چاههای عمیق و کم عمق از آنها بهره برد. اکنون آب آشامیدنی بسیاری از دهات و قصبات این منطقه از این گونه چاهها فراهم میشود هم اکنون در قصبه ی خور موج مرکز بخش اهرم چاههای بزرگی که دهانه ی آنها بشکل مربع یا مستطیل است دیده میشود که بوسیله ی چند گاو با دلوهای بزرگ از آنها آب میکشند و باغهای مرکبات خور موج از آب این چاهها سیراب میشود.

این گونه چاهها را که دهانه ی مربع یا مستطیل دارد و دیواره ی داخلی آنها را بجهت جلوگیری از ریزش باسنگ و ساروج محکم کرده اند، در خوزستان و غرب ایران (چرد) گویند و چاه رومی نیز مینامند. بسا که حفر اینگونه چاهها در ایران از رومیانی بوده که در عصر ساسانیان آنها را در پشت سر برخی جنگهای دو دولت بایکدیگر، بایران کوچانیده و در بعضی مناطق ایران نشیمن داده بودند.

استعداد منطقه ی خلیج فارس برای زراعت از نظر گرمی هوا و زیادی رطوبت نیز بسیار قابل توجه است. نباتات گرمسیری در آنجا بسیار رشد میکنند و زود بارور میشوند. رطوبت هوا بقدری است که در بعضی نقاط ساحلی نزدیک بندر دلووار و بوالخیر خرما

وانجیر و انار دیمی بعمل آورده بودند . در جزیره کیش و بیشتر جزایر دیگر خلیج هر جا چاه بزنید بآب شیرین میرسد .

میدانیم که ایرانیان از روزگاران قدیم کشاورزی را کاری مقدس و پرداختن بآنها در زمره‌ی عبادات می‌شمرده‌اند . دلبستگی سخت ایرانیان بکشاورزی و تولید و تکثیر دام و استفاده از آب موجب شده بود که این قوم از روزگاران خیلی قدیم باستعدادهای منطقه‌ی خلیج فارس توجه کنند و در راه بهره‌برداری از این استعدادها تلاش فراوان بکار برند .

حاصلات عمده‌ایکه در طول تاریخ از این سرزمینها بدست می‌آمده در درجه‌ی اول گندم و جو و برنج و خرما بوده . در نواحی خوزستان کشت نیشکر و تهیه‌ی قند و شکر و نبات و شیرینیهای گوناگون نیز رواج بسیار داشته است .

حاصل خرما‌ی نواحی خلیج فارس باندازه‌ای فراوان بوده که مقادیر مهمی از آن بکشورهای دیگر صادر میشده‌است . مرغوبی خرما‌ی پارسی بویژه نوعی از آن که در تاریخها بنام (نرسیان) ذکر شده است شهره‌ی آفاق بود . خرما علاوه بر فروش بگروه کثیری دریانوردانیکه بینادر خلیج فارس رفت و آمد میکردند و قسمت اعظم توشه‌ی راه آنها را این ماده تشکیل میداد ، به هندوستان و جزایر مالزی و آفریقا هم صادر میشد . بعلاوه شیرهی آن که بنام دوشاب (سیلان) نامیده میشود نیز از اقلام صادرات آن زمانها بشمار می‌آمد . دوشاب آسکی و آرگانی در دنیای قدیم شهرتی بسزا داشته است .

از هسته‌ی خرما در کارگاههای روغن کشی (عصاره‌خانه) روغن می‌گرفته‌اند که بجای نفت سفید امروزی در سوخت چراغها مصرف میشد و آنرا روغن چراغ میخوانده‌اند . بگفته‌ی ابن حوقل همه ساله از بندر سینیز (نزدیک گناوه کنونی) مقادیری روغن چراغ بخارج ایران حمل میشده است . کشت کتان و شاهدانه در جلگه‌های شمالی خلیج فارس بسیار رایج بوده و از الیاف آنها در شهرهای مَهرِوبان و گناوه و سینیز پارچه‌هایی میبافتند که از راه خلیج فارس بخارج صادر میشد .

همچنین پرده‌ها و سجاده‌ها و عبا که از پشم بافته میشد ، از کالاهای صادراتی این منطقه بوده است . شهرت عباى جَنّابى (منسوب بجَنّابه یا گناوه) که تا این آخرها که پوشیدن عبا در ایران متروک شد زبانزد مردم بود .

در شهر تَوَجْ یا تَوَز که جای آنرا در ۱۲ فرسنگی دریا در دشت لیرِوای کنونی باید جستجو کرد ، پارچه‌ای میبافته‌اند که معروف به (توزی) بوده‌است و بهمجا صادر میشده و نام آن در اشعار بعضی شاعران ما نیز آمده‌است .

و نیز نام پارچه‌ی شاپوری یا بگفته‌ی عربها (الثیابُ السابوریّه) که در شهر شاپور فارس بافته میشده است ، در بیشتر کتب ادب و تاریخ و سیر حتی حدیث آمده‌است^۱ . این پارچه بسیار لطیف و نازک بوده که اندام آدمی از پشت آن دیده میشده و در فرهنگ

تاج العروس این کلمه باین عبارت « السابوری ثوب رقیق جدّاً » توصیف گردیده است .
عمر بن بحر جاحظ نویسنده‌ی مشهور در کتاب (التبصر بالتجاره) از پارچه‌های
شاپوری و توزی بعنوان کالاهای مهم بازرگانی نام میبرد .

ابن فقیه همدانی در کتاب البلدان خود پارچه‌هایی را که در این منطقه بافته می‌شده
و شهرت بازرگانی داشته است بعبارتی می‌ستاید که ترجمه‌ی آن چنین است «مهمترین
پارچه‌ها پارچه‌ی جنّابی و سینیزی و روپوشهای شاپوری و کازرونی است» .
از حاصلات دیگر کشاورزی نواحی خلیج فارس که در زمان قدیم شهرتی بسیار
میداشته گلاب جوری (منسوب بشهر گور یا فیروزآباد کنونی) و انواع عطرها بیست که
در فارس و خوزستان ساخته می‌شده و بوسیله‌ی دریانوردان ایرانی از راه خلیج فارس به‌بیشتر
دنیای متمدن آنروزی حمل می‌شده است .

جاحظ عطر بنفشه و عطر شاهسپرم شهرشوش و ابن فقیه همدانی عطرها را که
در شهر شاپور فارس ، از جمله عطر یاسمین تهیه می‌شده و نیز انواع شرابه‌های پارسی را
از کالاهای مهم عصر خود می‌شمارند . جاحظ در همین کتاب از خشک‌بار شهر فسا که بخارج
حمل می‌شده نام میبرد .

از کالاهای دیگر بازرگانی این منطقه شنگرف بوده که در رنگ آمیزی ، بویژه
تذهیب کتابها آنرا بکار می‌برده‌اند و در تارم فارس از کرمی بدست می‌آورده‌اند . اصطخری
(استخری) در کتاب خود مینویسد گرفتن شنگرف یا بگفته‌ی تازیان (قرمز) از کرم مذکور
در ماه اسفند از مذ هر سال انجام می‌گرفته است . پیداست که این کرم در این فصل از تخم بیرون
می‌آمده و کامل می‌شده است .

از کالاهای مهمی که از راه خلیج فارس بکشورهای شرق دور در طول زمان صادر
می‌شده ، اسبان قشنگ و گرانبها بوده است . ابن اسبان در دشتهای خوزستان پرورش می‌یافته
و صدور آنها از راه خلیج بکشورهای دیگر تا قرنهای اخیر رائج بوده است . عبدالله بن
فضل الله نویسنده‌ی کتاب معروف « تاریخ و صاف » نوشته که همه‌ساله از جزیره کیش
۱۴۰۰ اسب به هندوستان و کشور مَعْبَر (شبه جزیره مالایای امروزی را در کتب قدیم
کشور معبر مینامیده‌اند) صادر می‌شده است .

۲ - منابع معدنی

در اطراف خلیج فارس و جزایر آن معادن سرشاری وجود دارد که برخی از آنها
از روزگاران گذشته شناخته بوده و از آنها بهره‌برداری می‌شده است . اهمّ معدنی که شناخته
شده و حاصل آنها در زمانهای پیش از این صادر می‌شده اینهاست :

الف - نفت

در کتب قدیم نامی از نفت موجود در بنادر و جزایر خلیج دیده نمیشود ولی از قیر

و مومیایی یاد شده بویژه مومیایی که در نزدیك شهر آرگان بدست میآمده و در معالجه‌ی شکست و بست استخوانها بکار میرفته شهرتی فراوان داشته است. در این منطقه چشمه‌های نفتی که از آنها خود بخود نفت بیرون میآید و بروی زمین جریان می‌یابد مانند مسجد سلیمان، نفت سفید در خوزستان یا باکو در قفقاز وجود نداشته است تا نامی از نفت در تاریخ گذشته‌ی جزایر خلیج فارس باقی بماند.

اما آنچه مسلم است قیر و نفت سیاه (قار) و نفت سفید حاصله از چشمه‌های مسجد سلیمان و نفت سفید در خوزستان، بصورت کالاهای بازرگانی از خلیج فارس صادر میشده است. نفت سفید در نقاشی و طب و قطران در معالجه‌ی بیماری‌گری دامها و قیر در کشتی‌سازی مورد استعمال زیاد داشته است، اما در آن روزگار استخراج این مواد از چشمه‌های نفت مسجد سلیمان و نفت سفید و قیراب در شمال شرقی دزفول که طبق اصول بسیار ابتدایی فراهم میگردد، سالانه از چند صد خروار بیشتر نبود.

بهره‌برداری از معادن نفت جنوب خیلی قدیمی و تاریخ آن بدورهی عیلامیان بالا میرود لیکن تا قرن اخیر شکل بهره‌برداری این مواد بهمان روش پیشین باقی مانده بود و مقدار آن از حدودی که گفته شد تجاوز نمیکرد. تا آنکه در سال ۱۹۰۲ میلادی امتیاز استخراج و بهره‌برداری از مناطق نفت ایران باستانهای چهار ایالت شمالی به‌داری نامی از اتباع استرالیا داده شد و او شرکتی تشکیل داد و بکار اکتشاف و استخراج نفت پرداخت. اکتشاف نفت بوسیله‌ی این شرکت در تاریخ قرن اخیر نواحی خلیج فارس و خوزستان، سرآغاز تحولی بسیار بزرگ و دامنه‌دار است.

پس از آنکه ثابت شد که منابع نفت در این ناحیه توانگر بلکه سرشار است، دست بکار کشیدن خط^۱ لوله‌ی انتقال نفت از مسجد سلیمان به کرانه‌ی شط^۲ العرب شدند. انتقال لوله‌های آهنین سنگین و وسایل لوله‌کشی در آن روز بانبودن وسایل حمل و نقل امروزی، کاری بس دشوار بود، زیرا قسمت اعظم کار بایستی بوسیله‌ی بازوان آدمی و زور چهارپا انجام گیرد، مع الوصف این خط^۳ لوله در سال ۱۹۱۱ از مسجد سلیمان بکناره‌ی شط^۴ العرب محل آبادان کنونی، پیوست و نفت منابع مسجد سلیمان از راه این لوله بآبهای خلیج فارس سرازیر شد.

پس از پیداشدن نفت در مسجد سلیمان و تعیین مسیر لوله‌ی نفتی، ساختن پالایشگاه آبادان در سال ۱۹۰۹ آغاز شد و ظرفیت آن نخست از چند صد هزار تن بیشتر نبود اما متدرجاً که حوزه‌های جدید نفتی در خوزستان کشف شد و بوسیله‌ی خطوط لوله‌ی تازه بآبادان متصل گردید. ظرفیت پالایشگاه بیچندین ملیون تن بالا رفت و بزرگترین پالایشگاه جهان شد. پیوستن خط لوله نفت باین منطقه و ایجاد پالایشگاهی باین بزرگی و ساخته‌شدن اسکله‌های بسیار در کرانه‌ی شط^۵ العرب تا حدود خسروآباد بجهت بارگیری کشتیهای نفتکش و خالی کردن کالای فنی و غیر فنی از کشورهای بازرگانی، سبب شد که در مدتی کوتاه در محل ده کوچك آبادان شهری پیشرفته و زیبا پدید آید که امروز بیش از سیصد هزار تن جمعیت

دارد. علاوه بر این ایجاد صنعت نفت موجب پدید آمدن شهرهای دیگری در نقاط نفت خیز، مانند مسجدسلیمان، آغا جاری، هفتگیل، نفت سفید و گچساران در خوزستان گردید، که تا پیش از آن، جای آنها کوهستانی گرم و خشک و خالی از سکنه بود. باری. پیدایش نفت تحوّل بزرگ در نواحی شمالی خلیج فارس پدید آورد. هزارها کیلومتر راه شوسه شد و هزارها کیلومتر خط لوله کشیده شد و چندین تلمبه خانه بجهت ایجاد فشار برای راندن نفت در لوله ها در عرض راهها پدید آمد که در جوار هر یک از آنها قصبه ای زیبا ساخته شده است.

در اینجا، چون فردی خوزستانییم، بحکم حق شناسی و ضبط در تاریخ باید اضافه کنم که نخستین اقدامات بجهت ایجاد و بسط فرهنگ نوین در خوزستان از سوی شرکت نفت بعمل آمده است. این شرکت از چهل سال پیش باینطرف دبستانها و دبیرستانهای حرفه ای در آبادان و اهواز و مسجدسلیمان و نقاط نفت خیز دیگر ایجاد کرده که گروه بسیاری از جوانان خوزستان در آنها پرورش یافته اند. دانشکده ی نفت آبادان که در سالهای اخیر وسعتی یافته یکی از اقدامات مهم فرهنگی شرکت نفت است.

بندر معشور که نام کهن آن (ماچول) است و تائیش از اجرای طرح خارك - گچساران بزرگترین بندر صدور نفت خام در رأس خلیج بود، نیز بواسطه ی کشف نفت و امتداد لوله های نفتی باین نقطه بوجود آمده است.

ب - از معادن دیگر ناحیه ی خلیج فارس معدن آهن واقع در میانه ی بندر عباس و کرمان است که در روزگاران قدیم از آن بهره برداری میشده است. علی بن حسین مسعودی در کتاب مروج الذهب درباره ی این معدن چنین میگوید « وفی ماحوله (مرجع ضمیر خلیج فارس است) معادن حدید میمائی کی کرمان ».

بسا علت اینکه زره سازی و قفس سازی و ساختن ادوات ظریفه ی دیگر از آهن در فارس شهرتی داشته وجود این کان آهن در این ناحیه بوده است.

ج - معدن خاک سرخ (اکسید دوفر) که آنرا گیل ارمنی نیز میگویند و در رنگ سازی بخصوص زدن رنگ بر آهن بجهت جلوگیری از زنگ خوردگی مصرف دارد. در بیشتر جزایر خلیج فارس موجود است. بنابنوشته ی ابن فقیه همدانی (طین الاحمر) را در رنگرزی پارچه نیز بکار میبرده اند. از خاک سرخ جزیره ی هرمز سالهاست بهره برداری میشود و این معدن یکی از منابع درآمد کشور است. در جزیره ی سیری نیز معدن خاک سرخ موجود است و گچ این جزیره که آمیخته بخاک سرخ است پس از بکار رفتن در سطح بنا بر زنگ سرخ در میآید.

احتمال میدهم (طین الخاتم) یا (طین الختمه) و بتعبیر ابن فقیه همدانی (الطین السیرافی) که در قدیم جزء لوازم تحریر بوده و در دیوانهای دولتی بکار میرفته و از بنادر خلیج فارس بدست میآمده است، نوعی از خاک سرخ باشد. طین الخاتم را بجای لاک برای مهر کردن بسته ها و طومارها بکار میبرده اند و در دیوان رسایل خلفا معروفیتی بسزا

داشته است .

د - معدن نمك درخیلی از نقاط ساحلی جزایر خلیج فارس مخصوصاً جزیره‌ی هرمز بفرآوانی موجود است . معدن نمك هرمز کوهی است از نمك که در کتب قدیم آنرا (جبل الملح) نام برده‌اند . ابن بطوطه مغربی در سفرنامه‌ی خود از معدن نمك هرمز یاد میکند و آنرا بنام (الملح الدارانی) ذکر مینماید . شگفت اینجاست که این جهانگرد اضافه کرده : از سنگ نمك مذکور ظروف و جای چراغ نقش و نگاردار میساخته‌اند .

ه - معدن گوگرد : در بیشتر نقاط سواحل خلیج فارس معدن گوگرد وجود دارد و در قدیم از برخی از آنها بهره‌برداری میشده است . کلمه (کبریت) که در کتب جغرافیای قرون وسطی آمده بمعنی گوگرد است اما بمعنی فسفر نیز استعمال میشود . گوگرد معمولی را کبریت اصغر و فسفر را کبریت احمر مینامیده‌اند .

در نزدیکیهای شهر جَبَّی (جَبَّا) که در خوزستان نزدیک بندر شاهپور کنونی واقع بوده معدن فسفر یا گوگرد سرخ وجود داشته که نام آن در کتابها آمده است و نیز گوگرد پاریسی چندان مشهور بوده که از راه خلیج فارس تا چین حمل میشده است ، همچنانکه شیخ اجل سعدی در کتاب گلستان خود ضمن حکایتی باین موضوع اشاره میکند .

و - معدن سنگ شیشه : بگفته‌ی جغرافی‌نویسان قرون وسطی در شهر فسا کارخانه‌ی شیشه‌سازی بوده که محصول آن بخارج کشور صادر میشده است و این مطلب را جاحظ در کتاب التبصر بالتحاره ذکر کرده . آنچه گفته‌ی جاحظ را تأیید میکند مقدار زیاد گلاب و عطر و انواع شرابه‌ای محصول فارس است که از راه خلیج فارس تا هندوستان و چین و آفریقا فرستاده میشده و این محصولات قهراً در شیشه‌ها و قرابه‌ها حمل و نقل میشده است . بنابگفته‌ی ثعالبی در کتاب ثمار القلوب همه ساله ۲۷ هزار شیشه گلاب‌جوری همراه مالیات فارس بدربار خلفا حمل میشده . از این رقم میتوان حدس زد که محصول گلاب‌جوری فارس چند صد هزار شیشه بوده است . توجه بهمین نکته اهمیت صنعت شیشه‌سازی را در فارس بخوبی نشان میدهد .

ز - معدن سرب : در اکثر نواحی خلیج فارس مخصوصاً کوههای شرقی آن معادن سرب بفرآوانی موجود است . از کوه سرب واقع در میانه‌ی گاوبندی و فیروزآباد فارس در قدیم سرب استخراج میکردند و بخارج صادر میشده . علاوه بر اینها معدن میکاوپنبه کوهی و سنگ سیمان و سنگ مرمر در نواحی شرقی خلیج وجود دارد که از آنها نیز بهره‌برداری میشده است .

در سال ۱۳۱۷ شمسی چندتن معدن‌شناس سوئدی بامر دولت در نواحی خلیج فارس بررسیهایی کرده‌اند اما چون گزارش کار آنان را ندیده‌ام نمیتوانم در این باره چیزی بگویم .

۳ - منابع دریایی :

منابع دریایی خلیج فارس عبارتست از : مروارید و مرجان و ماهی .

الف - مروارید : تاریخ آغاز صید مروارید در خلیج فارس تا چه زمانی بالا میرود ؟ این پرسشی است که نمیتوان بآن جواب مسلم و قطعی داد . همینقدر میدانیم که شکار صدف و مروارید در خلیج فارس شاید تا سه هزار سال پیش سابقه پیدا کند . مروارید خلیج فارس از جهت شفافیت و درخشندگی و گردی در روزگاران پیشین بسیار مشهور بوده . جاحظ در کتاب التبصر بالتجاره دربارهی مروارید خلیج فارس و رجحان آن بر مروارید قلزمی مرواریدی که از دریای سرخ بدست میآمده شرحی آورده است که ترجمه آن چنین است : « اگر دو مروارید از هر جهت برابر باشند مروارید دریای فارس از قلزمی برتر و گرانبها تر است زیرا آن یکی شیرین و درخشان و پاکیزه است و قلزمی این خصوصیات را دارا نیست » .

در جهان آنروزی که تجمل پرستی میان خانواده های بزرگان و توانگران بسیار رایج بود ، مروارید بهای گزافی داشت . همین نویسنده بهای مروارید را در قرن سوم هجری باینگونه توصیف میکند :

« بهای یکدانه از مروارید اگر کاملاً گرد باشد و وزن آن بدو مثقال برسد ده هزار دینار خواهد بود » وزن هر دینار زر اسلامی ۲۶۵ گرم بوده و قدرت خرید آن بیول امروزی طبق شاخص قیمتهایی که در کتاب تاریخ مقیاسات و نفوذ در حکومت اسلامی ترتیب داده ام ۳۷۵ ریال . بنابراین بهای یکدانهی مروارید بمشخصاتی که جاحظ گفته بیول امروزی ۳,۷۵۰,۰۰۰ ریال بوده است .

این مقایسه اهمیت شکارگاههای مروارید خلیج فارس را بخوبی نشان میدهد . بهمین علت بود که تا پیش از اختراع مروارید مصنوعی و کشت صدف همه ساله در فصل شکار صدف ، صدها کشتی برای شکار و هزاران تن غواص و بازرگان از نقاط مختلف جهان بخلیج فارس روی میآوردند و در خرید و فروش این گوهر گرانبها همچشمی میکردند . بنا بنوشتهی استخری (دریتیم) که نوعی مروارید درشت و شفاف و درخشان بوده ، از شکارگاههایی پیرامون جزیرهی خارک بدست میآمده . اما این گوهر خیلی بندرت بچنگ شکارچیان میافتاده است . مرجان نیز از اطراف جزیرهی خارک شکار میشده است .

ب - شکار ماهی و نیز شکار میگو در خلیج فارس از زمانهای کهن رایج بوده است . ماهی و میگو را علاوه بر مصرف مردم ساحل نشین و دریانوردان بصورت خشک کرده و نمک سود ، بنقاطی دور از خلیج حمل میکردند .

بندرهای بازرگانی در خلیج فارس - در کرانه های خلیج فارس از نقطه ی شمال غربی روبجنوب شرقی بندرهای مذکور در زیر وجود داشته که هر یک از آنها روزگاری دارای شهرت و درخشندگی بوده و سپس بواسطه ی عللی روبانحطاط رفته است . برخی از آنها اکنون بکلی در نقشه ی جغرافی دیده نمیشوند .

۱ - بندر آبگه : این شهر در عصر ساسانی بزرگترین بندر عراق بشمار میرفت و محل آن در جنوب شرقی بصره کنونی بوده است . بندر آبگه پس از پدید آمدن بصره در سال

۱۶ هجری تنزل کرده . فتنه‌ی صاحبُ الزَّنجِ باعث مزید خرابی آن شد تا اینکه در قرن هفتم هجری حمله‌ی مغول بعراق آنرا از صفحه‌ی روزگار محو کرد .

۲ - بندر سَوَقِ بَحْر که گمان می‌رود نام آن ترجمه‌ی کلمه فارسی - دریا بازار - باشد . این بندر در کناره‌ی رودخانه بهمنشیر قرار داشت و همانست که علی بن عیسی وزیر المقتدر عباسی ، درآمد گمرکی آنرا اجاره کرده بود . در مشرق این بندر بنادر کوچکی نظیر دوق و باسیان و ماچول (جای معشور فعلی) در کناره‌ی خورهای گوناگون خلیج فارس موجود بوده است که اکنون اثری از آنها نیست و تنها در جای باسیان قدیم دهی باقیست که آنرا بُوزیه گویند .

۳ - بندر مَهْرُوبان : در مصب رود زهره یا هندیجان واقع بوده و نسبتاً وسعتی داشته است .

۴ - بندر سینیز : میانه‌ی بندر دیلم و گناوه کنونی . این شهر دارای مسجد جامعی بوده و حاصلات شهرستان ارگان از آن صادر می‌شده است .

۵ - بندر جَنَابَه : یا گناوه‌ی کنونی این بندر در قرون وسطی شهرتی داشته است و پارچه بافی و عبا بافی آن موجب این شهرت شده بود . امروز نیز خط لوله نفت گچساران - خارك بار دیگر نام آنرا بر زبانها انداخته است .

۶ - بندر نَجِشْرَم : در کناره‌ی سیف مظفر . این بندر شهرت چندانی نداشته است و گویا قصبه‌ای کوچک بوده است .

۷ - بندر سیراف : که بزرگترین بندر در ناحیه‌ی شرقی خلیج فارس بوده و بیش از سیصد هزار تن جمعیت داشته است . استخری وسعت این بندر را برابر وسعت شهر استخر شمرده و مقدسی آنرا همطراز بصره می‌ستاید . یادخانه‌های زیبا و چنداشکوبه‌ی آن در تارихها باقی است . سیراف یکی از مراکز بزرگ دریایی خلیج فارس بوده و دریانوردان سیرافی تا حدود چین می‌رفته‌اند . بندر سیراف در زلزله‌ی سال ۳۷۶ هجری ویران شده است .

۸ - بندر هرمز در کنار رود میناب نزدیک تنگه‌ی هرمز واقع بوده و ویرانه‌های آن هم اکنون دیده می‌شود . بندر هرمز در دنباله‌ی حملات پرتقالیها ویران شد و مرکز تجارتی آن بشهر جَرون در جزیره‌ی هرمز منتقل گردید .

۹ - بندر کیش جزیره‌ی کیش نیز از شهرهای بزرگ بوده و پس از ویرانی سیراف مرکز بازرگانی جنوب خلیج فارس گردیده بود . آثار بازار بزرگ این بندر و باراندازهای آن هنوز پابرجاست .

در همه‌ی این بندرها که محل مبادله و حمل و نقل کالاهایی بوده که از راه خلیج فارس بشرق و غرب جهان می‌رفته است ، از عصر ساسانی و شاید زمان اشکانیان گمرکخانه وجود داشته است و از کالاهای مالیات گمرکی می‌گرفته‌اند .

میزان مالیات گمرکی این زمان بطور محقق معلوم نیست . حدس زده می‌شود میزان آن ده درصد بهای کالا بوده است که اعراب بعدها آنرا به (عشور) ترجمه کرده‌اند .

دقت در متن نامه‌ی عبدالله بن قیس معروف به ابوموسی اشعری والی اردوگاه بصره در عهد خلیفه دوم که در کتب خراجیه ضبط می‌باشد این حدس را هر چه بیشتر تأیید مینماید. از مأمورین گمرک عصر ساسانی کسی را نمیشناسیم جز یزدین نامی که در عصر خسرو دوم (خسرو پرویز) میزیسته و طبری او را رئیس عشور مرزها (آفاق) نام میبرد. درآمد گمرکخانه‌های بندرهای خلیج فارس بیولداران و امیران باجاره داده میشده و گویا این رسم در عصر اسلامی تقلیدی از عهد ساسانی بوده است، زیرا می‌بینیم طبری ضمن شرح حال یکی از امرای آل‌منذر میگوید: درآمد گمرک ابله درمقاطعه او بود. درآمد گمرکی بنادر خلیج بسیار کلان بوده و بسیاری از کشمکشها برای دست‌یافتن بر آن رخ داده. **بازرگانی در خلیج فارس** - بیش از اختراع قطب‌نما که کشتیها ناچار بودند در امتداد

سواحل حرکت کنند دو خط‌سیر کشتی‌رانی در خلیج فارس معروف بوده است. یکی در امتداد سواحل شرقی، که بواسطه‌ی بودن شهرهای بزرگ و جزایر آباد مسیر آن معروفیتی بیشتر داشت. دوم خط‌سیری که در امتداد سواحل غربی میگذشت و باستانی شهر هجر و خط بندری در مسیر راه آن نبود. خاصه آنکه عربستان حاصلاتی برای صدور نداشت و مردم آن بواسطه‌ی تنگدستی زندگی بسیار ساده‌ای داشتند. در نتیجه میزان مصرف کالا در آن حدود نیز بسیار کمتر از سواحل شرقی بود.

برای اینکه باهمیت بازرگانی خلیج فارس پی ببریم باید باین نکته توجه کنیم که شبکه‌ی راههای کاروان‌رو روزگاران قدیم از آسیای صغیر گرفته تا ماوراءالنهر، که شرح آنها در کتب مسالك به تفصیل آمده است عموماً، بکناره‌های شمالی و شرقی خلیج فارس منتهی میشد. و حاصلات این ممالك حتی حاصلات ماورای دریای خزر، نظیر پوستهای نرم از قبیل پوست روباه و خز و قاقم و سمور و سنجاب باین بندرها برای مصرف و صدور وارد میگردید و از اینجا تاهندوستان و چین و شمال افریقا فرستاده میشد. در برابر کالای آنکشورها را میخریدند و از راه خلیج فارس وارد ایران میکردند و بکشورهای همجوار آن حمل میشد.

مطالعه کتاب التبصر بالتجاره تألیف جاحظ و کتاب البلدان ابن فقیه همدانی نشان میدهد که کالاهای مذکور در زیر از راه بنادر خلیج فارس مبادله میشده است:

از چین: پرند - حریر - ظروف چینی - کاغذ - مرکب - طاوس - زین اسب - نمد - دارچین و ریوند چینی (نوعی دارو است).

از هند: ببر - پلنگ - فیل و پوست آنها - بوقلمون (مرغ هندی) - یاقوت (از سیلان یا سرانندیب) - صندل سفید - آبنوس - نارگیل - فلفل سیاه - عاج.

از فارس: زره - برزکتن - گلاب و اقسام عطریات - انواع پارچه که بنام مهمات آنها قبلاً اشاره شده - اقسام شراب - شیشه - خشکبار - سرب - خاک سرخ - گل سیرافی.

از اهواز: شکر - قند - نبات - دیبا - خز - (منظور خز مصنوعی است که

نوعی مخمل بوده) و خرما و دوشاب - پرده‌های بَصَنّایی - لنگ و دستمال ابریشمی .
از شوش : مرکبات - عطریات بویژه عطر بنفشه و شاه اسپرم - جل‌اسب و پالان
استر و خر .

از یمن : زرافه - کندر - مَرْمَکَی - بردیمانی .
از مصر : روغن بلسان - کاغذ بردی - دیبای مصری - کتان .
از آفریقای شرقی : زبرجد - عاج - چوب ساج - میخک .
دقت در اقلام کالایی که نام برده شد و از کتب نویسندگان نظیر جاحظ و ابن فقیه
و استخری التقاتل شده است نشان مدهد که مهمترین کالاهای بازرگانی روزگاران قدیم که
میان کشورهای متمدن جهان مبادله میشده است از راه خلیج فارس وارد و صادر میشده است .
و همین نکته اهمیت بسیار بازرگانی خلیج فارس را آشکار میسازد .
همین موقع تجارتي بود که داریوش کبیر شاهنشاه ایران را برانگیخت تا با کندن
کانالی دریای سرخ را که بگفته‌ی استخری زبانه‌ی دریای فارس است ، از راه رود نیل
بدریای مدیترانه پیوسته کند .

باید دانست چنانکه ذکر کردیم رونق بازرگانی خلیج فارس تاهنگامی دوام داشت
که هنوز قطب‌نما اختراع نشده بود و کشتیها ناچار بودند راهی در امتداد ساحل پیمایند
و از رفتن بوسط اقیانوسها اجتناب ورزند . بانبودن قطب‌نما و وسایل راهنمایی امروزی
اگر کشتی از سواحل دور میشد بیم آن بود که راه را گم کند و در دریا سرگردان
و غرق گردد .

اختراع قطب‌نما اهمیت بازرگانی خلیج فارس را کم کرد و کشف راه دماغه‌ی
امیدنیک نیز احتیاج دریانوردانی را که میخواستند از اروپا بشرق دور بروند از خلیج فارس
برطرف ساخت زیرا با اختراع قطب‌نما خطر گم شدن کشتیها در وسط دریا مخصوصاً
در شبهای ابری از میان رفت و دیگر ناخدایان و بازرگانان در رفتن از اروپا و آفریقا
بشرق دور ، مجبور نبودند سواحل خلیج فارس را پیمایند و در بندرهای آن لنگر اندازند .
بدتر آنکه پیدایش دسته‌های دزدان دریایی بویژه اعراب جَوَاسِم ناامنی سختی
بر سراسر این منطقه حکمفرما کرد و بیش از پیش باعث نسیان خلیج فارس گردید . این موجبات
سبب شد بندرهای بزرگ و شهرهای آباد سواحل خلیج روی بویرانی نهد و یکی پس از
دیگری از نقشه‌ی جغرافی جهان ناپدید شوند .

وضع تأسف آوری که گفته شد همچنان ادامه داشت تا اینکه تنگه‌ی سوئز کنده شد
و دریای مدیترانه مستقیماً به خلیج فارس پیوسته گردید . کشتیهای بخاری اقیانوس پیما اختراع
شد و پای اروپاییان بشرق میانه گشاده گردید . در نتیجه‌ی این تبدلات خلیج فارس باردیگر
راه آمد و شد کالای بازرگانی اروپا بشرق میانه و مواد خام این منطقه به اروپا شد .
کشف و استخراج نفت در ایران و ایجاد پالایشگاه در آبادان و سپس پیدایش نفت
در عراق و کویت و برخی شیخ‌نشینهای دیگر خلیج ، باردیگر سبب شد بازار اقتصادی و سیاسی

این دریای ایرانی هرچه بیشتر گرم شود. بویژه اکنون که استخراج نفت از اعماق خلیج میسر شده و با اقدامات عمرانی که دولت ایران در این منطقه آغاز کرده است پیش‌بینی میشود نواحی خلیج فارس هرچه زودتر آبادان شود و این دریا جایگاه پیشین را در میان دریاهای جهان بدست آورد.

در پایان بی‌مناسبت نیست این نکته را هر چند جنبه اقتصادی آن ضعیف است، بر آنچه گذشت بیفزاید: آنچه از بررسی تاریخ مستفاد میشود مخصوصاً تاریخ اقتصادی که نموداری از سیر تکاملی وسایل زندگی بشر بسوی کمال است آنست که جهت سیر تمدن در ناحیهی خلیج فارس در تمام طول قرون گذشته، همیشه از سمت مشرق و شمال خلیج بسوی جنوب و جنوب غربی آن بوده.

واسطه‌ی این انتقال غالباً نیز ایرانیان بوده‌اند که مهاجرنشینهایی در سواحل غربی خلیج پدید آورده بودند. نهایت آنکه جریان تمدن در خط سیری که گفته شد همینکه بریگزارهای میانه عربستان برخورد میکرد متوقف میشد و همچون آب رودخانه‌ای که در ریگزار فرو میرود و محو میشود، ناپدید میگردد.

آنچه این نکته را مسلم میسازد و خوب روشن میکند، صرف نظر از اسناد وادله‌ی تاریخی دیگر، ورود لغات بسیار از زبان فارسی بزبان عربی است که زمان آمیختن برخی از آنها بزبان عربی به پیش از ظهور دین مبین اسلام بالا میرود.

اگر در اینگونه لغات دقت کنیم می‌بینیم که همگی آنها اصطلاحات اداری و تشکیلاتی و نام ابزار و وسایل زندگی تمدنی آن روزگار است مانند نام انواع رخت‌ها و پارچه‌ها، انواع خوراکیها، انواع اسباب‌خانه و وسایل زندگی تجملی و انواع داروها و وسایل درمانی و مانند اینها. از همین نکته محقق میشود که این تشکیلات و وسایل و ابزارها از ایران به عربستان رفته و بسیاری از آنها نام ایرانی خود را همراه برده است. همچنانکه اکنون نام فرنگی بسیاری از اینگونه کالاها همراه کالاهای ساخت فرنگ بسرزمین‌های مشرق رسیده و وارد زبانهای این منطقه گردیده است.

بحکم این سابقه تاریخی، هم اکنون ما بسیار دوست میداریم روابط بازرگانی و فرهنگی وسیعی با کشورهای همجوار خلیج فارس مانند گذشته برقرار سازیم و برادران آنسوی خلیج را در راه پیشرفت علم و فرهنگ، صمیمانه کمک کنیم. امید است خداوند متعال توفیق چنین رسالت انسانی را بار دیگر بما عنایت فرماید.

در نوشتن این گفتار از منابع زیر فایده برده‌ام:

۱) المسالك والممالك، تألیف ابراهیم بن محمد الفارسی الاصلطخری المعروف بالکرخی، چاپ لیدن، کتابخانه ملی تهران.

- (۲) المسالك والممالك ، تألیف ابوالقاسم ابن حوقل ، چاپ لیدن ، کتابخانه‌ی ملی تهران .
 - (۳) احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم ، تألیف شمس‌الدین ابی‌عبدالله الشامی المقدسی ، چاپ لیدن ، کتابخانه مجلس سنا .
 - (۴) تحفه‌النظار فی غرایب الامصار و عجائب الاسفار ، تألیف ابوعبدالله محمد بن عبدالله المغربي المعروف بابن بطوطه ، چاپ مصر ، کتابخانه نویسنده .
 - (۵) مروج الذهب ، تألیف ابی‌الحسن علی بن‌الحسین المسعودی ، چاپ مصر ، کتابخانه نویسنده .
 - (۶) - التبصر بالتجاره ، تألیف عمرو ابن بحر الحافظ البصری ، چاپ دمشق ، کتابخانه نویسنده .
 - (۷) البلدان ، تألیف ابوبکر احمد بن محمد الهمدانی المعروف بابن الفقیه ، چاپ لیدن ، کتابخانه ملی تهران .
 - (۸) تاریخ الامم والملوک ، تألیف ابی‌جعفر محمد بن جریر الطبری ج ۱ و ج ۳ ، چاپ مصر ، کتابخانه نویسنده .
 - (۹) مقدمه (جزء اول العبر) ، تألیف عبدالرحمن ابن الخلدون المغربي ، چاپ مصر ، کتابخانه مجلس سنا .
 - (۱۰) الخراج وصنعة الکتابه ، تألیف ابوالفرج قدامة ابن جعفر ابن قدامة ، چاپ لیدن ، کتابخانه مجلس سنا .
 - (۱۱) کشورهای خلافت شرقی ، تألیف لسترنج ، ترجمه بشر فرنیس و گورگیس عواد ، چاپ بغداد ، کتابخانه نویسنده .
 - (۱۲) تاریخ مقیاسات ونقود در حکومت اسلامی ، تألیف نویسنده ، چاپ تهران ، کتابخانه نویسنده .
 - (۱۳) ایران در زمان ساسانیان ، تألیف آرتور کریستن سن دانمارکی ، ترجمه رشید یاسمی ، چاپ تهران ، کتابخانه نویسنده .
 - (۱۴) ثمار القلوب تألیف ابومنصور الثعالبی ، چاپ مصر ، کتابخانه نویسنده .
 - (۱۵) مجله نفت منتشره از طرف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران ، چاپ لندن ، کتابخانه نویسنده .
- (درباره‌ی ۲۷۰۰۰ شیشه گلاب جوری که ضمیمه مالیات فارس بدر بار خلفا هر سال فرستاده میشده به : ثمار القلوب ص ۴۲۷ واستخری ص ۱۵۲ و ابن حوقل ص ۲۱۳ و مقدسی ص ۴۳ مراجعه شود.)

سخنرانی آقای حسین فرهودی

کارهای عمرانی در سواحل و جزایر خلیج فارس

آقای فرهودی در سال ۱۳۸۵ خورشیدی در تهران متولد



شده‌اند و تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی
سیاسی دانشکده‌ی حقوق تهران ورشته‌ی
اقتصادی دانشگاه پاریس پایان رسانیده‌اند.
آقای فرهودی مدتی بکار تعلیم
و تربیت پرداخته سپس چندین دوره
نماینده‌ی مجلس شورای ملی را بعهدہ
داشته و شاغل مقامات مهم کشوری نیز

بوده‌اند، اکنون مدتها است معاون پارلمانی وزارت کشور هستند.

خلیج فارس از دوران باستانی و قرن‌ها قبل بزرگترین شریان حیاتی خاور میانه بوده
و مردم سرزمینهای اطراف آن از طریق کشتیرانی در این خلیج با یکدیگر و با سایر کشورها
ارتباط و آشنایی پیدا میکرده‌اند. باین جهت بنادر و جزایر متعلق به ایران در سواحل خلیج
فارس همواره از مراکز عمده‌ی بازرگانی بوده و غالباً تمدن درخشانی داشته‌اند که صفحات
تاریخ شاهد این مطلب است. زیرا خلیج فارس در واقع قسمتی از شاهراه تجارت شرق
و غرب بود.

بهمین دلیل از چندی قبل عمران این ناحیه از کشور ایران همزمان با پیشرفتهای
همه جانبه‌ای که نصیب ملت ایران شده مورد توجه و عنایت خاص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
قرار گرفت و اوامر مؤکدی در مورد امور عمرانی و آبادانی و رفع حوائج اهالی و سکته‌ی
بنادر و جزایر خلیج فارس به مسئولین امر صادر فرمودند تا موجبات پیشرفت کار آبادانی نقاط
مزبور بسرعت فراهم شود.

بدنبال اوامر شاهنشاه سازمانهای مربوط در زمینه‌های مختلف بهداشتی، فرهنگی،
راهسازی و عمرانی بفعالیت دامنهداری دست زدند و در نتیجه اقدامات مفیدی بعمل آمد.

برای آبادانی این منطقه، برنامه‌های وسیعی در دست تهیه و اجرا است که تدریجاً به مرحله عمل درخواهد آمد.

اینک خلاصه‌ی فعالیت‌هایی که در بنادر و جزایر خلیج فارس بعمل آمده ذیلاً شرح داده میشود.

اقدامات عمرانی در سواحل و بنادر خلیج فارس:

اول - ارتباطات و مواصلات - قسمت اول راهسازی

- ۱ - با فعالیت سازمان امدادی سواحل و جزایر خلیج فارس که از تأسیسات جمعیت شیروخورشید سرخ است، نقشه‌برداری ساختمان راه بوشهر به لنگه و عباسی با تمام رسیده و ساختمان ۹۰ کیلومتر از این راه (بین اهرم و بردخون) آغاز شده است.
- ۲ - راه اهواز، خلف آباد به سربندر از طریق مشراکه (مشرقه) بطول ۱۵۷ کیلومتر ساخته و اسفالت شده است.
- ۳ - ساختمان راه کرمان (بندرعباس - کرمان) از دومسیر (یکی از طرف کرمان، دارزین، جیرفت، بندرعباس و دیگری از طرف کرمان - سیرجان - بندرعباس) در دست عمل است و نسبت بدو قطعه از راه مزبور بطول یکصد کیلومتر اقدام لازم بعمل آمده و دستور شروع بکار داده شده است.

قسمت دوم - پست و تلگراف و ارتباط رادیویی

- ۱ - برای استفاده حوزه‌ی خلیج فارس و جزایر از صدای رادیوایران، یکدستگاه فرستنده قوی یکصد کیلوواتی در اهواز نصب شده تا باین وسیله صدای رادیوایران و اخبار را مستقیماً از تهران گرفته و تقویت و پخش نماید.
 - ۲ - از محل اعتبارات برنامه هفت ساله دوم یکدستگاه فرستنده‌ی چهارصد وات در میناب بمنظور استفاده امور مخابراتی نصب گردیده است.
 - ۳ - در بندر شاهپور، بندر دیلم، بندر ریگ، بندر بوشهر، خورموج، بندر کنگان، طاهری، بندر عسلو، گاوبندی، بندر لنگه، بستک، جزیره‌ی صلبوخ، جزیره‌ی خارگ، دیپر، گناوه و جم دفاتر پست برقرار شده و در تأمین رفاه مردم این نقاط تأثیر فراوانی داشته است.
- محمولات پستی این دفاتر با هواپیما یا اتومبیل، کشتی و جماره سوار حمل و نقل میشود. در بندر بوشهر و بندر شاهپور دستگاه‌های تلگرافی دورنویس نصب شده و ارتباط (تله‌تایپ) برقرار است. در نقاط بندر دیلم، بندر ریگ، بندر لنگه، بندر گناوه، بوشهر، برازجان، خورموج، کنگان و گاوبندی نیز ارتباط تلگرافی ساده برقرار است.
- ۱ - حفر ۱۷۰ حلقه چاه در بستک که ۱۰۸ حلقه آن تاکنون بآب قابل استفاده برای

کاریر هستند ارتباط تلفنی برقرار شده و همچنین بندر بوشهر از طریق دستگاه بیسیم چهارصد واتی بامرکز وسایرنقاطیکه دارای دستگاههای تلفنی بیسیم میباشد مربوط است وسایرنقاط دارای تلفنهای عادی هستند .

فرودگاهها :

فرودگاههای بوشهر و آبادان تکمیل و مورد استفاده قرار گرفته اند . نسبت به تکمیل دستگاههای برق و مکانیک و دستگاههای راهنمایی هواپیماها و ابنیهی فرعی آنها اقدام لازم بعمل آمده است .

همچنین نسبت به تکمیل فرودگاه شیراز که ارتباط مستقیم با آسایش و رفاه ساکنین خلیج فارس خواهد داشت ، اقدام گردیده است .

نقشه برداری و عکسبرداری از بنادر :

سازمان برنامه در برنامهی دوم خود در اینمورد اقداماتی بعمل آورد و از مناطق بندر چاهبهار ، بندر عباس ، بندر جاسک ، میناب ، عسلو ، بوشهر ، شاهپور ، خرمشهر ، کنگان ، بندر دیلم ، بندر معشور و بندر لنگه عکسبرداریهای لازم نمود . همچنین نسبت به عکسبرداری از جزایر قشم ، هرمز ، هنگام ، فرور ، کیش ، ایرون هی ، (هندرابی) ، لاوان (شیخ شعیب) ، لارک ، خارگ ، خارکو و راههای زاهدان - چاهبهار بمساحت کلی ۷۴۰۰۰ کیلومتر اقدام نموده است .

ترازیابی

ترازیابی دقیق بطول ۱۶۰ کیلومتر در مسیر (اندیمشک - مسجد سلیمان و گذار لنده) انجام گرفته و نیز در طول ۶۵۰ کیلومتر در مسیر آبادان تا رودخانه موند عملیات شناسائی و نصب علائم انجام و ترازیابی دقیق در همین مسیر از بندر معشور شروع و از طریق هنديجان ، بندر دیلم ، بندر گناوه و بندر بوشهر بطول ۴۰۰ کیلومتر انجام گردیده است . کلیه ارتفاعات این نقاط نسبت بارتفاع روپر واقع در بندر فاو در عراق محاسبه گردیده است .

ژئودرمی

عملیات ژئودرمی فلات قاره در مناطق اهواز ، بهبهان ، بندر دیلم ، بندر بوشهر و بندر مقام انجام و در دوسر بشبکه ژئودرمی سرتاسری بسته شده و مثلث بندی قسمتی از جزایر بشبکه ژئودرمی سرتاسری محور (مرکز ترکیه - پاکستان) وصل شده است .

نقشه برداری شهرها

از بنادر دیلم و معشور و لنگه نیز علاوه بر عکسبرداری هوایی نقشه ای بمقیاس

۱/۲۵۰۰ تهیه شده و عملیات زمینی بطور کلی خاتمه پذیرفته همچنین از بندرعباس و بندر چاه‌بهار نقشه‌ی زمینی بمقیاس ۱/۲۵۰۰ تهیه گردیده است .

اصلاح اسکله‌های بنادر :

برای اصلاح وضع اسکله‌ها و تعمیر باراندازهای چوبی و پایه‌ها و تعویض حایلها اقدام شده . اسکله‌های غربی و شرقی بندر شاهپور تعمیر یافت و بر طول اسکله غربی ۲۸۰ متر و بر عرض آن ۴ متر افزوده شد . یک جاده اتصالی بطول ۲۴۰ متر که ساختمان کف آن چوبی و بر روی پایه‌های آهنی قرار دارد ساخته شد. علاوه اسکله‌ی غربی با احداث یک باب (رستوران ارزان قیمت) و همچنین تأسیسات آب و برق شامل برجهای نورافکن مجهز گردیده است . یک اسکله جدید بطول ۳۶۰ متر با کف بتون آرمه و بر روی پایه‌های بتونی بعنوان توسعه‌ی اسکله‌ی سابق احداث شده که شامل راه اتصالی و خط آهن اتصالی جدید نیز میباشد. در خورفیلیه نیز یک دیوار ساحلی با سپرهای فلزی بطول ۲۰ متر ساخته شده است تا کشتیهای حامل آهنهای وارده را در کنار خور جا بدهد .

انبار کردن کالا :

برای حفظ کالاهای تجارتی چهار انبار ترانزیتی با محوطه‌های سرپوشیده بمساحت ۱۶۰۰۰ مترمربع در بندر شاهپور ساخته شده بطوریکه هم اکنون این بندر با داشتن ۲۶۰۰۰ مترمربع انبار سرپوشیده ، قادر است در حدود شصت و پنج هزار تن کالا را در خود جای دهد. همچنین چهار باب انبار بزرگ در بندر خرمشهر تکمیل و شش باب انبار جدید ترانزیتی که یکی از آنها در خورفیلیه قرار دارد ساخته شده که قادرند دویست هزار تن کالا را در خود جای دهند .

سربندر :

یک شهر جدید در بیابان معروف به سربندر در ۱۵ کیلومتری شمال بندر شاهپور بوجود آمده است . هدف از احداث این شهر در سربندر تأمین شرایط مناسب زندگی جهت کارمندان و کارگران بندر است . همچنین در بندر شاهپور کویهای مسکونی برای ۱۷۶ نفر کارمند و خانواده‌های آنها احداث و تکمیل شده است . علاوه بر این خیابانهای آسفالتی و شبکه‌ی توزیع آب شامل ایستگاه آبگیری از رود جراحی و یک خط ۱۸ کیلومتری لوله آب، کارخانه تصفیه آب و ایستگاه تلمبه‌زنی و لوله کشی بتمام کویهای مسکونی و یک کارخانه برق با نیروی یک هزار کیلووات و کارخانه تصفیه آبهای آلوده و شبکه‌ی انتقال فاضل آب ساخته شده است .

در خرمشهر یک شبکه‌ی جدید توزیع برق شامل کابلهایی با فشار قوی وضعیف و ایستگاههای ترانسفورماتور و نورافکنها در تمام محوطه‌ی بندر نصب گردیده و بشبه توزیع

برق شهر اتصال داده شده است .

برای دوبندر شاهپور و خرمشهر چهارقایق یدك كش بزرگ هريك بقدرت ۹۵۰ اسب بخار و دوقایق یدك كش كوچك و يك لایروب زنبه دار و دو كشتی باركش و دوقایق موتورى بازرسى ، دولكوموتیو دیزل ، ۴۵ واگن راه آهن و چندین دستگاه دیزل با مولد برق و يك ایستگاه هواشناسی تهیه شده است .

صنایع شیلات

نسبت به تکمیل و تجهیز کارخانه کنسرو بندرعباس که کمک مؤثری باهالی و ماهیگیران آن نواحی مینماید اقدام شده است دو دستگاه دیزل ژنراتور بقدرت سیصد کیلووات باماشین آلات انجماد ماهی و یخسازى خریدارى و يك سردخانه ۱۲۰ تنی برای انجماد ماهی ساخته شده و برای اولین بار جهت صید ماهی و بهره بردارى از منابع خلیج فارس شرکت مختلطی بنام شرکت ماهیگیری خلیج فارس تشکیل گردیده که دوثلث سرمایه آن مربوط به سازمان برنامه و يك ثلث آن متعلق به شرکت ژاپونى بود . تأسیس و فعالیت این شرکت سبب تولید کار و ایجاد درآمد خوبى برای عده ی کثیری از مردم این ناحیه گردیده اداره امور این شرکتها از دو سال پیش به شرکت شیلات واگذار گردید .

امور اجتماعى - شهرسازى و تأمین آب و برق

۱ - لوله کشی آب جزایر و بنادر دیر ، کنگان و قشم وسیله ی شیر و خورشید سرخ ایران .

۲ - تهیه آب مشروب دیلم و بستك که در دست اقدام است .

۳ - تأمین برق شبانه روزی بندر بوشهر و اسفالت خیابانهای این بندر و اقدام به تأمین آب مشروب که در دست اجرا است .

۴ - بندر دیلم و برازجان دارای برق هستند و لوله کشی آب مشروب در دست اقدام است .

۵ - برق جزیره ی هنگام از طرف سازمان برنامه تأمین شده است .

۶ - نسبت به تأمین برق بنادر چاه بهار ، جاسك ، میناب ، قشم و لنگه اقدام شده و باتمام رسیده است .

۷ - لوله کشی آب مشروب بنادر تیاب ، چاه بهار ، میناب ، لنگه و بندر عباس و همچنین بستك در دست اجرا است و تدریجاً باتمام خواهند رسید .

۸ - ساختمان و تعمیر بیمارستان ثریا و درمانگاه خضیر و پرورشگاه خیریه فرح پهلوی در بوشهر .

۹ - ساختمان استادیوم ورزشی میناب و دیوار کشی و نرده کشی استادیوم بندرعباس .

۱۰ - تعمیرات ۲۲ دبستان در حوزه فین و تعمیر مدارس و تسطیح خرابه ها و مرمت

جاده‌ها و احداث خیابانها بطول ۱۱۰۰ متر در جزیره قشم .

مؤسسات بهداشتی و بهداری :

- ۱ - احداث سه بیمارستان هریک دارای سی تخت خواب در بوشهر ، لنگه و برازجان بوسیله سازمان عمران امدادی بنادر و جزایر جنوب ایران در دست اقدام است که قریباً باتمام خواهند رسید .
- ۲ - چهار مرکز بزرگ درمانی و بهداشتی در کنگان ، عسلویه ، چارک و مقام وسیله همان سازمان در دست اقدام است .
- ۳ - نسبت به تکمیل درمانگاه بندر دیر و اتمام درمانگاه ناتمام گاوبندی و استقرار يك واحد سیار درمانی در بوشهر اقدام گردیده است .
- ۴ - در جزیره قشم يك درمانگاه وسیله سازمان شاهنشاهی دائر شده و بمداوی مراجعین مشغول است .
- ۵ - درمانگاههای سازمان شاهنشاهی در شادگان ، برازجان ، هندیجان ، میناب ، بندر لنگه ، بندر جاسک مشغول فعالیتند و روزانه عده زیادی باین درمانگاهها مراجعه میکنند و علاوه بر اهالی محل و مناطق اطراف غالب اوقات بیماران از شیخ نشینهای خلیج فارس نیز به این درمانگاهها مراجعه میکنند .
- ۶ - تکمیل ساختمان درمانگاه بندر چاه‌بهار که قریباً باتمام خواهد رسید .

فعالیت‌های بهداشتی :

انواع بیماریهای عفونی ناشیه از آب و بیماری پیوک (مرض رشته) سالها بود که در بنادر و جزایر جنوب کشور شیوع داشت و هر ساله عده زیادی از مردم این نواحی باین بیماریها مبتلا میشدند . شدت این بیماری بحدی بود که بندرت رهگذری از چنگ این بیماری خلاصی مییافت . وجود این بیماری در صفحات جنوب به آب آشامیدنی آنها بستگی داشت زیرا در این مناطق آب رودخانه‌ها بعزت عبور از نم‌زار شور و بدون استفاده مییافت و آبهای زیرزمینی چه کم عمق و چه عمیق برخی تلخ و شور بوده و بندرت چاه آب شیرین یافت میشود و بهمین علت مردم ناچارند آب باران را بنحوی در آب انبارهاییکه بر که نامیده میشوند و دارای شکل استوانه‌ای در داخل زمین میباشند ذخیره کنند . بنابراین بهداشتی کردن این آبگیرها و سالم ساختن آب آنها یکی از ضروری‌ترین کارهای دستگاههای بهداشتی کشور بود که با کمک مرکز انگل‌شناسی صورت گرفت و از سال ۱۳۳۷ در بندر لنگه و بندر کنگ و بعضی از جزایر دیگر عملیات اساسی شروع شد . نتایج این عملیات با اندازه‌ای مطلوب بود که تصمیم گرفته شد این مبارزه گسترش یابد . در ظرف سالهای ۳۷ تا ۱۳۳۹ بیش از هفتصد آبگیر در نقاط مختلف گندزدایی گردید تا جاییکه در سال ۱۳۴۰ بندرت بیمار پیوکی دیده شده است .

مبارزه با مالاریا وریشه‌کنی آن :

در نقاط مختلف جنوبی ایران از چند سال پیش عملیات سمپاشی و مراقبت بمنظور ریشه‌کنی بیماری خانمانسوز مالاریا شروع شده و تاکنون نتایج ثمربخشی داشته است .
در سالهای ۴۰ و ۱۳۴۱ مقاومتی در آنوفل استغنی که ناقل عمده مالاریا در این نواحی است ، مشاهده شد که بیشتر فعالیت سازمانهای بهداشتی در این ناحیه متوجه از بین بردن آن شد و در این راه تاکنون موفقیت‌هایی حاصل شده است .
تنها در سال ۱۳۴۱ در بندر بوشهر ، بندر عباس ، میناب و چاب‌بهار ۸۰۹۶۵۵ تن تحت مراقبت قرار گرفته‌اند و ۲۶۱۵۷ تن پیش‌گیری شده‌اند .

امور فرهنگی :

۱ - ساختن ۵۵ باب دبستان وسیله‌ی سازمان عمران امدادی بنادر و جزایر جنوب ایران در نقاطی که از طرف وزارت فرهنگ تعیین شده‌است و تعداد کمی از آن باقیمانده که بزودی تحویل خواهد شد .

۲ - باموافقت وزارت فرهنگ چادرهای بزرگی از طرف شیروخورشید سرخ در نقاط مختلف برپا کرده‌اند که در آنها مدارس خیمه‌ای شروع بکار نماید و علاوه بر دبستانها دانش‌آموزان بتوانند در آنها به تحصیل مشغول شوند .

۳ - در ابتدای سال تحصیلی ۴۱ - ۴۲ پانزده تن از دوشیزگان فارغ‌التحصیل بوشهر و بندر عباس به آموزشگاههای پرستاری شیروخورشید شیراز و اصفهان اعزام شده‌اند تا دوره دوساله آموزشگاه را پایان رسانده و در تأسیسات درمانی بنادر و جزایر جنوب ایران بکار مشغول شوند .

۴ - بیست تن از جوانان فارغ‌التحصیل سال سوم متوسطه بوشهر ، وسیله‌ی شیروخورشید سرخ به تهران اعزام شده‌اند که در آموزشگاه حرفه‌ای کرج مشغول تحصیل هستند و پس از پایان تحصیل در سازمان اجرائی طرحهای عمرانی جنوب مشغول بکار خواهند شد و در نظر است با این ترتیب در ظرف سه سال تا حدود دویست تن کارآموز بهمین منظور در آموزشگاه حرفه‌ای کرج تربیت شوند .

۵ - دبیرستان حرفه‌ای (شیخ جاسم) زیر نظر شورای عمران امدادی شیروخورشید سرخ در دست تجهیز است تا برای تربیت متخصص فنی در اختیار فرهنگ بوشهر گذاشته شود .

فعالیت‌های اخیر سازمان امدادی بنادر و جزایر جنوب ایران :

سازمان عمران امدادی بنادر و جزایر جنوب ایران در بندر لنگه اخیراً اقدامات جدیدی بعمل آورده که بشرح زیر است :

۱ - حفر ۱۷۰ حلقه چاه در بستک که ۱۰۸ حلقه آن تاکنون بآب قابل استفاده برای

شرب رسیده است .

- ۲ - تبدیل ده حلقه چاه بوسیله‌ی دهلیز افقی بصورت قنات .
- ۳ - نصب تلمبه روی یکی از چاههای دهگانه .
- ۴ - ساختمان سه منبع آب بظرفیت ۱۰ و ۳۶ و ۲۰۰ متر مکعب .
- ۵ - لوله‌کشی و نصب موتور پمپ بین منبع ۳۶ متر مکعبی که سرچاه قرار دارد و منبع ۲۰۰ متر مکعبی که در ارتفاع قرار دارد و منبع ذخیره محسوب میشود .
- ۶ - حفر کانال بطول سه کیلومتر با شیب یک در هزار بمنظور رساندن آب از محل منبع بابتدای غربی شهر محل ساختمان بیمارستان .
- ۷ - ساختمان و اندود سیمانی قسمتی از کانال مزبور .
- ۸ - ساختمان یک سد خاکی بظرفیت ۳۰ هزار متر مکعب برای افزایش آب چاهها و تأمین آب قسمتی از باغها .

نظر اینست که ۱۷۰ چاهی که به آب رسیده و خواهد رسید در عمق به یکدیگر مربوط شوند و بانصب موتور پمپهای برقی یاسوختی در یک یا چند نقطه آب لازم برای شهر فعلی و توسعه بعدی آن در فواصل مختلف گرفته شود و پیش‌بینی میشود که بتوان تا ده برابر مصرف فعلی یعنی تا میزان -/۲۰۰۰ متر مکعب در روز آب تهیه نمود . همچنین از نظر افزایش آب منابع زیرزمینی از آب شیرین پیش‌بینی شده که تعداد ده عدد سد خاکی در معبر دره‌ها و بالای مسیر چاهها حفر گردد تا در افزایش آب شیرین چاهها و تأمین قسمتی از آب باغهای موجود و آنچه بعداً احداث خواهد شد کمک شود .

موازی با عملیات مذکور در بندرلنگه عملیات مشابهی در بستانه و بندر مغویه صورت گرفته و قرار است آب مشروب و زراعی در سرتاسر حاشیه سواحل و بنادر جنوب ایران تأمین و حتی باغها و مزارعی که احتیاجات اهالی را تأمین و قسمتی برای صدور تولید نماید ایجاد گردد .

از نظر شهرسازی در بندرلنگه نیز اقدامات جدیدی بعمل آمده است :

- ۱ - احداث خیابان بن کاظم و تسطیح و دیوارسازی و شن‌ریزی آن .
- ۲ - احداث و تسطیح خیابانهای درمانگاه ، پارک ، دبیرستان بندرعباس بطول سه کیلومتر .

۳ - دیوارسازی و قسمتی از تسطیحات داخلی استادیوم ورزشی .

- ۴ - دیوارسازی و قسمتی از تأسیسات داخلی پارک کودکان ، نصب چرخ فلک و چند وسیله بازی دیگر .

۵ - احداث خیابان ساحلی متصل بدریا بمنظور گردش مردم . مراقبت دریا با وسایل موتوری .

۶ - ادامه بولوار شهر تا دریا و تخریب و تسطیح مقداری از ویرانههای قدیمی .

۷ - احداث یک میدان و تسطیح قسمتی از ویرانههای قدیمی و احداث یک خیابان

در مغرب شهر .

۸ - چون در شهر قدیم بندر لنگه ادامه نوسازی با اشکالات مواجه بود در قسمت غربی شهر یعنی از محل بیمارستان بسمت مغرب با انجام تسطیحات لازم برای چهارخیابان شرقی غربی (موازی با دریا) و چهارخیابان شمال - جنوبی (عمود بر دریا) که تا دریا امتداد دارد شهر جدیدی بوجود آمد .

۹ - تأسیس شش کوره‌ی آهک که در نتیجه آن قیمت آهک از تنی ۸۰۰ و ۱۰۰۰ ریال به تنی ۳۵۰ ریال تخفیف یافت .

۱۰ - تأسیس کارخانه نجاری و کشتی‌سازی که قادر است کلیه در و پنجره‌های بیمارستانها ، درمانگاهها ، مدارس ، قفسه‌ها ، میز و نیمکتها و لوازم چوبی منطقه را تهیه و هرامه تا سه‌فایق موتوری بظرفیت ۲۵ تا ۱۰۰ تن بسازد .

۱۱ - تهیه یک سردخانه بظرفیت سه‌مترمکعب که در درجه اول یخ مورد احتیاج آن منطقه را تأمین کند و سپس برای تهیه گوشت ، ماهی و میگو مورد استفاده قرار گیرد .

۱۲ - چهل کیلومتر از مسیر راه بین لنگه و چارک نقشه‌برداری شده و بیست کیلومتر آن بصورت راه درجه ۲ آماده گردیده است .

اقدامات اخیر سازمان عمران امدادی بنادر و جزایر جنوب ایران درباره آبیاری آن مناطق ۱ - با ایجاد ایستگاه تلمبه‌زنی کلل در نهمه‌ماه از سال حداقل دومتترمکعب در ثانیه از مازاد آب رودخانه‌های شاپور و دالکی برای آبیاری چهار هزار هکتار از اراضی دهستان زیارت و دهستان انگالی مورد استفاده قرار می‌گیرد ، اکنون نود درصد ماشین‌آلات و مصالح مورد نیاز این دستگاه تهیه گردیده است و بزودی تکمیل خواهد شد .

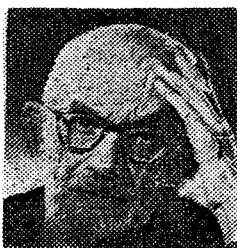
۲ - بمنظور استفاده فوری از آب رودخانه دالکی برای مشروب ساختن نخیلات و مزارع غله دهکده ده قائد (محمدآباد) شاه‌نهری بظرفیت چهارمترمکعب در ثانیه حفر گردیده و طول آنها در شبکه آبیاری این طرح بالغ بر چهارده کیلومتر میباشد . اجرای این طرح سبب شده که محصول غله دهکده محمدآباد از نابودی حتمی نجات یابد و محصول نخیلات آنجا بمراتب بهتر از گذشته بشود .

۳ - شبکه‌ی آبیاری در بیش از یک هزار هکتار اراضی دیم منطقه چاموشی ، قلائی ، بصری و چم‌تنگ حفر و آماده آبیاری شده که هم‌اکنون در قسمتی از این اراضی ذرت خوشه‌ای کشت گردیده و نتیجه آن بسیار خوب و رضایت‌بخش است و بیش از نود هزار متر نهر و زهکشی جدید حفر و انهار اصلی لارویی اساسی شده و متجاوز از ۱۲ کیلومتر راه شوسه در کنار انهار جدید ساخته شده است .

یادداشت : فهرست مذکور در این گفتار شامل اقداماتی است که تا هنگام تأسیس سمینار خلیج فارس بعمل آمده بوده است . از آن تاریخ تا امروز که این کتاب آماده چاپ میشود اقدامات مهم دیگری در این زمینه انجام شده که مهمترین آنها آغاز ساختمان بندر بزرگ در بندر عباس است .

جغرافیای تاریخی خلیج فارس

استاد سعید نفیسی از دانشمندانی هستند که آثار بسیار در تاریخ



و ادبیات ایران دارند ایشان در زبان فرانسه
متبحر و در این زبان نیز آثاری بوجود
آورده اند .

استاد نفیسی در خرداد ۱۳۷۴ خورشیدی
در تهران متولد و تحصیلات ابتدائی
و متوسطه را در تهران و تحصیلات عالی
را در فرانسه بانجام رسانیده اند .

استاد نفیسی سالهای متمادی است که در دانشکده های مختلف
مانند دانشسرای عالی و دانشکده ی ادبیات بتدریس اشتغال دارند
و اکنون نیز عضو شورای فرهنگی سلطنتی هستند .

درباره وضع کنونی کره زمین در میان دانشمندان کشورهای مختلف عقاید مختلف
هست ، برخی معتقدند که پس از انقلاب عظیمی که در کره ی زمین روی داده است دوران
یخبندان آغاز شده و پس از آن دوره ی باران پیش آمده است و سپس تدریجاً آب و هوا تغییر
کرده و دوران کنونی که آنرا دوره ی خشک اصطلاح کرده اند فراهم شده است .

در دوره ی باران یعنی پیش از دوران کنونی در مرکز ایران ، چنانکه برخی از
دانشمندان گفته اند ، دریاچه ی بسیار بزرگی بوده است که از کوههای اطراف رودهای بسیار
در آن می ریخته و این دریاچه باندازه ای وسعت داشته که دریاچه ی رضائیه ی امروز و دریاچه ی
ساوه و دریاچه ی نیریز و دریاچه ی هامون را از بقایای آن می دانند و برخی معتقدند که این
دریاچه ی مرکزی از جنوب بخلیج فارس پیوسته بوده است . در این ناحیه از ایران نه تنها
در کویرها و نمک زارهای خشک مرکزی بلکه در ارتفاعات البرز و در توجال در مجاورت
طهران بقایای جانوران دریایی که سنگ و فوسیل شده اند بدست آمده است .

در دوره ی کنونی یعنی همین دوران خشکی تدریجاً هوای ایران رو بخشکی رفته
و از وسعت سطح دریاچه ها کاسته شده است . اما در دوره ی باران یعنی دوران دوم و دوره ی

پیش از دوران کنونی سراسر آسیای مرکزی یعنی دشت خاوران قدیم و قراقوم امروز نیز دریاچه‌ی بسیار بزرگی بوده است . پیش ازین دوران یعنی در دوره‌ی باران طوایف آریایی بعقیده‌ی برخی از دانشمندان در جنوب سیبری و بعقیده‌ی برخی دیگر در ارتفاعات پامیر زندگی می‌کرده‌اند و در دوره‌ی کنونی همین که زمین روبخشکی رفته‌است بجنوب مایل شده‌اند و دوره‌ی مهاجرت نژاد آریایی بایران و هندوستان آغاز شده‌است . دروندیداد یاویدوداد ، از کتابهای اوستا ، نیز بدین مطلب اشاره رفته‌است و چون نخستین طوایف آریایی نخست در هندوستان و ایران وارد تاریخ شده‌اند ، پیداست که از سرزمین مجاور هند و ایران بمهاجرت آغاز کرده‌اند و دلیل این که از پامیر فرود آمده‌اند قوی‌تر از دلایل دیگر است .

چون آثار تمدنی که در نجد ایران یعنی ایران جغرافیایی ، که بخط کلمه‌ی فلات را برای آن بکار می‌برند ، بدست آمده است از هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد ، پیداست که این مهاجرت از شمال بجنوب در هفت هزار سال پیش آغاز شده‌است . دوران این مهاجرتها بسیار طولانی بوده و تدریجاً از شمال بجنوب آمده‌اند تا اینکه در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد بدریاهای جنوب رسیده‌اند .

درین موقع خلیج فارس بمراتب پیش از امروز درخاک ایران پیش آمدگی داشته است . دانشمندان عموماً معتقدند که در آغاز دوره‌ی تاریخ یعنی تقریباً سه هزار سال پیش از میلاد سواحل خلیج فارس تقریباً ۵۰ کیلومتر بالاتر از کرانه‌های امروز و در شمال سواحل کنونی درخاک ایران گسترده بوده‌است .

در آن زمان هنوز شط العرب تشکیل نشده بود و رودهای دجله و فرات جداگانه بدریا می‌ریخته‌اند . امروز شط العرب پیش از شش هزار متر مکعب آب در هر ثانیه بدریا می‌ریزد و در زمین‌های رسوبی جاریست که پیوسته برسوبهای آن افزوده می‌شود و در مصب خود دلتای باتلاقی تشکیل می‌دهد و در ساحل چپ آن قسمتی از رود کارون هم بآن ملحق می‌شود . معمولاً عقیده دارند که هر سی سال هزار و شصت متر رسوب در دریا پیش می‌رود .

هنگامی که آریاییان ایرانی سراسر نجد ایران را از کنار رود جیحون یا آمو دریای امروز که ایرانیان بآن آموی و آمویه می‌گفته‌اند و در آن زمان بدریای خزر می‌ریخته تا دریاهای جنوب مسکن خود قرار داده‌اند . بسه گروه بزرگ تقسیم می‌شده‌اند : گروه مشرق و شمال شرقی طوایف پارت و گروه شمال و شمال غربی طوایف ماد و گروه جنوب و جنوب شرقی تامرکز ایران طوایف پارس را تشکیل داده‌اند .

از همان زمانی که پارسها بلب دریای جنوب رسیده‌اند یعنی از هزاره‌ی دوم پیش از میلاد می‌بایست نام این دریا را دریای پارس یا خلیج پارس گذاشته باشند ، زیرا از نخستین روزی که نام این دریا در اسناد معتبر تاریخی آمده‌است تا امروز همواره آنرا بهمین نام خوانده‌اند و در سراسر جهان متمدن همیشه بهر زبانی این نام رواج داشته‌است .

از هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد که عیلامیان اسنادی برای تاریخ گذاشته‌اند ما از وضع جغرافیایی خلیج فارس اطلاع داریم. در آن زمان جنوب غربی خوزستان در کنار دریاچه‌ای از آب شور واقع شده بود که آبهای چهار رود کرخه و بالا رود و دز و کارون امروز و بخشی از آبهای دجله بآن میریخت. قسمت سفالی کارون را حتی تا عصر ساسانی «سدره» یعنی یکصد راهه مینامیدند زیرا آب این رود پس از آبیاری زمینهای زیر کارون پایین از مجاری بسیار در مرداب بزرگی وارد میشد که بخلیج فارس پیوسته بود. درین مدت رود کارون بستر خود را بارها تغییر داده است و اکنون قسمتی از آبهای آن بشط العرب می‌پیوندند. چنانکه گفته شد در آن زمان هنوز شط العرب تشکیل نشده بود و دجله و فرات هر یک جداگانه بخلیج فارس می‌ریختند و تا پایان دوره‌ی ساسانیان بهمین حال باقی بوده است.

چنانکه پس ازین خواهد آمد هنگامی که نثارخوس در یاسالار اسکندر مقدونی سراسر خلیج را پیموده است همین حال را داشته است. اینک در همین منطقه در میان بیابان بآثار شهرهای بسیار کهن سومری بر می‌خوریم که مهم‌ترین آنها دوشهر «اریدو» و «اور» هستند و نیم دایره‌ای از تپه‌ها در آنجا هست که ویرانه‌های آبادیهای آن زمانست و در آن دوره نزدیک ساحل بوده‌اند. از آن پس رسوبهای رودها این نواحی را فرا گرفته است. باستان‌شناسان عقیده دارند که این آبادیها حقیقتاً در لب دریا نبوده بلکه آنها را در روی دماغه‌هایی ساخته بوده‌اند که آب شیرین داشته‌اند.

در داخله‌ی ایران نیز تغییراتی درین ناحیه روی داده است چنانکه هنوز در اطراف شهر شوش آثار نهرهایی باقیست که آب از رود کرخه می‌گرفته‌اند. نهری که اکنون از نزدیک شوش می‌گذرد و بنام شاوور خوانده میشود سابقاً بکرخه پیوسته بوده است اما امروز سراب آن پر شده و در پایاب آن مقدار آبی بصورت زه آب جاری است.

پیش از آنکه جلگه‌ی رسوبی عراق تشکیل بشود رود فرات که از کوهستانهای شمال ارمنستان جاری میشد در حدود شهر هیت کنونی بدریا می‌ریخت و مصب رود دجله هم تقریباً در حدود شهر موصل امروز بود.

خوزستان جنوبی هم در آغاز تاریخ و حدود هزاره‌ی سوم پیش از میلاد سرزمین باتلاقی بوده و در میان آبها جزایر کوچکی بوده است و سواحل واقعی خلیج بحداکثر صد کیلومتر تا شهر شوش فاصله داشته است. در حفاریات باستان‌شناسی تقریباً در دومتری سطح زمین بآبی بر می‌خورند که از نفوذ آبهای رودهاست و پس از ۲۵ متر خاکبرداری بآثار تمدنی که در زیر زمین مانده است بر می‌خورند. در بین النهرین تا زمان کواذ یا قباد ساسانی که از ۴۸۷ تا ۵۳۱ میلادی پادشاهی کرده است بندهای متعددی که ساسانیان مخصوصاً برای آبیاری بر روی دجله بسته بودند تا آبهای رود بیشتر بمصرف کشاورزی برسد دایر بود و در کنار این رود و فرات بندهای خاکی ساخته بودند که آب رودها هنگام طغیان زمینهای زراعتی را فرانگیرد و باقی آب دجله از زیر شهر بصره‌ی کنونی می‌گذشت و یکسره وارد خلیج فارس می‌شد. در زمان کواذ در جنوب کسکر شکافهایی در این بندهای جانبی رود

دراثر طغیان زمستانی دجله پدید آمد و آنرا تعمیر نکردند. بهمین جهت بسیاری از کشتزارهای آن ناحیه را آب فراگرفت و مردابهایی فراهم شد. خسرو نوشیروان چون بسلطنت رسید دستور داد بندها را بستند و قسمتی ازین زمینها دوباره آبادان شد. اما درسال ششم هجری درسلطنت خسرو پرویز فرات ودجله باهم طغیان سختی کردند و در بندهای کناره‌های هردو رود شکافهای بزرگ پدیدآمد. خسرو پرویز دستور داد آن بندها را ببندند و برای این که کارگران را وادارند کارخودرا زودتر بپایان برسانند پول فراوانی روی فرش ریخته بودند که هرکس کار خودرا زودتر انجام دهد از آن پول بردارد. اما این کوشش سودی نداد و مردابهای جنوبی عراق که آنها را بطایح می گویند پدید آمد و هنگامی که سرزمین عراق بدست تازیان افتاد توجهی باینکار نکردند و شکست بندها بیشتر شد. پس از آن دیگر کار گزاران تازی اقدامی هم نکردند و مردم آن نواحی هم وسیله‌ی کار نداشتند و بهمین جهت مردابها هرروز بیشتر و بزرگ تر می شد. در زمان معاویه که عبدالله بن جراح مأمور وصول مالیات سرزمین سواد یعنی بین النهرین شد قسمتی از مردابها را خشک کرد و درآمد سالیانه‌ی آنجا بالغ بر پنج میلیون درهم شد.

پس از آن در زمان ولید بن عبدالملک حسان نبطی ازسوی خلیفه مأمور این کار شد و سپس در روزگار هشام بن عبدالملک هم برسر این کار بود و وی هم قسمتی از مردابها را خشک کرد و این زمینهای تازه خشک شده را «جوامد» یعنی زمینهای جامد و خشک کرده نامیدند.

در زمان حجاج بن یوسف ثقفی هم کارهایی درین زمینه کردند بدین معنی که نهرهایی کندند که پیش ازین دوره نبود و درین دوره برای آبیاری کشتزارها و رسیدن آب شیرین ببصره نهرها را کنند و درین زمان باز طغیان سختی روی داد و خرج خشک کردن مردابها را سه میلیون درهم تخمین کردند و چون ولید بن عبدالملک این مبلغ را گراف دانست و نخواست پردازد این کار ماند و اجاره‌ی آنرا بحجاج نداد.

چندی بعد مسلمة بن عبدالملک داوطلب شد این کار را بخرج خود بکند و درآمد این زمینها از آن او شد و برای این کار همان سه میلیون درهم را خرج بکند. بدین گونه زمینهای بسیار از زیر آب بیرون آمد و ازهرسو برزگران و کارگرانی برای کشت و زرع این نواحی آورد و حتی خرده مالکان اطراف هم برای او کار کردند.

هنگامی که بنی العباس بخلافت نشستند و دارایی بنی امیه را درهمه جا ضبط کردند خلیفه‌ی اول عباسی سفاح ناحیه‌ی سیب را که یکی از نواحی آباد شده بود باقطاع بعمش داود بن علی بن عبدالله بن عباس داد که تا آن زمان در دست بازماندگان مسلمة بن عبدالملک مانده بود و بعدها این دو ناحیه را از وارثان داود خریدند و جزو خالصه‌ی دربار خلافت بغداد کردند.

بدین گونه در دوره‌ی اسلامی در وضع جغرافیایی سرزمین سواد یا بین النهرین بواسطه‌ی رسوبی بودن خاک تغییرات بسیار روی داده و رودها بستر خودرا عوض کرده‌اند.

بیشترها فرات و دجله هریک جداگانه بخلیج فارس می ریختند و شط العرب امروزی تشکیل نمی شد، زیرا در تابستان بیشتر آبهای این دو رود بزرگ بوسیله بندهایی که بسته و نهرهایی که از دوسوی کنده بودند بمصرف آبیاری کشتزارهای اطراف می رسید و بآن اندازه آب باقی نمی ماند که شط بزرگی مانند شط العرب امروز تشکیل بشود و نیز بهمین جهت بود که سرزمین عراق و بین النهرین امروز که همان سرزمین سواد در زمان خلفا است بمراتب آبادان تر و حاصل خیزتر از امروز بود.

رود کارون هم که از اجتماع آب رود دز و بالارود تشکیل می شود در آن زمانهای باستانی سدی داشته که بنام شادروان اهواز معروف بوده است. در زمان قدیم برود کارون «پس تیگر» می گفتند و برخی نام اولائی را نوشته اند که برود دز بیشتر منطبق است و این کلمه را یونانیان قدیم «اولائئوس» تلفظ می کرده اند. اکنون رود کارون هر سالی مقدار مهمی مواد رسوبی باخود می آورد و مصب خود را تدریجاً پر می کند.

پیداست که در زمانهای قدیم نیز همین حال را داشته است. بهمین جهت حد شمالی خلیج در زمانهای مختلف نوسان داشته است. رودهای دیگر این ناحیه نیز مانند کارون رسوب بسیار باخود می آورند و آبهای آنها نیز کم و زیاد می شود و در سالهایی که بر کوههای اطراف برف بیشتر بیارد بر حجم آنها نیز افزوده می شود.

تغییراتی که در سواحل خلیج فارس پیش آمده در زمانهای مختلف قهراً در بندرها و جزیره ها نیز منعکس شده و وضع آنها را تغییر داده است.

در دوره های تاریخی که کم کم رابطه دریایی در میان مشرق و مغرب کره ی زمین توسعه یافته است فنیقیان که در کشتی رانی در میان ملل مشرق آزموده تر و ورزیده تر بوده اند قهراً بیش از دیگران سفرهای دریایی از خارج خلیج فارس را بعهده داشته اند و در داخل خلیج نیز کشتی رانی در میان کرانه های شمالی و جنوبی برقرار بوده است.

در سال ۵۱۹ پیش از میلاد داریوش بزرگ سکیلاکس (سکولاکس) یونانی از مردم شهر کاریاند در سرزمین کاری را که جغرافیادان و جهانگرد بوده است مأمور بررسی در بستر رود سند کرد که از زمان کورش بزرگ ایرانیان بر سواحل شمالی آن دست یافته بودند. هرودوت شرح سفر وی را چنین آورده است که از مصب رود سند گرد عربستان گشت و بساحل مصر در دریای سرخ رسید و راه دریانوردی را برای دولت ایران مورد بررسی قرار داد و این مأموریت وی سی ماه کشید.

در میان سالهای ۵۱۶ و ۵۱۴ پیش از میلاد داریوش بزرگ از راه نیل ترعه ای ساخت تا دریای روم را بدریای سرخ و اقیانوس هند و خلیج فارس مربوط بکند. کتیبه ای که در موقع کندن این ترعه و ساختمان آن در کنار کانال کار گذاشته اند هنوز در جهان هست. اسکندر مقدونی در لشکر کشی با آسیا نئارخوس دریادار معروف خود را مأمور بررسی در دریاهای جنوب کرد و وی در سالهای ۳۲۶ و ۳۲۵ پیش از میلاد از مصب رود سند تا خلیج فارس را پیمود و سفرنامه ای ترتیب داده بود که اصل آن از میان رفته و خلاصه ای

از آن در تاریخی که آریان مورخ معروف یونانی در قرن اول پیش از میلاد بعنوان «لشکر کشی اسکندر» نوشته باقی مانده است.

در دوره‌ی ساسانی که قسمت عمده‌ای از مشرق و شمال شرقی عربستان خراج گذار ایران بوده است کشتی رانی و دریانوردی در خلیج فارس مورد توجه کارگزاران شاهنشاهی ساسانی بوده است. بدلیل آنکه ساسانیان از راه خلیج فارس لشکر کشی کرده‌اند. از جمله در زمان شاپور دوم (۳۱۰ - ۳۷۹) لشکریان ایران بفرماندهی شاهنشاه ساسانی بسرکوبی تازیان یاغی خلیج رفته‌اند. همچنین لشکر کشی ایرانیان به یمن از راه خلیج روی داده است. حبشیان بر آن سرزمین تاخته بودند و پادشاه یمن از خسرو نوشیروان یاری خواست و وی سپاهی بفرماندهی وهرز از راه خلیج فارس ب یمن فرستاد که حبشیان را از آنجا بیرون کردند و سرزمین یمن پس از هفتاد اند سال از اسارت زنگیان آزاد شد.

برای این کار سیف بن ذی یزن که از بازماندگان خاندان شاهی قدیم حمیریان بود بشهر تیسفون پای تخت ساسانیان آمد و توجه پادشاهان ایران را جلب کرد که سپاهی بجنوب عربستان بفرستد و سرانجام لشکری بفرماندهی وهرز یا بهرز که لشکریان او ایرانیان مأمور از دربار ساسانی و تازیان دست نشانده‌ی ایران بودند ب یمن رفت و حبشیان را از آن سرزمین بیرون کرد. چنانکه تامدتی دیگر جرأت نکردند باز گردند و سیف ذی یزن را ایرانیان بیادشاهی نشانند ولی پس از بازگشت سپاهی که از ایران رفته بود چندتن از مزدوران سیاه پوست او سیف ذی یزن را کشتند. بهمین جهت بهرز بفرمان نوشیروان تمام زنگیان حتی دورگه‌ها را قتل عام کرد و یمن جزو ایالات ایران شد و از آن پس همواره حکمرانانی از جانب ایران در یمن فرمانروایی کرده‌اند تا آنکه آخرین حکمران ایرانی یمن که باذام یا باذان نام داشت در صدر اسلام با خانواده خود اسلام آورد و پیرو حکومت اسلامی عربستان شد و پس از آن دوباره پریشانی و اغتشاش در یمن روی داد و بار دیگر در زمان خلافت ابوبکر آن سرزمین آرام شد ولی ایرانیانی که در زمان ساسانیان بمأموریت یمن رفته بودند در آنجا مانده بودند و فرزندان شان نیز در یمن بسیار شدند و شاید در صدر اسلام هم گروهی دیگر از ایرانیان بعربستان هجرت کرده باشند و این ایرانی زادگانی را که در آن سرزمین می زیسته‌اند و از نژاد عرب نبوده‌اند تازیان «ابناء» یا «ابناء الاحرار» مینامیده‌اند و پدران شان درین دول لشکر کشی از راه خلیج فارس بعربستان رفته‌اند. این وقایع در حدود سال ۵۹۷ میلادی روی داده است.

در خوزستان و در قسمتی از کشور عراق حتی در دوره‌ی پیش از هخامنشیان طایفه‌ای از نژاد سامی جای گرفته بودند که بایشان آرامی می گفتند و زبان خاصی داشته‌اند از ریشه‌ی زبانهای سامی نزدیک بزبان سریانی و عبری و عربی بنام زبان آرامی که خط مخصوصی مانند خط عبری و خط سریانی و خط کوفی زبان تازی داشته است. آرامیان استانهای غربی ایران و دست نشانده‌ی هخامنشیان بدان جهت که لشکر کشیهای هخامنشیان بیشتر بسوی مغرب بوده است و ایشان در سر راه این لشکر کشیها می زیسته‌اند در دستگاه دیوانی شاهنشاهی

هخامنشی تا اندازه‌ای مفید و مؤثر بوده‌اند و خط و زبانشان در ادارات ایران بکار می‌رفته و یکی از زبانهای رایج از دوره‌ی هخامنشیان تا پایان دوره‌ی ساسانیان بوده‌است. در دوره‌ی ساسانیان در نیمه‌ی دوم قرن پنجم میلادی گروهی از این آرامیان ساکن ایران آن‌روز بدین نستوری یکی از فرق دین مسیح‌گرویده‌اند و در خوزستان و بین‌النهرین کلیساها و صومعه‌های بسیار فراهم کرده‌اند. بر سر هر ناحیه یا آبادی که کلیساها یا صومعه‌ای در آن داشته‌اند بزبان خود نامی گذاشته‌اند و در اسنادی که بزبان آرامی و زبان سریانی از ایشان باقی مانده‌است این نامها را بکار برده‌اند. در دوره‌ی ساسانی زبان دینی ایشان زبان سریانی بوده و این نامها نیز بزبان سریانیست. برخی از این نامها را که بآبادانی‌های بزرگ داده‌اند می‌توان با نامهای ایرانی آنها تطبیق کرد چنانکه «بیت سلوخ» شهر سلوکیه و «بیت لابط» شهر گندی‌شاپور و «بیت نوهدره» سرزمین دستگرد و بقریه‌ای از همان سرزمین دستگرد «بیت قیته» و بقریه‌ای در بیرون شهر تیسفون «بیت ارمی» و بقریه‌ای از ناحیه‌ی مکران «بیت دارایی» می‌گفتند. بیت در زبان سریانی بمعنی جایگاه و نظیر همان کلمه‌ی بیت تازی بمعنی خانه‌است. از این‌جا پیداست که این کلمات ترجمه‌ی ایرانیست که در پایان آنها پسوند‌های «آباد» و «گرد» بوده‌است. وضع جغرافیایی خلیج فارس در آغاز دوره‌ی اسلامی نسبت بدوره‌ی ساسانی چندان تغییری نکرده‌است. بهمین جهت آنچه جغرافیایان در آغاز دوره‌ی اسلامی بزبان فارسی یا تازی درباره‌ی خلیج فارس نوشته‌اند هم‌وضع دوره‌ی ساسانی و هم وضع آغاز دوره‌ی اسلامی را می‌رساند.

درین دوره تاملاتی در همه‌ی کتابهای جغرافیا نام خلیج را بیشتر دریای پارس و دریای فارس و بزبان تازی بحر فارس می‌نوشته‌اند و کلمه‌ی خلیج را از قرن چهارم هجری بکار برده‌اند و نخستین کسی که این کلمه را بکار برده مطهر بن طاهر مقدسیست که در کتاب البدء والتاریخ که در ۳۵۵ تألیف کرده نام این دریا را هم «خلیج الفارسی» و هم بحر فارس نوشته‌است.

در آغاز دوره‌ی اسلامی در اصطلاحات جغرافیایی خلیج فارس کلمات عربی را وادار کرده‌اند و در کتابها این کلمات بیشتر متداول بوده‌است. بهمین جهت آبادیهای کنار دریا را «سیف» می‌گفتند که بمعنی کناره‌است. ناحیه‌ی اردشیر خره دارای سه سیف در گرمسیر بوده‌است. یکی «سیف عماره» در مشرق جزیره‌ی «کیش» دیگر «سیف زهیر» در جنوب ایراهستان، نزدیک بندر سیراف. دیگر «سیف مظفر» در شمال شهر نجیرم. سیف عماره در قرن چهارم قلعهای در کنار دریا داشته‌که تنها با چنگ‌هائی که بدیوار آن می‌انداختند می‌توانستند از آن بالا بروند و آن قلعه را دیگدان یادیک‌پایه می‌گفتند و بیست کشتی می‌توانست در کنار آن پهلو بگیرد و پس از ویران شدن بندر سیراف بندر تجارتی خلیج فارس شد.

جزیره‌ی کیش شهری با باروی محکمی داشته و بر که‌های متعدد برای آب آشامیدنی در آنجا ساخته‌بوده‌اند و در کرانه‌ی آن صید مروارید می‌کرده‌اند و لنگرگاه کشتی‌هایی بوده

که از هندوستان و عربستان می‌آمده‌اند و نخلستان بزرگی داشته‌است . مسافت این جزیره را تا ساحل چهارفرسنگ نوشته‌اند و روبروی آن در ساحل لنگرگاه کوچکی بوده‌است که قلعه کوچکی داشته و هزو نام داشته‌است و هنگامی که یاقوت حموی آنرا دیده ویران بوده‌است و پیش از ویرانی راه کاروانی شیراز با آنجا منتهی می‌شده و آن قلعه زندانی بوده‌است که پادشاهان آل‌بویه آنرا ساخته بوده‌اند .

سیف‌زهریر دوبندر داشته‌است . یکی نابند و دیگری سیراف . نابند در کنار خلیجی بود که بآن خور نابند یا خلیج نابند می‌گفتند . سیراف در زمان آبادی بندر بسیار بزرگی در مغرب خلیج نابند و در انتهای شاهراه شیراز و فیروزآباد بلب‌دریا بوده‌است .

نوشته‌اند که سیراف در بزرگی و آبادی با شیراز رقابت میکرد . ساختمانهای آن از چوب ساج بود که از زنگبار می‌آوردند و در کنار دریا بناهای چند طبقه داشته‌است که بسیاری از آنها مجلل بوده و مردم آنجا بسیار توانگر بوده‌اند و اهمیت آن از بصره بیشتر بوده‌است . در سال ۳۶۶ یا ۳۶۷ زمین لرزه‌ی بسیار سختی در آنجا روی داده که هفت روز کشیده‌است و مردم بدریا گریخته‌اند و شهر ویران شده‌است .

از آن روز بندر سیراف متروک شده و پس از ویرانی در قرن هفتم تنها مسجدی از آن باقی مانده بود که ستونهایی از چوب ساج داشته‌است . آبادی مختصری را که از آن باقی مانده‌است در دوره‌های بعد شیلاو نامیده‌اند و نزدیک بندر طاهری امروزست .

بندر سیف‌مظفر شهر نجیرم بوده‌است در مغرب سیراف و آن نیز برکه‌هایی از آب باران داشته‌است . جزیره‌ی خارگ را هم در آن زمان از توابع اردشیر خره می‌دانستند و لنگرگاه کشتی‌هایی بود که از بصره بجزیره‌ی کیش و از آنجا به هندوستان می‌رفتند .

جغرافیایان قدیم نوشته‌اند که این جزیره بسیار حاصل‌خیز است و میوه‌ی فراوان دارد و نخل بسیار در آن هست و از صید گاههای مروارید است .

در اواسط قرن سوم پیش از میلاد پس از ضعف پادشاهان سلوکی که از ۳۱۲ پیش از میلاد بر ایران استیلا یافته بودند در مغرب ایران آن روز در چهار ناحیه حکمرانان مستقلی پیدا شدند و سکه زده‌اند و سپس در ۲۵۰ پیش از میلاد که اشکانیان تدریجاً همه‌ی نواحی ایران را خراج‌گذار خود کردند ، این چهار ناحیه دست‌نشانده‌ی ایشان شدند . یکی از این نواحی در انتهای جنوب غربی بوده‌است که یونانیان نام آنرا « خاراکنه » نوشته‌اند و در زبانهای اروپایی « خاراسن » تلفظ می‌کنند .

این ناحیه منتهی بخلیج فارس می‌شده‌است و نام پایتخت آنرا یونانیان خاراکس نوشته‌اند و اسکندر مقدونی این شهر را بندر بزرگی تبدیل کرد .

این ناحیه ظاهراً تا سرزمین عراق امروز امتداد داشته و از طرف دیگر بناحیه‌ی دشت میشان امروز و میسان قدیم منتهی میشده و درین قسمت شهری بوده‌است که در دوره‌ی اسلامی بآن کرخ میسان می‌گفتند .

در دوره‌ی اسلامی این شهر کرخ میسان را استراباد هم می‌گفته‌اند و پیداست که

این شهر دو اسم داشته است . شاید کرخ نام این شهر بزبان آرامی و استراباد نام آن بزبان ایرانی بوده باشد .

بعقیده من نام جزیره خارك از همین کلمه خاراکنه گرفته شده و جزیره خارك امروز جزو همین سرزمین خاراکنه بوده است .

نام بوشهر نخستین بار در معجم البلدان یاقوت در کلمه‌ی بحر فارس آمده و این کتاب در ۶۲۱ بپایان رسیده است . پیداست که پیش از آن بوشهر اهمیتی نداشته و گمان می‌رود پس از ویران شدن سیراف بوشهر اهمیت پیدا کرده باشد .

اکنون خلیج فارس نزدیک ۹۰۰ کیلومتر طول و ۲۸۷۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد . ظاهراً در قدیم سطح دریا وسیعتر از امروز و مساحت آن بیش از امروز بوده است چنانکه در کتابهای جغرافیای قرن چهارم هجری شهرآبادان یا عبادان آن روز را در کنار دریا نوشته‌اند .

هنگامی که ناصر خسرو در قرن پنجم بآنجا رفته دوفرسنگ از دریا فاصله داشته است . در زمان ابن بطوطه تقریباً بهمین اندازه بوده و اینک هشتاد کیلومتر تا دریا فاصله دارد . نام قدیم شهرآبادان عبادان بوده است زیرا که ساختمان آنرا بکسی بنام عباد بن الحصین در اواسط قرن دوم هجری نسبت می‌داده‌اند .

از اسناد چنین برمی‌آید که روابط بازرگانی در میان ایران و چین از راه خلیج فارس از دوره‌ی پیش از اسلام برقرار بوده است و در دوره‌ی اسلامی نیز دایر بوده و تا قرن چهارم هجری منتهای رونق را داشته است .

چنانکه درین دوره دریانوردان و ناخدایان ایرانی درباره‌ی کشتی‌رانی در میان خلیج فارس و دریای چین کتابهای چند بزبان تازی تألیف کرده‌اند و اینک برخی از آنها در دست است .

ظاهراً پس از آنکه اروپاییان در دریاهای جنوب بکشتی‌رانی آغاز کرده‌اند کم‌کم رقابت ایشان کار را ازدست ایرانیان گرفته است و مخصوصاً از قرن نهم هجری ببعد کشتی‌رانی ایرانیان بدریاهای خاور دور کمتر شده است . از قرن نهم هجری پرتغالیان بکشتی‌رانی در اقیانوس هند آغاز کرده‌اند و بنای رفت و آمد را در خلیج فارس گذاشته‌اند نخستین کشتی‌های پرتغالی در حدود سال ۸۹۳ هجری بخلیج آمده‌اند و چون خلیج فارس بر سر راه کشتی‌رانی ایشان بسواحل هندوستان بوده پس از مطالعاتی سرانجام دریانورد معروف پرتغالی آلبو کرک در سال ۹۱۳ قمری جزیره‌ی هرمز را متصرف شد و پس از کشته شدن رئیس حامد که وزیر آخرین پادشاه ایرانی هرمز بود از ۹۲۱ ببعد پرتغالیان صاحب اختیار مطلق این جزیره شده‌اند تا این که شاه عباس اول در ۱۰۳۱ بیاری ناوگان هند شرقی این جزیره را از پرتغالیان گرفت . پرتغالیان هنگامی که جزیره‌ی هرمز را در تصرف داشتند قلعه‌ی محکمی در آنجا ساختند و ساختمانهای مفصلی کردند که هنوز آثار آنها باقیست .

پس از اخراج پرتغالیان از جزیره‌ی هرمز بفرمان شاه عباس بندر کوچکی را که

پیش از آن بنام گومبرون معروف بود و وسعت دادند و بندر عباس یا بندر عباسی نامیده شد .
 در این زمان هلندیها نیز در خلیج کشتی رانی می کرده اند و در پایان دوره صفوی
 انگلیسها جانشین ایشان شده اند . در دوره ای که صفویه در ایران ضعیف شده بودند اعراب
 بنای دست اندازی را بندرها و جزیره های ایران در خلیج فارس گذاشتند و نادر شاه تا ۱۱۵۷
 مشغول بیرون کردن ایشان از آن نواحی بود .
 پیش از استیلای مغول بر ایران تجارت خلیج فارس مخصوصاً در دوره آل بویه
 رونق بسیار داشته است .

اطلاعاتی که یاقوت در معجم البلدان درباره ی خلیج فارس ضبط کرده نماینده ی
 وضع آن در همین دوره است . یاقوت در کلمه ی بحر فارس می نویسد که بگفته ی حمزه ی
 اصفهانی مورخ معروف ، ایرانیان قدیم باین دریا زراه . کامسیر می گفتند و در برخی از نسخه ها
 زراه را دراه نوشته اند . بگمانم کلمه ی دراه تحریفی از لفظ دریه از زبان پارسی باستان بوده
 باشد که از کلمه ی اوستایی زریه گرفته شده و در زبان دری دریا شده است . این کلمه ی اوستایی
 در نام زره و گود زره ، دریاچه ی سیستان باقی مانده است و کلمه کامسیر گویا در اصل کام
 اردشیر بوده باشد مانند بردسیر که در اصل برد اردشیر بوده و سیرجان که در اصل اردشیرگان
 بوده و گاهی نیز همان شین باقی مانده مانند نرماشیر که در اصل نرم اردشیر و گواشیر که
 در اصل گواردشیر و ریشهر که در اصل ریواردشیر و بهم شیر که در اصل بهمن اردشیر بوده است
 شاید . کام اردشیر در قدیم نام یکی از نواحی ساحل خلیج بوده باشد و نظیر آن ترکیب کام
 فیروز نام یکی از نواحی فارس در دوره ی ساسانیست و نیز نام شهر راهرمز ازین گونه است .
 پس از آن یاقوت می گوید این دریا از شهر تیز در مکران شروع میشود تا عبادان
 که در خاڪ ایرانست که رود دجله در آنجا بدریا می ریزد و در ناحیه ی بصره است از رود
 دجله که فرود می آیند بشهر محرز می رسند و از آنجا بشهر عبادان .

در آنجا رود دجله بدوشاخه تقسیم می شود . يك شاخه در سرزمین فارس روبروی
 بحرین بدریا می ریزد و کشتی هایی که ببحرین و عربستان می روند از بستر رود دجله
 می گذرند . ساحل جنوبی آن در طول قطر و عمان و شحر و مسقط و حضرموت تا عدن می رسد .
 شاخه ی دیگر رود دجله براست متمایل می شود و در خاڪ ایران بدریا می ریزد چنانکه عبادان
 مانند جزیره ای در میان این دوشاخه است مهم ترین شهر ایران در کنار دریا شهر مهر و بانست .
 نام این شهر را گاهی مهر و بان با یاهم نوشته اند و در بعضی از متون قدیم ماهی رویان و گاهی
 هم ماهی روبان ضبط کرده اند . اما یاقوت که خود بآنجا رفته و نام آن شهر را ناچار از مردم
 آن شنیده است آن را مهر و بان با ضبط کرده است و ممکنست در اصل ماهی روبان بوده باشد
 مرکب از کلمه ی ماهی و رویان یا روبان که هنوز بمعنی نوعی از میگو در زبان مردم خلیج
 هست و ماهی روبان یعنی جایی که هم ماهی و هم روبان یا رویان یعنی میگو در آنجا
 میگیرند .

پس از آن یاقوت می گوید که حمزه ی اصفهانی گفته است از مهر و بان بعد باین دریا

زراه افرنگ می‌گویند. این کلمه زراه افرنگ در بعضی از نسخه‌های معجم البلدان دراه افریک یا افریق نوشته شده است. بعقیده‌ی من افریک یا افریق محرف همان کلمه‌ی افرنگ است و گمان می‌کنم افرنگ ضبط دیگری از کلمه‌ی اورنگ باشد که بمعنی کبودست و پیداست در اصل آب‌رنگ بوده است یعنی برنگ آب زیرا که آب و آب هردو در زبانهای ایرانی یکیست. اصل کلمه آب‌رنگ یا آورنگ بوده و بعد تبدیل باورنگ شده است و اورنگ را افرنگ هم نوشته‌اند. کلمه‌ی دراه هم چنانکه گفتم همان کلمه‌ی زراه بوده و زراه اورنگ یا افرنگ یعنی دریای کبود.

سپس یاقوت می‌گوید از آنجا دریا بشکل خلیج درمی‌آید و متوجه می‌شود و باز بشمال برمی‌گردد تا بابل می‌رسد و آبهای بطیحه یعنی مردابهای عراق در آن وارد می‌شود. سپس از مهر و بان متوجه جنوب می‌شود و بجانب یعنی گناوه‌ی امروز و بجزیره‌ی خارک می‌رسد. در خارک ایران از سینیز و از آنجا بنجیرم و سیراف و از آنجا بجزیره‌ی لار و بقلعه‌ی هرمز می‌رود که روبروی جزیره‌ی قیس بن عمیره است. این جزیره آبادترین جزیره‌های این دریاست و اکنون مقر پادشاه دریا (سلطان البحر) است که فرمانش در همه جا روانست. روبروی شهر هرمز جزیره‌ی بزرگست بنام جزیره جاسک. پس از آن شهر نیز در ساحل مکرانست. بدین گونه دریای فارس و دریای بحرین و دریای عمان همه یک دریا هستند که از مشرق بخاک ایران پیوسته است و از مغرب بسرزمین عربستان. مساحت آن از جنوب بشمال ۱۷۰ فرسنگ است.

چنانکه گفتم اکنون طول خلیج فارس را نزدیک ۹۰۰ کیلومتر و مساحت آن را نزدیک ۲۸۷۰۰۰ کیلومتر مربع می‌دانند. اگر هر فرسنگ را شش کیلومتر حساب کنیم ۱۷۰ فرسنگی که یاقوت نوشته است ۱۰۲۰ کیلومتر می‌شود و تفاوت در میان ۹۰۰ و ۱۰۲۰ تنها ۱۱۲ کیلومتر است که پیداست در میان حساب دقیق امروز و حساب تخمینی آن زمان ممکنست پیش بیاید.

در نامهای بندرها و جزیره‌های خلیج فارس درین مدت که جغرافیای تاریخی آن تا اندازه‌ای برای ما روشن شده است تغییراتی روی داده است. از آن جمله نام هرمز را در کتابهای قدیم هرموز یا ارموس می‌نوشتند و نام جزیره‌ی قشم در قدیم لافت و جزیره‌ی ابرکاوان یا برکاوان شده و نام جزیره‌ای که امروز بیشتر بنام جزیره‌ی شیخ شعیب معروفست در آغاز لاوان بوده و برخی لاو و لان و لار نوشته‌اند. بگمانم که لان و لار تحریف لاف و لاو بوده باشد. اخیراً شرکت ملی نفت نام این جزیره را بهمان نام قدیمی برگردانده و لاوان گذاشته و این کار بنظر من بسیار پسندیده بوده است.

سخنرانی سرکارناوسروان احمد مدنی

دریانوردی در خلیج فارس و پیشینه‌ی تاریخی آن

سرکار ناوسروان احمد مدنی از افسران جوان و دانشمند



نیروی دریایی شاهنشاهی هستند که درباره‌ی
خلیج فارس بویژه تاریخ دریانوردی
ایران در خلیج مطالعات مهمی دارند .

بخش نخست

از باستان زمان تا ظهور دین اسلام

قدرت دریایی برای هر کشوری که بدریا دسترسی دارد در نگاهداری آنچه که داراست و بدست آوردن آنچه که بدان نیازمند است ، مهم و حتی در غالب موارد ضروری بنظر میرسد . قدرت دریایی شامل نیروی دریایی جنگی و نیروی دریایی بازرگانی هر دو خواهد بود . این دو نیرو لازم و ملزوم یکدیگرند بخصوص در اعصار قدیم که شکل ساختمان کشتیهای جنگی و بازرگانی تفاوت زیاد نداشتند . بنابراین در این جا که سخن درباره‌ی نیروی دریایی ایران یا بحریه آن در خلیج فارس است هم نیروی جنگی و هم نیروی بازرگانی منظور خواهد بود و بتاريخ بحرپیمایی ایرانیان در خلیج فارس واقیانوس هند باید اشاره کرد . اگر بنقشه‌ی ایران نگاه کنیم می بینیم اقیانوس هند و خلیج فارس بیش از ۱۸۰۰ کیلومتر از کرانه‌های جنوب و جنوب خاوری میهن ما را دربر گرفته است . خلیج فارس شبیه دالانی سواحل جنوب و جنوب باختری ایران را فرا گرفته است .

این خلیج از نظر سوق الجیشی و اقتصادی و در عین حال سیاسی یکی از مهمترین نقاط خاورمیانه و جهان بشمار می آید و همین خصوصیات موجب جلب نظر ملل گوناگون از زمانهای بسیار قدیم تا امروز باین دریا شده است.

جزایر پراکنده در خلیج فارس و شکل و موقع آنها بویژه جزیره های هنگام و هرمز که بر دهانه ی خلیج قرار دارند بطوری موقع خلیج را مهم کرده اند که از آنجا باسانی میتوان اداره خلیج فارس را در دست داشت و این دریا را پاسداری کرد.

کشور ایران با داشتن چنین مشخصات جغرافیایی طبعاً بایستی دارای نیروی دریایی بزرگ و ارزنده و تاریخی بحریمایی با سابقه ای باشد. از کاوشهایی که کرده اند چنین دانسته میشود که ایرانیان در روزگار قدیم بشیوه ای بسیار ساده متداول در آن اعصار از دریا بهره برداری میکرده اند و ساحل نشینان ایرانی با قایقهایی که از تنه درختان میساخته اند و با پاروهای کوتاه و پهن در کرانه ی رودخانه ها و سواحل خلیج فارس به قایقرانی و دریانوردی ساحلی و کرانه ای می پرداخته اند.

دریانوردی بمفهوم علمی خود نخست در مصر پیشرفت کرد. سپس سامی نژادان کرانه های باختری ایران و خلیج فارس و بحر احمر بدریانوردی پرداخته اند و از حدود آبهای ساحلی توانسته اند دورتر بروند.

در کتابهای مذهبی یهود از نیروی دریایی که سلیمان پیامبر بنیاد نهاد یاد شده است. در همین عصرها نژاد آریا به سرزمین ایران پا نهاده است و نخستین دودمان آریایی ماد، زمام امور میهن ما را بدست گرفته است. این خاندان پس از مدتی زمامداری جای خود را به شاهنشاهی بزرگ هخامنشی داد. نیروی دریایی ایران که تا آئزمان متناسب با امکانات و احتیاجات زمان خود با روشی ابتدایی ایجاد شده بود وجود داشت. همینکه پارسیان زمام امور کشور را بدست گرفتند و اداره ی کشور شاهنشاهی ایران به رهبران خردمند و کاردان هخامنشی سپرده شد، و بر آسیای غربی مسلط شدند، در همه ی سازمانها و یژه بحریه ی شاهنشاهی دگرگونی های شگفت انگیزی در راه تکامل و پیشرفت پدیدار گردید و در مدتی کوتاه شاهنشاهی پایداری که تمام خاورمیانه و افریقای شمالی را دربر داشت، نیروی دریایی ارزنده ای بوجود آورد. شهریاران هخامنشی بویژه داریوش بزرگ و خشایارشا ارزش تسلط ایران را بر دریاها و پیوستن کشور را از راه دریا به هند و مصر میدانستند و در این راه گامهای بلندی برداشتند.

هخامنشیان بخوبی دریافته بودند که ایران برای نگاهداری و پاسداری شاهنشاهی پهناور خود باید بدریاها فرمانروایی داشته باشد و بنابراین بحریه ای نیرومند برپایه هایی استوار و شایسته آن عصر بنیاد نهادند که دارای سه دسته ناوگروه بشرح زیر بود:

۱- ناوهای جنگی که با نیروی باد و به کمک پارو در دریاها پیش میرفتند که آنها را بزبان یونانی تری رم میگفتند و روش پارو کشیدن بدین قرار بود که پاروزنان با پاروهای بلند و پهن خود در سهردیف یکی بالای دیگری قرار میگرفتند و ناوها مجهز

بسالاح معمول آن زمان بودند .

۲ - ناوهای نیروبر بلند و بزرگ که از چوب ساخته شده و آبخور کمتری داشتند و این ناوها برای انجام عملیات آمفی بی بکار میرفتند^۱ .
باید دانست که دریانوردان عهد هخامنشی نخستین بحریمایانی بودند که بانجام عملیات آمفی بی پرداختند و در دانشکده های دریایی اروپا و آمریکا بهنگام آموزش مبحث عملیات آمفی بی باین حقیقت اذعان دارند .

۳ - ناوگروه لوچستیک که کشتیهای باری را تشکیل میدادند و برای تأمین تدارکات بکار میرفتند . داریوش بزرگ با نبوغ خاصی که داشت چنین نیروی دریایی را که هیچ گاه پیش از آن دیده نشده بود سازمان داد و تدارکات حمله به یونان را فراهم ساخت اما انجام این مهم بدست خشایارشا بمرحله ای اجرا درآمد . این شاهنشاه بابحریه ایکه مرکب از ۵۰۰ فروند کشتی بود به یونان تاخت . حمله یونان در خشکی منجر به پیروزی در آتن اما در دریا بسبب حدوث طوفان و موقعیت خاص تنگه سالامین منتهی به بهره مندی نشد . در آن زمان کشتیها دارای موتور نبودند و با نیروی باد و پارو حرکت میکردند در نتیجه کنترل و مانورشان دشوارتر بود . فرماندهان عمده نیروی دریایی ایران در این لشگرکشی عبارت بوده اند از :

- ۱ - آریابیگنس Ariabignes پسر داریوش بزرگ از دختر گبریاس کشتیهای را فرمان میداد که کارکنان آنها از مردم کاریه وینیان بودند .
- ۲ - هخامنش برادر تنی خشایارشا که فرمانده بحریه مصری بود .
- ۳ - برگساس پس پسر اسپاتن و مگاباز پسر مگابات ، بقیه بحریه را فرمان میدادند .

در میان فرماندهان فرودست تر، قیافه زنی جلب توجه میکند که دلی مردانه داشت . او آرتمیز ملکه هالیکارناس مستعمره ایران در کنار دریای اژه بود که داوطلبانه در جنگ شرکت کرده بود^۲ .

از اقدامات مهم داریوش در مسئله ی پیشرفت دریانوردی حفر کانالی است که از راه یکی از شعب نیل دریای سرخ را بمدیترانه پیوسته میکرد . پیوستن این دو دریا بیکدیگر سبب شد که خلیج فارس و اقیانوس هند بدریای مدیترانه و کشورهای مجاور این دریا یکسره متصل شود و دیگر کشتیها مجبور نشوند در خلیج سوئز بار خود را پیاده و در کنار مدیترانه باز بکشتیها حمل کنند و بالعکس . باصطلاح امروز از در دسر و مخارج ترانشیپ آسوده شدند .
شرح این اقدام تاریخی در آنروزگار که ارزش آن از حفر کانال سوئز از امروز مهمتر بوده ، بفرمان داریوش در کتیبه ای به سه زبان مصری و فارسی و عیلامی ، بریک ستون

۱ - آمفی بی در لغت بمعنی دوزیستان است و اصطلاحاً به عملیات تفنگداران دریایی اطلاق میشود .

۲ - تاریخ هرودت کتاب ۷ بند ۶۰ .

سنگی نوشته شده وستون مذکور چندسال پیش کشف و معروف به کتیبه سوئزاست . در نسخه مصری که متأسفانه قسمتهایی از آن خراب شده اشاره باعزام هیئت دریانوردی جهت کشفیات جغرافیایی نیز شده است .

ترجمه بند اول تاسوم متن پارسی کتیبه مذکور را از کتاب تاریخ ایران باستان مرحوم پیرنیا صفحه ۵۷۱ ذیلاً نقل میکند :

بند اول - «خدای بزرگی است اهورمزدا ، که آن آسمان را آفریده ، که این زمین را آفریده ، که بشر را آفریده ، که خوشی را برای بشر آفریده ، که داریوش را شاه کرده ، داریوش را بسلطنت مملکتی رسانیده که بزرگ است واسبها ومردان خوب دارد . »
بند دوم - « منم داریوش شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه مملکتی که از تمام نژادها مسکون است ، شاه این زمین پهناور تا آن دورها ، پسر ویشناسب هخامنشی . »

بند سوم - « من پارسی ام ، از پارس مصر را تسخیر کردم ، امر کردم این کانال را بکنند از پیرو (نیل) که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس بدان می پیوندند این کانال کنده شده چنانکه امر کردم ، کشتیها روانه شدند چنانکه اراده من بود . »

برخی نویسندگان اروپایی که در ذکر کارهای اسکندر مقدونی تعصبی داشته اند و همیشه کوشیده اند اعمال او را بزرگتر از آنچه بوده است جلوه دهند ، درباره سفر دریایی نئارخوس کریتی امیر البحر اسکندر مبالغه بسیار کرده اند در حالی که این دریابان فقط از مصب رود سند در امتداد کناره های مکران بخلیج فارس آمده و پس از پیمودن کناره خلیج ، در فرات داخل گردیده است .

و حال آنکه در دویست و اند سال پیش از آن یعنی در سال ۵۱۲ قبل از میلاد هنگامی که داریوش کبیر بهندوستان لشگر کشید و قسمتی از غرب آن کشور را ضمیمه ممالک شاهنشاهی کرد ، هیأتی برای اکتشافات دریایی اعزام داشت . طول مسیر این هیأت چندین برابر راهی بوده که نئارخوس پیموده و بگفته هر دوت دور قاره افریقا را دور زده است . اینک برای مزید اطلاع شرح این سفر دریایی اکتشافی را از کتاب تاریخ پیرنیا نقل میکنم .
مورخ مذکور در صفحه ۶۳۰ چنین آورده است :

« . . . هرودت در باب هند چنین آورده (کتاب ۴ - بند ۴۴) قسمت بزرگ آسیا بواسطه ی داریوش کشف شد و این در زمانی بود که او میخواست بدانند رود سند در کجا بدریا میریزد و این رود پس از نیل یگانه رودی است که در آن بزمنچه یافت میشود . در میان اشخاصی که داریوش از آنها انتظار اطلاعات صحیح داشت و برای کشف این موضوع فرستاد اسکیلاکس نامی بود از اهالی کاریاند ، این هیأت از شهر کاسپاتیر از اراضی پاکتیا حرکت کرد و سرازیر شد بطرف شرق و بدریا رفت . بعد فرستادگان بطرف مغرب رفته در ماه سی ام بجایی رسیدند که پادشاه مصر چنانکه من گفتم فنیقیها را مأمور کرده بود دور لیبیا بگردند (هرودت بجز مصر جاهای دیگر افریقا را لیبیا مینامند . م) لیبیا را دور زدند . داریوش هندیها را باطاعت در آورد و از آن زمان از این دریا استفاده میکرد بنا بر این تحقیقات معلوم شد که

آسیا باستانهای قسمت شرقی آن شبیه لیبیاست .

سابقاً نسبت باین نوشته هرودت تردید داشتند چه تصور میکردند ، اول کسی که هیأتی برای تحقیقات بدریا فرستاد اسکندر بود ولی بعداً صحت روایت هرودت ثابت شد زیرا معلوم شد اسکیلاکس شرح مسافرت خود را نوشته و ارسطو آنرا دیده (سیاست نامه ارسطو کتاب ۷ فصل ۱۴ بند ۲) .

بنا بر روایت هرودت باید گفت که این هیأت از رود سند سرازیر شده و ساحل بلوچستان و مکران امروزی را پیموده بعد از سواحل عربستان گذشته و از باب المندب داخل بحر احمر گردیده و پس از طی آن از ترعه ای که بحکم داریوش ساخته بودند بمصر سفلی وارد شده از آنجا بدریای مغرب رفته . مطابق گفته هرودت این هیأت تحقیقات خود را دنبال و در سواحل آفریقا مشاهداتی کرده است . اما اینکه تا کجا این مسافرت امتداد یافته اطلاعات منجتری نداریم غیر از آنچه مورخ مذکور گوید .

از کارهای مهم دیگری که ایرانیان برای تسهیل دریانوردی در عصر هخامنشی بفرمان خشایارشا کرده اند ، حفر کانالی است که برزخ کوه آتس^۱ را در شبه جزیره یونان بریده است برای آنکه کشتیها مجبور نباشند هنگام عبور بموازات ساحل این کوه را دور بزنند . مرحوم پیرنیا در کتاب تاریخ ایران باستان بنقل از هرودت (کتاب ۷ بند ۲۰-۲۶) در صفحات ۷۱۴ - ۷۱۵ چنین میگوید :

« چون در دفعه اولی (منظور لشگرکشی بیونان در عصر داریوش است) در حوالی کوه آتس بحریه ایران دچار طوفان گردیده بود حالا در مدت سه سال بحفر کانالی پرداختند . این کار بعهده بوبارس^۲ پسر مگاباس و آرتاخه پسر آرتنه بود . آتس کوه بزرگی است که دامنه آن بدریا میرسد و برزخی تشکیل میدهد که شبیه شبه جزیره است . عرض برزخ ۱۲ استاد است (۲۲۰۰ متر تقریباً) در این برزخ شهرهایی است که باراده شاه پارس پس از حفر کانال مبدل بجزایری شدند .

(چنانکه اندازه گرفته اند عرض این کانال ۹۰ پا و عمق آن از ۲ تا ۸ پا بوده است) مهندسی که این کانال زیر نظر او کنده شد آرتاخه بوده که بگفته هرودت از خاندان هخامنشی و خیلی مورد توجه خشایارشا بوده است .

هرودت از چگونگی سان دیدن خشایارشا از نیروی زمینی و دریایی ایران در تنگه ی دار دائل شرحی در کتاب ۷ بند ۱۰۰ آورده است که مناسب میدانم ترجمه قسمتی از آنرا از کتاب مرحوم پیرنیا ص ۷۴۴ نقل کنم :

« پس از آنکه فرماندهان عده سپاهیان را شمرده آنها را بصف داشتند ، خشایارشا سوار گردونه جنگی شده از پیش لشگر گذشت . اسم هریک از ملل را پرسید و دیران جوابهای آنها را ثبت میکردند . بعد وقتی که کشتیها را بآب انداختند ، شاه سوار کشتی

صیدایی شده زیرچتر زرین قرار گرفت و خواست کشتیها را سان بهیند . فرماندهان بحریه بکشتیها فرمان دادند که بقدر چهارصد پا از ساحل دور شده لنگر اندازند و بعد بخط مستقیم صف بستند چنانکه پیشانی کشتیها بطرف ساحل قرار گرفت . در این موقع تمام سپاهیان بحری کاملاً مسلح بودند .

خشایارشا در کشتی صیدایی از پیش کشتیها گذشته آنها را سان دید و پس از آن از کشتی پیاده شد . «

باری نیروی دریایی ایران در عصر هخامنشی از حیث قدرت و تعداد بی نظیر بود و عدم بهره‌مندی در جنگ سالامین که در اثر حادثه آسمانی رخ داد نتوانست عظمت آنرا متزلزل کند .

در تنگه‌ی سالامین کشتیهای جنگی ایرانی بسبب زیادی تعداد قهراً در نزدیکی یکدیگر ناویرانی میکردند و پیش میرفتند ناگهان طوفانی شدید حادث و کشتیها را به یکدیگر کوبیده و بسیاری از آنها آسیب دید و این خشم طبیعت که زیانی به نیروی دریایی وارد آورده خود بخود موجب عدم بهره‌مندی ایرانیان در جنگ سالامین شد .

مرحوم پیرنیا در کتاب تاریخ ایران باستان علت عدم بهره‌مندی نیروی دریایی ایران را در جنگ سالامین بهمین سببی که یاد شده توضیح داده است . در لشگر کشی به یونان فرماندهی عالی ارتش را طبق معمول خشایارشا بعهد داده داشت .

عظمت و شکوه نیروهای زمینی و دریایی ایران در عصر هخامنشی بویژه در حمله یونان چنان در افکار عمومی مردم آن عصر اثری گذاشته بود که تا زمان اشکانیان ، تصویر صحنه‌های مهم این جنگها نظیر سان دیدن بحریه از طرف خشایارشا ، جنگ ترموپیل زینت بخش کاخهای مجلل تیسفون بوده است .

با هجوم اسکندر مقدونی به حیات سیاسی دودمان هخامنشی پایان داده شد و در قبال آن نیروی دریایی ایران نیز موجودیت خود را از دست داد .

اسکندر^۱ هنگامی که بحدود ایالت سند رسید دستور داد یکی از دریاسالاران بنام

۱ - برخی از مورخین شرقی به پیروی از تاریخ نویسان باخترزمین، اسکندر را کبیر خوانده‌اند و حتی برخی از ایرانیان در عصر کنونی نیز این اشتباه را تکرار نموده‌اند در صورتیکه اسکندر با جهانگیران خونخوار دیگری همانند آتیل - چنگیز و تیمور و امثالشان هیچگونه فرقی ندارد و جز نابود نمودن تمدن شاهنشاهی بزرگ ایران ، آتش زدن و ویران نمودن تخت جمشید و شهرهای دیگر و کشتار دسته جمعی مردم ، کاری از او سراغ نداریم و این جای شگفتی است که اروپائیان به چنگیز و تیمور و همانندشان بربر و به اسکندر کبیر لقب داده‌اند و حال آنکه اینان خونخواران جهانگشایی بیش نبودند و اسکندر مقدونی نیز نمیتواند از آنان جدا باشد . ایرانیان بهمان نامی که در کتب دینی پیش از اسلام از اسکندر یاد شده است ویرا نام میبردند و آن « اسکندر پدر نامعلوم است » زیرا انتساب وی به فیلیپ مورد اعتراض برخی از محققین است ، خود او هنگامی که دعوی الوهیت کرد باستناد افسانه هم خوابگی مار با مادرش ، تژاد خود را به هر کول می‌رسانید .

نئارخوس^۱ از مصب رود سند کرانه‌های خلیج فارس را با کشتی بررسی نماید و در سالهای آخر عمر خود نیز سرگرم اجیر نمودن فنیقیها بمنظور ماندگار کردن آنان در خلیج فارس و اشتغال آنان به ناوبری گردید و جز این کار ناتمام کوشش ارزنده‌ی دیگری در راه احیای نیروی دریایی از وی سراغ نداریم. جانشینان او نیز کاری در خور بیان نکرده‌اند و اوقات آنها بکشمکش با یکدیگر مصروف میشد. »

سپس پارتها زمامدار میشوند و دوباره دودمان ایرانی دیگری بر شاهنشاهی ایران فرمان میراند. بنظر میرسد که اشکانیان براههای خشکی توجه بیشتری داشتند و از این راه‌ها به چین و هندوستان آمدورفت مینمودند و بنابراین در راه دوباره زنده کردن نیروی دریایی ایران اقدام شایسته‌ای از آنان سراغ نداریم. شاید سیاست آنان این اقتضا را داشت ولی بهر حال از پارت اقدامات ارجداری راجع به بحریه‌ی ایران سراغ نداریم.

در سال ۲۶ میلادی دودمان پارسی ساسانی جانشین ایرانیان اشکانی شد و ساسانیان زمام شاهنشاهی را بدست گرفتند. بررسی تاریخی می‌نمایاند که ساسانیان بیشتر از دریانوردی بازرگانی پشتیبانی میکردند و این رشته از دریانوردی در زمان آنان رونقی بسزا گرفته‌است ولی در ضمن نمیتوان فعالیت بارز آنان را در راه نیرومند نمودن بحریه‌ی جنگی ایران از نظر دور داشت.

نخستین شاهنشاه ساسانی، اردشیر بابکان که بین سالهای ۲۲۵ میلادی تا ۲۴۱ شهریار ایران بود چندین بندر در خلیج فارس و کرانه‌های آن ایجاد و یا آباد کرد از جمله بندری بنام ^{*}ابلّه بوده بر دهانه‌ی خلیج و کرانه‌ی دریا و نزدیکی بصره و خرمشهر امروز که تا چند قرن پس از اسلام باقی بود. این بندر که در حمله مغولان ویران شده‌است در شمار یکی از بنادر بنام خلیج فارس بود.

لازم به یادآوری است که در آغاز ساسانیان ^{*}ابلّه و بصره‌ی امروز بر کرانه‌ی خلیج فارس قرار داشتند ولی همینکه در اواخر ساسانیان سدهای رودخانه‌های کارون دجله و فرات شکست گل ولای رودخانه‌ها کم کم بستری تشکیل داد و شط العرب امروز را بتدریج پدید آورد بطوریکه اینک فواصل شهرهای یاد شده تا کرانه خلیج فارس بیش از ۱۲۰ کیلومتر است.

در سده‌ی چهارم میلادی عرب‌های کرانه‌های باختری خلیج فارس به سواحل شاهنشاهی ساسانیان در دو طرف خلیج دست اندازی نمودند و چند سال بعد همینکه شاپورد دوم بزرگ شد آنانرا به کیفر رسانید و بسیاری از عربهای کرانه‌های باختری خلیج فارس را کوچانید و بجای تازیان ایرانیان را در آن سوی از سواحل خلیج نشیمن داد. و به بنیان گذاری نیروی دریایی در خلیج فارس همت گمارد. این پادشاه فرزند و ولیعهد خود را برای فرمانروایی به خلیج فارس گسیل داشت و جایگاه او را در بحرین قرار داد و این خود

۱ - نئارخوس بصورت نئارک و نئارخوس نیز ضبط گردیده است.

می‌نمایند که ساسانیان بخوبی به اهمیت خلیج فارس پی برده بودند .
از شهریاران ساسانی یکی خسرو انوشیروان است که گامهای پرارجی بسوی پیشبرد و بزرگداشت نیروی دریایی ایران در خلیج فارس برداشته است .
این شهریار از راه خلیج فارس و دریای عربستان و دریای سرخ یمن تاخت که داستان آن در تاریخها مندرج است از سوی دیگر نیروی دریایی ایران تا اقیانوس هند و سیلان یا سرانديب پیش راند .

فعالیت دریانوردان ایرانی تا قرن ششم میلادی و سالیانی پس از اشاعه دین اسلام بسیار زیاد بوده است .
تاریخ نشان می‌دهد که کشتیهای ایرانی در این زمان به بنادر سیلان رفته و سپس از آنجا تا چین ناوبری نموده و واسطه‌ی دادوستد ابریشم و کالا میان چین و مغرب زمین بوده‌اند .

در این زمان يك خط کشتیرانی بین خلیج فارس و چین وجود داشت که طولانی‌ترین راه دریایی آن روز بشمار می‌آمده و دریانوردان دلیر ایرانی آنرا میپیمودند .
در سال ۶۶۸ میلادی مرکز بزرگی از ایرانیان و دریانوردان ایرانی را در جزیره‌ی هاینان می‌یابیم که محتمل است پس از انقلاب اسلام از ایران به آنجا کوچ کرده باشند و در همان سال است که ایرانیان بعنوان ناخدایان و کشتی‌داران رودخانه کانتون در چین شناخته شده‌اند .

بخش دوم

از آغاز سده هفتم میلادی است که شاهنشاهی ساسانی بارستاخیز جهانی دین اسلام روبرو میشود و پس از مدتی نبرد و جنگ و گریز بنیان آن از هم پاشیده میگردد و ایرانیان بحقایق عالیه اسلام پی میبرند و در پیشرفت آن میکوشند تا اینکه در همین دوره فرهنگ ایرانی که فنا ناپذیر است بر فرهنگ ملت مهاجم پیروز میشود ، دریانوردان دلیر ایرانی نیز کوشش خود را در دریاها دنبال میکنند و سیادت دریایی خود را پاسداری مینمایند تا آنجا که وقتی معاویه خواست در کرانه‌های خاوری دریای مدیترانه نیروی دریایی بنیان گذارد و به موقعیت خود در دریای مدیترانه نیرو بخشد بوی گفته شد که برای سازمان‌بندی بحریه‌ی جدید و ایجاد آن باید از وجود ایرانیان بهره‌برداری نماید . وی پاسخ داد که اینان (یعنی ایرانیان) هزار سال حکومت کردند و يك روز بما نیازمند نشدند و ما چند سالی بیش نیست که حکومت می‌کنیم و آنی نمی‌توانیم بدون آنان به کشورداری خود ادامه داده و آنرا قوام بخشیم . جبر زمان سرانجام معاویه را مجبور نمود که برای ایجاد بحریه‌ی خود از ایرانیان مقیم انطاکیه - بعلبك و سایر بنادر و سواحل شرقی دریای مدیترانه یاری بگیرد .
در لابلای آثار تاریخ‌نویسان و جغرافی‌نویسان اسلامی که اکثراً ایرانی بوده‌اند همانند طبری - بلاذری - مسعودی - مروزی - یعقوبی - ابن حوقل - ابن الفقیه - ابن

خرداد به - یاقوت - ثعالبی - حمزه اصفهانی - ابوزید بلخی و غیره بطور پراکنده اشارات بسیاری به دریانوردی ایرانیان رفته است .

بهر حال ایرانیان اثرات بسیاری در زندگانی دریایی تازیان و سایر ملل بویژه ملل مجاور خلیج فارس بجای گذاشتند و واژه های دریایی پارسی همانند بندر - دفتر - ناخدا - دکل - خور و غیره در زبان تازی فراوان دیده میشود .

در اصطلاحات دریایی بین المللی نیز به لغاتی که ریشه پارسی دارند همانند کانال - لنگر - ناو - ناوی و غیره برخورد مینمایم .

نخستین دودمان ایرانی مسلمانی که پس از گسترش آیین اسلام دگر بار خلیج فارس را بزیر اطاعت و استیلای شاهنشاهی ایران درآورد دیلمیان بودند .

در زمان شهریاران آل بویه اکثر جزایر خلیج فارس زیر نفوذ این خاندان بود و درآمد گمرکی آن بخزانه ی شاهنشاهان دیلمی پرداخته میشد .

عضدالدوله دیلمی سیراف را آبادان نمود و آنرا مرکز حکمرانان خلیج فارس ساخت که از طرف وی بحرین و عمان را اداره میکردند .

سلجوقیان که پس از دیلمیان روی کار آمدند دنباله ی اقدامات آل بویه را در خلیج فارس گرفتند سپس اتابکان فارس در این راه گامهایی برداشته اند .

در زمان اتابکان والی خلیج فارس در جزیره ی کیش مستقر بود و از آنجا بتمام جزایر خلیج فارس و عمان حکومت میکرد و نیروی دریایی نیز داشت .

در این زمان پس از پدیدار شدن دودمانهای زودگذر و حکومت های ملوک الطوائفی که کشور را برای مدتی میدان تاخت و تاز قرار دادند ، ناگهان افق سیاسی ایران درخشندگی خاص پیدا کرد و دگر بار شاهنشاهی نیرومند همانند ساسانیان و بر همان مدار و مرکزیت ، زمام امور میهن را بدست گرفت و گامهایی بلند در بزرگداشت ایران برداشت و آن دودمان صفویه است . در زمینه تاریخ خلیج از عصر صفوی تا زمان قاجارها چون دانشمندان ارجمندی نظیر جناب آقای دکتر بیانی و جناب آقای دکتر عزیزی آنچه میبایست گفته اند احتیاج به تفصیل ندارم و بهمین مختصر اکتفا مینمایم .

بخش سوم

نیروی دریایی ایران از زمان شاهنشاه فقید تا کنون

شاهنشاه فقید در حالی زمام امور کشور از هم پاشیده و پریشان ایران را بدست گرفت که در خلیج فارس جز نامی از ایران نمانده و نه تنها بیشتر شیوخ خلیج فارس سرسپرده خارجی گردیده و سیاست مزبور آنها را اداره می کرد ، بلکه اغلب سواحل و جزایر ایران مانند باسعید و هنگام نیز تحت نظارت و استیلای چنین سیاستی قرار گرفته بود .

در چنین زمان شاهنشاه فقید باحیای نیروی دریایی ایران و تجدید نفوذ از دست رفته در خلیج فارس همت گمارد و از همان آغاز زمامداری با اراده‌ی بس استوار این اندیشه را از قوه به فعل در آورد ولی باز سیاست خارجی رضایت نمیدهد و همینکه پی میبرند شاهنشاه با عزم و اراده‌ای راسخ و خلل ناپذیر میخواهد بحریه‌ی ایران را حیات و زندگی نوینی بخشد و از بهدر رفتن منافع بیکران ملت ایران در خلیج فارس پیش گیری نماید جنجالها پیا می‌کنند و بار دیگر کارشکنیها آغاز میگردد.

در آن زمان در روزنامه تایمز بتاريخ ۱۳ اوت ۱۹۳۲ مقاله‌ای منتشر شد که این نارضایتی در آن بخوبی نمایان است و به منظور آگاهی بر مفاد آن ترجمه‌ی مقاله‌ی فزبور در زیر پی نوشت کردیم^۱. ولی این مخالفتها و کارشکنیها کوچکترین خللی در برنامه‌ی شاهنشاه فقید در راه نیرومند نمودن ایران پیش نیاورد و همچنان با اراده‌ای استوار در راه تجدید عظمت شاهنشاهی کهن و سازمان بندی ایران نوین و بسوی سربلندی آن به پیش تاخت و از سال ۱۳۰۶ به ایجاد نیروی دریایی ایران با تشکیلاتی جدید و پیش افتاده آغاز نمود.

نخست تعدادی دانشجو و دانش آموز برای آموزش فنون دریانوردی و تهیه کادر افسری و درجه داری بدانشکده‌ها و آموزشگاههای دریایی کشور ایتالیا گسیل داشت و سفارش ساختمان ناوهای جنگی را بمؤسسات ایتالیایی داد و سپس بایجاد بنادر و پایگاههای دریایی

۱- سیاست جدید دولت ایران مبتنی بر این اصل است که گاه گاه برای این منطقه اشکالاتی فراهم کند گرچه این اشکالات تاکنون آنقدرها مهم نبوده ولی اگر جلوگیری نشود اشکالات مهمتری در آینده فراهم خواهد ساخت.

دولت ایران در حال حاضر مشغول ایجاد نیروی دریایی است و در ایتالیا سرگرم ساختن کشتیهای آن دولت هستند یکی از آن کشتیها فعلاً در کانال سوئز در جریان تشریفات پرداخت مالیات عبور می باشد و بقیه کشتیها هم در ایتالیا هستند که به محض وصول پول ساختمان آنها به اتمام میرسد و به سوی خلیج فارس حرکت خواهند کرد. تردید نیست که این کشتیها دیر یا زود به خلیج فارس خواهند رسید و آن وقت معلوم نیست نتیجه ورود آنها به آبهای خلیج فارس چه خواهد بود.

در سالهای اخیر دولت ایران مراسم معموله را که هنگام ورود کشتی خارجی به بندر دولت دیگر انجام میشود رعایت نمیکند. راجع به بحرین هم مدت دو قرن است که دولت ایران ادعای مالکیت میکند و تا چند ماه قبل این ادعا را تعقیب می نمود.

اینک در نظر مجسم کنید که اگر نیروی دریایی ایران بحرین را هم در ردیف سایر بنادر ایران تلقی نموده و آنجا مسافرت کنید قضیه چه صورتی پیدا خواهد کرد؟

قطلاً نیروی دریایی کشور ما پیش بینی این حوادث را نموده است. مطلب دیگر این است که دولت ایران بوسیله مهندسین آمریکایی مشغول ساختمان بندر شاپور است. عوایدی که در سابق از بندر مزبور که قبلاً خور موسی خوانده میشد با بندر بصره نصیب انگلستان میگردد مبلغ قابل توجهی بود که اکنون با ایجاد بندر شاپور آن عواید هم از دست ما می رود و ضررهای هنگفت متوجه بریتانیا میگردد.

ممکن است بغداد را بحال خود بگذاریم و به سیاستمداران عراق تسلیم کنیم ولی بصره و خلیج فارس باید در دست دوستان انگلیس باقی بماند.

درسواحل و کرانه‌های کشور همت گماشت .
دانش‌آموزان و دانشجویان بآموزش پرداختند و ناوها و ناوچه‌ها ساخته و آماده
میشد .

دانشجویان و دانش‌آموزان ، افسران و درجه‌داران کاردانی شدند . و ساختمان
ناوها نیز بپایان رسید و بفرمان شاهنشاه فقید بسوی آبهای کرانه‌های وطن رهسپار گردیدند .
روز ۱۴ آبان ۱۳۱۱ در تاریخ نظامی ایران و برای ایرانیان روزی فرخنده
و فراموش نشدنی است در این روز بود که برای نخستین بار ناوگان متشکل و ارزنده‌ی
نیروی دریایی با کادر آموزش‌دیده و دریانورد خود درحالیکه شاهنشاه فقید برعرشه‌ی
ناو پلنگ قرار داشتند بخرمشهر وارد و باسکله پهلو گرفتند و تاریخ بحریه‌ی نوین ایران
بدست توانای سردودمان پهلوی آغاز یافت .

از آن روز به بعد بحریه‌ی ایران با کادری ورزیده و آموزش‌دیده پیش‌میرفت و این
امید پدید آمده بود که در آینده نیرویی که مناسب با احتیاجات کشور است پدید خواهد آمد
ولی کارشکنیها پایان نیافته و همچنان در زیر پرده دنبال میشد .

تا اینکه در شهریور ۱۳۲۰ متفقین آنروز بیطرفی ایران را محترم نشمردند و بناگاه
ساعت ۴ صبح روز سوم شهریور ۱۳۲۰ به نیروی دریایی جوان ایران ناآگاه و بی‌اعلان جنگ
تاختند و با سرعت عملی که بکار رفت پس از چند ساعت نبرد آنرا نابود کردند و از هم
پاشیدند بیش از ششصد نفر از افسران - درجه‌داران و افراد نیروی دریایی ایران شهید
شدند . در میان آن شهیدان راموطن نام فرمانده فداکار نیروی دریایی ایران شادروان
دریابان بایندر رئیس ستاد نیروی دریایی ناخدا یکم شهید نقدی درخشنده‌ی خاص دارد .
بامداد روز سوم شهریور ۲۰ از آن بحریه‌ایکه شاهنشاه فقید بیش از ۱۵ سال در راه
برومندیش کوشش کرده بود روز غزا بود . افسران - درجه‌داران و افرادش کشته شده
ناوها غرق گردیده و ستاد مناطق جنوب بوسیله نیروی مهاجم اشغال گردید .
انحلال نیروی دریایی اعلام گردید ولی ایران کشوری نبود که بتواند نداشتن
چنین نیرویی را در خلیج فارس و یا در دریای مازندران تحمل نماید .

اعلیحضرت شاهنشاه بانوجه کاملی که بهمه امور میهن و پیشبرد آن دارند ~~مصلحت~~
شهند دوباره نیروی دریایی ایران را بنیان‌گذاری و امر به تأسیس دهند و به رئیس‌ستاد وقت
(سال ۱۳۲۵) شادروان سپهبد رزم‌آرا ابلاغ فرمودند که نیروی دریایی ایران گشایش
یابد . از این تاریخ مجدداً پایه‌های نیروی دریایی ریخته شد و از سال ۱۳۲۸ بعد دوباره
دانشجویان و دانش‌آموزان رسته‌ی دریایی برای آموزش بسوی دانشکده‌های دریایی کشورهای
فرانسه - ایتالیا - انگلیس برای طی دوره‌های تخصصی و بسوی دانشکده‌های دریایی امریکا
رهسپار شدند . این جریان همچنان ادامه دارد و پیشرفت محسوسی نموده و انتظار میرود
بحریه‌ی ایران خواه جنگی و خواه بازرگانی در آینده بمقامی که درخور کشوری همچون
ایران است برسد .

مختصر سابقه‌ای که از تاریخ بحریمایی ایرانیان تا اینجا بیان شد برای آنست که هم میهنان گرامی بدانند، بعکس آنچه برخی از نویسندگان سیاستمدار خارجی ادعا کرده‌اند، ایرانیان در دریانوردی نیز باشایستگی و وظایف خود را انجام داده و پیشینه‌ی بس‌روشن و درخشانی در این رشته دارا هستند.

فرزندان وطن نیز باید بدانند که خلیج فارس یکی از مراکز حساس و ثروت‌زای کشور است و همین‌آب‌شور دریاست که سیل ثروت را بسوی میهن‌ما سرازیر میکند. ایرانی اگر بخواهد سطح زندگی‌اش بالا رود باید بسوی خلیج فارس که در آن ثروت بی‌کران خوابیده بیشتر روی آورد و به زندگی پرکار و سخت کرانه‌های گرمش رو آورد.

در پایان مقال بجاست که از دریابان شهید بایندر که در راه آبادانی خلیج فارس و بزرگ‌داشت نیروی دریایی ایران کوشش‌های بسیاری نموده و سرانجام با ایثار جان خود گام آخرین را در انجام وظیفه برداشته است در این جا یاد کنم و پیام آن شهید راه وطن را که در کتاب خود بنام خلیج فارس خطاب به فرزندان ایران ایراد نموده در پایان گفتار بازگو کنم.

وی این چنین می‌نویسد:

« تو ای ایرانی که در سرزمین خوش آب و هوای داخل کشور و نواحی شمال آن، در سایه‌ی درختان و باغهای مصفا تماشای طبیعت زیبا و روان آسای ایران را می‌نمایی و از همه لذت‌های زندگی در این کشور سرتاسر زرخیز می‌توانی کام خویش را شیرین‌سازی و باین جهت باندازه‌ای دلبستگی بدهکده یا شهرستان خویش پیدا کرده‌ای که با سختی بدهکده یا شهرستان همسایه بهنگام ضرورت مسافرت میکنی، باید بدانی که هرگاه روزی مرز دریایی را، ایران از دست بدهد و یا بانبروی لازم نتواند در آبهای آن حکمفرمایی کند، در دهکده‌ی خودت مانند مرغی در قفس گرفتار شده و همه شیرینی‌هایی که امروزه در زندگی داری بکامت تلخ گشته دسترنج سالیانه‌ات، خواه دهقان باشی یا بازرگان از دست تو گرفته شده و آن میوه شیرین یا گندم سفیدی که همه سال جهت بدست آوردن آن تلاش کرده‌ای، عرق ریخته‌ای، جز به تلخی و سیاهی بکامت در نیامده، ناچار هستی آنچه داری به ارزش کم از دست بدهی و آنچه به آن نیازمندی به بهای جان بدست آوری. پس هر وقت از این مرزیکه به چشم آذر خیز است و آبش هم تلخ و شور میگذری و یا از آن سخنی می‌شنوی بدان: که این آذر مایه زندگی ایران و آن تلخ و شور و میگذری و یا از آن سخنی می‌شنوی بدان: آنکه خواهان ایران است نخست باید این مایه زندگی را نگاهدارد تا ایران بزرگ مانده و تو بچه‌ی ایران در جلو مردم کشورهای دیگر بخود بیالی و سزاوار نام ایرانی باشی. »

مدارك و مأخذ :

- | | |
|------------------------------|--------------------------|
| نوشته شادروان دریابان بایندر | ۱۴ - خلیج فارس |
| لرد کرزن | ۱۵ - ایران و مسئله ایران |
| | ۱۶ - تاریخ شاردن |
| ژنرال سرپرسی سایکس | ۱۷ - تاریخ ایران |
| | ۱۸ - تاریخ طبری |
| | ۱۹ - « اصطخری |
| | ۲۰ - « مقدسی |
| نوشته کلنل ارنالد ویلسن | ۲۱ - خلیج فارس |
| از احمد کسروی | ۲۲ - چند تاریخچه |
| پرو کویپوس | ۲۳ - جنگهای ایران و روم |
| نوشته آقای دکتر تاج بخش | ۲۴ - بحرین |
| نوشته آقای زرین قلم | ۲۵ - سرزمین بحرین |
| ابن بطوطه | ۲۶ - سفرنامه |
| پیرنیا (مشیرالدوله) | ۲۷ - تاریخ ایران باستان |

نخروانی آقای دکتر جمشید بهنام

نظراجمالی باقتصاد خلیج فارس و اهمیت آن برای ایران

آقای دکتر جمشید بهنام سال ۱۳۰۹ خورشیدی متولد



شده‌اند. دوره‌ی تحصیلات متوسطه و عالی را در تهران گذرانده و از دانشگاه تهران در رشته‌ی علوم اقتصادی فارغ‌التحصیل گردیده‌اند، آنگاه برای ادامه‌ی تحصیل عازم فرانسه شده و از دانشگاه پاریس درجه‌ی دکترای اقتصاد گرفته‌اند.

قرنهای دراز خلیج فارس اهمیتی خاص در بازرگانی دریایی جهان داشته و نشانه‌هایی که از وجود بندرها و شهرهای پرجمعیت کرانه‌های آن در تاریخ بجای مانده گواهی است بر رونق اقتصادی این منطقه در زمانهای پیشین، ولی در دو قرن اخیر بعلت تحولاتی که در اقتصاد دنیا پدیدار گردید بویژه اختراع کشتیهای بزرگ اقیانوس پیما راه بازرگانی خلیج را که واسطه‌ی شرق و غرب بود از اهمیت انداخت و زندگی مردمانی که در سواحل خلیج میزیستند بمدار کشاورزی و صید ماهی بسبک بسیار ابتدایی قرار گرفت و داد و ستدهای بازرگانی هم که از راه دریا در سواحل خلیج انجام میگرفت اهمیت سابق را نداشت.

استخراج نفت و صدور آن از راه خلیج فارس بار دیگر سبب شد که در مدت نیم قرن دگرگونی عظیمی در این کرانه‌ها رخ دهد و بجای اقتصادی که براساس تولید غلات و خرما و ماهیگیری و مبادلات کوچک بازرگانی استوار بود اقتصاد صنعتی قرن بیستم با همه مظاهرش بطور ناگهانی ظهور کند. این تغییر در نوع معیشت ناگهانی بود بدون اینکه فرصتی باشد تا یک مرحله‌ی

انتقالی طی کند و اوضاع واحوال جدیدی در کرانه‌ها و استانهای جنوبی ایران بوجود آورد. نتیجه‌ی این تحول از یک سو، تغییر نقاط ازدحام اجتماعی و اقتصادی در کرانه‌های خلیج و از سوی دیگر پدید آمدن کانونهای توسعه‌ی اقتصادی برای ایران بود.

اول: نقاط ازدحام اجتماعی و اقتصادی نو در کرانه‌های خلیج

نخست باید بگویم وقتی که سخن از اقتصاد خلیج فارس در میان است نمیتوان بحث را به منطقه‌ی جغرافیایی خلیج محدود کرد بلکه این بحث، منطقه‌ی اقتصادی (۱) خلیج و استانهای خوزستان و فارس را هم دربرمیگیرد. لازمه‌ی تولید و صدور نفت، ایجاد مراکز بزرگ تجمع جمعیت و احتیاج فراوان به عامل کار است لذا از همان نخستین روزهای شروع فعالیت صنعتی در جنوب، گرایشی در میان همه‌ی کارگران و کشاورزانی که در خوزستان و فارس بودند بسوی مراکز تجمع جدید جمعیت بوجود آمد و مهاجرتی بسوی سواحل خلیج بویژه آبادان آغاز شد که در سالهای بعد وسیع‌تر گردید. قدرت جذب این شهرهای نو بحدی است که از همه جای کشور مردمانی را بسوی خود کشیده است. ایجاد شهر آبادان که امروز در حدود ۲۸۰ هزار تن جمعیت دارد و همچنین پدیدار شدن شهرهای دیگری که فقط زاییده‌ی صنعت جدید است سبب شد که در جنوب کشور ما شهرهای صنعتی بوجود آید و مردمی که از روستاها یا ایالات آمده بودند در ظرف مدتی کوتاه در محیط یک شهر صنعتی بزرگ زندگی تازه‌ای آغاز کنند. در این شهرهای تازه، عده‌ی مهاجرین بسیار بود. سرشماری سال ۱۳۳۵ نشان داد که بطور مثال ۵۱۷ درصد مردم شهر آبادان و ۳۲۲ درصد ساکنین مسجد سلیمان در سایر شهرستانها بدینا آمده سپس باین نقطه مهاجرت کرده‌اند. اثر این قوه‌ی جاذبه‌ی صنعت نفت در شهرهایی که مستقیماً نیز سروکاری با فعالیتهای نفتی نداشته‌اند مشهود است و بطور مثال میگوییم که ۴۴٫۹ درصد مردم شهر اهواز نیز از جاهای دیگر آمده‌اند. نتیجه‌ی این مهاجرتها که نخست در درون استان خوزستان انجام میگرفت در سایر نقاط بی‌اثر نبود.

کارگران و مهاجرینی که بسوی جنوب می‌آمدند جوان بودند و میزان ازدواج آنها هم بالا بود و چون مرگ و میر هم در این شهرها نسبت به متوسط ایران کمتر بود لذا اکنون میانه سنی در این نقاط از میانه سنی کل ایران بالاتر است (۱۸٫۱ سال در شهر آبادان ۱۷٫۲ در شهر مسجد سلیمان) طرق تأمین امور معیشتی که در آبادان وجود دارد در کمتر یکی از شهرهای استانی ایران دیده میشود و همین امر به نوبه‌ی خود در تکثیر نفوس تأثیر دارد. یکی از عوارض آن فراوانی ازدواج در شهر آبادان است. ۶۹٫۹ درصد مردان پانزده ساله بی‌الا در شهر آبادان ازدواج کرده‌اند در حالیکه این نسبت برای مشهد ۶۴ برای رضائیه ۵۸ و برای تهران ۵۹٫۸ درصد است. همینطور است برای زنان

همسر دار : ۷۴٫۴ درصد زنان ۱۵ ساله بیالا در آبادان شوهر دارند در حالیکه فقط ۶۸ درصد زنان مشهدی و ۶۵ درصد زنان تهرانی بخانه شوهر رفته‌اند.^۱

تردیدی نیست که گرمی هوا و اختلاط باخون سامی در زود رسیدن دختران بسن رشد بی‌اثر نبوده است .

ایجاد مشاغل جدید از خصوصیات این گونه شهرهاست . گذشته از مشاغلی که برای متخصصین وفنی‌ها وجود دارد اصولاً توزیع شغلی در شهرهای صنعتی باهمه جای ایران متفاوتست . نسبت کسانی که در صنایع و خدمات بکار اشتغال دارند نسبت بحرف آزاد بسیار بالا است و انواع مشاغلی که در این شهرها بچشم می‌خورد در جای دیگری دیده نمیشود خصوصاً انواع جدید مشاغل برای زنان (کار در ادارات - در آزمایشگاهها - در مؤسسات اجتماعی) .

بطور کلی میتوان گفت میان مردان از ده ساله بیالا در شهر آبادان ۶۱٫۶ درصد در کار صنعت هستند در حالیکه در شهری مانند تهران این نسبت فقط ۳۵ درصد است . چنین ترکیب شغلی هنگامیکه با جوانی جمعیت توأم شود وضع اجتماعی تازه‌ای را در این شهرها بوجود می‌آورد و زندگی طرزی خاص پیدا میکند . مطالعه گذران اوقات فراغت - زندگی روزانه‌ی مردم - روابط اجتماعی و روابط همسایگی میان مردمی که از همه جای کشور در آن گرد آمده‌اند و از لحاظ تحصیلات در مراحل مختلف قرار دارند بسیار جالب است . همزیستی و اختلاط مردم محلی با فنی‌ها و جوشش زندگی باهمه امیدها و دشواریهایی که در یک شهر صنعتی وجود دارد در شهرهای نورسته صنعتی جنوب دیده میشود .

شهرهایی مانند آبادان دیگر با چنین طرز زندگی خو گرفته‌اند ولی نقاط جدیدی از تمرکز جمعیت که بتازگی ایجاد شده‌است ، و یاروبه تکامل هستند مسائل حاد و تازه‌ای دارند . جزیره‌ی خارك در این مورد مثال خوبی است . راهی را که آبادان و سایر شهرهای مناطق نفت خیز در ۴۰ سال پیموده‌اند خارك میخواهد در چند سال به پیماید و یک نوع شتاب زدگی درد گرگون شدن زندگی این جزیره وجود دارد .

هر چند خارك از روزگار دیرین در تاریخ ایران و جهان نشانه‌هایی از خود گذاشته است ولی تا چند سال پیش مردم انگشت شمار این جزیره هنوز همان طرز معیشت قدیم را میداشتند و اقتصادشان مبتنی بر ماهیگیری و صید اسفنج بود ولی امروز خارکیان در پی کار و کسب تازه‌ای می‌روند و گذشته از آن جماعتی از مهندسين وفنی‌ها گذارشان بدانجا افتاده است . ما امروز بچشم خود تحولی را که در شرف انجام است می‌بینیم و از این لحاظ خارك نمونه‌ی خوبی است ، برای مطالعات اجتماعی و این مطالعات بما اجازه خواهند داد که زندگی نوین را در این منطقه بر اساس برنامه‌های صحیح استوار کنیم .

بدینسان می‌بینیم که تحولات اقتصادی در خلیج نقاط ازدحام و طرز زندگی را

۱ - منبع آمار جمعیتی گزارشهای ۱۱۹ حوزه سرشماری ۱۳۳۵ ایران است .

در این قسمت از کشور ما دگرگون کرده است و این تحولات که از کرانه‌های جنوبی خوزستان آغاز شده کم‌کم به سراسر خلیج کشیده می‌شود و همچنین تحول در اقتصاد ایران نقشی بسیار مهم دارد و کانونهای اساسی برای اقتصاد ایران در این منطقه بوجود آورده است.

دوم : کانون‌های اقتصادی در کرانه‌های خلیج

موقعیت جغرافیایی کرانه‌های خلیج و دگرگونیهای اجتماعی و اقتصادی که در نیم قرن اخیر در آنجا پدیدار شده سبب ایجاد کانون‌هایی جهت فعالیتهای صنعتی و بازرگانی شده که بنوبه خود موجب توسعه‌ی اقتصادی ایران و پیوند بیشتر آن با اقتصاد جهان گردیده است.

درباره‌ی تعریف کانون‌های توسعه اقتصادی باید گفت که ترقی و رونق اقتصادی در همه جا و در آن واحد ظاهر نمی‌شود بلکه نخست در منطقه‌ای محدود ظهور میکند و سپس باطراف گسترش مییابد و فقط در صورتی میتوان این محرك فعالیتهای اقتصادی را کانون توسعه خواند که با اقتصاد منطقه‌ای و ملی و جهانی روابط نزدیک و متقابل پیدا کند. فرضاً شبکه‌ی صنایع که پیرامون فعالیتهای استخراجی يك معدن بوجود می‌آید نمونه‌ی کاملی از کانون توسعه است و خود موجب ایجاد صنایع گوناگون تولیدی یا مصرفی، تمرکز جمعیت و شبکه‌ی وسیع ارتباطات میشود و موجهایی از فعالیت پدید می‌آورد که اندك اندك سراسر يك منطقه سرایت میکند. با قبول این تعریف میتوان گفت که فعالیتهای صنعت نفت و همچنین فعالیتهای بازرگانی در کرانه‌ی خلیج کانونهای اقتصادی مهمی برای اقتصاد منطقه‌ای جنوب و اقتصاد ملی کشور ما بوده و نقش آنها در آینده نیز عظیم‌تر خواهد بود.

۱- خلیج فارس بواسطه‌ی پیوستگی بدریاهای آزاد از دیرباز مهمترین راه تجارت خارجی و بین‌المللی ایران بشمار میرفته و در ۴۰ سال اخیر راه صدور نفت ایران و بازارهای دنیا بوده است. خاصه بعد از جنگ دوم جهانی سهمی عظیم در حجم بازرگانی خارجی مملکت ما داشته است. اگر صادرات نفت را هم کنار بگذاریم باز مشاهده میکنیم که امروزه ۲۰ خط کشتیرانی بنادر خلیج را بزمین‌های آنسوی دریاها متصل میکند و روز بروز بر تعداد کشتی‌هایی که بخلیج رفت و آمد میکنند افزوده میشود.

جدول ضمیمه (جدول شماره ۱) نشان میدهد که بطور مثال در سال ۱۳۳۷ حجم کل بازرگانی ایران بجز مواد نفتی در حدود ۱۸ میلیون بوده و از راه پنج بندر مهم خلیج (خرمشهر - شاهیپور - بندر عباس - بوشهر و آبادان) ۱۴ میلیون تن از میزان کل صادرات و واردات، انجام گرفته است. بدینسان با جرأت میتوان گفت که کانون بازرگانی بین‌المللی ایران در گوشه غربی شمال این خلیج قرار گرفته است و مطابق پیش‌بینی‌هایی که شده به نسبتی که در سالهای آینده حجم کل بازرگانی ایران رو با افزایش

خواهد رفت خلیج فارس نه تنها مقام دیرین خود را حفظ خواهد کرد بلکه بر فعالیت آن خواهد افزود. از سوی دیگر صادرات نفتی ایران نیز که مطابق جدول ضمیمه (جدول ۲) سال بسال زیادتر میشود از بنادر خلیج و خصوصاً از بندر جدید الاحداث خارك صادر خواهد شد.

بنابراین در آینده هم کانون اصلی تجارت خارجی ایران خلیج فارس خواهد بود. راه های شوسه ای که ایران را به ترکیه و عراق و پاکستان مربوط میکند و همچنین راه آهن جلفا که راه آهن ایران را به راه های آهن شوروی می پیوندد قابلیت انجام حمل و نقل عظیمی را که در سالهای آتی وجود خواهد داشت ندارد و گذشته از آن نرخ حمل و نقل کالا از این راه ها نسبت به راه خلیج گران تمام میشود. به همین دلایل است که در ده سال اخیر راه خلیج سودمندترین راه ها شناخته شده و در آینده نیز با صرفه ترین راه بازرگانی خواهد بود. در سال ۱۳۳۴ حجم کل داد و ستد خارجی ایران باستثنای نفت ۱۳ میلیون تن در سال بوده ولی بندرها با تشکیلات اداری خود در آن زمان فقط قادر به حمل و نقل قریب ۹۶۰ تن بودند^۱.

در برنامه هفت ساله دوم فعالیتهای ساختمانی در بندر شاهپور و بندر خرمشهر موفقیت آمیز بوده و مطابق برآوردهایی که شده در سال ۱۳۴۱ انجام حمل و نقل تا حدود ۲ میلیون تن و شاید تا ۱۳۴۵ حمل ۲٫۶ میلیون تن در سال امکان پذیر خواهد بود. اما احتیاجات ما در آینده بیش از این است و پیش بینی های علمی نشان میدهد که افزایش حجم بازرگانی ایران (بجز صادرات نفت) در عرض سیزده سال (۱۳۳۷ تا ۱۳۵۰) ۵۳٫۹ درصد افزایش خواهد یافت. هدف های برنامه پنج ساله سوم در توسعه ی بنادر بشرح زیر است:

- الف - تأمین ظرفیت کافی در بنادر برای انجام بازرگانی خارجی کشور.
- ب - ایجاد قوه ی محرکه ای برای توسعه اقتصادی در بعضی از مناطق بوسیله ی مرتبط ساختن این نواحی با مراکز بازرگانی داخلی.
- ج - تأمین حداکثر استفاده از تأسیسات بندری کشور از طریق فراهم ساختن اصول صحیح اداری. بعلاوه توصیه شده است که ساختمان بندر عباس که در آینده مهمترین بندر کرانه های شرقی خلیج خواهد بود آغاز شود^۲. با توسعه ی این بندر انتظار میرود که نیروهای خفته اجتماعی و اقتصادی این ناحیه بیدار شود. با ساخته شدن این بندر کرمان و بلوچستان و نیز بطور غیر مستقیم کشور افغانستان که دسترسی بدریای آزاد ندارد از مزایای يك بندر بزرگ بهره ور خواهد شد. علاوه بر این چون ایجاد چنین بندری صدور سنگهای فراوان معدنی را بمقدار زیاد از ناحیه ی کرمان ممکن میسازد، ساختن این بندر را میتوان

۱ - نشریه سازمان برنامه - سنجش پیشرفت و عملکرد برنامه هفت ساله دوم. صفحه ۶۴ به بعد.

۲ - ساختن بندر عباس آغاز گردیده.

از این لحاظ هم موجه دانست .
 علل سیاسی و اقتصادی ایجاب میکند که برای افزایش ظرفیت بندر شاهپور طرحی ریخته شود که احتیاجات قسمت شرقی خلیج فارس را بتواند مرتفع کند . و برنامه پنج ساله سوم پیش بینی هایی در این زمینه کرده است .

جدول شماره ۱

برآورد حجم بازرگانی خارجی ایران ۱۳۵۰ - ۱۳۳۵ (هزار تن)

سالها	۱۳۳۵	۱۳۳۷	۱۳۴۱	۱۳۴۵	۱۳۵۰
۱ - حجم کل بازرگانی خارجی بجز صادرات نفت	۱۴۶۸	۱۸۶۱	۲۰۰۹	۲۳۹۵	۲۸۲۵
۲ - حجم بازرگانی خارجی در پنج بندر مهم خلیج	۱۲۰۳	۱۴۳۲	۱۵۴۷	۱۸۴۴	۲۱۵۰

منبع : سازمان برنامه - گزارش مقدماتی برنامه سوم - ارتباطات و مخبرات - صفحه ۵۴ .

جدول شماره ۲

صادرات نفت خام ایران

(ارقام به مترمکعب)

سال	نفت خام از بندر معشور	نفت خام از آبادان	نفت خام از خارک	نفت خام تحویل به پالایشگاه آبادان بحساب شرکت های عامل
۱۹۵۶	۱۶,۳۱۶,۳۹۰	—	—	۱۲,۰۹۶,۹۸۵
۱۹۵۷	۲۲,۱۶۹,۰۵۹	—	—	۱۶,۴۵۳,۵۳۶
۱۹۵۸	۲۸,۰۱۷,۷۲۳	۱۸,۳۶۵	—	۱۵,۷۹۰,۹۸۵
۱۹۵۹	۳۳,۵۷۴,۱۴۰	۱۷۸,۷۳۰	—	۱۶,۱۲۸,۱۶۰
۱۹۶۰	۳۶,۳۸۹,۳۳۰	۱۵۸,۱۲۲	۲,۶۰۸,۷۶۱	۱۷,۴۷۰,۸۱۵
۱۹۶۱	۳۶,۷۰۵,۶۵۵	—	۱۱,۸۱۴,۵۶۵	۱۴,۶۹۱,۹۳۰

منبع : اداره مطالعات اقتصادی شرکت ملی نفت

بنادر پنجگانه‌ای که بدانها اشارت رفت کانون بازرگانی خارجی ایران را در جنوب تشکیل می‌دهد و بنادر کوچکتر ارتباط تجاری ایران را با کرانه‌های جنوبی خلیج حفظ میکنند. خصوصاً در آینده اضافه تولید کشاورزی و صنعتی ایران از این مناطق باید صادر شود لذا راه‌هایی که باین بنادر منتهی می‌شود نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

امروز خوشبختانه دو وسیله ارتباطی مهم وجود دارد یکی راه آهن سرتاسری با شاخه‌های غربی و شرقی خود و دیگر شاهراه بندر پهلوی - خرمشهر با شاخه‌ی غربی آن بسوی کرمانشاه

در مرحله‌ی فعلی توسعه‌ی اقتصادی کشور ما عامل بازرگانی خارجی نقش بسیار مهمی را دارا است و در برنامه‌های اقتصادی باید به توسعه‌ی بنادر و راه‌هایی که این بنادر را بداخل فلات ایران متصل میکند بیش از پیش اهمیت داد.

۲ - کانون اقتصادی دیگر خلیج صنعت نفت است که اهمیت آن احتیاج به تذکار ندارد و بیان چگونگی آن بحثی دراز است.

تا با امروز نفت جنوب منبع درآمد مالی - بازار کار و منبع انرژی برای اقتصاد ایران بشمار میرفته و با ایجاد صنایع پتروشیمی و برنامه‌ی عمرانی خوزستان و بهره‌برداری از منابع جدید در آینده بر اهمیت آن افزوده خواهد شد.

نفت جنوب غربی تاکنون سهمی عظیم از هزینه‌ی برنامه‌های عمرانی ایران را پرداخته است و برنامه هفت‌ساله‌ی اول - دوم و همچنین برنامه‌ی پنج‌ساله سوم براساس درآمد آن طرح‌ریزی شده است همچنین درآمد ارزی حاصل از آن همواره موازنه پرداخت‌های کشور ما را متعادل کرده است.

از سوی دیگر این صنعت موجب پدیدار شدن بازار کار برای کارگران ماهر و غیر ماهر و مهندسین عالی مقام ایران بوده است در قسمت اول این گفتار از قوه‌ی جاذبه‌ی شهرهای جدید جنوب و مهاجرت بآن سخن گفتیم و این صنعت نفت بوده است که ایل‌نشینان و شهرنشینان و روستا‌نشینان را بسوی خود کشیده است. این مهاجرت‌ها نه تنها از جاهای نزدیک بلکه از دورترین نقاط ایران نیز صورت گرفته است.

هرچند تاکنون فقط قسمت شمال شرقی خلیج کانون اصلی مهاجرت بوده است ولی امید است در آینده استخراج نفت در نقاط دیگر خلیج فارس و همچنین برنامه‌های عمرانی بنادر جنوب سبب ایجاد مراکز جمعیتی دیگر در این ناحیه شود.

اهمیت دیگر کانون صنعتی نفت جنوب منبع انرژی عظیمی است که در اختیار اقتصاد ایران گذاشته است.

جدول شماره ۳
مصرف داخلی
« ارقام بترمکعب »

سال	نفت کوره	نفت سفید	بنزین موتور	نفت گاز	دیگرمواد	جمع کل
۱۹۵۶	۸۳۴,۸۰۴	۵۹۴,۸۲۳	۴۲۵,۸۸۴	۲۹۷,۴۳۳	۸۹,۲۶۳	۲,۲۴۲,۲۰۷
۱۹۵۷	۷۵۹,۴۸۲	۷۱۲,۹۳۸	۴۶۳,۵۱۵	۳۸۴,۸۰۰	۱۶۴,۰۴۵	۲,۴۸۴,۷۸۰
۱۹۵۸	۸۷۴,۲۰۴	۷۵۱,۸۸۶	۵۲۳,۹۹۷	۵۱۹,۷۰۸	۱۳۶,۱۰۳	۲,۸۰۵,۸۹۸
۱۹۵۹	۱,۰۲۶,۸۵۳	۸۸۶,۱۷۴	۵۷۴,۶۹۲	۷۰۷,۰۳۷	۱۷۰,۸۷۷	۳,۳۶۵,۶۳۳
۱۹۶۰	۱,۱۰۰,۷۸۴	۹۷۶,۱۵۳	۶۲۶,۸۸۶	۸۵۶,۱۶۲	۲۹۷,۶۹۲	۳,۸۵۷,۶۷۷
۱۹۶۱	۱,۲۱۹,۵۲۹	۱,۰۹۸,۸۸۵	۶۴۳,۹۶۵	۹۸۴,۲۵۳	۳۶۵,۸۱۱	۴,۳۱۲,۴۴۳

منبع : اداره مطالعات اقتصادی
شرکت ملی نفت

جدول شماره ۴
(ارقام بترمکعب)

سال	تولید پالایشگاه کرمانشاه	تولید دستگاه تقطیر نفت شاه غرب	جمع تولید منطقه‌ی مصرف داخلی مغرب از جنوب	از حوزه‌ی
	(۱)	(۲)	(۱+۲)	
۱۹۵۷	۱۵۱,۴۴۷	۷۵,۸۹۰	۲۲۷,۳۳۷	۹۱
۱۹۵۸	۱۳۷,۷۷۱	۸۸,۲۶۴	۲۲۶,۰۳۵	۹۲
۱۹۵۹	۱۱۹,۸۴۲	۸۸,۴۷۴	۲۰۸,۳۱۶	۹۴
۱۹۶۰	۱۴۶,۱۴۶	۳۱,۹۳۶	۱۷۸,۰۸۲	۹۵
۱۹۶۱	۱۹۳,۸۶۱	۶۶۲,۵۴۷	۴۶۰,۴۰۸	۹۰

بعلت صنعتی شدن و بالارفتن و رواج زندگی ماشینی روز بروز بر احتیاج سوخت برای مصارف خانگی و یا صنعتی شدن افزوده شده است و تاکنون نفت جنوب بخوبی جوابگوی این نیازمندیها بوده است. بالارفتن سطح زندگی در دنیای ما احتیاجات جدیدی بوجود میآورد که اغلب آنها محتاج منابع انرژی است. مانند استفاده ی بسیار زیاد از وسایل حمل و نقل موتوری - استفاده از وسایل الکتریکی برای مصارف خانگی و یا ایجاد صنایع جدید. مجموع این عوامل سبب شده که مصرف داخلی مواد نفتی در ایران مرتباً زیاد شود و بطوریکه جدول ضمیمه (شماره ۳) نشان میدهد مصرف این مواد از ۲/۲ میلیون مترمکعب در سال ۱۹۵۶ به ۴/۳ میلیون مترمکعب در ۱۹۶۱ افزایش یافته است.

اگر تولید پالایشگاه کرمانشاه و نفت شاه را کنار بگذاریم مشاهده میکنیم که در حدود ۹۰ تا ۹۵ درصد مصرف داخلی ایران از پالایشگاه آبادان تأمین میشود (جدول ۴). این نفت از جنوب بوسیله ی لوله سرتاسری و یا راه آهن بهمه جای ایران برده میشود. قدرت حمل سالانه لوله ی سرتاسری اکنون ۲/۲۰۰ هزار تن است و خصوصاً میتواند احتیاجات صنعتی دوشهر بزرگ تهران و اصفهان را برآورد.

در سال ۱۹۶۱ کل مصرف داخلی ایران ۴,۳۱۲,۴۴۳ متر مکعب و از آن میان ۱,۰۹۸,۸۸۵ متر مکعب نفت سفید بود که بیشتر مصارف خانگی داشته است و حتی امروز مصرف این مواد کم کم بروستاها نیز راه یافته است و بقیه که عبارت باشد از نفت کوره - نفت گاز و غیره بمصارف صنعتی رسیده است.

نفت در کشور ما بزرگترین منبع انرژی است و اگر از مصرف ذغال سنگ و ذغال چوب که امروزه روبه کاهش میرود بگذریم مواد نفتی چه بطور مستقیم و چه بطور غیر مستقیم (یعنی بصورت نیروی برق) احتیاجات اقتصادی ایران را بر میآورد و در بالارفتن سطح زندگی مردم و فراهم آوردن وسایل رفاه نقش مؤثری دارند.

۳ - ماهیگیری در خلیج تاکنون بصورت بدوی رایج بوده و گروهی از ساحل نشینان را بکار و امید داشته است و صید در نزدیکی سواحل و با وسایل ناقص انجام میگرفته و فقط در بازارهای محلی عرضه میشده است در حالیکه خلیج فارس از لحاظ انواع ماهی بسیار غنی است و ماهی ثروت دست نخورده ای است که باید با وسایل فنی و روش های علمی جدید از آن بهره برداری کرد. کنسرو سازی بندر عباس هر چند فعالیت محدودی دارد ولی نشان داد که انواع ماهی جنوب ایران قابلیت عرضه در بازارهای بین المللی را داراست. بیگمان در آینده ماهیگیری در خلیج نه تنها موجب ایجاد فعالیت و ازدیاد درآمد ساحل نشینان خواهد شد بلکه منبع غذائی عظیمی خواهد بود برای همه ی مردم ایران و خصوصاً کمبود پروتئین حیوانی را که در غذای ایرانیان محسوس است جبران خواهد کرد و نیز صدور آن منبع ارزی جدیدی برای اقتصاد ایران خواهد بود.

ما در اینجا فقط به بعضی از جنبه های اقتصادی خلیج که اهمیت خاصی در اقتصاد ایران داشت اشاره کردیم بدینسان می بینیم که اقتصاد خلیج نمیتواند از اقتصاد ایران جدا

باشد و کانونهای اساسی صنعت انرژی و بازرگانی بین‌المللی ایران در آنجا قرار دارد . این کانونها تاکنون موجب ایجاد فعالیتهایی در جنوب شده و از این پس نیز اجرای طرح‌هایی مانند عمران خوزستان ، ایجاد صنایع پتروشیمی و یا ایجاد بندر آزاد در کنار خلیج فعالیت‌ها را توسعه خواهند داد .

خلیج فارس اقتصاد ایران را بیش از پیش به اقتصاد جهانی پیوند میدهد و ساکنین کرانه‌های آن در آینده کسب و کاری تازه پیش خواهند گرفت و رسوم و آدابی دیگر خواهند داشت. زندگی در این منطقه دچار دگرگونی خواهد شد و ما آغاز دوره‌ی تبدیل‌ماهیگیری ساده و مبادلات پایاپای محلی را به مرحله‌ی اقتصاد صنعتی بچشم می‌بینیم . شاید افسانه‌ها و بازیها و رسوم‌ی که در آنجا ضمیمه‌ی زندگی ساده‌است اندک‌اندک فراموش شود ولی از کجا معلوم است که افسانه‌ی سازندگان زندگی جدید در کرانه‌های خلیج از افسانه‌های کهن شنیدنی‌تر نباشد ؟

فسانه‌گشت و کهن شد حدیث اسکندر

سخن نوآر، که نورا حلاوتی‌است دگر

سخنرانی آقای دکتر خانبابایی

خلیج فارس در زمان صفویه

آقای دکتر بیانی تحصیلات خود را در دبستان ترقی، دبیرستان



دارالفنون، دارالمعلمین عالی تهران
و دانشگاههای کشور فرانسه طی کرده‌اند
و بدرجه‌ی دکتری در رشته‌ی تاریخ از
دانشگاه سوربون پاریس نائل آمدند .
ایشان مناصب مهمی در دانشگاههای
ایران و در وزارت فرهنگ و همچنین
معاونت نخست وزیر، ریاست دانشسرای

عالی و سناتوری و عضویت شوراهای علمی در ایران و بعضی از
کشورهای خارج داشته‌اند و اکنون از استادان دانشمند دانشگاه
بشمار می‌روند .

آقای دکتر بیانی تألیفات و آثار گرانمایی از جمله ده جلد
کتاب تاریخی بزبانهای فارسی و فرانسه بوجود آورده‌اند و بگرفتن
نشانه‌های علمی در ایران و فرانسه نائل آمده و در چند کنگره‌ی
علمی جهانی شرکت کرده‌اند .

ایران از زمانهای باستانی چهارراه دنیای متمدن و قرنهای مرکز کاروانها
و آمد و رفت و تجارت ملل مختلف بود ولی راه یافتن اروپاییها بدریاها و اقیانوسها و کشف
دماغه‌ی امید نیک (۱۴۹۸ میلادی) و تسلط اروپاییان بر هندوستان و تغییر راه بازرگانی
لطمه‌ی بزرگی با اهمیت اقتصادی و بازرگانی ایران وارد آورد . با فتوحات عثمانی‌ها
در دریای مدیترانه و بستن یگانه راه بازرگانی پیش از کشف دماغه‌ی امید نیک میان آسیا
و اروپا چنین بنظر آمد که کشورهای خاورمیانه بکلی حیثیت بازرگانی خود را از دست
داده‌اند، ولی اهمیت هندوستان و منافعی که اروپاییان از این سرزمین میبردند آنان را
بخيال انداخت که برای بدست آوردن آن از هیچگونه تشبث و اقدامی خودداری ننمایند .

یکی از نقاطی که بیش از هر جا توجه ملل دریانورد اروپایی را جلب نمود خلیج فارس بود. از مدت‌ها پیش جزیره‌ی کوچکی بنام هرمز در دهانه‌ی خلیج فارس مرکز بازرگانی و انبار امتعه شده بود که از هندوستان بتمام نقاط آن زمان میرفت.

آلبوکرک (Alfonso d'Albuquerque) فاتح پرتغالی و سایر فاتحین ملل مختلف با توجه با اهمیت این نقطه با سعی زیاد در بدست آوردن آن از هیچگونه فداکاری خودداری نکردند و بر سر این جزیره‌ی کوچک که کلید خلیج فارس بود سالهای متمادی بجان یکدیگر افتادند.

از طرف دیگر دولت امپراطوری عثمانی با فتوحات پی‌درپی تا قلب اروپا راند و دنیای مسیحیت و تمام کشورهای اروپایی را بتشویش و هراس انداخت ولی توقف ناگهانی ارتش عثمانی در نزدیکی وین پایتخت اطریش نظر باب‌عالی را برای بسط نفوذ بجانب آسیا معطوف داشت.

ایران که در این زمان گرفتار اختلافات داخلی و کشمکشهای خاندانهای آق‌قویونلو و قره‌قویونلو و مدعیان دیگر تاج و تخت بود بهترین موقع را بدست سلطان عثمانی داد. توجه سیاست دربار عثمانی از اروپا با آسیا با تشکیل حکومت خاندان صفویه و باز آمدن سر رشته‌ی امور بدست ایرانیان و تجدید حیات ملیت ایرانی مصادف شد. شاه اسمعیل سرسلسله‌ی خاندان صفویه پس از تشکیل یک حکومت مرکزی و سرکوبی مدعیان داخلی خود را ناگهان در مقابل نیروی خطرناکی که از هر جهت باو برتری و تفوق داشت دید مقابله با چنین نیرویی که تا آن زمان تا قلب اروپا رانده و دولتهای مسیحی را به بیم و هراس انداخته بود از راه جنگ و ستیز امری دشوار بلکه غیرممکن بنظر می‌آمد ناچار با عمل سیاست متوسل شد و با پیش کشیدن سیاست مذهبی توانست سد محکمی در مقابل امپراطوری عثمانی بکشد.

جانشینان شاه اسمعیل تا دوران پادشاهی شاه عباس کبیر با امپراطوری مقتدر عثمانی روش مدارا پیش گرفتند و حتی الامکان مراقبت کردند از درگیر شدن با آن خودداری نمایند. شاه عباس پس از رسیدن پادشاهی و تسلط یافتن باوضاع داخلی ب فکر افتاد دست بیگانگان را کوتاه کند. پادشاه ایران از آغاز پی بموانع و مشکلات این کار برده بود لذا اجرای سه‌امر را در رسیدن بآرزوی خود از لوازم شمرد.

۱- دامن زدن بآتش کینه‌ی ایرانیان و یادآوری دوران تسلط بیگانگان از راه مذهب.

۲- تهیه و تجهیز ارتش منظم و مسلح با اسلحه‌ی جدید آتزمان.

۳- جلب اتحاد و دوستی پادشاهان و دولتهای اروپایی.

قسمت سوم کاملاً متوجه سیاست خارجی شاه عباس بود که نیل بدان با پیشرفت عثمانیها در اروپا و تهدید دنیای مسیحیت و احتیاج دولتهای اروپایی بوجود کمک نیرومند و توانایی مخصوصاً در مشرق، آسان بود. دربارهای اروپا که پادشاه نیرومند و سیاستمداری بر تخت ایران مشاهده میکردند و او را از هر حیث و هر جهت واجد مقابله با نیروی عثمانی

میدیدند با کمال شتاب در جلب اتحاد او اقدام کرده با فرستادن سفرا نقشه و فکر او را تمجید و بجنگ تحریص و تحریک میکردند.

حسن سیاست داخلی شاه عباس و استقرار نظم و امنیت در ایران ملل و دولتهای اروپایی را بر آن داشت که علاوه بر دفع شر دشمن و اتحاد نظامی در روابط بازرگانی و اقتصادی با دولت ایران داخل شوند. در همین زمان بود که اروپاییها در کناره‌های هندوستان مراکز بازرگانی تشکیل داده توجه خود را بسوی کشورهای اطراف شبه جزیره‌ی مزبور معطوف کرده بودند.

پرتغالیها و اسپانیاییها که نزدیک یک قرن در خلیج فارس تسلط داشتند ارتباط نزدیک با دربار ایران را از لوازم شمردند. دیری نگذشت که هلندیها و انگلیسیها و فرانسویها نیز بنوبه‌ی خود مستعمراتی بدست آورده در راه دادوستد و بازرگانی افتادند در ضمن نیز بخلیج فارس آمده در بنادر و جزایر مختلف آن برای خود مراکز بازرگانی ایجاد و تأسیس نمودند. آبادی و قدرت ایران توجه اروپاییان را روز بروز بیشتر کرد و برای جلب دوستی و نزدیکی بدولت صفویه با یکدیگر در رقابت شدید افتادند. موضوع رقابت آنها بهترین زمینه را برای سیاست خارجی پادشاه ایران و کوتاه کردن دست پرتغالیها که بواسطه‌ی فتوحات «آلبوکرک» بیک قسمت مهمی از خلیج فارس راه یافته در نتیجه سواحل و بعضی از جزایر آن را در تحت تصرف خود در آورده بودند فراهم آورد.

پادشاه صفوی همیشه منتظر فرصت برای اخراج پرتغالیها از خلیج فارس و جزایر و سواحل آن بود و برای اقدام باین کار ناچار باتحاد با یکی از دولتهای اروپایی که دارای نیروی دریایی کافی باشد بود ولی ضمناً تارسیدن باین مقصود بوالی فارس دستور داد غیر مستقیم دائماً اسباب مزاحمت پرتغالیها را در کرانه‌های خلیج فارس فراهم آورد. والی فارس هم جزیره‌ی بحرین و بسیاری از استحکامات و قلعه‌های نظامی پرتغالیها را مورد تعرض قرار داد. فرماندار پرتغالی هرمز پادشاه اسپانیا را از تعرض قوای نظامی ایران آگاه ساخت فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا که پیشرفتهای شاه عباس را در خلیج فارس و تصرف قشم و بحرین را بواسطه‌ی نیروی نظامی ایران مشاهده کرد در تشویش افتاد و سفیری بنام دون گارسیا دوسیلوا فیگروا (Don Garcia de Silva Figueroa) بدربار اصفهان فرستاد ولی چون پادشاه ایران در عملی کردن نقشه و فکر خود مصمم بود با وجود پذیرایی شایانی که از سفیر اسپانیا کرد جواب مثبتی بتقاضاهای او نداد.

فیلیپ هم چون کار را بدین پایه دید بفرمانده نیروی خود دستور داد تا خود را برای مقابله با سپاهیان ایرانی آماده سازد. روی فریر (Ruy Freire) دریاسالار اسپانیایی ناوهای جنگی خود را در مقابل هرمز آورده از آنجا بندر گمبرون را مورد تعرض قرار داد این خبر شاه عباس را فوق العاده متغیر ساخت و مصمم شد بکمک کمپانی هندانگلیس که آن نیز وجود پرتغالیها را در آبهای خلیج فارس بزیان خود میدانست بکار آنها خاتمه دهد. بهمین جهت در سال ۱۶۲۰ (۱۰۳۰ هجری) با دسته‌یی از نیروی دریایی کمپانی

متحد شده از راه دریا و خشکی به جاسک حمله کرده آنرا متصرف شد فتح جاسک وضعف نیروی متحد پرتغالی و اسپانیایی بیش از پیش شاه عباس را در انجام نقشه‌ی خود پایدار و استوار کرد و پس از بستن معاهده‌یی که دربندر میناب با کمپانی هندانگلیس امضاء کرد (۸ ژانویه ۱۶۲۲) بنای تعرض را بجزیره‌ی هرمز گذاشت. پس از امضای این معاهده الله‌وردیخان والی فارس و پسرش امام قلیخان با تمام نیرو از جانب خشکی، و کمپانی هند انگلیس از طرف دریا بجزیره‌ی هرمز بنای تعرض و حمله را گذاشتند و پس از قطع ارتباط میان دویرونی دریایی پرتغالی و اسپانیایی با نیروی خشکی جزیره را بتصرف درآوردند و بدین ترتیب شاه عباس توانست با حسن سیاست دست پرتغالیها را از خلیج فارس کوتاه کند (۱۶۲۲ میلادی - ۱۰۳۲ هجری) و ضمناً نفوذ عثمانی‌ها را در این دریا خنثی نماید. هلندیها پس از تصرف قسمتی از هندوستان شرقی بخیال افتادند از راه خلیج فارس با ایران داخل در روابط بازرگانی شوند و آنها نیز درکناره‌های آن مراکز بازرگانی برای خود تأسیس نمایند و چون درموقع جنگهای ایران و پرتغال بنیروی دریایی انگلیس کمک کرده بودند باین بهانه از دربارشاهی تقاضا نمودند ایشان را در بازرگانی ایران و مخصوصاً در فروش ابریشم با دولتهای دیگر شریک نماید. شاه عباس در این زمان درگیر و دار جنگ با عثمانیها بود از نظر بدست آوردن متحدی دیگر بدون تردید پیشنهاد هلندیها را با دادن امتیازاتی چند باوجود مخالفت شدید کمپانی هند انگلیس قبول کرد. طولی نکشید که کار دخالت هلندیها در خلیج فارس بجایی کشید که بازرگانی و موقع انگلیسها را بخطر انداخت بحدیکه نماینده‌ی کمپانی مصمم شد شعبه‌ی کمپانی را در شهر اصفهان منحل نماید ولی دخالت بازرگانان انگلیسی بندرعباس او را از این کار منصرف کرد. کمپانی هند هلند چون موقع خود را دربار پادشاه صفویه استوار دید درصدد برآمد مراکزی در بندرعباس برای بازرگانی خود تأسیس نماید باین قصد سفیری بنام هویبر ویسنیش (Huyber Visnich) باصفهان فرستاد. ورود این سفیر مصادف شد با پیروزی شاه عباس در جنگ با عثمانیها و مقدمات نقشه‌کشی برای بیرون کردن پرتغالیها از خلیج فارس، شاه عباس که دخالت دولت جدیدی را در خلیج فارس رقیب بزرگی برای پرتغالیها تصور کرد با کمال گرمی از سفیر هلند پذیرایی کرد و حتی حاضر شد باوجود مخالفت شدید انگلیسها معاهده‌یی مبنی بر آزادی رفت و آمد و اقامت بازرگانان اتباع هلند در خاک ایران و خلیج فارس امضاء نماید (۱۶۲۳) پس از انعقاد و امضای این معاهده مجلس طبقاتی هلند نامه‌یی مبنی بر عرض تشکر بتوسط سفیری بدربار اصفهان فرستاد. شاه عباس چون باآسانی با تمام تقاضاهای کمپانی هند هلند بامید اینکه متحدی از این راه بیابد موافقت نموده بود برای جلب دوستی و استحکام روابط دوستی تصمیم گرفت سفیری به هلند بفرستد. بهمین مناسبت یکی از بزرگان دربار را بنام موسی بیگ روانه هلند کرد.

شاه عباس که تصور میکرد هلندیها را میتواند در اتحاد برضد امپراطوری عثمانی داخل کند و در کوتاه نمودن دست پرتغالیها و اسپانیاییها از خلیج فارس از آنها استفاده

نماید در اینجا سیاستش بمانع بزرگی برخورد زیرا هلندیها که از داخل شدن در ارتباط با دولت ایران جز بازرگانی و منحصر کردن ابریشم ایران بخود نظری نداشتند پیوسته از زیر بار مذاکرات سیاسی و نظامی شانه خالی میکردند و در موقعی هم که ناچار باین امور رضایت میدادند موقتی بود و پس از برآورده شدن منظور خود راه اولیه را پیش میگرفتند. تسلط انگلیسها بر اقیانوسها در نتیجهی راه یافتن به هندوستان و تشکیل مراکز بازرگانی و نظامی در این کشور سبب شد که آنها نیز مانند پرتغالیها و اسپانیاییها و هلندیها برای نگاهداری مستعمرات و متصرفات خود تکیه گاههایی در دریاها و مجاور و کشورهای همسایه بدست آورند.

خلیج فارس بهترین تکیه گاه ایران و مناسبترین محل برای فروش کالاهای هندوستان بود از این تاریخ است که روابط میان دو کشور بطور جدی آغاز گشت. سفرا و نمایندگان بازرگانی یکی پس از دیگری در رفت و آمد شدند. یکی از نمایندگان بنام ریچارد استیل (Richard Steel) موفق شد فرمانی مبنی بر آزادی رفت و آمد و دادوستد بازرگانی در ایران از پادشاه بگیرد.

انگلیسها تصور میکردند با رفتن استیل بایران و گرفتن بعضی امتیازات از پادشاه ایران اساس روابط خود را با ایران محکم کرده اند ولی این خیال با سیاست شاه عباس که مایل بود متحد و دوستی در جنگهای با عثمانیها بیابد و سپس این متحد را در صورت ازدیاد نفوذ با اتحاد دولت دیگری در اروپا از میان ببرد بکلی منافی بوده زیرا منظور شاه عباس از دوستی با انگلیسها این بود که پس از مغلوب کردن دولت عثمانی روزی بکمک ایشان بتواند دست اسپانیاییها را از خلیج فارس و کناره های آن کوتاه نماید. بعلاوه شاه عباس بخوبی حس کرده بود تا نیروی دریایی اسپانیا در خلیج فارس باشد عثمانیها نمیتوانند در آنجا نفوذ داشته باشند. بنابراین گسستن ارتباط با دولت اسپانیا برای شاه عباس مورد نداشت. باین نظر بود که شاه عباس رابرت شرلی را برای باردوم مأمور اسپانیا و تجدید مذاکرات دوستانه کرد.

توماس روی (Thomas Roe) سفیر انگلیس در دربار دهلی که از دور متوجه سیاست ایران بود اقدام شاه عباس را مخالف مصالح انگلیسها در ایران دید و کمپانی هند انگلیس را از این قضیه آگاه ساخت و بعلاوه نامه یی بشاه عباس نوشته وی را از نتایج سوء اتحاد با اسپانیا آگاه ساخت.

کمپانی، یکی از اعضای عالیرتبه ی خود را بنام ادوار کونوک Ed. Connok

برای انجام این کار مأمور کرد. این شخص مأمور بود:

اولاً معاهده ی بازرگانی با شرایط مناسب بادولت ایران به بندد. ثانیاً کالاهایی را که در ایران خریدار دارد بامیزان بها و مقدار سود آنها تعیین نماید. ثالثاً بندرجاسک را در کنار خلیج فارس مورد بررسی قرار دهد و ببیند آیا این بندر از نظر نظامی و حسن موقع صلاحیت دارد مرکز بازرگانی کمپانی بشود یاخیر؟ رابعاً بچه وسیله میتواند

در اطراف بندر هرمز کشتی رانی نموده کالاهای را بسلامت بدون اینکه مورد تعرض کشتیهای کشورهای دیگر قرار گیرد بمقصد رساند. خامساً بدربار ایران تذکر بدهد که در صورت توافق نظر کمپانی حاضر است پادشاه انگلیس را در اتحاد و دوستی با پادشاه ایران داخل نموده ویرا با تمام نیرو علیه دشمنانش کمک و یار باشد.

کونوک موقعی بایران رسید که شاه عباس سرگرم جنگ با عثمانیها بود. شاه هم ورود ویرا مغتنم شمرده و با گرمی هر چه تمامتر از او پذیرایی کرد و در همانجا امتیازات چندی مبنی بر آزادی تجارت و رفت و آمد برای بازرگانان و اتباع انگلیسی و تخفیف در حقوق و عوارض گمرکی و تأسیس مراکز بازرگانی در خاک ایران و فروش ابریشم با قیمت معین بکمپانی داد در ضمن وعده داد بندر جاسک یا یکی از بنادر دیگر خلیج فارس را بمیل کمپانی ببازرگانان انگلیسی برای ساختن انبارها و استحکامات واگذار نماید.

مذاکرات نمایندگان کمپانی هند انگلیس با دولت ایران مقارن شد با ورود نماینده‌ی انگلیس بنام هوبس (Hobbs). این هیأت بالاخره موفق شد معاهده‌یی با شاه عباس به بندد که برطبق آن کمپانی هند انگلیس حاضر شد تمام تمایلات پادشاه ایران را در بیرون کردن بیگانگان از خلیج فارس برآورده کند در مقابل دولت ایران انحصار بازرگانی ابریشم را برای کمپانی تضمین نماید بشرط آنکه خروج آن از راه عثمانی صورت نگیرد (۱۶۱۹). این موفقیتها انگلیسها را تشویق کرده در صدد برآمدند علاوه بر جاسک در گمبرون برای خود مرکز بازرگانی دیگری تأسیس نمایند ولی معاهده‌ی ۱۶۱۹ هنوز داخل در مرحله‌ی عمل نشده بود که گرفتار مخالفت سخت ارامنه گردیدند. ارمینیا تنها کسانی بودند که امتعه‌ی ایران را از راه عثمانی حمل کرده در بندر مدیترانه بارو پاییه‌ها می فروختند. بنابراین معاهده‌ی شاه عباس با انگلیسها شکست بزرگی بارامنه وارد میساخت لذا تصمیم گرفتند بوسایل مختلفه پادشاه ایران را از عملی کردن معاهده بازدارند تا بالاخره با پرداخت بهای بیشتری امتیاز ابریشم را گرفته و انگلیسها را از پیشرفت مقاصد خود مانع شدند.

چنانکه گفته شد شاه عباس بموجب معاهده‌یی بکمک نیروی دریایی کمپانی هند انگلیس دست پرتقالیها و اسپانیاییها را از خلیج فارس کوتاه کرد ولی پادشاه ایران چون عملی کردن معاهده را برطبق مصالح خویش نمیدانست از انجام آن بیبانه اینکه انگلیسها پس از فتح هرمز کشتیهای خود را برای جلوگیری از پیشآمدهای بعدی در اطراف این بندر نگاهداشته‌اند خودداری مینمود. از طرف دیگر دربار مادرید رفتار کمپانی انگلیس را برخلاف منافع دولت خود در ایران مورد اعتراض شدید قرار داد و چون دولت انگلیس در آن زمان با دولت اسپانیا در حال صلح و دوستی بسر میبرد کمپانی هند انگلیس را از اینکه بدون اجازه‌ی دولت متبوع خود بدین عمل اقدام کرده است مؤاخذه و آنرا تهدید بانحلال نمود. کمپانی با پرداخت مبلغی جریمه و پوزش از کار خود موفق شد موافقت دربار لندن را جلب نماید. بنابراین میتوان گفت کمپانی هند انگلیس ظاهراً از کمک

به شاه‌عباس نتیجه‌یی نبرد ولی کوتاه شدن دست پرتغالیها و اسپانیاییها از خلیج فارس طبیعتاً نفوذ انگلیسها را در دریای مزبور زیاد نمود. چون پادشاه صفوی بمناسبت اختلاف با دربار عثمانی ناچار بداشتن کمکی اروپایی بود بهتر دید که رضایت خاطر دولت انگلیس را فراهم آورده بوعده‌های خود وفا نماید در ضمن برای حفظ ظاهر و تأیید روابط دوستی با انگلیس رابرت شرلی را برای بار سوم باروفا فرستاد (۱۶۲۴) پس از مرگ شاه‌عباس کبیر روابط با خارجی‌ان قطع نشد پادشاهان صفویه برای تعقیب سیاست اقتصادی جد خود و مقابله با ترکان عثمانی در جلب بازرگانان و دولت‌ها و پادشاهان اروپا از هیچ اقدامی فروگذار نکردند.

پس از سقوط هرمز چون پرتغالیها از پس گرفتن آن جزیره بکلی مأیوس شدند با شاه‌عباس از در دوستی درآمدند و از آنچه در سواحل ایران داشتند رسماً چشم پوشیده در عوض اجازه گرفتند در بندر کنگ (Kung) که در ۷ کیلومتری شمال شرقی بندر لنگه واقع بود قلعه‌ی تجارتخانه‌یی بسازند و در بحرین بصید مروارید بپردازند و بموجب معاهده‌یی مقرر شد که از آن تاریخ مال‌التجاره‌ی پرتغالی در آن بندر از حقوق گمرکی معاف و نصف عایدات گمرکی بندر کنگ بایشان داده شود. شاه‌عباس از دلجویی پرتغالیها و بستن این پیمان منظور سیاسی داشت و میخواست با آنان دوست باشد تا بتواند در موقع لزوم از کشتیهای ایشان برضد انگلیسها و هلندیها استفاده کند.

قرارداد مذکور تا زمانیکه پرتغالیها بر مسقط مسلط بودند اجرا شد ولی از سال ۱۶۵۰ در زمان شاه‌عباس دوم که مسقط نیز از دست ایشان خارج شد دولت ایران از اجرای مواد معاهده خودداری کرد. نایب‌السلطنه‌ی پرتغال در هندوستان سفیری بدربار شاه‌عباس دوم فرستاد، باموافقت طرفین مقرر شد دولت ایران همه ساله مبلغی از بابت عوائد گمرکی بندر کنگ بپردازد و پرتغالیها از تمام حقوق خود در سواحل ایران چشم‌پوشند. در سال ۱۶۳۱ پادشاه اسپانیا چون زیان از دست رفتن هرمز را دریافته بود به نایب‌السلطنه هند دستور داده بود حتی‌الامکان در پس گرفتن آنجا بکوشد ولی این بار نیز بمقصود نرسید.

در همین تاریخ روز بروز تسلط انگلیسها و هلندیها در آبهای آسیا و سواحل آن بیشتر میشد پس از مرگ شاه‌عباس کبیر هلندیها موقع را مغتنم شمردند و با جلب رضایت اولیای دولت جدید و ترقی‌دادن امتعه‌ی ایران با عمال شرکت تجارتی انگلیس بمخالفت پرداختند و میکوشیدند بهر وسیله که باشد انگلیسها را از مراکز و بنادر تجارتی خلیج فارس خارج سازند ولی شاه‌صفی امتیازی را که شرکت هند شرقی انگلیس در تجارت ابریشم ایران داشت با شرایط بهتری که بیشتر بنفع ایران بود تجدید کرد.

ورود هیأتی از طرف فرمانروای هولشتاین برای افتتاح باب تجارت و گرفتن امتیاز صدور ابریشم بدربار اصفهان هلندیها را سخت نگران ساخت و با اقدامات چندی هیأت را از این معامله منصرف کردند شاه ایران از این موضوع متغیر شد و فرمان داد از کالای

ورودی و خروجی هلندیها حقوق گمرکی گرفته شود. هلندیها از در مخالفت درآمدند. وبا نیروی مجهزی در سال ۱۶۴۵ بحصار و قلعه‌ی قشم حمله بردند و در همان حال برای جلوگیری از تجارت بازرگانان هندی و شرکت هند شرقی انگلیس با ایران کشتی‌هایی بجزیره‌ی هرمز و سواحل جنوب فرستادند ولی بواسطه‌ی گرمای شدید و تلفات زیاد از اقدام خود نتیجه‌ی نبردند پس ناچار با پادشاه ایران از در صلح درآمدند. شاه عباس هم ایشانرا بخشیده بار دیگر از حقوق گمرکی معاف شدند.

هلندیها پس از آنکه با شاه عباس دوم صلح کردند در صدد برآمدند دست انگلیسها را از سواحل خلیج فارس کوتاه کنند لذا هشت کشتی جنگی به بصره فرستادند و تجارتخانه‌ی انگلیسی آن بندر را ویران کردند و پس از آن نیز به تحریک و کمک شرکت هند شرقی هلند پرتغالیها را از مسقط راندند دائره‌ی نفوذ هلندیها در هندوستان و خلیج فارس وسیعتر شد بطوریکه در سال ۱۶۵۰ یازده کشتی هلندی بدون هیچگونه مانعی به بندر عباس آمدند و امتعه‌ی بسیاری بدانجا وارد کردند از اینراه شکست فاحشی بتجارت انگلیسها وارد آوردند باینهمه از شاه عباس دوم تقاضا کردند بایشان نیز امتیازاتی نظیر امتیازات انگلیسها بدهد ولی او نپذیرفت.

در سال ۱۶۵۲ پس از انتشار فرمان کشتیرانی کرمول هلندیها چون این فرمان را مخالف منافع اقتصادی خود دیدند با انگلیس از در جنگ درآمدند. اندکی پس از اعلان جنگ دسته‌ی از کشتی‌های هلندی به بندر سورت در هندوستان و از آنجا بخلیج فارس آمدند و به پرتغالیها پیشنهاد کردند برضد انگلیسها با ایشان همداستان شوند ولی پرتغالیها این پیشنهاد را نپذیرفتند و هلندیها به تنهایی سه کشتی انگلیسی را در حوالی بندر جاسک و دو کشتی دیگر را در حوالی بندر عباس اسیر و غرق کردند.

در اواسط قرن هیجدهم تسلط و اقتدار هلندیها در خلیج فارس بمراتب بیش از انگلیسها بود ولی در اواخر این قرن از قدرت و نفوذ ایشان کاسته شد. پس از مرگ شاه عباس شرکت هند شرقی انگلیس فرمان تازه‌ی درباری تجارت ابریشم از شاه صفی جانشین وی گرفت. ضمناً در این فرمان علاوه بر امتیازات بازرگانی اجازه داده شد در سواحل خلیج فارس برای خود مراکز بازرگانی جدیدی تأسیس نماید. این تسهیلات و امتیازات موجب شد که شارل اول پادشاه انگلیس در چند مورد ضمن ارسال نامه‌های متعدد و فرستادن سفرا و نمایندگان از پادشاه ایران تشکر نماید. با وجود این دائره‌ی تجارت هلندیها در ایران روز بروز توسعه می‌یافت و آتش رقابت ایشان با انگلیسها تندتر میشد. ضمناً دولت ایران هم از اختلافات انگلیس و هلند استفاده میکرد و در موارد مقتضی از امتیازات طرفین میکاست. این وضع برای انگلیس ادامه داشت تا اینکه در نیمه‌ی دوم قرن هفدهم که عمال آن شرکت کم کم کارت تجارت را با سیاست درآمیختند و چون سرمایه‌داران جدیدی نیز از انگلیس در این شرکت داخل شدند حدود معاملات و نفوذ آن در هندوستان و سایر نقاط مشرق زمین وسعت گرفت و بالحق سرزمینهای جدید و پشتیبانی پادشاه و دولت

مرکزی بر نفوذ و قدرت خود افزود .
از آنچه که مختصراً بعرض رسید ملاحظه میشود تا چه اندازه خلیج فارس
در سرنوشت سیاسی و اقتصادی و تجارتي ایران مؤثر بوده است پادشاهان صفوی که بخوبی
پی با اهمیت این موضوع برده بودند با کمال قدرت در حفظ و نگاهداری آن کوشیده
و از بذل هیچگونه مجاهدتی دریغ نمیکردند و با تمام قوا و وسایل میکوشیدند دست بیگانگان
را از يك قسمت از میراث دوهزارساله‌ی اجداد و نیاکان خود کوتاه نمایند .

سخنرانی آقای سید محمد تقی مصطفوی

آثار باستانی در خلیج فارس

آقای مصطفوی بسال ۱۲۸۴ در تهران متولد شدند . پس از طی دوره ی ابتدائی و متوسطه تحصیلات عالی را در دانشگاه تهران دنبال کردند و باخذ لیسانس در رشته حقوق نائل آمدند . در سال ۱۳۰۴ بخدمت فرهنگ وارد شدند و بکارهای تعلیماتی و پس از آن بسمت بازرس فنی باستان شناسی مشغول گردیدند . در سمت اخیر بمأموریت های



باستان شناسی در شوش ، تخت جمشید ، اصفهان و نقاط دیگر کشور سفر کردند و یکبار در سال ۱۳۱۴ در کنگره ی سوم باستان شناسی لنینگراد شرکت نمودند .

از وقایع مهم زندگی و کارهای باستان شناسی ایشان کشف الواح زر و سیم در تخت جمشید بسال ۱۳۱۲ و کشف کاسه طلای حسنلو بسال ۱۳۳۷ را باید نام برد . آقای مصطفوی در زمینه ی باستان شناسی تحقیقات و مطالعات عمیق دارند و تا کنون آثار و نوشته های زیادی در این باره منتشر ساخته اند .

در آغاز امر توجه باین نکته مناسب است که معرفی آثار باستانی در خلیج فارس نیازمند مشاهده و بررسی کرانه های جوانب گوناگون خلیج نامبرده مخصوصاً سواحل استان تاریخی فارس و اطلاع از نزدیک دوباره آنها است که چون طبعاً چنین توفیقی نصیب این جانب نگردیده است بناچار آنچه بر اثر بررسی کتب و منابع تاریخی و اسنادی که سراغ میرفت و مذاکره با اهل اطلاع در این باره فراهم آمده است مطالبی گردآوری نموده در این مورد عرضه میدارد و امیدوار است درآینده ی نزدیک این اطلاعات ناقص و نارسا باتحقیقات و تجسسات دامنهدار اهل فن و جوانان علاقه مند مراحل تکامل شایسته و درخور چنین بحث مفیدی را بییماید .

یکی از مهمترین آثار باستانی خلیج فارس شبه جزیره ی بوشهر است که ویرانه های

ریشهر قدیم و آثار باستانی دیگر و شهر کنونی بندر بوشهر را دربر دارد. شبه جزیره‌ی مزبور بدرزای در حدود ۱۲ کیلومتر و پهنای متوسط قریب ۳ کیلومتر در امتداد نزدیک به شمال غربی به جنوب شرقی و تقریباً بموازات قسمتی از کرانه‌ی شمالی خلیج فارس واقع گردیده است و از جانب مشرق بوسیله‌ی برزخی متصل و مربوط بساحل مییاشد.

ویرانه‌های ریشهر در جانب باختری شبه جزیره، نزدیکتر باتنه‌های جنوبی آنست و بندر بوشهر در انتهای شمال باختری شبه جزیره واقع گردیده سمت غربی یا جانب چپ آن بخلیج فارس و سمت شمال شرقی یا جانب راست آن بدهانه‌ی خلیج کوچک فرعی آن محل ارتباط دارد مسافت بین ویرانه‌های ریشهر و بندر بوشهر بالغ بر ده کیلومتر می‌گردد. ویرانه‌های ریشهر مربوط به عهد عیلام یعنی هزاره‌ی سوم تا قسمتی از هزاره‌ی اول پیش از میلاد بوده مشتمل بر بقایای دژ وسیع و ابنیه‌ی عهد عیلام و ظروف سفالی و اشیاء مفرغی و آثار مختلف دیگر آن عهد است.

از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی تجسسات و کاوشهای باستان شناسی در نقاط ساحلی خلیج فارس و از جمله ویرانه‌های ریشهر انجام گرفته در سال ۱۲۹۲ شمسی (۱۹۱۳ میلادی) یعنی چهل و نه سال پیش از این نیز از طرف هیأت باستان شناسی فرانسوی در ویرانه‌های مزبور کاوشهای علمی معمول گردید و علاوه بر سفالهای منقوش و اشیاء مفرغی آثار ساختمانها و همچنین آجرهای نوشته متعلق به عهد شوتروک ناخوته Shutruk Nakhunte از شاهان دوره‌ی معروف به عهد طلایی عیلام مربوط به هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در اینجا بدست آمد. باتوجه باینکه خلیج فارس سر راه دریایی شوش و کشور عیلام به شبه قاره‌ی هند و پاکستان است بخوبی میتوان دریافت که شهریاران عیلام بجهت دلیل احداث پایگاه و ساختمان دژ و ابنیه‌ی مناسبی را در نقاط مختلف آنجا لازم تشخیص داده‌اند.

بطوریکه میدانیم عیلام مشتمل بر استان تاریخی خوزستان و قسمتهایی از لرستان و نواحی مهم و متعدد خاک فارس بوده است و شوش مرکز این کشور باستانی وسیع و متمدن از راه دریا بامراکز تمدن شبه قاره‌ی کنونی هند و پاکستان که مهانجو دارو^۱ Mohenjo Daro مرکز مهم باستانی در جانب غربی رود سند از مهمترین و نزدیکترین آنها بشمار میرود ارتباط داشته است و شبه جزیره‌ی بوشهر نیز جزئی از کشور عیلام در خاک فارس واقع بود محل مناسبی جهت احداث پایگاه دریایی و بندرگاه داشته مورد استفاده شهریاران عیلام قرار گرفته است.

آبادانی ریشهر تا قرون اولیه‌ی اسلامی ادامه داشته است، نادرشاه افشار (۱۱۴۸

۱ - واژه‌ی موئن بزبان سندی بمعنی مردگان و کلمه‌ی دارو بمعنی تپه بوده ترجمه‌ی مهانجو دارو تپه‌ی مردگان است - در محل باستانی مزبور بقایای ابنیه‌ی زیاد و آثار مختلف هزاره‌های دوم و سوم پیش از میلاد را اذدل خاک بیرون آورده‌اند.

تا ۱۱۶۰ هجری قمری) آنجا را برای مرکز نیروی دریایی ایران در خلیج فارس انتخاب نمود و مدت چندین سال مرکز فعالیت بسیار برای این منظور بود و اکنون نیز روستایی کوچک بنام ریشهر در محل ویرانه‌های ریشهر قدیم وجود دارد که جمعیت آن در حدود ۲۰۰ تن است.

مناسب میدانند اشاره باین مطلب نماید که محل دیگری هم بنام ریشهر وجود داشته که نزدیک انتهای غربی استان فارس کنار رود تاب بمسافت مختصری در شمال بندر معشور بوده است^۱ و پس از پایان توضیحات مربوط به شبه جزیره ی بوشهر بذکر آن و بنادر تاریخی چند دیگری که در سواحل همان حول و حوش وجود داشته است خواهد پرداخت.

در شبه جزیره ی بوشهر علاوه بر ویرانه‌های ریشهر ویرانه‌های دیگری بنام تل‌پی‌تل که همانطور که از اسم آنها بر می‌آید بمعنی تپه پائین تپه است نزدیک آبادی سبزآباد در برزخ بین شبه جزیره ی بوشهر و کرانه ی خلیج فارس قرار گرفته است که با کاوشهای علمی منظم بهتر میتوان بچگونگی وضع تاریخی آن پی برد.

ویرانه‌های باستانی دیگری هم بنام شاه نشین بین آبادیهای ریشهر و روونی Ravoni واقعست که آثار قلعه‌ی آن هنوز باقی و برقرار میباشد.

بوشهر طبق آنچه در کتاب «ایران از آغاز تا اسلام» تألیف دکتر گریشمن اشاره رفته در عهد سلوکی احداث گردیده است نامبرده چنین مینویسد:

«سلوکیان کمتر از نه شهر در ساحل خلیج فارس بنا نکردند و از آن جمله است انطاکیه در پارس - بوشهر امروزه - که جانشین شهر کهن عیلامی گردید^۲.

در کتب عهد اسلام نخستین کسی که از بوشهر نام برده یاقوت است که در کتاب معجم البلدان (قرن هفتم هجری) نام این محل را بوشهر ذکر نموده است. دینوری در کتاب اخبار الطوال ضمن شرح جنگهای شاپور دوم ساسانی در دو مورد نام ابرشهر را میبرد که قابل تطبیق بمحل بوشهر کنونی است.

چون سواحل خلیج فارس را از شبه جزیره ی بوشهر بجانب شمال غربی پیمایند به ترتیب از محلهای بندرگاههای قدیم گناوه (مغرب آن جنابه) و شینیز یا سینیز در نزدیک بندر دیلم کنونی و مهربان و هنديجان میگذرند.

بندر گناوه در جانب شمال غربی بندر ریگ محاذی جزیره ی خارك است. مسافت مستقیم ساحل خلیج از بندر ریگ تا جزیره ی مزبور قریب سی کیلومتر و نزدیکترین نقطه ی ساحل به آن جزیره است - یاقوت که خارك را دیده است مینویسد که از ارتفاعات آنجا

۱ - نقل از کتاب سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لسترنج ترجمه آقای محمود عرفان از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب - شماره ۷۵ - چاپ تهران ۱۳۳۷ - ص ۲۹۲.

۲ - کتاب ایران از آغاز اسلام تألیف دکتر گریشمن ترجمه ی دکتر محمد معین از انتشارات بنگاه ترجمه ولی نویسنده مذکور دلیل این مطلب را ذکر نکرده اند.

جنابه و مهر و بان را که هر دو در ساحل ولایت ارجان واقع اند میتوان دید .

بگفته لسترنج ویرانه‌های گناوه‌ی قدیم نزدیک دهانه‌ی رودخانه‌ای که در نزدیکی بندر گناوه به خلیج فارس میریزد واقع است^۱ درباره‌ی سینیز یا شینیز که محل آن گویا نزدیک بندر دیلم کنونی است اصطخری در قرن چهارم هجری مینویسد که شهری بزرگ بوده و در کنار خوری واقع گردیده است و تا دریا نیم فرسخ فاصله دارد ، مقدسی اشاره نموده است که مسجد و دارالاماره و بازارهای بسیار معمور دارد و بنا بر گفته‌ی یاقوت در سال ۳۲۱ قمری آنها را تصرف کردند و مردم آنها را کشتند و شهر را چنان ویران ساختند که جز اندکی از آن باقی نماند ولی فارسنامه در قرن ششم و حمدالله مستوفی در قرن هشتم آنها را شهری آباد معرفی کرده و اشاره نموده اند که کتان در آنها کاشته و بافته میشود و آن بندر در پناه قلعه‌ای است .

بندر مهر و بان در نزدیک مرز غربی خاک فارس و نخستین بندری بود که وقتی کشتیها از بصره و مصب شط العرب بعزم هند میآمدند بآنها میرسیدند و بندر مهم ارگان (ارگان) که نام ناحیه مهم شمال غربی فارس بود بشمار میرفت و در قرن چهارم هجری شهری معمور بود و مسجدی خوب و بازارهایی آباد داشت - ناصر خسرو در سال ۴۴۳ هجری بندر مهر و بان را دیده است و در باره آن چنین میگوید :

« شهری بزرگ است بر لب دریا نهاده بر جانب شرقی و بازاری بزرگ دارد و جامعی نیکو ، اما آب ایشان از باران بود و غیر از آب باران چاه و کاریز نبود ، که آب شیرین دهد ایشانرا حوضها و آبگیرها باشد که هرگز تنگی آب نبود . و در آنها سه کاروانسرای بزرگ ساخته اند ، هر یک از آن چون حصاریست محکم و عالی ، در مسجد آدینه‌ی آنها بر منبر نام یعقوب لیث دیدم نوشته ، پرسیدم از یکی که حال چگونه است ، گفت که یعقوب لیث تا این شهر گرفته بود ولیکن دیگر هیچ امیر خراسان را آن قوت نبوده است . و در این تاریخ که من آنها رسیدم این شهر بدست پسران اباکالنجار بود که ملک پارس بود . و خواربار این شهر از شهرها و ولایتها برند که آنها بجز ماهی چیزی نباشد . »^۱

درباره‌ی ریشهر واقع در انتهای غربی خاک فارس مناسب میدانم چند سطری را که در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی نگاشته شده است عیناً نقل نماید :^۲

اهمیت ریشهر تا زمان سلجوقیان پایدار ماند و فارسنامه‌ی ابن بلخی از قلعه‌ی آن ذکری بمیان آورده گوید آنها کشتی میسازند بگفته‌ی حمدالله مستوفی ایرانیان آنها

۱ - کتاب سرزمینهای خلافت شرقی صفحه ۲۹۵ .

۲ - نقل از کتاب سرزمینهای خلافت شرقی ص ۲۹۴۵ ضمناً دانشمند محترم آقای محیط

طباطبائی معتقد هستند که بندر مهر و بان نزدیک بندر دیلم کنونی واقع بوده است .

«بریان» می گفتند واسم اصلی ریشهر بوده است و دادوستد مردم آن شهر بانبندر خلیج فارس بسیار بوده و هوایی بسیار گرم و متعفن دارد حاصلش غله و خرما و کتان ریشهری است و بتابستان بیشتر مردم آنجا بقلعه‌ها بروند از بهر خوشی و هوا و از آنجا بدزکلات يك فرسنگ است و بطوریکه گفتیم ازدزهای اسماعیلیه بوده است».

نزديك ریشهر، هنديجان شهر و ولايتی در ساحل سفلاي رودخانه‌ی ارجان است. مقدسی گوید «هنديجان یا هندوان را بازاری بزرگ برای فروش ماهی است و مسجدی زیبا دارد. در ولايت هنديجان بقایای آتشکده و اسبابهای کهنه وجود داشت و گفته میشد که در آنجا مثل مصر گنجهایی در زمین مدفون است».

قزوینی گوید در آنجا چاهی است که از آن بخاری سمی بیرون می آید و هرگاه پرنده‌ای از بالای آن چاه پرواز کند در آن فرو میافتد و میمیرد.

در جای دیگر همین کتاب^۱ درباره‌ی نام بندر گناوه اشاره میکند که ایرانیان آنرا کنفه یا آب گنده می نامند زیرا آب آنجا چرکین است - تصور می رود مسموم بودن بخار چاه هنديجان مذکور در کتاب حمدالله مستوفی و چرکین بودن آب در بندر گناوه از قدیم الایام از جمله آثار وجود منابع نفت در آن نواحی باشد.

محل باستانی مهم دیگر خلیج فارس که در اواسط کرانه‌ی شمالی آن قرار دارد محل بندر سیراف نزديك بندر طاهری کنونی است که در عهد ساسانیان و قرون اولیه‌ی اسلامی دارای اهمیت و موقعیت برجسته و شهرت فراوان بوده است، بقایای جاده‌ی سنگی عهد ساسانی که از فیروزآباد به بندر سیراف میرفته از کنار سیاه و دهرام و میان دشت و دزگاه و جم میگذشته به بندر طاهری کنونی یا بندر سیراف قدیم منتهی میگرددیده است. ضمن راههای سیراف به داخل فارس در کتب مسالك الممالك اشاره شده است و در زمستان سال ۱۳۳۸ ضمن مسافرت دانشمند بلژیکی پروفیسور واندنبرگ Vandenberghe مورد بررسی واقع گشت و همچنین بنای مفصل کاروانسرای عهد ساسانی و آثار و بقایای سه کاروانسرای دیگر در کنار راه مزبور از طرف پروفیسور نامبرده مشاهده و بررسی گردیده است.

جاده و کاروانسرای مزبور وسیله‌ی ارتباط بندر مهم سیراف و شاهراه بازرگانی عهد ساسانی بین بندر نامبرده با فیروزآباد و سایر قسمتهای کشور شاهنشاهی ایران در عهد ساسانیان بود.

برای نمودن اهمیت آبادانی بندر سیراف که تانیمه‌ی دوم قرن چهارم هجری ادامه داشته است نقل برخی نوشته‌های کتب قدیم که در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی ذکر شده است به‌مورد بنظر میرسد:

«اصطخری در قرن چهارم هجری مینویسد سیراف از حیث بزرگی و جلال

باشیراز همسری میکند ساختمانهای آنجا از چوب ساج است که از زنگبار میآورند و عمارت‌های چند طبقه دارد که مشرف بر دریا ساخته شده همچنین گوید مردم سیراف درمخارج عمارت اسراف میکنند چنانکه یکی از بازرگانان برای خانه‌ی خود بیش از سی هزار دینار (پانزده هزار پوند^۱) خرج میکند. سپس گوید اهالی آنجا از تمام اهل فارس توانگرترند و کسانی هستند که ثروت آنان از شصت هزار هزار درهم (دومیلیون پوند^۲) بیشتر است و همه‌ی آنرا از راه تجارت دریا بدست آورده‌اند اطراف شهر باغستان و درخت وجود ندارد و میوه‌ها و بهترین آب شهر از کوهی است مشرف بر آن موسوم به کوه جم و در آن کوه قلعه‌ای عظیم است موسوم به سمیران. مقدسی درخصوص سیراف گوید تجارت آن از بصره بیشتر است و خانه‌های آنجا بهترین خانه‌هایی است که من دیده‌ام و در سال ۳۳۶ یا ۳۶۷ زمین لرزه‌ای در آنجا وقوع یافت و هفت روز زمین را تکان میداد چنانکه اهل شهر بسوی دریا گریختند و اکثر خانه‌ها ویران و با خاک یکسان گردید^۳.

پروفسور بازیل گری Basil Gray دانشمند باستان‌شناس انگلیسی درسخرانی مورخ ۱۹۲۹ء که درمؤسسه‌ی باستان‌شناسی انگلیسی درتهران تحت عنوان تأثیر تمدن ایران درچین ایراد نمودند باین مطلب اشاره کردند که سیراف و هرمز و کیش سه مرکز صدور و بندر ارتباط بین ایران و چین بوده است. و بهمین مناسبت احتمال کشف نمونه‌های اشیاء صادره از ایران بچین درنقاط مزبور میرود و این موضوع نیز خود از جمله کارهایی است که شاید زمینه‌ی تحقیقات کاوشهای آینده قرار گیرد. بخصوص که علاوه بر اهمیت سیراف و هرمز و کیش از لحاظ مرکزیت تجارت ایران باچین و بالعکس از آنجا بطوریکه میدانیم بازرگانی ایران باهندوستان و کشورها و جزایر خاور دور عربستان و سواحل بحرا حمر و کشورهای افریقای شرقی نیز از طریق همین نقاط صورت می‌گرفته است و احتمال پیدایش آثار مختلف هنری قدیمی کشورها و نواحی مزبور هم ضمن تجسساتی میرود.

با زوال دولت آل‌بویه سیراف روبرویرانی نهاد و فارسنامه‌ی ابن‌بلخی چنین گوید «مالی بسیار از آنجا برخاستی تا آخر عهد دیلم هم برین جملت بود و بعد از آن پدران امیرکیش مستولی شدند و جزیره‌ی قیس و دیگر جزایر بدست گرفتند و آن دخل که سیراف را میبود بریده گشت و بدست ایشان افتاد و رکن‌الدوله خمارتکین قوت‌رأی

۱ - حدود سه میلیون ریال .

۲ - حدود چهارصد میلیون ریال دانشمند محترم جناب آقای سلطانعلی شیخ‌الاسلامی (سلطانی) پس از ملاحظه سطور بالا اظهار نمودند که اصطخری و ابن‌حوقل روایت میکنند بعضی اشخاص را دیدم که چهار میلیون دینار دارند که معادل دومیلیون پوند میشود و تسعیر شصت هزار هزار درهم با مبلغ فوق تطبیق نمیکند و مربوط بجای دیگر کتاب مؤلفین نامبرده است .

۳ - نقل از کتاب سرزمینهای خلافت شرقی ص ۲۷۸ و ۲۷۹ .

و تدبیر آن نداشت که تلافی این حال کند و با این همه يك دوبار به سیراف رفت تا کشتیهای جنگی سازد و جزیره‌ی قیس و دیگر جزایر را بگیرد و هر بار امیر کیش او را تحفه‌ها فرستادی و کسان او را رشوتها دادی تا او را باز گردانیدندی و به عاقبت چنان شد که یکی بود از جمله‌ی خانان نام او ابوالقاسم و سیراف نیز بدست گرفت. »

اما در آغاز قرن هفتم هنگامی که یاقوت آنجا را دیده تنها مسجد آن با ستونهایی از چوب ساج برپا بود و بقایای عمارتی که در سمت ساحل وجود داشته ولی محلی برای لنگر انداختن کشتیها نداشته و سفاین ناچار به نایبند میرفته‌اند. یاقوت همچنین گوید در زمان او اهل آنجا سیراف را شیلاو میگفتند.^۱

نایبند دماغه‌ایست که در انتهای شرقی سیف (یعنی ساحل) مقابل سیراف قرار داشته و آنرا رأس نایبند میگویند و پس از زلزله‌ی شگفت بندر سیراف بشرح نوشته‌ی یاقوت کشتیها نمیتوانستند به بندر مزبور برسند و بطوریکه دانشمندان و محققین مختلف اظهار مینمایند قسمتهای زیادی از بندر سیراف بر اثر زلزله زیر آب رفته است و طبعاً در نتیجه همین قسمت بود که پس از زلزله کشتیها نتوانند در سیراف لنگر بیندازند و ناچار باشند براس ناوبند بروند.

پروفسور واندنبرگ بلژیکی که بشرح سابق الذکر در زمستان ۱۳۳۸ نواحی بین فیروزآباد و بندر طاهری (نزدیک محل بندر سیراف قدیم) را از لحاظ باستان شناسی بررسی نموده ضمن گزارش خود که بتازگی چاپ و منتشر گردیده است^۲ از گورستان باستانی وسیعی در شمال غربی آبادی کنونی طاهری که قبلاً در کتب دیگر اشاره بآن شده بود و مشتمل بر تعدادی گورهای مستطیل شکل عموماً بدرازای ۲٫۱۰ متر و پهنای نیم متر و گودی ۴۰ تا ۶۰ سانتیمتر در سنگ کوهستان کنده شده است نیز صحبت میدارد. بین بندر سیراف و شبه جزیره‌ی بوشهر بندرگاه کم‌اهمیتی بنام نجیرم وجود داشت که مسافت آن تا بوشهر در حدود نصف مسافت آن به بندر سیراف بالغ میگشت و در زمان مقدسی (قرن چهارم هجری) دارای دو مسجد و بازارهای خوب بود و برکه‌هایی داشت که از آب باران پر میشد.

احداث برکه‌ها و مخازن آب باران در سراسر سواحل جنوب ایران و در نقاط دیگر خاک فارس امری متداول بود (چنانکه در ایچ نزدیک اصطهبانات منابع متعدد آب در دامنه کوه متصل بیکدیگر از زمانهای بسیار قدیم وجود دارد) و در کتب لغت نام این منابع آب باران صهریج (جمع آن صهاریج) ذکر شده است و از اینگونه منابع

۱- نقل از کتاب سرزمینهای خلافت شرقی - ص ۲۷۹ - جناب آقای سلطانی گفته یاقوت را مبنی بر ذکر شیلاو بجای سیراف لهجه محلی میدانند و معتقدند که لسترنج در این باره درست مطلب را درك و نقل نموده است.

۲- در مجله ایرانیکا انتی کوا (Iranica Antiqua) جلد اول - چاپ لندن ۱۹۶۱ ص ۱۷۲.

آب درسواحل خلیج فارس بطور متعدد وجود دارد وازجمله آنها دربندر لنگه منبع آب بسیار بزرگی ازاین نوع هست و اکنون بنام برکه و آب انبار خوانده میشوند . آثارقدیمی دیگری که بطورمتعدد درقسمتی ازسواحل خلیج فارس وجود دارد ، ویرانه‌های برجهایی است که در دامنه کوههای ساحلی خلیج ساخته بودند وبرفراز آنها آتش میافروختند و برای راهنمایی کشتیها مورد استفاده قرار میگرفته است و هم‌اکنون ازبندر عسلویه درمشرق بندر طاهری (محل بندر سیراف) تابندر لنگه و تابندر عباس بقایای اینگونه برجها باقی وپدیدار است .

ازبندر سیراف که بطرف مشرق بجانب دهانه‌ی خلیج فارس بروند جزیره‌ی کیش برسر راه قرار دارد که خود از مراکز مهم بازرگانی و آبادانی خلیج فارس بوده است . شهر قدیم کیش درسمت شمال این جزیره واقع شده تپه‌های زیادی از آثار خانه‌های آن وستونهای سنگی دراطراف آنها اکنون باقیمانده است و تااواخر قرن هشتم هجری جزیره‌ی مزبور دارای شهرت زیاد بوده بعدها رو بویرانی گذارده و جزیره‌ی هرمز راه ترقی و آبادی پیمود^۱ .

نمونه‌ی آبادی و رونق جزیره‌ی کیش را میتوان ازحکایت شیخ سعدی در کتاب گلستان گواه آورد که چنین مینویسد : بازرگانی را دیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت وچهل بنده و خدمتکار شبی درجزیره‌ی کیش مرا بحجره‌ی خویش درآورد همه‌ی شب نیارمید ازسخنهای پریشان‌گفتن که فلان انبارم بترکستان است وفلان بضاعت بهندوستان واین قباله فلان زمین است وفلان چیزرا فلان ضمین . گاه گفتن خاطر اسکندریه دارم که هوایش خوشست بازگفتی نه که دریای مغرب^۲ مشوش است سعدیا سفری دیگر درپیش است اگر آن کرده شود بقیت عمر خویش بگوشه‌ای بنشینم گفتم آن کدام سفر است گفت گوگرد پارسی خواهم بردن بچین شنیده‌ام قیمتی عظیم دارد وازآن جا کاسه‌ی چینی بروم آرم و دیبای رومی بهند و فولاد هندی بحلب و آیینه حلبی به یمن و برد یمانی بیارس و زآن پس ترك تجارت کنم و بدکانی بنشینم . . . تا آخر داستان « ازاین داستان بخوبی میتوان به موقعیت و اهمیت جزیره‌ی کیش که یکی از پایگاههای بازرگانی ایران درخلیج فارس بوده است پی‌برد - آثار ویرانه‌ی قصبه‌ی حریرا ، که ازانبیه‌ی قدیمی عهد اسلام بوده نیز باقی مانده است و ازستونهای فروافتاده عمارات بنظر میرسد بر اثرزلزله خراب شده باشد . قلعه‌ی ویرانی هم در نزدیک کرانه‌ی دریا وجود دارد که ظاهراً بوسیله‌ی دهلیز زیرزمینی بدریا ارتباط داشته دیوارهای آنرا ازسنگ ساروج ساخته بودند درویرانه‌های واقع درجزیره‌ی کیش ظروف سفالی وچینی وسکه‌های قدیمی بدست می‌آید

۱ - رساله نظری بایران و خلیج فارس نگارش اسمعیل نوری‌زاده بوشهری - چاپ تهران

۱۳۲۳ شمسی ص ۱۰۰ .

۲ - یعنی دریای مدیترانه .

ومساجد متعددی هم در آنجا وجود داشته است^۱.

جزیره‌ی هرمز در مدخل خلیج فارس نزدیک ساحل شهرستان بندرعباس از محل‌های تاریخی مهم دیگر خلیج فارس بشمار میرود که بنوبه‌ی خود در طول قرن متمادی حائز اهمیت فراوان بوده است - ذکر این نکته مفید بنظر میرسد که در زمان قدیم شهر هرمز که بنای آنرا باردشیر بابکان نسبت میدهند^۲ در داخل قسمت‌های ساحلی خاک ایران واقع بود و اهمیت فراوان داشت.

بطوریکه در قرن چهاردهم هجری هم بندر کرمان و هم بندر سیستان بود و بگفته‌ی اصطخری مسجد جامعی داشته منازل بازرگانان در روستاهایی است که دو فرسخ تا شهر مسافت دارد بعدها که هرمز نو در جزیره احداث گردید هرمز کهنه جای کیش را گرفت همانطور که کیش جای سیراف را گرفته بود و مهمترین بنادر تجارتی خلیج فارس شد در سال ۷۱۵ هجری سلطان هرموز شهر قدیم را که در کنار دریا بود برای آنکه دزدان آنرا پیوسته مورد تاخت و تاز قرار میدادند ترك کرد و هرمز نورا در جزیره‌ی معروف به جرون یا زرون که تا کرانه‌ی دریا يك فرسخ مسافت دارد بنا نمود. در پایان قرن هشتم هجری سپاهیان امیر تیمور بشهرهای ساحلی نزدیک هرموز کهنه یورش آوردند و هفت قلعه را در آنجا تسخیر کرده همه را سوزانیدند و محافظین آن قلاع بجزیره‌ی جرون گریختند شرف الدین علی، نام این هفت قلعه را بدینقرار ذکر نموده است: قلعه‌ی مینا در هرموز کهنه - قلعه‌ی تنگ زندان - قلعه‌ی کشک - حصار شمیل - قلعه‌ی منوجان - قلعه‌ی ترزک - قلعه‌ی تازیان^۳ ابن خردادبه در اواسط قرن نهم میلادی جزیره‌ی نزدیک هرموز را بنام ارموز ذکر کرده است در کرانه‌ی جزیره‌ی هرموز سکه‌های طلا یافت شده که در يك طرف آن عادلشاه و طرف دیگر اسم جرون نوشته شده است.^۴

جزیره‌ی هرمز که بشرح سابق الذکر از قرن هشتم رونق و آبادی روزافزون یافت بتدریج از نظر بازرگانی اهمیت فوق العاده پیدا کرد و میلتن شاعر انگلیسی مینویسد که در آن زمان در مشرق از راه مثل می گفتند که:

۱- رساله نظری بایران و خلیج فارس نگارش اسمعیل نوری زاده بوشهری - چاپ تهران ۱۳۲۳ شمسی ص ۹۹.

۲- رساله نظری بایران و خلیج فارس نگارش اسمعیل نوری زاده بوشهری - چاپ تهران ۱۳۲۳ شمسی ص ۱۰۱.

۳- کتاب سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لسترنج ترجمه آقای محمود عرفان - از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب شماره ۷۵ - چاپ تهران ۱۳۳۷ ص ۲ - ۳۴۱.

۴- رساله‌ی نظری بایران و خلیج فارس نگارش اسمعیل نوری زاده بوشهری - چاپ تهران ۱۳۲۳ شمسی ص ۱۰۲.

« اگر دنیا حلقه‌ی انگشتی باشد هرمز نگین آنست »^۱ در کتاب تمدن ایرانی^۲ طی مقاله‌ای A. Bonifacio (فصل نخست) در قسمتی که زیر عنوان نواحی خلیج فارس نوشته شده اشاره باین امر گردیده است که «بندر هرمز در جزیره‌ای در مدخل خلیج فارس واقع شده و تا ابتدای قرن هفدهم مرکز بازرگانی مهمی بوده و محصولات هندوستان و حتی خاور دور از این بندر داخل ایران میشده و تا ترکستان میرفته است» در دنباله‌ی این مطلب نیز چنین مینویسد: «از قرن هفده تا قرن نوزده بندر عباس که در خشکی در مقابل هرمز ساخته شده بود جای بندر هرمز را گرفت» در سال ۹۱۳ هجری مطابق ۱۵۰۷ میلادی دریا سالار پرتقالی بنام البوکرك جزیره‌ی هرمز را پس از جنگ سختی که با فرماندار آنجا نمود متصرف گردید و در محلی موسوم به مورنا قلعه‌ای بنا نهاد و شاه اسمعیل اول صفوی بعزت گرفتاریهاییکه با عثمانیان داشت با پرتغالیها مسالمت و سازش نمود تا اینکه در سال ۱۰۳۱ هجری شاه عباس بزرگ با استفاده از کمک کشتیهای انگلیسی پرتغالیها را از جزیره‌ی مزبور بیرون راند و حکومت ایرانرا بر آنجا مجدداً مستقر ساخت. ویرانه‌های قلعه‌ی پرتغالیها که معروف به مرنا بوده اکنون باقی و مشتمل بر دو حیاط بزرگ و تعدادی زیرزمینها و انبارها و چند آب‌انبار است که در هر کدام چند ستون ساخته بودند.^۳

اکنون مناسب می‌بیند اشاره‌ی مختصری هم به آثار باستانی جزیره‌ی بحرین نماید: در کتاب مفیدی که آقای دکتر غلامرضا تاج‌بخش تحت عنوان مسئله بحرین بزبان فرانسه تألیف و چاپ نموده‌اند (چاپ پاریس ۱۹۶۰) ضمن بررسیهای مختلف درباره‌ی بحرین مطالبی نیز درباره‌ی پیشینه‌ی آثار تاریخی آنجا درج گردیده است. از جمله مینیویس که جزایر بحرین مهد تمدن بسیار قدیمی بوده و سابقه تمدن آن به هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد میرسد - در نوشته‌های سومری و آشوری و یونانی بنامهای مختلف نیتوکی Nituki تیلوون Tilwün دیلوون Dilwün تیروس Tyrus تیلوس Luylus ارادوس Aradus ذکر شده است.

کشفیات باستانشناسی نشان میدهد که از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد جامعه‌ی متشکلی در جزایر بحرین سکونت داشته‌اند (ص ۲۹) پس از فتح بابل بدست کورش کبیر (۵۳۹ پیش از میلاد) بحرین نیز که تحت تسلط بابل بود در حیطه‌ی تصرف پارس درآمد و چون ایجاد بحریه‌ی بازرگانی برای ایران ضرورت یافت جزایر بحرین پایگاه دریایی مهم

۱ - نقل از مقاله قدیمترین ذکر دموکراسی در نوشته‌های فارسی بخامنه‌ی آقای محمد اسمعیل رضوانی مجله راهنمای کتاب شماره خرداد ۱۳۴۱.

۲ - از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب شماره ۷۴.

۳ - رساله نظری بایران و خلیج فارس نگارش اسمعیل نوری‌زاده بوشهری - چاپ تهران

۱۳۲۳ شمسی ص ۱۰۱.

ایران شد .

در آغاز قرن ششم میلادی در زمان سلطنت انوشیروان نیروی دریایی قابل ملاحظه‌ای از طرف دولت ایران ترتیب داده شد که تمام حول و حوش خلیج فارس را زیر نظارت داشته باشند و در نتیجه سواحل افریقایی و یمن و ماداگاسکار و توابع آنها بوسیله مأمورین ایرانی اداره میگردید و بحرین یکی از ایالات ایران بود (ص ۳۲) که یکنفر اسپهبد در آنجا استقرار داشت و پایگاه دریایی مهم ایران و بندرگاه عبور و لنگرگاه کشتیهایی بود که از ایران عازم سرانندیب و افریقای غربی بودند (ص ۳۳) در آغاز اسلام بحرین نخستین قسمتی بود از پارس که بتصرف اعراب درآمد و از آن پس نیز آثار حکومت ایران در آنجا موضوع بررسیهای فراوان است که در کتاب سابق الذکر آقای دکتر تاجبخش درباره آن بتفصیل سخن رانده‌اند و شرح درباره‌ی آن باعث اطناب کلام و تاحدی بیرون از موضوع بحث حاضر خواهد بود .

بنابر آنچه گذشت بخوبی معلوم میگردد که سواحل ایران در خلیج فارس و جزایر واقع در خلیج نامبرده هر کدام در طول قرون متمادی مراکز آبادانی و بازرگانی بوده است و آثار تاریخی آشکار و نهفته‌ای که مناسب با پیشینه‌ی تاریخی چند هزار ساله‌ی ایران است در بر دارد و یکی از وظایف آینده سازمانهای علمی و تحقیقی کشور بموازات آنچه در تجدید آبادی واحیاء نیروهای تولیدی و افزایش سطح زندگانی و کشاورزی و بازرگانی و غیره در این مناطق انجام میگیرد ، اجرای کاوشهای علمی و تجسسات باستانشناسی خواهد بود تا نمونه‌های هنر و یادگاری ادوار باستانی اماکن متعدد باستانی مورد ذکر بهتر در دسترس علاقمندان و بررسیهای صاحب نظران و استفاده‌های شایسته‌ی معنوی و مادی فرزندان این مرز و بوم قرار گیرد .

سخنرانی آقای پروفیسور دکتر گریشمن

جزیره‌ی خارك

آقای استاد گریشمن از باستان‌شناسان مشهور و متبع فرانسوی



هستند که در تاریخ و هنرهای باستانی ایران بررسیها و مطالعات عمیق دارند. ایشان سالهاست که رئیس هیأت حفاران باستانشناسی فرانسوی در شوش هستند بعلاوه در نقاط دیگر ایران نظیر تپه‌های چغازنبیل نزدیک شوش و تخت جمشید کاوشهای باستانشناسی کرده و بکشفیات با ارزشی نایل شده‌اند.

استاد گریشمن بواسطه‌ی این سوابق علمی در میان طبقه‌ی دانشمندان ایران محبوبیت خاصی دارند و در حقیقت ایرانی بشمار می‌آیند.

در روز هفتم نوامبر سال ۱۹۶۰ اعلیحضرت همایون شاهنشاه از تهران به جزیره‌ی خارك تشریف‌فرما شدند امر فوق‌العاده‌ای در این جزیره باعث شد تا شاهنشاه بآنجا مسافرت کنند.

این امر کم‌اهمیت نبود. اعلیحضرت شاهنشاه ایران برای افتتاح تأسیسات تازه‌ای که این جزیره‌ی کوچک را بصورت یکی از بزرگترین بنادر صادرکننده نفت در جهان درآورده، به خارك مسافرت کردند. در نتیجه کاوشهای باستان‌شناسی که در کوههای بختیاری بعمل آمده معلوم شد غنی‌ترین و سرشارترین منابع نفتی جهان در آنجا وجود دارد.

منابع این ثروت در ۱۲۰ کیلومتری سواحل خلیج فارس واقع است. قبل از سلطنت رضا شاه کبیر فقط يك بندر را در این سواحل میشناختند و آن عبارت بود از بندر بوشهر. چون بادهای نامساعد در اینجا میوزید و عمق دریا کم بود و ساکنین آن ناحیه از حیث آب مشروب در مضیقه بودند، بندر مذکور شرایط و وضع مناسبی نداشت. به همین دلایل جزیره‌ی خارك مورد توجه قرار گرفت ولی احیاء آن متضمن مخارج فوق‌العاده

گزافی بود .

زیرا برای ادامه‌ی لوله‌های نفتی تامخازن بزرگ نفت لازم بود ۴۰ کیلومتر لوله‌ی زیردریایی به لوله‌ی نفتی زمینی‌ایکه از محل استخراج نفت تا سواحل خلیج فارس کشیده شده بود اضافه شود و همچنین میبایست يك بندر بسیار تازه که بتواند نفتکش‌های بزرگ را بارگیری کرد و هم قادر باشد در ظرف ۴۸ ساعت يك میلیون تن نفت صادر کند بوجود آید . برای افتتاح این تأسیسات بود که شاهنشاه به جزیره‌ی خارک رفتند تأسیساتی که شرکت‌های نفتی میلیون‌ها دلار خرج آن کرده بودند مهندسی‌ی که جزیره‌ی خارک را انتخاب کردند کاملاً حق داشتند زیرا متوجه شده بودند رشته کوهی که در طول جزیره واقع شده جلوی باد را میگیرد و بنادر طبیعی واقع در ساحل شرقی را از وزش آن مصون میدارد . آنان دریافته بودند که عمق دریا برای عبور بزرگترین نفتکش‌هاییکه هم‌اکنون در دست ساختمان‌اند و ظرفیت آنها به ۱۰۰ هزار تن میرسد و بایستی در این بندر پهلو بگیرند و در ظرف ۱۲ ساعت بارگیری کنند کافی است . مهندسين بانهايت تعجب ملاحظه کردند تعدادی چاههای قدیمی در این جزیره وجود دارد که آب مشروب بسیار گوارایی دارند . کارشناسان امور فنی قرن بیستم اشتباه نکرده‌اند ولی معذالك نمیدانستند که چندین قرن و حتی چندین هزار سال پیش اشخاصی قبل از ایشان متوجه محاسن این جزیره شده و آنرا بعنوان مرکزی برای دریانوردی خود انتخاب کرده‌اند .

جزیره‌ی خارک در برابر سواحل برهنه و بی‌آب و علف خلیج فارس با درخت‌های خرما و موز بصورت گوشه‌ای از بهشت خودنمایی میکند . جغرافی‌دانان قرون وسطی حتی از باغ‌های میوه‌ی زیباییکه ساکنین این جزیره بوجود آورده بودند و امروزه متأسفانه آثاری از آنها نیست زیاد صحبت کرده‌اند .

جغرافی‌دانان و مورخین غربی نیز این جزیره را میشناختند . استرابون Strabon جغرافی‌دان یونانی که در قرن اول قبل از میلاد مسیح میزیسته ، پلین Pliny نویسنده رومی قرن اول و پتولمه Ptolemee جغرافی‌دان قرن دوم در نوشته‌های خود از این جزیره یاد کرده‌اند . آثار و خرابه‌های تأسیسات قدیمی و بقایای کشتیهای مربوط بازمینه گذشته در قسمت‌های مختلف این جزیره بچشم میخورند . مسئولین کارهای آبادانی جزیره بواسطه اینکه صدمه‌ای به آثار تاریخی وارد نشود ، از من دعوت کردند تا از این جزیره دیدن کنم و برای حفظ بناهای تاریخی و اقدامات احتیاطی که باین منظور باید بعمل آید راهنماییهای لازم بنمایم . نتیجه بازدیدی که از این جزیره در سال ۱۹۵۸ به همراهی همسرم بعمل آوردم این شد که در بهار سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ يك سلسله کاوشهای باستانشناسی بوسیله میسیون باستانشناسی فرانسه که ریاست آن به عهده من بود ، بعمل آمد .

پلین Pliny در نوشته خود بوجود يك معبد پزئیدن Poseidon یعنی خدای دریاها در جزیره‌ی خارک که مورد علاقه ملاحان این قسمت از جهان بود ، اشاره کرده

است. ما خرابه‌های این معبد را بازیافتیم. معبد مذکور را از سنگهای بزرگی که با استادی خاصی تراشیده و آماده شده بود ساخته بودند و اکنون در انتهای ساختمان مقبره‌ی میر محمد که مورد احترام مردم است قرار دارد. در عهد ساسانیان روی بقایای این معبد یونانی يك آتشکده بنا شده است. هنگامیکه دین اسلام رواج پیدا کرد و جانشین مذهب زرتشتی شد این آتشکده بصورت مسجدی درآمد و در آن محرابی ساختند که متوجه کعبه بود. تمام این امکنةی مقدسه روی يك تخته سنگ بزرگ که اطراف آنرا قبرهایی احاطه کرده است ساخته شده‌اند. قبرهای مسیحیان را در این جزیره دیدیم در بالای مدخل این گورستان نقش يك صلیب که روی سنگ حکاکی شده جلب نظر میکند و دارای شکل مخصوصی است. در قبرهای دیگری که مدخل آنها گرد و کم عمق بودند، استخوانهای مرده‌های زرتشتی‌ها انبار شده بود. زرتشتیها مرده‌های خود را در ارتفاعات میگذاشتند و پس از آنکه گوشت آنها بکلی از بین میرفت فقط استخوان باقی میماند آنها را در این مقبره‌ها دفن میکردند. ما دو قبر بزرگ متعلق به دونفر از اهالی پالمیر Palmyre (که امروزه آنرا تدمر Tadmor میگویند) را پیدا کردیم که هریک از آنها گنجایش ۵۰ جسد را داشتند. این کشف اخیر خیلی با اهمیت بود و نشانه‌ی نقشی است که این جزیره در آن زمان بعهده داشته است. اهالی پالمیر بزرگترین بازرگانان آن عصر بودند و با کاروانهای خود از دریای مدیترانه تا شمال غربی هندوستان میرفتند و از آنجا بسوی خلیج فارس رهسپار میشدند. این بازرگانان در تجارت بین رم، ایران و هندوستان تلاش میکردند.

بالاخره در قسمت غربی جزیره بقایای يك کلیسای جالب و يك صومعه‌ی متعلق به نسطوریان Nestorien که مسیحیان ایرانی زمان ساسانیان باشند پیدا کردیم. باین ترتیب روی این تخته سنگ كوچك اماكن مقدسه متعلق به چهار مذهب بزرگ را کشف کردیم. میتوان از خود سؤال کرد چرا؟... برای اینکه خارك تنها جزیره‌ی قسمت شمالی خلیج فارس بود که تمام کشتیهاییکه از هندوستان میآمدند در آنجا لنگر می‌انداختند. راه دریایی خلیج فارس از مدت‌ها پیش شناخته شده بود. هخامنشی‌ها نیز این راه را بخوبی میشناختند و سیلاکس دو کاریاند Seylax de Caryandes که یکی از یونانیان آسیای صغیر در خدمت داریوش بزرگ بود و بر روی رودخانه سند يك راهنمای دریایی ساخته بود و مأموریت داشت راه مصر را از طریق دریای احمر پیدا کند، او این کار را پس از ۳۰ ماه کشتیرانی تمام کرد این اقدام بزرگ با حفر اولین کانال سوئز که بامر داریوش کبیر ساخته شده بود پایان یافت.

حال به بینیم بچه دلیل در طی قرون متمادی جزیره‌ی خارك دائماً محل اقامت يك عده مردمی بود که با دنیا رابطه داشتند؟ چرا اهالی پالمیر این کاروان‌داران بزرگ قرون اولیه‌ی عصر حاضر نیز نمایندگی‌های تجارتی خود را در این جزیره تأسیس کردند؟

برای اینکه کشتیهای عظیم دریا‌های بزرگ که محصولات هندوستان را باخود حمل میکردند محصولات خود را در این جزیره تخلیه مینمودند تا بوسیله کشتیهای کوچک‌تر از طریق دجله به تیسفون یا از طریق فرات بطرف سوریه و از آنجا بوسیله شتر به بیروت، یا صور و صیدا Sidon یا Tyr که از بنادر بزرگ فنیقیه بودند، برسانند این کالاها مجدداً از این بنادر با کشتی بطرف رم فرستاده میشدند. در نوشته‌یکه نویسنده‌ی آن ناشناس است و بوسیله‌ی يك ناخدای یونانی منتشر شده، تمام کالاهاییکه به هند وارد و یا از آن صادر میشدند تعریف و توصیف شده است. این مال‌التجاره‌ها عبارت بودند از سنگهای قیمتی، عاج، لاک، لاک‌پشت، شاخ Rhinoceros عطرهای قیمتی، روغن برگ نوعی درخت، خرما، چوب صندل، چوب آبنوس، قماش، ابریشم، نیل، غلام‌وبرده و غیره.

اسکندر مقدونی به اهمیت کشتیرانی در خلیج فارس پی‌برده بود، وی بنوبه‌ی خود دستور داد يك راهنمای دریایی روی رودخانه‌ی سند بسازند. نئارک Nearque امیر البحر اسکندر این راهنما را تادهانه فرات ادامه داد. این راهنمای دریایی از جزیره‌ی خارک عبور نمیکرد بلکه به بندر گناوه متصل بوده است. بندر گناوه يك بندر کوچک صید ماهی است که امروزه وسیله‌ی ارتباط تأسیسات نفتی گچساران میباشد. گچساران را میتوان یکی از مراکز عمده تولید نفت دانست. پادشاهان سلوکیه که جانشینان اسکندر بوده‌اند اهمیت فوق‌العاده‌ای به تجارت با هندوستان از طریق خلیج فارس میدادند. انتیوکوس سوم در اواخر قرن سوم قبل از میلاد هنگامیکه از جنگ هندوستان برمیگشت از این منطقه و شاید هم از جزیره‌ی خارک دیدن کرد. همچنین میدانیم که انتیوکوس چهارم نیز همین کار را کرد و در محلی در نزدیکیهای خلیج فارس بدروود حیات گفت. در زمان حکومت پارتها کشور کوچک خراسن Charasene یا کرخ‌میشان که پایتخت آن کنار رود دجله‌ی قدیم در شمال خرمشهر فعلی قرار داشت یکی از بزرگترین مراکز بازرگانی دریایی بود که بوسیله‌ی کاروانهای ایران به شرق و بوسیله کاروانهای سوریه به غرب متصل میشد. بعید نیست جزیره‌ی خارک هم به کشور خراسن متعلق بوده است.^۱

در عهد ساسانیان خلیج فارس یکی از راههای مهم دریایی بشمار میرفت که از آن راه ابریشم چینی که در رم مطابق طلا ارزش داشت حمل و نقل میشد. رومی‌ها ابریشم را برای تهیه لباسهای فاخر که در قصور سلطنتی یا خانوادها‌ی اشراف پوشیده میشد، مورد استعمال قرار میدادند. در معابد مجسمه‌ی خدایان را با پارچه‌های ابریشمی میپوشانیدند در قرون اولیه‌ی بعد از میلاد مسیح زنان اشراف و ثروتمندان بپوشیدن پارچه‌های ابریشمی خیلی علاقه‌مند بودند و همین امر شرای هجو سرا را وادار میکرد آنها را متهم کنند که

۱- منظور نویسنده از کشور خراسن یکی از کشورهای کوچکی است که از مجموع آنها شاهنشاهی اشکانی تشکیل میشد.

لخت و برهنه در معابر آمد و رفت میکنند.

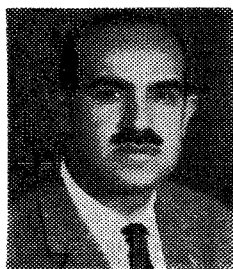
مرزهای بین ایران و ییزانس از رود فرات میگذشت و راههای ابریشم چه راههای زمینی و چه راههای دریایی خلیج فارس، همیشه باین مرزها منتهی میشدند. تجارت ابریشم که از راه ایران انجام میشد، برای ایران درآمدهای سرشاری داشت. در قراردادهایی که بین دو کشور بسته شده بود، مقررات شدید مربوط به تمام معاملات ابریشم تصریح شده بود حقوق گمرکی زیادی از تمام بازرگانان وصول میشد و فقط سفرا از حقوق گمرکی برای واردات معاف بودند. ما بوسیله ۱۲ نفر مترجم که شش نفر آنها ایرانی و شش نفرشان یونانی بودند از مفاد یکی از این قراردادها که در سال ۵۶۲ در زمان سلطنت خسرو اول Khosroes انوشیروان بین دو کشور بسته شده و متن آن بدو زبان پهلوی و یونانی تحریر شده بود اطلاع حاصل کردیم. ایران عملاً انحصار تجارت ابریشم را در دست داشت و امپراطوری ییزانس تا آنجا که میتواند برای بدست آوردن این انحصار کوشش و مبارزه میکرد، این دوره نیز یکی از دوره‌های آبادانی جزیره‌ی خارگ بوده است. کشف راه دریایی مستقیم بین اروپا و هندوستان در سال ۱۴۹۸ بوسیله‌ی واسکودوگاما، خلیج فارس را از آمد و رفت بین دو قاره برکنار داشت و بدون اینکه خلیج فارس بکلی اهمیت خود را از دست بدهد در درجه‌ی دوم اهمیت قرار گرفت.

بهر حال سرگذشت جزیره‌ی خارگ نقشی را که شرایط جغرافیایی آن اغلب به فعالیت‌های بشر کمک کرده و عامل مهمی در این فعالیتها بوده است بخوبی ثابت میکند. خلیج فارس در اثر تأسیسات جزیره‌ی خارگ در آینده نزدیکی آبادانی درخشان گذشته‌ی خود را از سر خواهد گرفت. زیرا در آینده نفتکشهای ۱۰۰ هزار تنی که اکنون در دست ساختمان‌اند از کانال سوئز نخواهند گذشت بلکه از همین راه یعنی از دماغه‌ی امید که در پنج قرن پیش کشف شد و از اهمیت بازرگانی خلیج فارس کاست، عبور خواهند کرد و در این تجدید حیات جزیره‌ی خارگ نقش بسیار مهمی خواهد داشت چنانکه شاهنشاه ایران هنگام تشریف‌فرمایی بجزیره‌ی خارگ آغاز مجدد يك دوره‌ی فعالیت درخشان ایران را در بازارهای جهانی نوید دادند.

سخنرانی آقای احمد اقتداری

زبانهای محلی و فولکلور خلیج فارس

آقای احمد اقتداری در سال ۱۳۰۱ شمسی در شهرستان لار



متولد شده‌اند. پس از اتمام تحصیلات
ابتدائی و متوسطه، رشته‌ی سیاسی
دانشکده‌ی حقوق را طی کرده‌اند و اکنون
وکیل دادگستری و دادیار دادرای
انتظامی کانون وکلای دادگستری هستند.

مقدمه

دریای پارس از روزگار باستان یعنی پیش از زمان ورود نژاد آریا بفلات ایران و گسترش آن نژاد و بعد از آن مسکن و معبر اقوام زنده و کوشای دنیای قدیم بوده است. ساکنین سواحل و جزیره‌های این دریای پر جوش و خروش از کشمکشها و غوغاها - جنگها و آمد و رفتها - وقایع و حوادث پرماجرای تاریخ این سامان برکنار نمانده‌اند - زمانی مورد حمله و هجوم واقع شده در جنگ و ستیز بوده هنگامی مقهور سرپنجه اقوام مجاور از عیلامی و بابلی و آشوری و مقدونی و عرب و تاتار و ترک و پرتغالی و هلندی و انگلیسی و غیر آن شده‌اند. پارسها زمانی نفوذ خود را تا آسیای صغیر و کارتاژ و سواحل مدیترانه بسط داده و قدرت خود را در سواحل هندوستان و شبه جزیره عربستان و نجد و سرزمین آفریقا و سواحل چین و اندونزی گسترش داده‌اند و طبعاً سرزمین چنین مردمی روزگاری بس آباد و درخشان و زمانی ویرانه نابسامان شده. بزرگترین مسیر این کشاکشها، صعود و نزولها و مرکز آمیزش و آمد و رفت و اختلاط و ارتباط اقوام متعدد با سنن و آداب و زبانها و اندیشه‌های گوناگون خلیج فارس بوده است.

سابقه تاریخی :

گفته‌اند که اولین سیاح نیارخس است که از خلیج فارس و سواحل و جزایر آن یادداشت‌هایی بجا گذاشته است. نه آرک یا نیارخس سردار دریایی اسکندر مقدونی و مأموری برای مطالعه نظامی خلیج فارس و بحر عمان بوده است ولی شك نیست که چون فلات بزرگ ایران از روزگاری بس دراز پیش از حمله‌ی اسکندر آباد بوده است بسبب مساعدت طبیعی و سهولت ارتباط دریایی و بحریمایی سواحل و جزایر خلیج فارس پیش از اسکندر هم آباد و مسکن اقوام زنده و فعال و دریانورد بوده است. افسانه‌ها و اساطیر قدیمی که بزبان یونانی و ملل مجاور خلیج فارس و یا در نوشته‌های مورخین آنها بجای مانده است کم و بیش از غوغایی که در دل دریای فارس و کرانه‌های باستانی و جزیره‌های آباد و پربرکت، و سوق الجیشی آن میگذشته است اشاراتی دربر دارد. هنگامی که سرزمین پارس پایتخت شاهنشاهان هخامنشی بوده است، دریای فارس و کرانه‌های آن مسلمانان تنها ناظر حوادث بزرگ و رفت و آمدهای اقوام و عبور کشتی‌های جنگی و تجاری و رقابت ملل سوداگر و جنگجوی دنیای باستان بوده بلکه خود وارد در اینگونه صحنه‌های تجاری و نظامی و محل بروز حوادث و وقایع جنگی و تاریخی و تجاری و عوامل اصلی بشمار می‌آمده است تا آنجا که عیلام سرزمین کهنترین اقوام شهرنشین و متمدن شرق میانه که بکتابت و مدنیت و نظام زندگی اساسی بشری التفات کرده است از کناره‌ی همین دریای پر جوش و خروش و ناآرام برخاسته است و دنیای قدیم را در مسیر تاریخی و مدنی دیگری سوق داده است.

ساکنین این منطقه بهمین سبب نمیتوانسته اند از جنگها و ستیزه‌هایی که سنت اقوام زنده‌ی دنیای قدیم بوده از شکست‌ها و پیروزی‌های قهری و مهاجرت‌های اجباری و کوچ بسرزمینهای مفتوحه‌ی مجاور و پذیرایی از اقوام فاتحی که بسرزمین آنها کوچ میکردند برکنار باشند و از این نقطه‌ی نظر باید فرهنگ و فولکلور و زبانهای مردم این سرزمین دستخوش تحولات و تغییرات گوناگونی شده باشد.

سرزمینی که مسکن قومی بزرگ مانند قوم پارس بوده است بی‌شك آنقدر عظیم و آباد و پرجمعیت بوده که نه تنها در دامنه‌ی ارتفاعات پر برف و دشتهای معتدل شمالی این سرزمین حیات و نشاط زندگی پر تلاش برای ساکنین آن وجود داشته بلکه جبر طبیعت و مقتضیات جغرافیایی کنجکاوی و وجود تسهیلات ارتباط بازرگانی از راه دریا مردم را بنقاط مختلف این سرزمین بزرگ یعنی تمامی خاک پارس و خوزستان پراکنده ساخته و در کوه و دشت و دره و هامون و ساحل و جزیره زندگی میکرده‌اند.

اما از زمان ظهور مؤسس سلسله‌ی ساسانی، اردشیر بابکان، تاریخ سرزمین پارس و سواحل دریای پارس روشن‌تر شده و دوران مجد و عظمت تاریخی این سرزمین از نظر تاریخ مدون آشکارتر و آشنایی و معرفت ما بچگونگی مردم سواحل دریای پارس و جزایر آن بیشتر است.

سرزمین خوزستان که خود خانه و پایتخت و آبادشده‌ی پادشاهان ساسانی است

با یادگارهای جاویدان تاریخی این دودمان شاهنشاهی در تاریخ خلیج فارس عظمت و جلال دیرینه یادگارهای خود را تا امروز در کتب تاریخ حفظ کرده است. پارس که گهواره و مهد وریشه و آبشخور وزادگاه پادشاهان ساسانی است آنچنان بکرانه‌های خلیج و جزایر آن پیوند و بستگی داشته که قسمت مهم و وسیعی از سواحل خلیج فارس را در روزگار پارینه بنام کوره‌ی اردشیر خَره می‌نامیده‌اند و ایراهستان و کران و لاغریستان و سیف و هزو و هرموز و لافت و هنگام و فرور و سری و اوال و هنگام همه از روستاها و بندرها و کرانه‌ها و جزیره‌های آباد و پر نعمت کوره‌ی اردشیر خَره بوده‌اند تا آنجا که گفته‌اند از دهکده‌های بنام آلاراز و رستای کوچاران یا خوجاران در ساحل خلیج فارس که بنابر تحقیقات پرفسور ولادیمیر مینورسکی شاید همین منطقه‌ی کوچران یا کوه‌چر امروز باشد مردی که خود از پادشاهان محلی روزگار خویش بر ساحل دریای پارس بود که اردشیر بابکان با او نبرد کرد و به نیروی اردشیر از پا درآمد و سرزمین او ضمیمه‌ی کشور شاهنشاهان ساسانی شد.

روستاها و آباد و پر جمعیت و دهقانهای کارآمد و پرکار و یکتا پرست، دریانوردان و بازرگانان و اندیشمندان ساکن این سرزمین غالباً آریایی، ایرانی و یزدان شناس بوده‌اند. دلبستگی آنها بآیین زندگی و رونق حیات و تدبیر مدن و سوداگری و دریانمایی و مهارت آنها در امر دنیاداری و جمع مال و ثروت زبازرد اقوام و ملل مجاور بوده است.

آتشکده‌ی بزرگ و پرشکوه (آذر فرنبغ) که آتش پیشوایان و بخردان و دانایان بوده است از خوارزم به کاریان که خرابه‌های آن بر کرانه خلیج فارس تا امروز باقی است آورده شده و مورد تعظیم و تکریم اقوام ایرانی روزگار ساسانیان بوده و شاهنشاهان ساسانی بهمین سبب این سرزمین را ملکوتی و طاهر و پرفضیلت می‌شناخته و اردشیر بابکان شاهنشاه ساسانی آن قسمت را بنام خود کوره‌ی اردشیر خَره نام نهاد و خود برای نیایش خدای بزرگ باین آتشکده می‌آمده و در نزدیکی دریای نیلگون خداوند دریا آفرین را نماز و نیایش میکرده است.

هرمز، شهری که پنجره‌های خانه‌های آن از روکش طلا و نقره بوده و اقتدار و ثروت پادشاهان محلی آن و آبادی و تجارت و سیاست آن سخن‌ها دارد که جای ذکرش در این مختصر نیست. جنابه یا گناوه مرکز قیام و بدعت فروگیرنده و انقلابی ابوسعید جنابی که پیروان او مدتها بخشی از سواحل عربستان را دستخوش حوادث و طغیانها و رسوم و آداب و بدعت‌های بدیع و حیرت‌انگیز قریطیان گردانید و سایر شهرهای خوزستان و سواحل آن بندر لنگه و کنگ و جزایر هنگام و لارک و پدیده‌های اجتماعی و تاریخی آن سرزمین‌ها و نفوذ مادی و معنوی ساکنین خلیج فارس در هندوستان و عربستان و آفریقا خود کتابها شود. هنوز آثار تجارتخانه‌های مردم سوداگر و سخت‌کوش خلیج فارس در سواحل مدیترانه در فرانسه در لیون و مارس و در هندوستان در آفریقا و در عربستان و اندونزی و سیلان و مالزی و سنگاپور و برمه و موزامبیک باقی است هنوز حتی بیش و کم زبانهای مادری و لهجه‌های محلی سواحل خلیج فارس که بوسیله‌ی دریانوردان و سوداگران و مرسلین و روحانیان ایرانی خلیج فارس

بدورترین نقاط آسیا و آفریقا حتی چین و ژاپون برده شده است در بین خانواده‌هایی که بازمانده این مهاجرین پر همت هستند دیده میشود و شباهت زیادی بالهجه‌های مردم امروزی ساکن دزفول و بهبهان و لار و بندرعباس و میناب و لارک و قشم و هرمز دارد .

ادیان و مذاهب متنوعی که در سواحل خلیج فارس و جزایر آن بوجود آمده و قبل و بعد از اسلام بنیان گذاران و پیروان سخت کوش آنها در نقاط مختلف دنیای آباد زمان خود پراکنده شده و با قوت اعتقاد توأم با هوشمندی و درایت تعقیب مقصود می کرده اند ، یکی دیگر از موجبات آمدورفت و آمیزش و اختلاط مردم این سرزمین با سایر اقوام و ملل بوده است . از اینها گذشته سواحل خلیج فارس و جزایر آن بسبب دوری از نقاط مرکزی کشور و بُعد مسافت و جبال صعب العبور و وجود امراء محلی وفادار و مطمئنی محل تبعید اقوام مخالف و گردنکشان و فرماندهان جنگجوی ملل مغلوبه و مزاحمین مرزها و یاغیان بوده است که تا عهد صفویه هم شاهزادگان گرجی و مینگرلی و اناتولی در دژهای نظامی لارستان و سواحل خلیج فارس سکونت مییافته اند و در مواقعی که سیاحان اروپائی مانند تارونیه و شاردن از آن نقاط عبور می کرده اند با آنها شطرنج زده و شراب می نوشته اند .

سرزمینی که تا این حد در معرض رقابت های سخت بازرگانی و نظامی اقوام عدیده بوده ، سرزمینی که خود ذاتاً و طبعاً بسبب طبیعت سخت کوش و پرسودای مردم هوشمند آریایی و ایرانی آن دارای حیات و فعالیت و تنازع بقاء در حد اعلای عظمت خود بوده است و بالاخره سرزمینی که دارای دلیران و پادشاهان محلی صاحب قدرت و نفوذ و لشکر و خیل و حشم و خدم و ثروت و مکنت بوده است (مثلاً تاج کیانی بوسیله ابراهیم شاه علاءالملک لاری وارث سلسله پادشاهی محلی لارستان باردوی شاه عباس کبیر پس از شکست ابراهیم لاری وارث سلسله پادشاهی محلی لارستان برده شده و تقدیم شاهنشاه صفوی گردیده است و در چمن بادغیس بلخ پس از صدها سال که تاج کیانی فقط ذکرش در اسناد و کتب بود مجدداً بسیر سلطنت ایران برگردانده شده است.)

سرزمینی که در مجاورت دولت های عیلام و آشور و بابل بوده و مورد هجوم یونانی و پرتغالی و عرب و ترک و تاتار واقع شده و بدعت های دینی و انقلابات سیاسی و مذهبی ایجاد کرده و برای استقرار آن کوشیده است و اقوام متعددی بآن سرزمین کوچانیده شده اند لامحاله دارای فرهنگ و لهجه های متنوع و مخلوط و درهمی است که از مصب رود کارون تا تنگه هرمز و از دامنه های جبال زاگرس تا صحرای نجد و عربستان و سواحل هندوستان باقتضای زمان و ارتباط مکان تجلیات گوناگون داشته و بازمانده آنها امروز در دسترس تحقیق محققان و دانش پژوهان است .

از منتهی الیه شمالی دهانه خلیج فارس که نخلستان های بارور خوزستان بر آن سایه افکنده و جزایر هنگام و لارک و قشم و هرمز و بحرین و سواحل لارستان و بوشهر و کوه گیلویه و ممسنی و دشمن زیاری و دشتی و دیرستان و تنگستان و میناب و بهبهان قیافه مردم ، آداب و اطوار و سنن و فولکلور و فرهنگ و زبانهای محلی آنها نمایان کننده ی قومیت ایرانی

و تمدن ایرانی و خون نژاد ایرانی و آریایی و زبان فارسی است .
 لارین و لاری و لاریات سکه‌ی رایج و متداولی که از دیرباز تا پنجاه سال پیش در تمام سواحل آفریقا در مراکز تجاری عربستان و هندوستان ، در شهرهای عمده‌ی بازرگانی آفریقا رایج بوده است بنا بر تحقیق رنه سدیو (R. Sedillot مؤلف کتاب Tonte les monnaies du monde) در شهر لار در کرانه‌ی خلیج فارس ضرب می‌شده است و سرتوماس هربرت حتی محل ضرب آن را تا این اواخر که او بشهر لار سفر کرده است در آن شهر دیده است .

اسامی نقاط و دیها و آبادیها در غالب خلیج فارس و جزایر آن نامهای ایرانی و کلمات و مفردات پهلوی باستان است .

نام جزایر واقع در خلیج فارس اکثراً فارسی است : هنگام - سوری - فرور - هرمز - لافت - کیش - تمبمار - تمب موسی - آوال - خارك - (تمب در لهجه‌های محلی بمعنی تپه و مرتفعات کم ارتفاع است) هرمز که نیارخس آنجا را دیده است آنرا ارمسی یا ارمز ضبط کرده است نماینده‌ی اورمرد و امروز هم در جنوب ایران نامهای هرموز - هرمود - هرمودر - هرمنو - هرم برای آبادیها مضبوط است .

ابزار - آلات و ادوات زندگانی و نام غذاها - میوه‌ها - سبزیها - نامهای جشنها و بازیها فارسی است . نام اشخاص زنان و مردان که بعد از ظهور دین مبین اسلام تا امروز هم در زبان فارسی ما خود از مفردات عربی است در لهجه‌های ساکنین سواحل و جزایر خلیج فارس یا صرفاً شبیه و نظیر مفردات پهلوی و حتی اوستایی است و یا مفردات عربی است که بنا بر ذوق و سلیقه‌ی آریایی مردم این سرزمین دگرگونی یافته است و یکی از مباحث بسیار دلکش تحقیق در لهجه‌شناسی جنوب ایران همین مطالعه در نامهای مردان و زنان ساکنین این منطقه است .

در لهجه‌ی مردم هرمز و قشم و هنگام و میناب و حتی در زبان قسمت عمده‌ای از ساکنین بحرین - دبی - شارجه - عجمان - مسقط و رأس الخیمه این اسامی را در زبان مردم می‌شنویم بطور مثال :

دوستك (برای نام مرد) پشی بمعنی پنجشنبه برای نام مرد - منك (بجای آمنه برای نام زن) هاشه (بجای عایشه برای نام زن) - تكو (بمعنی یگانه برای نام زن) محمه (بمعنی محمد برای نام مرد) مردل (بمعنی مهر دل برای نام مرد) - نبکو (بمعنی زینب برای نام زن) سوتی (بمعنی سوخته برای نام زن) - صفو (بمعنی صفیه بران نام زن) - گبر برای نام مرد - باران برای نام مرد - دهتی برای نام زن از کلمه دخت اوستایی .

مطلب جالب دیگری که در زبانهای ساحل خلیج فارس و جزایر آن قابل ملاحظه و مطالعه است آنست که نام مردان و زنان مانند زبانهای هند و اروپایی از نامهای درختان - حیوانات و اشیاء هم انتخاب می‌شود مانند :

آهن برای نام مرد - چمل (نوعی یونجه وحشی است) برای نام مرد . کهور

(نام درختی است) برای مرد - ليتك Litok (نام نوعی نان است) برای نام زن - سی سی برای نام زن - مچك برای نام زن - گلیشان (شاید بمعنی گل افشان) برای نام زن - (اسپندی برای نام مرد) - ریفل - رگز کرت Karat کنارگزوك برای نام مرد و كرمك و مریمك و شدی ورمو و غلی و ملی و امثال آنها. مطالعه‌ی این بحث میرساند که مانند زبانهای فرانسه و انگلیسی و آلمانی اسامی اشیاء و درختان و حیوانات که بر انسان گذاشته میشود و مؤید خصوصیات این لهجه‌ها و ارتباط و پیوند آنها با گروه زبانهای هند و اروپایی و آریایی است. اسامی بازیها غالباً دارای ریشه‌هایی است که مفردات زبان پهلوی دربر دارد برای مثال نام چند بازی را که در میناب و بندرعباس و جزایر مجاور معمول است ذکر میکنیم.

۱ - بازی دهتولوکا Dohtolovka بازی عروسك بازی است که از دهن بمعنی دختر ولوك بمعنی برپا ایستاده مرکب است.

۲ - چم بنکا Tcham Banaka بازی قایم موشك بازی از چم بمعنی چشم و بنکا از بستن.

۳ - درآ Dara بك نوع بازی است شبیه آنچه در لهجه تهران آنرا لیله بازی گویند.

۴ - بازی سگ‌لوا Saglewva بازی با صدای سگ.

۵ - بازی دستم چلکا Dastam tchelaka نوعی بازی است.

۶ - بازی راهرو پتنگا Rahrow patanga نوعی بازی است.

در جزیره لارك ساکنین آن با لهجه‌ای سخن می‌گویند که از دو قسمت تشکیل شده است يك قسمت ساکنین عرب زبان آن جزیره که در زمان سلطنت فتح‌علیشاه قاجار نظر بارتباط امامان مسقط با دربار ایران و سهولت آمد و رفت و آسایش زندگانی در این جزیره ازدویی و مسقط با آنجا آمده‌اند و دودمان آنها اکنون باقی مانده‌اند که ایندسته مردم مفردات عربی را تحت تأثیر محیط بادستور زبان فارسی صحبت میکنند و تحقیق در آن جالب و دلکش است. دسته دوم ایرانیان بومی ساکن این جزیره هستند که زبان محلی آنها با همه‌ی محدودیت و کمی وسعت بازمانده‌ی زبانهای محلی سواحل خلیج فارس است و ارتباط و تشابه عمیقی با لهجه‌ی فیشوری یا پشوری که در حدود سیصد کیلومتر از ساحل خلیج فارس دور و دهی از دهات بلوك خنج لارستان است دارد و لهجه‌ی پشوری خود لهجه‌ی ناشناخته‌ایست که تاکنون در این باب مطالعه‌ای نشده و من تصور میکنم که اولین کاشف لهجه‌ی مزبور باشم که آنرا جمع‌آوری کرده و برای مطالعه و تنظیم بانجمن لهجه‌شناسان اروپایی قسمت اطلس زبانشناسی ایرانی نزد آقای پرفسور مورگن استرنر (Stern) استاد زبانشناسی دانشگاه - استکهلم سوئد و آقای پرفسور ودار مقیم سویس و استاد دانشگاه برن فرستاده‌ام و امید است که مطالعات استادان مزبور هرچه زودتر پایان پذیرد و موفق بچاپ و انتشار آن شوم. از خصوصیات این لهجه آنست که در يك گروه هزار و اژه‌ای حدود ۲۰۰ واژه مربوط بچشم سده و آداب و یادگارهای آن دربر دارد که درخور توجه و مطالعه و مذاقه است. در جزیره‌ی قشم هنوز بومیان اصیل آنجا بجای مسجد مزگت یا مزکد می‌گویند.

آداب و رسوم متعارف از قبیل آنکه در شب نمک و شیر از خانه بیرون نبرند ، اگر کسی پیش از غروب آفتاب ، در خانه‌ی دیگری بود باید شام را در آن خانه تناول کند ، احترام بپاکی آتش و دست زدن بر روی خاکستر گرم بازمانده از آتش اجاق یا تنور در موقع اداء سوگند ، آب و گلاب پاشیدن بر گور مردگان و آراستن و شمع چراغ و گل و سبزه گذاشتن بر آرامگاه نوجوانان و شمع افروختن در زیارتگاه‌ها و دخیل بستن و دستمال آویختن بر درختان و سفره آرایایی وسیعی در پاکیزگی و غیر قابل مصرف بودن بازمانده‌ی غذا و دفن آنها یا بدریا ریختن غذای زیادی ، گرامی داشتن حیوانات و درختان ، مهمان نوازی ، تهیه‌ی آب بر سر جاده‌ها و کوره‌راه‌ها و ساختن مخازن آب آشامیدنی بر سر کوه‌ها برای مردم راه‌گذر ، سادگی لباس و تحمل در پذیرایی ، احترام آسمان و دست بآسمان برداشتن و از آسمانها^۱ مددخواستن و بستارگان سوگند خوردن و منتظر لطف و قهر حق از سوی آسمان بودن که همه از عقاید نژادی و فطری و قدیمی مردم آریایی نژاد است هنوز بحد کمال در میان مردم این نواحی حفظ شده است و مانند ساکنان همه نقاط کشور از گیلان و مازندران و کردستان و لرستان و خوزستان و فارس و اصفهان و خراسان اساطیر و افسانه‌ها ، زمزمه‌های عاشقانه ، گفتگوی عاشق و معشوق ، دوبیتی‌ها - رنج‌ها و غم‌ها ، رنج فراق - غم یتیمی - ناسازگاری روزگار زر و زورمند ، رأفت صاحب قدرت و بخشش صاحب حق و آه مظلوم و ناپایداری ظالم که در فرهنگ عامیانه‌ی مردم سواحل خلیج فارس وجود دارد و در بین زردشتیان یزد و کرمان بزبان و لهجه‌ی گبری و در سایر نقاط ایران وجود دارد که نمونه‌هایی از آنرا بعرض خواهیم رسانید .

کلمات و مفردات د ت بمعنی دختر - پس بمعنی پسر و نر گت و نر گد بمعنی بزرگ بهر بمعنی ناوارد و ناشی مامووم بمعنی مادر و دتکه و پسکه و امثال اینگونه مفردات که بیش از هزاران کلمه در لهجه‌های خلیج فارس وجود دارد ، تقریباً بی هیچگونه تفاوتی همان مفرداتی است که در زبان پهلوی می‌شناسیم و در لهجه‌های دزفولی ، بوشهری ، لاری ، بیخه‌ای ، اوزی ، بستکی ، پشوری ، جزایری ، مینابی ، قشمی با کم و بیش تفاوت مفردات پهلوی و حتی اوستایی بحد وفور و با هیئت اصلی خود وجود دارد .

تصریف فعل و قواعد صرف افعال و پسوندها و پیشوندها و ضمائر در غالب لهجه‌های خلیج فارس تقریباً نزدیک بدستور زبان فارسی فصیح و یا عین آن دستور است .

اصولاً لهجه‌های خلیج فارس را بدو دسته عمده میتوان تقسیم کرد : اول لهجه‌های خوزستانی متأثر از لهجه‌های لری و کردی ، دوم لهجه‌های فارسی متأثر از بلوچی . لهجه‌های خوزستانی که شاخص آن لهجه دزفولی است و تا آنجا که بنده اطلاع دارم فقط آقای اون والا از زرتشتیان هندی کتابی بزبان انگلیسی در خصوص لهجه‌ی دزفولی

۱ - این رسم بازمانده از مذهب زروانیه است که در عصر ساسانی در ایران و آسیای غربی رواجی داشته است . هنوز در لرستان بعبارت (باین خدوی کوو = باین خدای کبود) سوگند یاد میکنند .

وسایر لهجه‌های خوزستان و مطالعه‌ی آنها انتشار داده‌است و با مطالعه‌ی آن می‌توان دریافت که لهجه‌های مزبور بازمانده زبان ساکنین دژها و شهرهای آباد شاهنشاهی ساسانی است . لهجه‌ی دزفولی همان لهجه‌ی شوشتری است که از لهجه‌ی سومی که شاخه‌ای از کردی است متأثر شده است . لهجه‌ی شوشتری باقیمانده از زبان خوزی است که در عصر ساسانی یکی از سه زبان معروف آن عصر بود - دری - پهلوی - خوزی .

لهجه‌های فارسی که بلهجه‌های بردستانی - دشتی - مینابی - لاری - پشوری - اوزی - گراشی - بستکی و قشمی می‌توان تقسیم کرد اولاً ارتباط کاملاً مشهود آنها با لهجه‌های شمال سرزمین فارسی مانند لهجه‌های لری (لری لهجه‌ی کردی است و آثاری که از لهجه‌ی کردی در فارسی است بسبب مهاجرت کردن شبانکاره باین استان بوده‌است) فارسی و سیوندی آشکار است . ثانیاً از نفوذ لهجه‌های بلوچی و شبانکاره‌ای قدیم بزبان سغدی ، ایچی که خود از متفرعات لهجه‌ی شبانکاره‌ای عصر اتابکان فارس بوده برکنار نمانده‌است و هر کدام از این لهجه‌ها بقدری با لهجه‌های گیلکی و کردی و خراسانی و سایر لهجه‌های ایرانی هم‌ریشه و مرتبط است که با سانی متکلمین این لهجه‌ها مطالب گوینده‌ی لهجه‌ی دیگر را در حدود فهم مقصود درک میکند .

بی‌شک برای مطالعه‌ی هر کدام از این لهجه‌ها تحقیقات چندین ساله و مطالعات ممتدی با نشر کتابهای عدیده لازم است . کسانی که راجع بلهجه‌های سواحل خلیج فارس تحقیقاتی کرده‌اند و من از آنها اطلاع دارم عبارتند از :

۱ - اسکارمان آلمانی ۲ - گایگر آلمانی ۳ - راماسکوویچ روسی ۴ - برفسور ولادیمیر مینورسکی تبعه انگلیس ۵ - آقای گرشویچ انگلیسی که مطالعات وی در لهجه‌ی بشاگردی بلهجه‌های سواحل خلیج فارس هم مربوط شده‌است .

۶ - مرحوم نیکلاراس مستشرق فقید که اصلاً روس و تبعه ایران بود .
۷ - اون والا هندی که در لهجه‌ی دزفولی مطالعاتی کرده و بزبان انگلیسی منتشر کرده است .

محقق است که زبانهای سواحل خلیج فارس و جزایر آن بازمانده‌ی لهجه‌ها و زبانهای شبانکاره‌ای - بلوچی - کردی - ترکمنی است و مفردات انگلیسی - هلندی - پرتغالی - هندی - عربی و ترکی در اینها دیده میشود اما استخوان‌بندی و ریشه‌ی آنها فارسی است . بعلاوه بسبب ارتباط قدیم و پر دامنه‌ای که مردم این نواحی با نقاط عرب‌نشین سواحل جنوبی خلیج فارس و شبه جزیره‌ی عربستان و هندوستان و همچنین سواحل افریقا و شرق اقصی داشته‌اند لغات عربی - هندی - زنگباری - حبشی - افریقایی - در لهجه‌های ساکنین جزایر خلیج بیشتر وجود دارد .

رقص چوبی و دستمال بازی يك نوع رقص دسته‌جمعی ایرانی است اما زارگیری بمعنی افسون کردن و جن‌گیری است که از سیاهان افریقا به سواحل خلیج آمده و فقط میان سیاهان جنوب متداول است .

دریانوردان آهنگها و سرودهای مخصوص بخود دارند که ریتم و آهنگ موزیک آن قدیمی و مخلوطی از موزیک ساحل توأم با آهنگهای هندی و عربی و آفریقایی دریانوردان اقیانوس هند است .

آفتاب - مهتاب - دریا - ماهی - کوه - گل و سبزه - درخت - رودخانه ها - چشمه سارها - آب انبارها و آبدانها - حیوانات - سگان - گربه ها - جنگلها - پرندگان - دود - آتش - باران و انواع مظاهر طبیعت هر کدام احترام آمیخته بتکلیف و وظیفه ای برای مردم این نواحی دارند که ساکنین سواحل و جزایر خلیج فارس را فطرتاً و ادار میکند که در قبال آنها برای خود وظیفه ای حس کنند و تکالیفی برای خود تصور نمایند و اینها بازمانده ی آداب و اخلاق و سنن و فرهنگ اقوامی است که در این نواحی سکونت داشته اند .

نام امکنه و نام غذاها بیشتر فارسی است مانند : کوه سفید درهرمز - کاروان - رمچاه - سوزا - بستانو .

ضمایر در تمام لهجه های سواحل و جزایر خلیج فارس مانند زبان پهلوی است . در گروه لهجه های لارستانی منشعب از دسته دوم لهجه های فارسی یعنی لهجه ی مردم آن قسمت از سواحل خلیج فارس که حد جنوبی لارستان است و جزایر مجاور آن و قشم و آبادیهای آن ضمایر فاعلی عبارتند از :

م ma تو to ان یا آن en ana (من تو و او)
و (ما - شما - ایشان) اما ama شما shoma اشو یا اینا anaya یا eshua
و در لهجه های بندرعباسی و میناب و جزایر آن ضمایر فاعلی عبارتند از :

ما ma	مه me
شوم shom	تو to (تو)
یون yon (ایشان)	یه uye (او)

اولاً قرابت آنها باهم و پیوند آنها بازبان فارسی امروزی و اشتقاق و ارتباط آنها با زبانهای فارسی باستان و شباهت فوق العاده آنها بالهجه های گیلکی و تاتی و کردی و خوزستانی آشکار است .

ثانیاً در ضمایر متصل و ضمایر مفعولی نیز ارتباط و شباهت و پیوند جامع الاطراف بالهجه های سایر نقاط کشور و زبان فارسی باستان دارند .

برای نمونه از مصدر خوابیدن ماضی مطلق در لهجه ی مردم لار و لنگه و لهجه ی مردم بندرعباس و هرمز و میناب ذکر میکنیم :

ma khatem	مه ختم	من خوااییدم	در لهجه های لارستانی
to khatesh	ختش	«	«
em khat	ام خت	«	«
ama khatam	اما ختم	«	«
shaoma khati	شما ختی	«	«
eeshu khaten	اشو ختن	«	«
در لهجه بندرعباس و هرمز و میناب .			
me khotem	مه خوتم	من خوااییدم	در لهجه مینایی و هرمزی
to khoti	توخوتی	«	«
ye khot	یه خت	«	«
ma khotim	ماخوتیم	«	«
shom khoti	شم خوتی	«	«
yon khoten	یون ختن	«	«

از تحقیقات بسیار دلکش که در این لهجه ها محل مطالعه است تبدیل ذال به دال مانند زبان عهد رودکی و زبان امروزی فارس وقاف بگاف و ژ و پ و چ بطور فراوان در لهجه های ساحل خلیج فارس همچنین وجود خ وعدم تغییر آن به زی یا به ش مانند دوختم بمعنی دوشیدم و تبدیل ش به س مانند دوسیکده بمعنی دوشیدن است^۱ .

همچنین تغییرات حرف دال به راء یکی از حالات خیلی دقیق در زبانهای ارمنی و در لهجه های ساحل دریای خزر و لهجه ی تاتی است که دارستتر هم در اتیمولوژی ایران جلد اول این بحث را بمیان کشیده است و تغییرات دال به راء در لهجه های سواحل و جزایر خلیج فارس پیوند این لهجه را با لهجه های ساحل دریای خزر و گروه لهجه های تاتی نشان میدهد .

ادبیات عامیانه و ایات محلی و ترانه ها و مثلها

یکی از انواع فرهنگ عامیانه دوییتی و ترانه هایی است که مردم روستا و ده نشین و چادر نشین بدانها مترنم میباشند بدون آنکه کسی بداند گوینده و سراینده ی آنها کیست . از طرفی موزونترین و مطبوع ترین اشعار فارسی که کاملاً متناسب با ذوق فرزندان ایران و بازمانده ی آهنگهای عصر پهلوی باستان است ترانه ها و دوییتی های محلی است . اختراع

۱ - دو ریشه ای بودن برخی افعال در زبان فارسی فصیح بعد از اسلام بواسطه ی اختلاط لهجه های شمالی و جنوبی پیش آمده است . مثلاً در يك لهجه تمام مشتقات را از ریشه ی (دوختن) میگرفته اند و در لهجه ی دیگر از ریشه ی (دوزیدن) اما فارسی کنونی بواسطه ی اختلاط دو لهجه برخی را از این و برخی را از آن میسازند .

وزن و بحریکه بر باعی یا ترانه یا دوبیتی معروف است بنا بر تحقیق عالمان علم عروض از ایرانیان است. خاصه ایرانیانی که در قراء ودهات بسر برده و یا چادر نشین بوده و در آغوش طبیعت پرورش یافته اند و بالحنی دلکش و جانسوز خوانده میشود و بهترین نمونه‌ی ذوق ادبی ایران است^۱.

دوبیتی و ترانه‌های دزفولی - لری - کهگیلویه‌ای - ممسنی - دشمن‌زیاری - بوشهری - خرموجی - لاری - جهرمی - مینابی - چاه‌بهری - قشمی - بستگی و صدها نوع و دسته از دوبیتی‌ها و ترانه‌های سواحل خلیج فارس و دامنه‌های جنوبی جبال زاگرس، همچنین مثل‌های متداول و مصطلح زبان‌های محلی مردم این سامان معرف طرز فکر و اندیشه و خصوصیات روحی و اخلاقی و بیم و امید و آرزو و انتظار و ترس و شوق و خشم و محبت و سایر تعلقات و عواطف گویندگان آنهاست.

مثل‌های لهجه‌های ساحل خلیج فارس و جزایر آن هم آنقدر زیاد است که از حصر و اندازه بیرون است ولی همه‌ی ادبیات عامیانه و ترانه‌ها و موزیک و رقص و تصنیف‌های محلی و آوازا و مثل‌های لهجه‌های خلیج فارس شاخ و برگ‌های درخت کهن زبان فارسی و ادبیات و اندیشه‌ی قوم ایرانی است. برای نمونه یک دوبیتی از لهجه‌ی لاری را برای شما میخوانیم.

ای نگار چش و لوخش تو بگو مو چو بکنم
 دسر س ام نی که گل روی تو مه بو بکنم
 دلم از دس بلوریت او انگور شوی
 خت اریزش مده اش یا خم افنجو بکنم
 ۱ - ای نگار خوبچهرم تو بمن بگو چه بکنم
 ۲ - دسترس ندارم که گل روی تو را بوکنم
 ۳ - دلم از دست بلورین تو شراب میخواهد
 ۴ - خودت میریزی بمن میدهی یا خودم بجام بریزم
 (گفتگوی دوهو)

سروس اسیم پولش از مو یک شوبر مو دوشو بر تو
 همدم - همدم - مو یار جاهل دریارو مو یارم جاهل هر شوبر مو
 همدم - همدم - مو یار جاهل دریارو مو یک شوبر تو دوشو بر مو
 (دستبند می‌خریم پولش را من میدهم یک شب برای من دوشب برای تو - یار یار من)
 (یار جوان هر شب برای من یار یار من یار دریانورد من یک شب برای تو، دوشب برای من)
 مثلها: لطیف‌ترین و پخته‌ترین فکرهای جماعات در مثل‌های رایج در زبان مردم

۱ - از اینگونه ادبیات که بازمانده از عصر ساسانی است در کتب عربی بنام (فهلویات) یاد شده است.

است و در زبانهای محلی خلیج فارس و جزایر هم افکار لطیفی بصورت مثل وجود دارد .
چند نمونه‌ی آنها را ذکر میکنیم .

بد خوت بشنو امکه که بد مرتم اشنوش

bade khot beshnow amk ke bade martom ashnovesh

بد خودت را همانجا بشنو که بد مردم را میشنوی

بد آب‌گو و دمنه زنه اخونه شودو منه

Bad a badgu vadamane zena a khonaye shu vadamane

(بد بر بدگو می‌ماند و زن در خانه شوی)

بد خوگته تف بر و برا بسّه را

(بدی کسان خود گفتن آب‌دهان را بطرف بالا انداختن است که بخود باز گردد)

نونی که از سفره خواشاخرده از سفره مرتم ناشاخرده

nnoni ke az sofraye khe asha kharda az sofraye martom nasha kharda

(نانی که از سفره‌ی خویش توان خورد از سفره‌ی مردم نتوان خورد)

نون جو و گوش خو

none jow o goshe khow

(نام جو و گوش خواب - بمعنی آرامش خیال و قناعت جهانی می‌ارزد).

شوم مجلسی بو بگونوم از ره اسی‌بو

shum majlessi bu begu noum azere a si bu

(شوهرم دارای نام و اعتبار و مجلس آراء و مشهور باشد بگذار نانم از زیر ظرف

فقیرانه سفالینی در آورم . بلند پروازی و تجمل پرستی و نامجویی خانمها را میرساند .)

نه‌نه گدا بهتر از بواا پادشا nanaye gada behtar az boaye padesha

مادری گدا بهتر از پدری پادشا است و معنی و مقام و منزلت مادر را میرساند .

نه مرد بهتر از انک نامرد

naye mard behtar az onke namard

نه گفتن و جواب رد دادن مرد بهتر از آری گفتن و قبول نامرد است .

alanga o eleka ne ankate ne eka

النگه و الکه نه انکته نه اکه

(هم آنجا و هم اینجا - نه آنجا داری و نه اینجا)

همانگونه که ادبیات عامیانه و ترانه‌های مردم خلیج فارس مبین فکر ایرانی

و اندیشه‌ی قوم آریاست . اشعار و نوشته‌هایی هم که در لهجه‌های سواحل خلیج فارس و جزایر آن

بوسیله‌ی گویندگان و شاعران این سامان با تقلید از سبک و وزن و بحر اشعار فارسی امروزی

گفته شده است بهمانگونه بلند و فصیح و دلکش است .

برای نمونه چند شعر از شاعری لاری که در زلزله‌ی هشتاد سال پیش لار سروده و گوینده‌ی آن مرحوم سید محمود کشفی لاری بوده است و بالغات و مفردات و افعالی محلی و باسبک و بحر شعر فارسی است و بفرزند خود نصیحت کرده است برای شما میخوانم .

پسو اکار نه کار که دس تدم بار	اکار دس که ترم بانکار و کردار
هزار مرتبه پروا مگنشی بکی از کار	که روزگار ستمکار و چرخ غدار
نه امگنشی و نصیحت بگی از کار	مگو مگو و تدل بو که جای اسرار
تو کل عمر عزیزم! خش ولی نه گه‌اش	زبو ازیرا شخم که خدا نگهدار
و شو لیل آجایی مچو کلیل مزین	مگو که خلق شخو خدا که بیدار
ویک زینک فلک نصف لار اشکه خراب	اگه یکیدو تکون اشد اکار مو زار

که ترجمه‌ی آن بفارسی امروز اینست :

پسر کم اینکاری نیست که تو بدان مشغولی
اینکار که توداری کار و کرداری نیست
هزار مرتبه گفتمت که در کارها ملاحظه کن
زیرا که روزگار ستمکار و چرخ غدار است
مگر نه گفتمت که سر دلت را با آسمان هم مگو
اسرار را بکس مگو که فقط دل تو جای اسرار تو است
ای جان عمر عزیزم پسر - تو کل خوبست ولی مبادا بگویی
از بام خانه بحیات می‌جهم که خدا نگهدار است
شبهای تاریک بکوچه معشوق مرو و شبگیر مزین
مگو که مردم در خوابند - خدا که بیدار است
دیدم که با یک تکان فلک نصف لار را ویران کرد
اگر یک تکان دیگر بدهد کار ما زار است

ملاحظه میفرمایید که اندیشه‌ی عالی و فکر دقیق این گوینده شبیه و نظیر افکار شاعران پارسی گوی شیرین سخن ما است .

این نکته قابل ذکر است که شعرا و گویندگان و نویسندگان و مؤلفین سرزمینهای خوزستان و فارس و سواحل خلیج فارس و جزایر آن گذشته از آنکه بزبانهای محلی و لهجه‌های پرمایه‌ی خود شعر گفته‌اند بزبان فارسی هم در کمال دلیستگی و حسن علاقه و لطف و رسایی و زیبایی شعر سروده ، کتاب نوشته ، و آثار خود را بجا گذاشته‌اند . و برای نمونه باید اشعار و مؤلفات صدها دانشمند خوزستانی ، سیرافی ، فالی ، ریشهری ، لاری ، کیشی و شعرای دزفول ، ممسنی ، دشمن‌زیاری ، بهبهانی و مینابی را بخاطر بیاوریم که بر ارباب تحقیق پوشیده نیست .

بحث در لهجه‌ها و ادبیات عامیانه‌ی اقوام مختلفی که در سرزمین وسیعی از دهانه‌ی کارون تا کناره‌ی بلوچستان زندگی میکنند و آنهمه سیر و تطور تاریخی در مدتی بس‌دراز بر آنها گذشته و هزاران قبیله و طایفه در آن ساکنند مستلزم فرصت‌ها بلکه عمرهای دراز است که جمعی محقق و دانشمند باید بمطالعات و تخصصی فوق‌العاده دقیق در اینکار عمر بپایان آرند . بنابراین در یک سخنرانی کوتاه نیم‌ساعته بیش‌ازاین مجال نیست که مطلب دیگری بعرض برسانم و چند شعر از صحبت لاری که بزبان فارسی امروزی ماست برای شما میخوانم . شاید مناسب حال و مقام باشد و بعرایض خاتمه میدهم .

دل که وحشی‌صفت از صحبت مردم برمید
راست گویم گنه نرگس جادوی تو بود
هم مرا از ره مردی مددی‌کن ای عشق
که جوانمردی عشاق ز نیروی تو بود
غم شد این یوسف دل کردمش آخر پیدا
در ته چاه زنج بسته‌ی گیسوی تو بود
رخت صبرم بر بودند چو جستم بازش
کار هم کار سیه طره‌ی هندوی تو بود
مسجد و مدرسه و دیر و خرابات و کنشت
همه‌جا گشتم و دیدم که هیاهوی تو بود
صحبت از شهر خود آواره نگردید عبث
طالب بزمگهی بود که درکوی تو بود
از اینکه با حوصله‌ی فراوان بعرایض من با التفات و کمال لطف توجه فرموده‌اید
سپاسگزارم .

سخنرانی تیمسار سرشکر غلامحسین مقتدر

منابع ثروت در خلیج فارس

تیمسار مقتدر پس از طی دوره‌ی ابتدائی، تحصیلات خود را



در دبیرستان علمیه، آلیانس فرانسوی و مدرسه عالی علوم سیاسی انجام داده‌اند. ایشان در وزارت جنگ مناصب مهمی داشته‌اند و آخرین سمت ایشان معاونت وزارت جنگ بوده است.

تیمسار سرشکر مقتدر تألیفات و آثار گرانبهایی دارند از جمله کتاب «کلید

خلیج فارس» را میتوان نام برد که بدریافت جائزه سلطنتی نائل آمده است.

با کمال تأسف تیمسار مقتدر پیش از آنکه مجلد دوم کتاب نشر گردد برحمت ایزدی پیوستند و وزارت اطلاعات از این ضایعه‌ی اسفناک بسیار متأسف است.

مقدمه :

چون راجع باوضاع عمومی خلیج فارس در سخنرانیهای دیگر اطلاعات دقیق و پرارزشی از طرف استادان محترم و دانشمندان ارجمند باستحضار رسیده و خواهد رسید لذا برای روشن شدن کیفیات و خصوصیات دریایی که با منابع ثروت آن سروکار دارد فقط میگوییم :

تا آنجا که تاریخ بما سراغ میدهد خلیج فارس بعلت واقع شدن در مسیر خطوط دریایی اقیانوس هند و بحر عمان و بحرا حمر و دریای مغرب و اتصال آبهای آن بسواحل ایران و بین النهرین و عربستان، از زمانهای بسیار قدیم در تمام کشمکشها و جنبشهای اقتصادی شرق و غرب سهم بسزایی داشته است. بعلاوه در اثر رفت و آمد و سیروسفر ملل دریانورد و تجارت پیشه‌ی اطراف بداخل خلیج رفته رفته محیط تجارتی مهمی در آنجا بوجود آمده که مرکز ثقل تجارت گاهی در مغرب و زمانی در شمال و چند صباحی در مشرق آن برقرار و از دیر زمانی اهمیت مقام خلیج از لحاظ اقتصادی محرز و مسلم بوده است.

اما منابع ثروت خلیج اجمالاً بقرار زیر است :

مروارید :

از منابع ثروت خلیج آنکه قبل از همه مورد توجه سوداگران و باعث رونق تجارت خلیج شده است همانا مروارید است .

از انواع مختلف مروارید خلیج بهترین آن در هیارات جزیره ی کیش و بنادر شیب کوه و بخصوص در حوالی مجمع الجزایر بحرین یافت میشود و بنابر تشخیص خبرگان محصول مروارید این نقاط مرغوبتر و بهتر از محصول اطراف جزایر آندونیزی و سیلان و خلیج مکزیک است .

در اوانی که تجارت مروارید در خلیج رواج کامل داشته هزاران تن از غواصان بومی از ماه دوم بهار تا ماه اول پائیز از سپیده دم تا شامگاه در دریا غوطه خورده و باز حمت زیاد ورنج فراوان خود را به کف هیارات میرسانیدند تا صدفهایی را صید نموده و از دل آنها دانه های این گوهر گرانبها را بیرون بیاورند و در اینکار پر زحمت علاوه بر خطر جانوران دریایی اغلب به بیماریهایی دچار میشدند که بقیمت جان آنها تمام میشد .

اما در مقابل تمام این مشقات و مخاطرات جز قوت لایموت چیزی گیرشان نمی آمد و منافع عمده نصیب دلالتها و سوداگران میشد و بسی اتفاق می افتاد در یک دادوستد ثروتی بدست می آوردند .

گرچه از مدتی باین طرف بعلت رواج کشت مروارید مصنوعی در ژاپن از رونق بازار مروارید قدری کاسته شده ولی مروارید هنوز یکی از کالاهای صادراتی نفیس خلیج بشمار می آید و بازار اصلی خرید و فروش آن در بندر لنگه و جزیره کیش بوده است . صدفهایی که در اطراف بعضی از جزائر خلیج صید میشود بعلت شفاف و زیبای رنگ و نقش و نگار داخل آن امتیاز خاصی دارند و همه ساله مقدار معتنا بهی از این صدفها به قیمت نازلی به صادر کنندگان فروخته میشود و در خارجه به اشیاء زینتی تبدیل و بقیمت خوبی معامله میشود و اگر کارخانه ی کوچکی برای استفاده ی صنعتی از این صدفها دریکی از بنادر یا جزایر خلیج دایر گردد عواید شایان توجهی برای کشور خواهد داشت .

نفت :

مهمترین منبع ثروت خلیج فارس که تا اواخر قرن نوزدهم در اعماق زمین و زیر دریا مکتوم و بلا استفاده مانده بود همانا نفت یا باصطلاح امروز « طلای سیاه » است و این ثروت گرانبهای خلیج موقعی توجه دنیا را بخود جلب نمود که صنعت نفت تازه قدم بعالم وجود گذاشته بود .

صنعت نفت یکی از صنایع جدید گیتی است که نخستین بار در آمریکا آغاز گردید

و اولین کسیکه در ایالت پانسیلوانیا ب فکر استخراج نفت با وسائل ماشینی افتاد ، سرهنگ «دریک» بود که با کوشش فراوان و تحمل مخارج گزاف موفق به بهره برداری از چاه نفت خود گردید و بعد کشفیات جدیدی در طرز استفاده از نفت و مشتقات آن بعمل آورد و در واقع صنعت نفت دنیا را بنیان گذاری کرد . همینکه فوائد بی شمار این صنعت به همت او آشکار شد دانشمندان و کاشفین و سرمایه داران دنیا برای جستجوی نفت بسراغ خاور میانه آمدند . زیرا مطابق مدارک تاریخی از دیر زمانی مردم این منطقه بوجود نفت پی برده بودند و نفت خام را بصورت قیر برای اندود کردن و درز گیری جدار کشتیها و ساختن سدها و پلها و تهیهی آتش زنه ها و قاروره ها بکار میبردند و از گاز طبیعی آن برای برافروختن آتش مقدس در آتشکده های خویش استفاده میکردند .

از بین سرمایه داران اروپایی اولین کسیکه در سال ۱۸۷۲ میلادی موفق شد امتیاز استخراج و بهره برداری از کلیهی معادن ایران ، از جمله معادن نفت را بدست آورد «رویتز» نام بود که پس از گرفتن این امتیاز در نواحی جنوب ایران به تجسس و حفر چاه نفت پرداخت و چون در این راه توفیقی حاصل ننمود موضوع استخراج و بهره برداری از معادن از امتیاز نامه ی وی حذف و چندی بعد هم شرکت او به خودی خود منحل گردید . در سال ۱۹۰۰ میلادی سرمایه دار دیگری با اسم «ویلیام ناکس داری» که از معادن طلای استرالیا منافع سرشاری برده بود ب فکر استخراج معادن نفت ایران افتاد و برای گرفتن امتیاز نفت ایران هیئتی را به دربار قاجاریه اعزام داشت و در سال ۱۹۰۱ میلادی موفق شد امتیاز استخراج نفت و گاز طبیعی و سایر مواد نفتی ایران در منطقه معین برای مدت شصت سال بدست آورد .

پس از گرفتن این امتیاز عمال و مهندسین داری در نواحی گرم و سوزان خوزستان مشغول کار شدند و از اولین چاهیکه با اشکالات و دشواریهای فراوان حفر نمودند سودی حاصل نشد و بسراغ چاه دیگری رفتند .

چاه دوم در سال ۱۹۰۲ میلادی به نفت رسید ولی مقدار نفتی که از آن فوران کرد روزانه از ۱۲۰ بشکه تجاوز ننمود . گرچه استخراج این چاه از تشویش و نگرانی داری که هستی خود را در این راه گذاشته بود تا اندازه ای کاست اما دیری نپایید که این چاه خشک شد و سرمایه ی داری به ته کشید .

در همین موقع چون دریاداری انگلستان دریافته بود که در آینده ی نزدیکی برای سوخت کشتیها نفت جای ذغال سنگ را خواهد گرفت لذا بکمک داری شتافت و او را به شرکت «برمه» معرفی نمود . در سالهای بعد عملیات سندیکای داری و برمه در نواحی جنوب ایران ادامه یافت ولی به نتیجه ی شایانی نرسید تا اینکه در روز ۲۶ ماه مه ۱۹۰۸ میلادی نخستین چاهی که در مسجد سلیمان سرگرم حفر آن بودند ناگهان به نفت رسید و ستون گاز مخلوط به نفت که از این چاه فوران پیدا کرد با ارتفاع ۵۰ پا بلندتر از منجنیق دهانه ی چاه رسید و همین حادثه ی مهم در واقع سر آغاز صنعت نفت در خاور میانه شد .

دراثر تجسسهای علمی و اکتشافاتی که بعد از این واقعه در نواحی مختلف خاور میانه از جمله عراق - عربستان سعودی - کویت - بحرین - قطر - ابوظبی - دبی و شارجه و غیره بعمل آمد این مسئله بشدت رسید که بزرگترین معادن نفت دنیا در این منطقه متمرکز است ورشته‌ای عمده‌ای این معادن به حواشی شمالی و جنوبی خلیج فارس و جزایر و نواحی زیر دریایی آن کشیده شده است .

گرچه شرح تاریخچه‌ی شرکت دارسی که بعداً بنام شرکت نفت انگلیس و ایران و شرکت نفت انگلیس خوانده شد و تحولاتی که در اوضاع این شرکت حاصل گردید و حوادث ناگواری که به تعطیل شدن صنعت نفت ایران منتهی شد و بالاخره موجبات ملی شدن نفت را فراهم و منجر به قرارداد با کنسرسیوم گردید خود بحث مفصلی است که این مقاله‌ی مختصر گنجایش آنرا ندارد با این حال برای نشان دادن اهمیت محصول نفت ایران در خلیج فارس آماری از میزان استخراج آن در سنوات مختلف ذیلاً درج مینماییم .

در سالهای ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ میلادی از ۴۳۰۰۰ تن تا ۲۷۴۰۰۰ تن در سال .
در سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۸ میلادی از ۳۷۶۰۰۰ تن تا ۳۲۰۰۰۰۰ تن در سال .
در سال ۱۹۵۰ میلادی که اوج افزایش محصول نفت بشمار بود ۳۲,۰۰۰,۰۰۰ تن در سال .

بعد از ملی شدن نفت و قرارداد با کنسرسیوم و احیای صنعت نفت ایران سیر صعودی محصول نفت اجمالاً بدین قرار بود :

در سال ۱۹۵۵	۱۶ میلیون تن
در سال ۱۹۵۶	۲۷ میلیون تن
در سال ۱۹۵۷	۳۶ میلیون تن
در سال ۱۹۵۸	۴۱ میلیون تن
در سال ۱۹۵۹	۴۵ میلیون تن
در سال ۱۹۶۰	۵۰ میلیون تن
در سال ۱۹۶۱	متجاوز از ۵۷ میلیون تن
طبق آخرین آمار متجاوز از	۵۸ میلیون تن بوده است .

در عین حال برای استخراج و بهره برداری از فلات قاره‌ی ایران در قسمت جنوب توسط شرکت ملی نفت مطالعاتی بعمل آمد زیرا وجود معادن نفت در این قسمت محرز و خلیج فارس از لحاظ استخراج این معادن امتیاز خاصی دارد و آن عبارت از کمی عمق آب آن است بطوریکه در سه چهارم سطح خلیج عمق آب کمتر از ۳۶ متر و در یک چهارم دیگر بزحمت به ۷۳ متر میرسد و عمیق ترین نقطه‌ی آن از ۱۲۵ متر تجاوز نمیکند و با وسایل فنی مکمل امروزه عملیات استخراجی نفت در چنین عمق ناچیزی با سهولت بیشتری انجام پذیر بود .

پس از مطالعات لازم برای استخراج معادن زیر دریایی خلیج در سال ۱۹۵۷

شرکت ملی نفت قراردادی با شرکت ایتالی «آجیپ مینراریا» و در سال ۱۹۵۸ قرارداد دیگری با شرکت «پان آمریکن پترولیوم» و قرارداد سومی با شرکت «محدود پترولیوم سفایر» کانادایی بست و بموجب این قراردادها ۷۵ درصد از کلیه منافع بدولت ایران و ۲۵ درصد بقیه به شرکت مربوط تعلق دارد. شرکت های آمریکایی و ایتالیایی طبق قرارداد بلادرنگ مشغول کار شدند و خوشبختانه در اوایل سال جاری کوشش و زحمت سه ساله شرکت پان آمریکن به نتیجه رسید و چاه های کورش و داریوش در حوالی جزیره ی خارک بمنابع نفتی مهمی رسیده که صد درصد جنبه ی تجارتی دارد. حفر چاه های دیگری در دست اقدام است و امید میرود به نتایج قطعی برسد.

در پایان این قسمت ذکر این نکته را لازم میدانیم که در نتیجه ی مطالعات دقیق و آمار گیری هایی که از مدتی باینطرف راجع به مصرف بنزین و نفت کشورهای جهان آزاد بعمل آمده دیگر جای تردید نمانده که نفت یکی از ضروریات حتمی زندگی عادی و اقتصادی و صنعتی ملل میباشد و با توسعه ی وسایل موتوری زمینی و دریایی و هوایی این احتیاج روز بروز بیشتر محسوس میشود. چنانکه در کشورهای صنعتی امروزه قوه ی تولیدی آنها به تفاوت از ۶۰ تا ۸۰ درصد بوسیله ی نفت و مشتقات آن حاصل میشود. و بطور کلی مصرف سالانه ی نفت کشورهای آزاد در حدود هفتاد و پنج میلیارد تن تخمین زده میشود. بنابراین با فرض اینکه استفاده از نیروی اتمی تدریجاً در عالم صنعت رواج پیدا کند باز ارزش نفت و مشتقات آن هرگز از بین نخواهد رفت همانطوریکه نفت هنوز توانسته است کاملاً جانشین ذغال سنگ گردد.

بهر حال بنابر عقیده ی متخصصین فنی، امروز دنیا محتاج منابع نفت خاور میانه است و بدون نفت این منطقه نمیتواند از عهده ی رفع احتیاجات خود برآید. اما از لحاظ مصرف نظامی نفت تجربیات جنگ های اول و دوم جهانی ثابت نموده که قدرت و توانایی ملل مبارز بر روی نفت استوار است و متفقین هم بر روی موج نفت توانستند فاتح و مظفر بشوند.

نکته مهم دیگر در این است که بنابر گواهی محافل اقتصادی دنیا آن قسمت از معادن نفت ایران که تا کنون بهره برداری شده از حیث کمی عمق چاهها و فراوانی ذخیره ی نفتی آنها و سهولت استخراج آنها با فشار گاز و ارزانی هزینه و دستمزد و بالاتر از همه مرغوبی محصول و اطمینانی که برای استعمال نفت ایران در تمام صنایع پیدا شده فرا آورده های معادن ایران در نظر اهل فن و صاحبان صنایع ارزش غیر قابل انکاری دارد.

موضوع شایان توجه دیگر موضوع استفاده از گاز فراوان و طبیعی نفت است که مصرف صنعتی مهمی دارد و خوشبختانه از مدتی باینطرف در طرز استفاده از آن مطالعات دقیقی شده و بمرحله ی عمل در آمده است.

با این مقدمه ی مختصر وظیفه هر ایرانی و وطن پرست است که با هوشیاری و واقع بینی جهد و کوشش کند که این منبع سرشار خدادادی بیش از پیش برای سعادت و نیکبختی ملت

و توسعه و ترقی صنایع مملکت بکار برود .

ماهیها و جانوران دریایی :

خلیج فارس از لحاظ وفور جانوران دریایی و اقسام ماهیها در ردیف غنی ترین دریاهاى جهان بشمار میآید و از این حیث ثروت سرشاری دارد که تا سی سال پیش قدر آن مکتوم و ناشناس بود زیرا از نظر تحقیقات علمی برای بهره برداری از این نعمت خداداد هیچگونه اقدامی نشده بود . تا آنکه در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی پس از تأسیس نیروی دریایی جنوب و برقراری امنیت و آرامش در سواحل و جزایر این منطقه دولت ب فکر این کار افتاد و برای نخستین بار دانشمند ماهی شناس دانمارکی دکتر « هرالد بلگواد » را بایران دعوت نمود . در همان وقت دکتر نامبرده باتفاق چندتن از کارشناسان دانمارکی بایران آمد و پس از یک رشته تجسس و تحقیقات علمی که چند سال بطول انجامید موفق به تهیهی چهار جلد کتاب شد که در کپنهاگ بچاپ رسیده و جلد سوم آن اختصاص بانواع ماهیهای خلیج فارس دارد . بنابراین میتوان گفت که دکتر بلگواد اول کسی است که با انتشار همین کتابها زمینهی صنعت شیلات را در جنوب ایران پایه گذاری نموده است .

در گزارش مفصلی که دکتر بلگواد راجع به ذخایر ماهیهای خلیج فارس و طریقهی صید آنها بدولت ایران داده نکات بسیار جالبی موجود است که در اینجا اجمالاً بآنها اشاره میکنیم :

« بطور کلی میتوان گفت ثروت عظیمی از انواع ماهیها و جانوران دریایی در خلیج فارس موجود است که هنوز بهره برداری نشده زیرا صید ماهی توسط قایقهای روباز و بدون موتور و با وسایل خیلی قدیمی انجام میشود و عمل ماهیگیری محدود بسواحل بوده و ماهیگیران نمیتوانند از ساحل دور شده و در وسط دریا مشغول صید بشوند ماهیهای تازه هم که باین ترتیب صید میکنند بقیمتهای نازلی بفروش میرسد که نسبت بقیمتهای معمول اروپا ناچیز است . البته صادرات صید ماهی نه فقط قابل ملاحظه نیست بلکه بموجب ارقامی که از وزارت دارایی بدست آمده بسیار ناچیز است . »

« گرچه انواع ماهیهای خلیج فارس نسبت به اقسام ماهیهای دریای خزر متفاوت میباشد مثلاً ماهی گران بهای خاویار (تاسی - اوزون برون) و ماهی سفید در آبهای جنوبی ایران یافت نمیشود ولی در عوض تنوع و تعداد بی شمار ماهیهای خوراکی و صنعتی خلیج فارس بحدی توسعه دارد که بعقیدهی اینجانب ثروت خلیج فارس از لحاظ شیلات کمتر از دریای خزر نیست و مقدار صید سالانهی آنرا در صورت بهره برداری صحیح بطور تقریب از ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تن میتوان تخمین زد . »

« در اطراف بندر لنگه و بندر عباس و بندر جاسک و همچنین جزایر قشم و هنگام ولارک و هرمز مقدار معتناهی ماهی ساردین وجود دارد که گرچه از نوع ماهیهای ساردین فرانسه نیست ولی اگر در تهیهی آنها مراقبت فنی بشود باشکال میتوان این دو قسم

ساردین را از یکدیگر تمیز داد .

« موجودات دریایی مذکور در سطح و عمق آبهای خلیج باندازه‌بی متعدد میباشند که شایسته است برای تشخیص و توصیف آنها مجموعه‌ی کاملی از اقسام مختلف این ماهیها تهیه و درموزه‌ی ملی و موزه‌ی تاریخ طبیعی بمعرض نمایش گذاشته شود و اقسام مأكول آنها را از اقسام صنعتی و غیرمأكول بطور تفکیک باطالع عموم برسانند . »

اهمیت ماهی از لحاظ مصرف غذایی و صنعتی آن :

ارزش ماهی در دنیای امروز بحدی مورد توجه است که در کشورهای ماهی خیز برای توسعه و تکامل صنعت شیلات دانشکده‌ها و انستیتوهای متعددی ایجاد شده که شامل رشته‌های مختلف ماهی‌شناسی و پرورش و صید ماهی و بهداشت و بیماریهای آن میباشد و استادان ذیفنی به تحقیق و تدریس این رشته‌ها اشتغال دارند .

از نظر ارزش غذایی گوشت ماهی بعلت داشتن مواد پروتئینی و فسفری و ویتامینی و سایر ترکیبات شیمیایی نه تنها از گوشت‌های دامهای قصابی کمتر نیست بلکه از بعضی جهات بر آنها برتری دارد و مقدار صید سالانه‌ی ماهی در جهان بطور متوسط در حدود ۳۰ میلیون تن است .

اما از لحاظ مصرف صنعتی و طبی و روغن و امعاء و احشاء و فضولات و بادکنکِ هوایی و حتی پوست و فلس بعضی از ماهیها در صابون‌سازی و دباغی و چرم‌سازی و کوسازی و پرداخت فلزات و چیت‌سازی و ژلاتین‌سازی و توربافی و آبجوسازی و غیره مورد استفاده میباشد .

از ماهیهای خوراکی خلیج فارس تعداد بیشماری نزد ساکنین محل معروفیت دارد و اسامی برخی از آنها بقرار زیر است :

راشگو - ماهی حلوا سفید - سرخو - ماهی زرده و هوور که هردو از اقسام ماهی تن خلیج میباشند . شیرماهی - قباد - سنگسر - سفره‌ماهی - کوشک - شوریده - بیا هو - خارو - زمینکن - حشین و موتو (از اقسام ساردین خلیج) - صبور - شورت - شنگ - شنگو - گوازیم - قوازد - ماهی بلاچینگو - پیکو - لچه - کیمار - سارم - بهلول و غیره .

از ماهیهای غیر خوراکی که مصرف صنعتی دارد اسامی بعضی از آنها باصطلاح محلی بدینقرار است :

گرزک - گلوش - سه‌خاری - فوکل - اسب‌ماهی - ماهی چسبک - کوسه - بمبک - چکش‌ماهی - ماهی دُخس - اره‌ماهی - تیغ‌ماهی - لقمه‌ماهی - کوله‌ماهی - ماهی مرکب و غیره .

وسایل صید و وضع فعلی ماهیگیری و مراکز عمده‌ی صید در خلیج فارس :

بطور کلی در وسایل صید و طرز ماهیگیری از دوهزار سال پیش تغییری حاصل

برای اینکار مصرف بشود در همان سالهای اول بهره‌برداری و شروع درآمدهای سرشار نه فقط جبران این مخارج اولیه خواهد شد بلکه منافع‌شایانی بصاحبان سرمایه خواهد داد .

خاك سرخ :

خاك سرخ نوعی از اكسید آهن طبیعی است که در بعضی جزایر خلیج بخصوص هرمز و قشم و ابوموسی بمقدار زیاد موجود میباشد . خاك سرخ هرمز از همه مهمتر و میزان استخراج آن در این اواخر سالانه بچند هزار تن میرسیده است و بخارجه صادر میشده است و بواسطه‌ی مصرف صنعتی آن خریدار زیادی دارد . از خصوصیات این معادن بخصوص معدن خاك سرخ هرمز این است که در عمق خیلی کمی بدست میآید و ۸۵٪ آن خاك سرخ خالص است .

گوگرد و زرنیخ :

از معادن شایان توجه سواحل خلیج و دریای عمان معدن گوگرد و زرنیخ است که بیشتر در حدود جزیره‌ی کیش و حوالی بنادر چارک و بستانه و جاسک و چابهار موجود و شرکت‌های مختلفی به استخراج و صادر کردن آن اشتغال ورزیده‌اند و اگر تمام اینها معرض بهره‌برداری شود رقم صادراتی قابل ملاحظه‌ای برای کشور خواهد داشت .

نمك :

از معادن بزرگ نمك که در حوالی بندرهای چارک و بستانه و جاسک و چابهار بر روی هم تل شده نمیتوان چشم‌پوشی کرد و محصول این معادن خریداران خوبی دارد که از جمله کشور ژاپن است که سالانه نزدیک به دو میلیون تن مصرف نمك دارد و امروزه مقداری از نمك مورد احتیاج خود را از عدن و هند و سیام و آندونیزی و سومالی و حتی مکزیک خریداری و حمل مینماید .

در صورتیکه اگر معادن نمك سواحل ایران بشکل مرتبی بهره‌برداری شود و با ایجاد جاده‌ی ساحلی موضوع حمل نمك از سر معدن تا لنگرگاه کشتی بطور مطمئن و سریع انجام پذیر گردد بعلت نزدیکی این سواحل به کراچی که مرکز رفت و آمد کشتیهای تجارتی ژاپن است صرفه‌ی ژاپنیها در این است که تمام مقدار مصرف سالانه‌ی خود را از ایران خریداری نمایند . بخصوص از معدن چابهار که بیش از ۵۰ متر از دریا دور نیست و جنس نمك آنهم خیلی خوب است . باقرائنی که در دست میباشد سابقاً هم خارجیها از این معدن بهره‌برداری کرده‌اند .

از اینرو ایجاد راه کناره یا ساحلی در توسعه و تسهیل بهره‌برداری از معادن نمك که امروزه بعلت نبودن راه و وسایل حمل و نقل بطور جزئی استخراج میشود بسیار مفید خواهد بود .

گذشته از معادن ساحلی در بعضی از جزایر خلیج مانند هرمز و قشم نیز معادن نمک موجود و معدن معروف به «نمکدان» از نوع نمک بلوری و ممتاز است .

معادن مهم دیگری که بیشتر آنها در ساحل مکران و برخی در کناره‌ی خلیج تابحال کشف شده عبارت است از : مس - سرب - آهن (مخصوصاً در جزیره‌ی فرور) قلع - کلر - مانگاز - کرومیت - کاولن - زاج - سیلیسیوم - جیوه و احتمالاً طلا و نقره است که بعضی از آنها بطور جزئی استخراج شده و قسمت عمده هنوز در زیر زمین مدفون مانده است و امید میرود بزودی بهره‌برداری شود .

محصولات کشاورزی :

يك رقم از محصولات پر منفعت سواحل و برخی از جزایر ایران عبارت از انواع مختلف خرماست که بعضی از آنها از حیث شهد و لذت شهرت جهانی دارد . گرچه صادرات فعلی خرما ی ایران شایان توجه میباشد اما چون دریچه چینی و بسته‌بندی آن بطوریکه مورد پسند بازارهای خارجی باشد رعایت دقت و پاکیزگی و نظافت و فاسد نشدن آن نمیشود از اینرو مثل خرما ی سایر کشورهای صادرکننده خریدار ندارد .

راهنمایی و وادار نمودن صادرکنندگان بر رعایت سلیقه و ذوق خریداران خارجی البته بر میزان صادرات خرما ی ایران خواهد افزود زیرا امروز گذشته از تمیزی و مرغوبی و جور نمودن جنس که شرط اصلی است خوبی قواره و صیقلی بودن جعبه‌های آنها و همچنین تصاویر رنگی که برای جلب نظر و خوش آیند مشتریها بر روی آنها نقش میشود کمال اهمیت را دارد .

از نوع مرکبات این نواحی لیموترش و نارنگی بهتر از همه است و امروز هم صادراتی دارد و اگر در اصلاح جنس و توسعه‌ی باغات آنها با اصول کشاورزی جدید اقدام شود و در بسته‌بندی محصول صادراتی دقت نمایند که در بین راه لك بر ندارد و فاسد نشود سود زیادتری خواهد داشت .

برای فروش مرکبات و میوه‌ها و حتی سبزیهای خوراکی در داخل خود خلیج هم بازارهای خیلی نزدیک و مناسبی وجود دارد که در صورت توجه بامور کشاورزی این نواحی صادرات خوبی برای کشور خواهد داشت . سواحل کرمان و مخصوصاً مکران از لحاظ پرورش نباتات مناطق گرم باندازه‌ای مستعد است که اغلب مکران را هند ایران خوانده‌اند . از جمله‌ی این نباتات عبارت از : موز - انبه - و نیل و تمر و حنا و رونا س است که حتی در قسمت رطوبت گیر میناب بحد وفور بعمل می‌آید . در سواحل خلیج تنباکوه هم کاشته میشود .

در زمان اعلیحضرت فقید در باغ نمونه‌ی کشاورزی نزدیک چاه‌بهار حتی نهال کاوشو هم کاشته شد و درختهای تنومندی بوجود آورد .

نیشکر :

یکی از محصولات دیگر خلیج که سابقاً در اطراف رودخانه‌ی کارون و بندر میناب کاشته می‌شده و بهره‌ی قابل ملاحظه‌ای داشته نیشکر است که تا چند سال قبل بکلی از بین رفته بود خوشبختانه در اثر توجه وزارت کشاورزی مزارع نیشکر با اصول فنی جدید و ایجاد نه‌های لازم برای آبیاری آن مجدداً احیاء گردید و کارخانه‌ی نیشکر را که برای بهره‌برداری از این محصول در این مدت ساخته شده بود اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی افتتاح فرمودند و شروع بکار نمود و از این راه کمک بزرگی برای تقویت محصول قند و شکر مورد احتیاج کشور انجام شد .

با توجه کاملی که از چند سال باینطرف راجع به بهبود اوضاع خلیج و آبادی و عمران آن از جانب دولت مبذول و با طرح‌های مفیدی که از طرف سازمان برنامه و شیر و خورشید سرخ در این باب تهیه شده و قسمتی از آنها بمرحله‌ی عمل درآمده است محل تردید نیست که خلیج فارس آتی‌ه‌ی بس درخشانی را در پیش خواهد داشت و به ترقیات روزافزونی نایل خواهد گردید .

منابع

- سیر آر نولد ویلسن - خلیج فارس - ترجمه‌ی محمد سعیدی ، چاپ تهران ، ۱۳۱۰ شمسی .
- نوریزاده بوشهری - نظری بایران و خلیج فارس ، چاپ تهران ، ۱۳۲۵ شمسی .
- عباس اقبال آشتیانی - مطالعاتی در باب جزایر و ساحل ایران و مجمع‌الجزایر بحرین ، چاپ تهران ، ۱۳۳۸ شمسی .
- سرلشگر غلامحسین مقتدر - کلید خلیج فارس ، چاپ تهران ، ۱۳۳۳ شمسی .
- مسعود کیهان - جغرافیای مفصل ایران ، چاپ تهران ، ۱۳۱۰ شمسی .
- دریادار غلامعلی بایندر - جغرافیای خلیج فارس ، چاپ تهران ، ۱۳۰۹ شمسی .
- دکتر حسین مهرتبار - صنایع ماهی در خلیج فارس ، چاپ تهران ، ۱۳۳۸ شمسی .
- مهندس محمدعلی جلائی - صنعت ماهی در خلیج فارس ، چاپ تهران ، ۱۳۳۸ شمسی .
- دکتر هرالد بلگواد دانمارکی - ماهیهای خلیج فارس ، چاپ کپنهاک .

سخنرانی آقای محمد حسین رکن زاده آدمیت

اوضاع اجتماعی خلیج فارس

آقای رکن زاده آدمیت از فضایی فارس هستند که در زمینه‌ی



مسائل مربوط به فارس و جنوب ایران ،
مطالعات و تحقیقات عمیقی دارند .
و کتابهایی در زمینه‌ی حوادث پیرامون
خلیج فارس نوشته‌اند .

خلیج فارس سابقه‌ی تاریخی و آبادی چند هزار ساله دارد ، تاریخ و جغرافی
و اوضاع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آن از دو هزار سال پیش تا کنون بزبانهای گوناگون
بخصوص : یونانی ، اسپانیولی ، پرتغالی ، چینی ، فرانسوی ، انگلیسی ، آلمانی ، روسی ،
عربی و فارسی نوشته شده است .

«نئارخوس» یونانی که از جانب اسکندر مقدونی مأمور رسیدگی با اوضاع سواحل
عمان و خلیج فارس شده بود ، در سفرنامه‌ی خود تصریح میکند که از زمان باستان بین
سواحل خلیج و هندوستان ارتباط و دادوستد برقرار بوده است ، اما همواره جنگ و جدال
و زدوخورد هم در خلیج رونقی داشته است ، چنانکه در قرن هفتم قبل از میلاد «سنّاخریب»
پادشاه آشور نیروی دریایی بزرگی تهیه دید و از راه خلیج به کلد و بابل حمله برد ،
در قرن چهارم میلادی نیز شاپور دوم شهریار ساسانی جزایر بحرین و سواحل عربستان
را متصرف شد ، انوشیروان نیز سواحل شرقی و جنوبی عربستان را تا یمن و عدن مسخر
ساخت و سپاهیان ایران را بسواحل خلیج عربی یا بحرا حمر رسانید .
بعد از ظهور دین مبین اسلام همیشه بین خلفای بنی امیه و بنی عباس و سکنه‌ی خلیج

از زنگیان و قرمطیان و خوارچ ، آتش جنگ و خونریزی فروزان بوده است . بعد از آنهم چنانکه میدانیم همواره خلیج فارس گرفتار تپاول و تعدی پرتقالیها ، هلندیها ، انگلیسها ، و دزدان دریایی جواسم بوده است . بعلاوه مدتها شیوخ و رؤسای محلی و سران طوایف در حوزہ ریاست خود سر رشته ی کلبہ ی امور را در دست داشته اند و بنام دولت ایران اختیار جان و مال مردم را بدست گرفته بودند و ظاهراً و باطناً لاف خود سری میزدند !

من بنده که اوضاع سیاسی و اجتماعی ناهنجار و مغشوش پنجاه سال پیش فارس و بنادر آن و ناامنی راههای فارس را دیده ام و مکرر در این راهها مسافرت کرده ام و اندکی از بسیار آن اوضاع اسفانگیز را در تألیفات خود آورده ام نیک می دانم که رضاشاه کبیر چه خدمتی بوطن خود کرده است ، ولی در اینجا مجال برای شرح آنها نیست . هم اکنون دولت در صدد اصلاحات اساسی در آن حدود و جبران گذشته ها برآمده است و آمد و شد ها و بازرسیهایی بعمل می آید که باعث خشنودی و امیدواریست .

این مختصر مقدمه یی بود برای روشن شدن احوال گذشته و حال مردم آن سامان و چون آداب و رسوم و اخلاق هر قوم و ملت وابستگی تام به پیشرفت یا عقب افتادگی امور اقتصادی مردم دارد ، ناچار باید قبلاً بطریق اختصار اوضاع اقتصادی و بازرگانی اهالی خلیج را در گذشته بیان کنم :

در قرون وسطی بین اهالی خلیج و هندوستان و سواحل شرقی افریقا و جزیره ی سیلان (سرانندیب) حتی کشور پهنور چین ، آمد و شد و مبادله ی کالا و روبازدیاد گذاشت و ایرانیان و اعراب برای تجارت و معاوضه و خرید و فروش اجناس بنقاط مذکور میرفتند . در عهد ساسانیان قدیمترین و مهمترین بندر بازرگانی در شمال خلیج بنام « ابله » بوده است که در زمان سلاطین ساسانی اهمیت بندری داشته و کشتیهایی که وارد خلیج میشدند ، در برابر آن لنگر میانداختند ، اما چون در زمان خلیفه ی دوم (عمر بن خطاب) بندر بصره بنیاد شد ، طبعاً از اهمیت « ابله » کاسته شد و بصره جای آنرا گرفت . بصره پیش از اسلام هم وجود داشت ، اما آبادی زیاد و اهمیت نداشت . محمد بن جریر بن یزید آملی طبری (متوفی ۳۱۰ - یا ۳۱۱ - یا ۳۱۶) در این خصوص مینویسد :

بصره تا زمان عمر بن خطاب شهر مهمی نبود و آبادی آن منحصر بود بقلعه یی در ساحل رود فرات و اطراف آن شنزار و غیر مسکون بود . بصره بتدریج آباد شد و در قرن سوم هجری در زمان خلفاء بنی عباس باوج ترقی خود رسید و چون اهالیش روی آسایش دیدند بکار علم و ادب پرداختند و با اهل کوفه در علم لغت و ادبیات عرب بنای رقابت را گذاشتند و امثال : حسن بصری ، اشعری ، جاحظ ، ابو عبیده و حریری از آنجا برخاستند . اما در قرن هشتم هجری که ابن بطوطه سیاح مشهور مغربی بصره را دیده است ، از بدی اوضاع آنجا اظهار تأسف کرده معذک نوشته است :

« بصره از شهرهای مهم عراق است ، خیابانهای پاکیزه و باغهای خرم و میوه های خوب دارد ، درختهای خرما ی آن در تمام دنیا بی نظیر است ، مردمش همگی کریم و سخی

هستند و با غریبان نیکو رفتار میکنند، از این جهت بیگانگان در این شهر خسته و آزرده نمیشوند». نفوس شهر بصره را در سال ۱۹۴۷ در انسکلوپدی بریتانی ۱۰۱۵۳۵ ولواء (استان) بصره را ۳۶۸۷۹۹ نوشته‌اند. امروز هم بصره یگانه بندر مهم عراق عرب و محل صدور نفت است.

دیگر از بنادر بسیار مهم آن زمان بندر «سیراف» بوده است که با بصره رقابت میکرد و بگفته‌ی ابو عبدالله محمد بن احمد حنفی مقدسی مؤلف «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم» این بندر، در سال سیصد و چهل و هفت هجری بعثت حدوث زلزله‌های شدید که یک هفته ادامه داشته است، ویران شد.

یاقوت حموی در باب وجه تسمیه‌ی «سیراف» افسانه‌ی باین مضمون آورده است که «چون کیکاووس خواست با آسمان صعود کند و از چشم مردم غایب شد، خداوند باد را مأمور فرمود که او را مخدول کند، پس کیکاووس در سیراف سقوط کرد و از مردم آنجا آب و شیر خواست یعنی گفت «شیر آب» و تازیان آنرا معرب کرده «سیراف» خواندند. در ترجمه‌ی «مسالك وممالك» ابواسحق اصطخری آنجا را بوسعت شیراز وصف کرده و گفته است: «سیراف چند شیراز بود و بنای ایشان ساج است و چوبها کی از هندوستان و زنگبار آرند، چنان کی مرد بازرگان بود کی سی هزار دینار بر عمارت سرا خرج کند. و پیرامن سیراف هیچ درخت نباشد و کوهی بر شهر مشرف است آنرا جم خوانند، همه‌ی میوه و آب شهر از آن کوه بود و سیراف از آن همه‌ی شهرها گرمسیر ترست» و در جای دیگر میگوید:

«و از سیراف متاع دریا خیزد، چون عود و عنبر و کافور و جواهر و خیزران و عاج و آبنوس و پلپل و صندل و دیگر گونه طیب و داروها و از آنجا به آفاق برند و درین شهر بازرگانان توانا باشند» و خداوند کتاب گوید: «من بازرگانان دیدم درین شهر هر یک را شصت هزار هزار درم بود سرمایه».

بندر سیراف در اواخر قرن پنجم هجری بتدریج اهمیت خود را ازدست داد و جزیره‌ی کیش مرکز دادوستد و تجارت شد و در قرن ششم هجری بندر هرمز رو بترقی گذاشت و توجه بازرگانان هندی و تازی را بخود جلب کرد.

جزیره‌ی هورمز یا هرمز و شهر آن نیز از نقاط بسیار آباد خلیج فارس بوده است که سکنه‌ی آن سالهای دراز بخوشی و آسایش خاطر زندگی میکرده‌اند. در شماره‌ی تیرماه ۱۳۴۱ مجله‌ی «کاوش» تحت عنوان «تاریخ هرموز وملوک آن» مقالتی سودمند چاپ شده و در آنجا راجع بزندگی مردم هرمز و اخلاق و آداب آنان چنین مینویسد:

«در تمام ایام سال کوچه‌های شهر هرموز پر از دحام از مردمی برنگ و قیافه‌های مختلف بود که اکثریت آنها هرموزی، ایرانی و عرب بودند. هرموزیها تیره رنگ‌تر از ایرانیهای سفیدپوست بودند. یکی از مسافرین آن ایام مینویسد: بازرگانان این جزیره و شهر ایرانی و عرب هستند. ایرانیها عبری و فارسی سخن میرانند. زن و مرد آنها عموماً

درشت هیکل، زیباروی، ظریف و بشاش میباشند و ظاهری آرام دارند. نسبت تمام موضوعات علاقه‌مندند. به دانشمندان احترام میگذارند و بشاگردی آنها افتخار میکنند. لباسهای زیبا و جالب میپوشند. . . . برپینی زنان حلقه‌های طلا آویخته بود. زنان هر موزی بحدی جواهرات بخود می‌آویختند که خارجیان را متعجب میساخت. بازوبند، گردن‌ریز، گوشواره، دستبند و انگشتر (انگشتری) نمونه‌ی عادی آنها بود. حلقه‌ی طلای بینی برخی آنقدر بزرگ بود که بعلت وزن، بینی را از ترکیب اصلی خارج میساخت. لباس زنان ساده و مثل مردان بود. فقط بر روی آن پارچه‌ی نازک سفید یا آبی بخود می‌پیچیدند که تا روی پا میرسید و فقط مقابل چشم آنها باز بود. مردها عاشق پیشه و برخلاف دستور قرآن در خفا شراب مینوشند. بسیار حسودند و میل ندارند کسی صورت زنهایشان را ببیند. زنهای مجبورند در عزای شوهر چهار هفته گریه کنند. اشخاصی بودند که برای گریه در عزاداری در مقابل مزد حاضر میشدند. دیدن مزار مردگان جزء گردش عمومی زنان و جلگه‌ی مزارستان مرکز اجتماع و نذر و نیاز و تقسیم خوراکی و نقدی زنان بود. «دون گارسیا» سفیر اسپانی که بدربار شاه عباس آمد مینویسد: «اهل يك منزل از هم روی نمیپوشیدند. اکثریت مردم شیعه، ولی شاه و وزراء سنی بودند. بعد از سلطه‌ی پرتقالیها اکثریت خارجیها با کاتولیک‌ها بود ولی ارمنی نسطوری و کلیمی هم زیاد بود. پرتقالیهای مقیم هر موز دویست خانوار بودند. برخی از سربازان با زنان بومی ازدواج می‌کردند. شغل عمومی تجارت بود. زنان پرتقالی مثل زنان بومی کمتر از منزل خارج میشدند و گردشگاه آنها حوالی کلیسا بود. لباس آنان مثل پرتقالیهای مقیم هند بود و عده‌ی زیادی از آنان فارسی را آموخته و بدان زبان سخن میراندند. زبان رسمی، فارسی و عربی بود و کسانی که بدان زبانها آشنایی نداشتند از طرف شاه برای آنها مترجمی تعیین میشد».

دیگر از بنادر مهم قدیم بندر «مهروبان» بوده است که در مغرب فارس کنار خلیج واقع بوده، رودخانه‌ی «هندیان» از کنار آن میگذشته و کشتیهایی که عازم سفر هندوستان بوده‌اند پس از عبور از بصره باین بندر میآمده‌اند. اصطخری و ناصر خسرو نام آنها «مهروبان» که حرف پنجم آن بای ابجد است ضبط کرده‌اند و در ترجمه‌ی مسالك و ممالك اصطخری که اخیراً باهتمام آقای ایرج افشار چاپ شده است و تاکنون مترجم شناخته نشده «ماهی رویان» نوشته شده. ناصر خسرو در سفرنامه‌ی خود مینویسد: «شهری بزرگ است، بربل دریا نهاده، برجانب شرقی و بازاری بزرگ دارد و جامعی نیکو، اما آب ایشان از باران بود و غیر از آب باران چاه و کاریز نبود که آب شیرین دهد. . . . در آنجا سه کاروانسرای بزرگ ساخته‌اند. هریک از آن چون حصار است محکم و عالی».

در زمان ما از این بندر نام و نشانی بر صفحه‌ی روزگار نیست، سرهنگ آرنولد ویلسن مینویسد: «محل مهروبان امروزه بکلی ناپدید شده و یقیناً جای آن در زیر بستر رودخانه‌ی هندیان فرو رفته است».

دیگر از بنادر قدیم ایران که اکنون از میان رفته است بندر «ریشهر» بوده است

که بندری معتبر و دارای دوهزار خانه بوده است و هم‌اکنون خرابه‌ی قلعه‌های آن بشکل تل بزرگی باقی‌است. یاقوت حموی و حمدالله مستوفی و ابن بلخی و حاج میرزا حسن فسایی و فرصت شیرازی از آن نام برده‌اند. مستوفی مینویسد: «شهر ریشهر را لهراسب پادشاه کیانی بنا نموده و شاپور اول عمارات آنرا تعمیر و مرمت کرده است. در ساحل خلیج فارس قرار گرفته و هوای آن فوق‌العاده گرم و مرطوب است. محصول عمده‌ی ریشهر خرماست و منسوجات کتانی آن معروف است». بنظر میرسد که مستوفی جملات اخیر را از توصیفات که جغرافی‌نویسان اسلامی از ریشهر ارجان کرده‌اند اقتباس کرده باشد.

اگرچه مستوفی از گرمی هوا و رطوبت آن در ریشهر سخن گفته است و حق بجانب اوست، معذک باید بگوییم که هوایش بمراتب بهتر از بوشهر است و چون مزار امامزاده عبدالمهیمن که اهل محل معتقدند که از اولاد حضرت امام موسی کاظم است در نزدیکی ریشهر واقع شده، بوشهریان در تابستان بقصد زیارت امامزاده‌ی مذکور و هم برای استفاده از هوای بالنسبه بهتر، بدانجا میروند. ساکنین فعلی آنجا قریب یک هزار نفر و آبش از چاه و گوار است و در خرابه‌ی آن قطعات کوچک عقیق فراوانست، اینستکه برخی از اهالی محل تصور میکنند که در زمان آبادی آنجا کارگاه تراش عقیق وجود داشته است و عقیق از کالاهای صادراتی ریشهر محسوب میشده است.

از آنچه گفتیم و بسیاری مطالب دیگر که مورخین و سیاحان ایرانی و عرب و اروپایی درباره‌ی اوضاع اقتصادی و اجتماعی بنادر و جزایر خلیج فارس نوشته‌اند و در اینجا مجال ذکر تمام آنها نیست، چنین نتیجه میگیریم که ساکنین خلیج فارس در قرون وسطی از حیث معاش در آسایش بوده‌اند و اوضاع اجتماعی آنها خوب و از لذایذ زندگی و تمدن برخوردار بوده‌اند، اما از آنجاییکه وطن ما از زمان اسکندر مقدونی باین طرف مورد حمله و تاخت و تاز اقوام مختلف و نژادهای متنوع بوده است، طبعاً ساکنین خلیج فارس همچون سایر مردم کشور ایران از این آشوبها و جنگ و گریزهای بیگانگان مصون نبوده‌اند و علی‌الدوام از این قتل و غارت‌های متوالی عیشی منغص داشته‌اند. گاه در دریا گرفتار دزدان دریایی جواسم میشدند و هستی خود را از کف میدادند و گاه در خشکی دستخوش حمله‌ی پرتقالیها، هندیها و انگلیسها میشدند و احیاناً دست رؤسا و سران محلی نیز در این تجاوزها دخالت داشته است و در نتیجه‌ی اختلافات داخلی بایستگان یا اولیای امور دولت بود که در سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، شیخ نصرخان فرزند شیخ عبدالرسول خان آل‌مذکور بخون‌خواهی پدرش که در قریه‌ی دالکی بدست خوانین دشتستانی کشته شده بود، با چند هزار نفر از اعراب جواسم ناگهان ببوشهر حمله برد و نیمی از بندر را تصرف کرد و عده‌ی زیادی از اهالی در جنگ بین تفنگچیان او و نظامیان ایرانی ساخلوی بوشهر کشته شدند و اموالشان بتاراج رفت. باوجود اینهمه رنجی که نصیب هموطنان مقیم سواحل خلیج شده است باز بضرر قاطع میتوان گفت که ایرانیان ساکن کرانه‌های خلیج در حب وطن و علاقه‌ی بیغش به استقلال کامل ایران کم‌نظیر هستند و مردم

دلیر حوالی بنادر جنوب بموقع خود در راه نیت پاك خویش که حفظ حدود و ثغور کشور بوده است ، از بذل مال و جان شیرین دریغ نداشته و ندارند و صفحات تاریخ ایران از فداکاریها و جان فشانیهای آنان پر است .

آداب و رسوم و اخلاق و طرز معیشت مردم خلیج فارس

ساکنین خلیج اعم از ایرانی و عرب ، اکثر متدین ، درستکار ، بی آزار ، طرفدار صلح و سلم ، سریع التأثر ، زود آشنا و زودرنج ، مهمان نواز و مهربانند . از قدیم الایام در دادوستد بسیار ساده و درستکار و سخت پای بند قول بوده و هستند و بندرت زبان را بدروغ می آلائند . در میان آنها اعیان و اشراف ، متمول و ملاك بزرگ بیکار وجود ندارد و طبقه ی اول آنها بازرگانان اند و طبقه ی دوم اهل کسب و کارمندان دولت و طبقه ی سوم کشاورزان و ماهی گیران و مزدوران کشتیهای بازرگانی و باربران و خدمتگزاران جزء ادارات و کارگران نفت که عده ی آنها زیاد است .

طبق آمار رسمی که در دست است عده ی کارگران شرکت ملی نفت در خرداد ماه ۱۳۴۱ - ۳۸۶۹۸ نفر و عده ی کارمندان ۱۰۴۳۷ نفر بوده است که جمعاً ۴۹۱۳۵ نفر میشوند و بیشتر آنها از ساکنین خلیج اند . چون خلیج فارس بعلل مختلف ، منجمله وجود منابع ثروت و اهمیت سوق الجیشی در آن قرون متمادی ، گذرگاه ملل و اقوام مختلف بوده است و بعضی از این اقوام اقامتشان در سواحل خلیج بدر ازا کشیده است و ایرانیان سالیهای دراز با عربها و افریقاییها و هندیها محشور بوده اند ، از اینرو ی پاره یی عادات و رسوم زشت و زیبای این اقوام در میانشان رخنه کرده است ، معذلك اغلب آداب و رسمهای قدیم ایرانی خود را حفظ کرده ، چنانکه به عید نوروز و آداب آن اهمیت شایان میدهند و در ایام عید از غنی و فقیر خود را موظف پیوشیدن لباس نو میدانند و بدیدن یکدیگر میروند ، اما استعمال تنباکوی خوراکی ، و زدن دماغ (که يك قسم دهل بدصدایی است) در ایام عزاداری محرم در بوشهر و ابتلای بمرض « زار » را که در بندر عباس رواج دارد ، از افریقاییان آموخته و گرفته اند . پوشیدن پیراهن بلند و عمامه های رنگارنگ و برهنه پای بودن و صحت عمل در تجارت و حفظ قول و بهر حال را از عربها ، و استعمال لنگ حمام را بجای شلوار که خود آنان « کنگوته » مینامند ، از هندیها و افریقاییها سوغات برده اند و نخوردن ماهی را در روز شنبه از یهودیان تقلید کرده اند .

گرما فوق العاده ی هوا که در فصل تابستان در سایه به ۵۲ و در آفتاب به ۶۵ درجه سانتیگراد میرسد ، در پوشش خفیف آنها دخالت داشته است و چون ۹ ماه از سال هوای خلیج بسیار گرم و مرطوب است لاجرم لباس بیشتر طبقه ی سوم عبارت از يك پیراهن عربی بلند و جلیقه ی زیبایست که از مخمل یا پارچه ی لطیف دیگر میدوزند و با قیطانهای رنگین آنرا می آرایند .

غذای معمولی بیشتر مردم خلیج عبارتست از خرما و ماهی تازه و نمك سود و میگو

وعدس هندی که آنرا دال عدس خوانند واز آن باتمر هندی وپیاز وروغن خورش لذیذی میسازند واقسام برنجهای ایران وهند وبرمه و مرکبات در آنجا فراوان یافت میشود .
این مردم ، هوشیار و نکته بین و خوش محضرند ودر علم معاش بصیرت تام دارند و با تهی دستی غنی الطبع اند و تا مجبور نشوند دست سؤال واستقراض بسوی کس دراز نکنند و فروش اثاث خانه والبسه را ننگ دانند .

وقتی ، مرحوم سیدهدایة الله فلسفی شیرازی که چندی در طهران بود بمن گفت :
امروز از لاله زار عبور میکردم شخصی را از اهالی بوشهر دیدم که بارانی زیبایی روی دست انداخته بود و میرفت . بتصور اینکه قصد فروش آن دارد پیش رفتم و پرسیدم بارانی را چند میفروشید ؟ نگاهی غضب آلود بر من افکند و باخشم گفت : «اگر باشد باز هم میخریم» .
اکثر آنها در عقاید دینی ومذهبی خود متعصب هستند . به پیشوایان دینی زیاد احترام میگذارند . وجوه شرعی خود را بموقع وتمام میپردازند . در آن هوای گرم طاقت فرسا روزه میگیرند ونماز را ترك نمیکنند . بیشتر آنها نماز جماعت را بر فرادی ترجیح میدهند . شیعه وسنی ، اخباری و اصولی ، متشرع وشیحی برادر وار باهم میجوشند وبمساجد یکدیگر میروند واز حال هم میپرسند .

دربوشهر شیعهی اخباری وشیحیه زیاد است . اهالی قصبهی دوان که دربوشهر هستند همه شیخی اند ودر بنادر بصره ولنگه وبندر عباس وثلاث وخرمشهر اهل سنت وجماعت کم نیستند . بیشتر جوانان خلیج دراویل بلوغ ازدواج میکنند . دختران را زود بخانهی شوهر میفرستند وسابقاً چنین مرسوم بود که مدعوین بمجلس جشن عروسی هر کدام بفراخور حال خویش پولی بنام «شادباش» تقدیم زوجین کنند وبعکس سایر نقاط ایران در شب زفاف داماد میبایست بخانه عروس رود . این تقدیم پول برای کمک بزوجین ظاهراً از پیش از اسلام در ایران معمول بوده است . ختنه سوران را اهمیت شایان میدهند وجشن میگیرند .

مردم سواحل ایرانی خلیج بزبان فارسی ولهجههای مختلف آن از قبیل : دشتی ، تنگستانی ، کازرونی ، بهبهانی ، لاری ، شوشتری ، کرمانی ، واندکی شیرازی سخن میگویند ودر آن ، گاهگاه کلمات فرس قدیم نیز دیده میشود . دربوشهر اصطلاحات وکلمات کازرونی بیش از لهجههای دیگر رواج دارد و مرحوم سیدعلی اکبر کازرونی متخلص به «منظم» این کلمات را بسبك «نصاب الصبیان» بنظم آورده است و آنرا «نصاب الشبان» نامیده که قسمتی از آن در دست بنده است .

بوشهریها زنبور درشت را «گنج» ومتکارا «بالش» واکنون را «ایسه» ومجلس ترحیم را «پرسیه» وآردکم را که برخمیر برای رفع چسبندگی آن پاشند «پرسَم یا پرسَن» وسخن را «گپ» وبزرگ را «گت» وشکم را «کَم» وبود را «بید» وآب را «آو» وبرای چه را «سی چه» واینطرف را «ای یل» وشب را «شو» گویند .
سیاری از کلمات مردم لنگه وبندر عباس ومیناب نیز همچون لهجهی بوشهریها

و کازرونیهاست جز اینکه لهجه‌های لاری و کرمانی نیز در زبان آنها رواج دارد، چنانکه آنها هم لب را «لو» و آب را «هو» و تب را «تو» و خواب را «خو» و پسر را «پس» تلفظ میکنند.

ماشوه‌چیان و مزدوران کشتیهای بازرگانی در خلیج اغلب بزبانهای عربی، اردو، و انگلیسی آشنا هستند و میتوانند با این زبانها حرف بزنند و زبانهای فارسی و عربی در سراسر خلیج مفهوم و رایج است.

صنایع مردم خلیج از زمان قدیم ساختن کشتیهای بزرگ بادی و قایق‌های ماهی‌گیری و عبا و گلیم بافی و نمدمالی بوده است. در اطراف بوشهر و دشتی عباهای ممتاز با پشم شتر میبافند و در جزیره‌ی خارك و حوالی بندر ریگ و گناوه و فلاحیه نیز عباهای نازك تابستانی لطیف بافته میشود. اکنون هم در بوشهر کارخانه‌ی پارچه‌بافی و در بندرعباس کارخانه‌ی کنسروسازی موجود است.

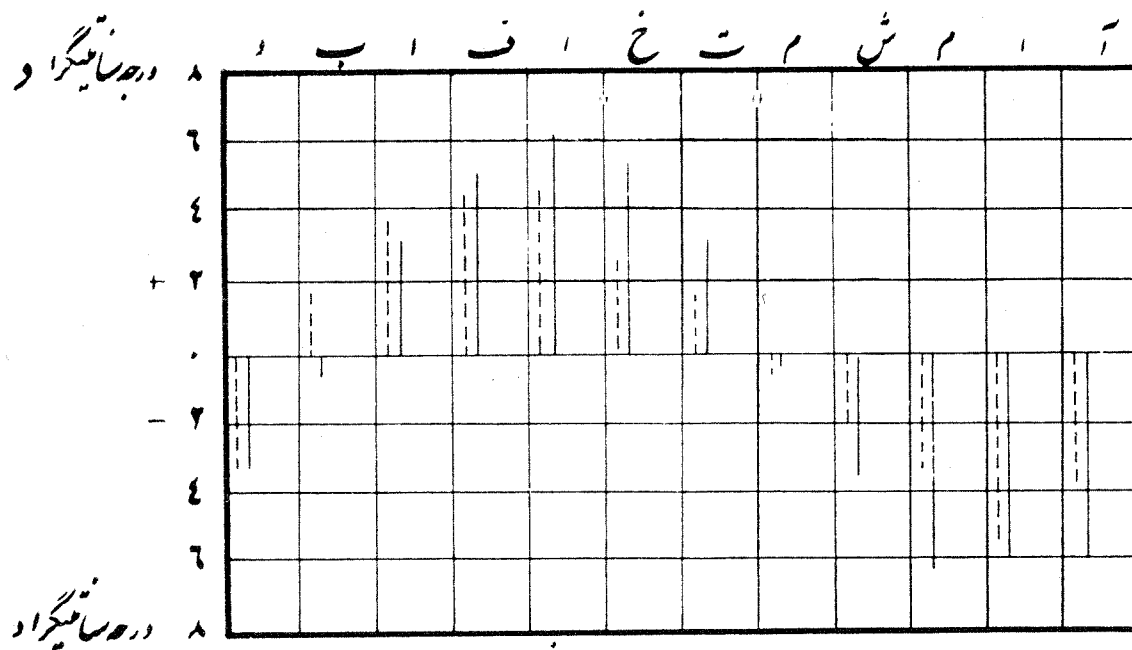
پایان

یادآوری

دانشمند ارجمند جناب آقای دکتر گنجی که در زمینه‌ی هواشناسی خلیج فارس درسمینار صحبت کرده بودند برای توضیح مطالب ارزنده‌ی گفتار خود چند فقره نمودار تهیه کرده بودند که در جلد اول چاپ نشده است چون نمودارهای مذکور از هر حیث قابل استفاده است از این جهت برای استفاده خوانندگان در این مجلد چاپ میشود این نمودارها مربوط بصفحات شماره ۱۸ تا ۳۷ جلد اول است که در صفحات ۱۹ - ۲۰ - ۲۳ - ۲۹ - بشماره‌ی آنها اشاره شده است .

نمودار شماره ۱

اختلاف درجه‌های ماهیانه در سواحل خلیج فارس و دامنه‌های البرز

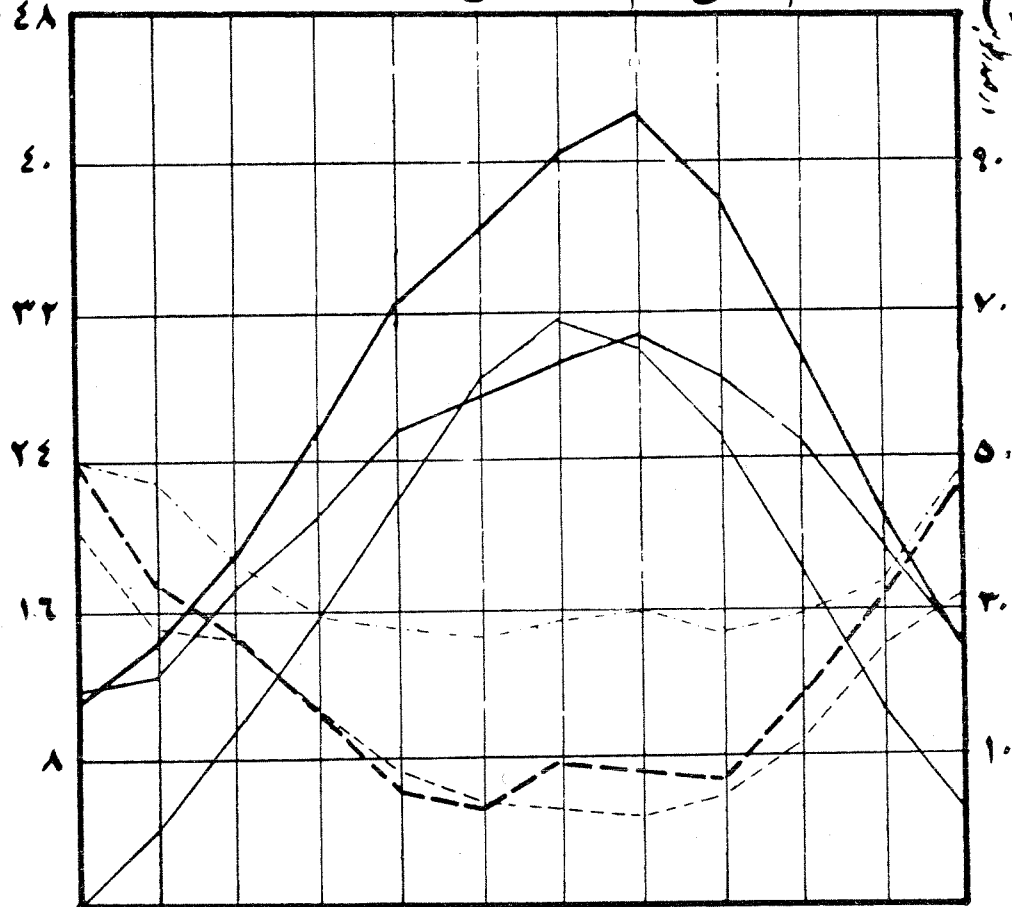


سواحل خلیج فارس ————— دامنه‌های البرز ————
 اندایش گرمای متوسط به نسبت قبیل در بالای خط و کاهش آن در زیر خط نشان داده شده است

نمودار شماره ۲

مقایسه معدل حداکثر گرمای ماهیانه با رطوبت نسبی

آب ا م ش م ت خ ا ف ا ب ۴۸ درجه سانتیگراد

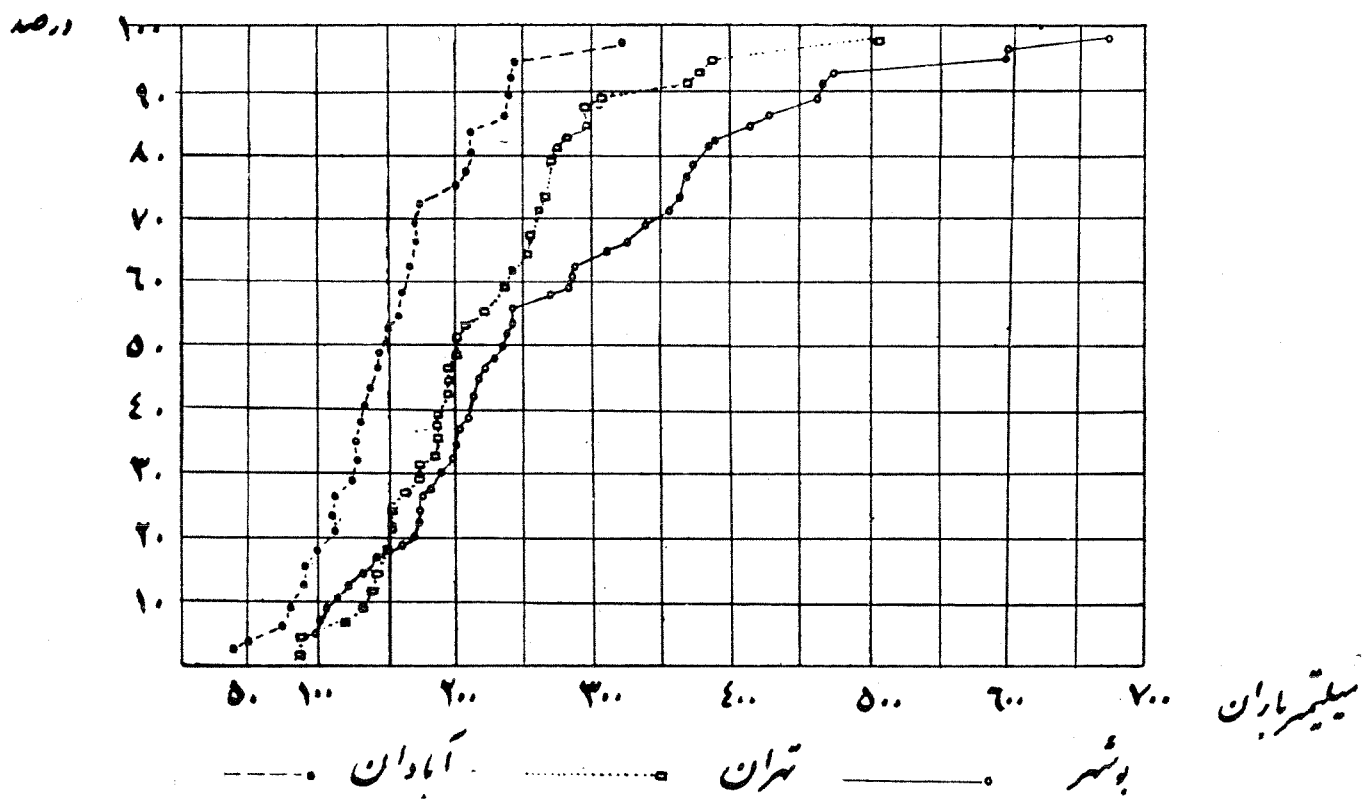


—————	درجه گرما در آبادان	-----	رطوبت نسبی در آبادان
—————	درجه گرما در بوشهر	-----	رطوبت نسبی در بوشهر
—————	درجه گرما در تهران	-----	رطوبت نسبی در تهران

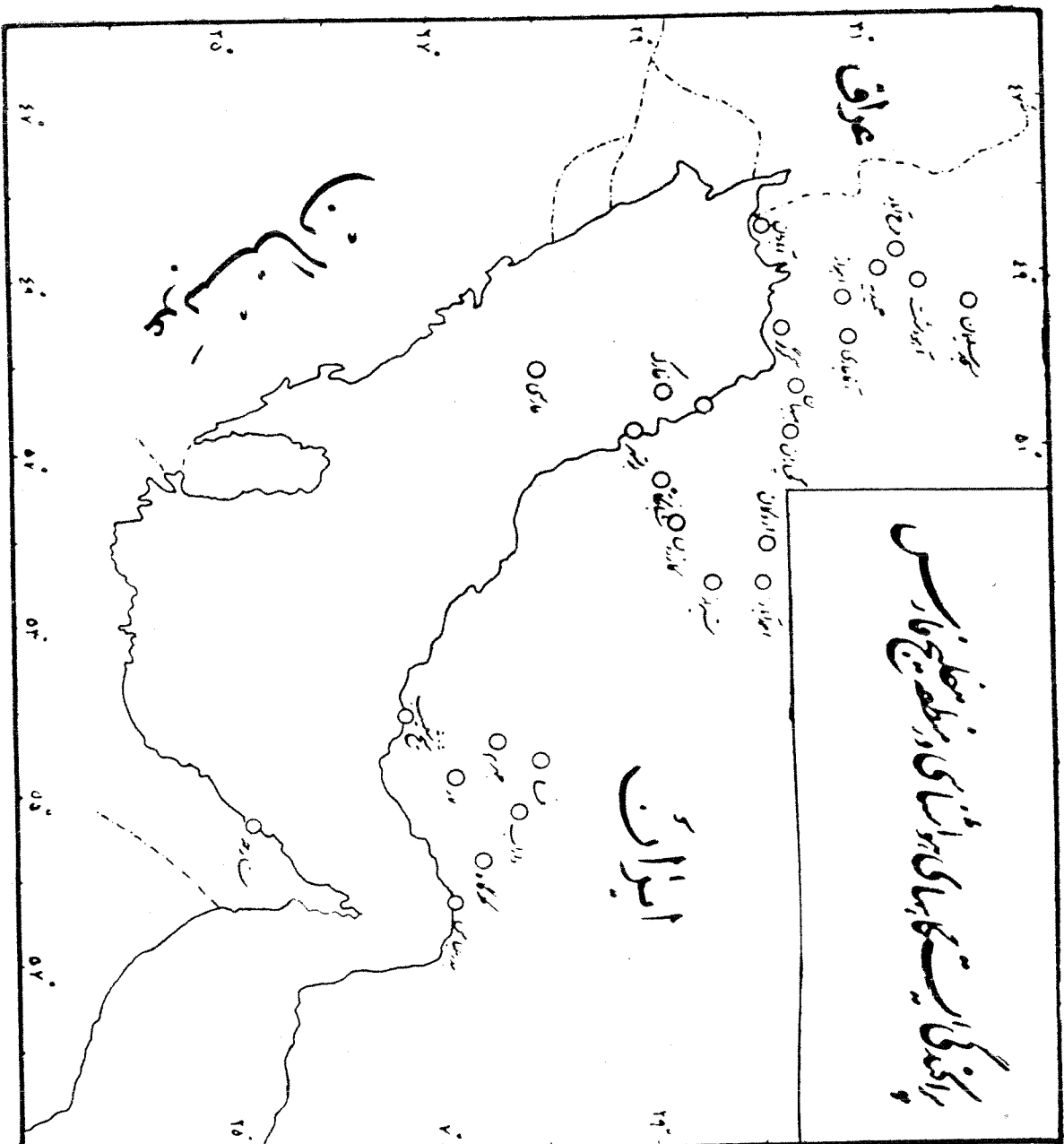
نمودار شماره ۳

چند درصد احتمال بروز باران سیاه

در تهران و آبادان و بوشهر



پراکنده‌گی استعماری و استانی در منطقه خلیج فارس



چند نکته درباره‌ی نام اشخاص و جاها

لازم بنظر رسید درباره‌ی فهرست‌های نام امکنه و نام اشخاص که در پایان مجله‌های نخستین و دومین کتاب سمینار خلیج فارس آورده شده است، بجهت مزید آگاهی خوانندگان عادی این کتاب، چند نکته‌ی توضیحی تذکر داده شود و چون در جلد یکم چنین توضیحاتی آورده نشده است بجا دانستیم این توضیحات را در اینجا ذکر کنیم. مقصود آنست نکاتی که در این چند صفحه نوشته شده، ناظر بفهرستهای جلد اول و دوم هر دو خواهد بود.

۱ - نام جاها

درباره‌ی چگونگی تنظیم فهرست نام جاها مناسب میدانیم، توضیحات زیر را بیفزاییم:

الف - هرگاه نام يك جا، خواه محلی که قبلاً وجود داشته و امروز موجود نیست یا نام محله‌ایی که هم اکنون موجودند، در کتب و نوشته‌ها با املاءات مختلف ضبط شده باشد، صورت مشهور نام را ملاک تنظیم فهرست قرار داده‌ایم. سپس برای مزید آگاهی خواننده شکل‌های دیگر نام را در پشت سر شکل مشهور کلمه یادداشت کرده و آنها را با نشانه‌ی - ، - از یکدیگر جدا ساخته‌ایم. مثلاً: کلمه‌ی هرمز، هورموز، ارموز، ارموس دیده میشود. ما شکل اول را که امروز شایع است در ذیل حرف (ه) آورده و در پشت سر آن بقیه‌ی صورتهای ذکر کرده‌ایم.

ب - هرگاه نام جایی در طول تاریخ عوض شده باشد، نام کنونی آن ملاک تنظیم فهرست قرار گرفته اما نام یا نامهای سابق در پشت سر آن، با جدا کردن آنها بوسیله‌ی نشانه‌ی - ، - ذکر گردیده است. مثال:

خرمشهر در بخش (خ) منظور گردیده اما در پشت این کلمه، محمره که نام سابق این شهر بوده نیز آورده شده است. همچنین در پشت سر لفظ، قشم، الفاظ: کشم، جزیره‌ی دراز الجزیره الطویل، ابرکاوان و ابرکمان را یادداشت کرده‌ایم که خواننده متوجه شود مقصود از همگی اینها همان جزیره‌ایست که امروز بنام قشم خوانده میشود.

ج - برخی نامها در متن کتاب گاهی بمعنیهای گوناگون بکار رفته است. مثلاً:

لفظ عمان گاهی بمعنی دریای عمان و گاهی بمعنی امارت عمان استعمال شده و لفظ هرمز گاهی بمعنی تنگه هرمز یا شهر هرمز یا جزیره هرمز کهن استعمال شده است. اگر در فهرست برای هر يك از این معنیها يك عنوان در نظر می‌گرفتیم موجب طول کلام میشد. لذا همگی اینگونه موارد را زیر يك عنوان جمع کرده‌ایم نهایت آنکه بجهت آگاهی مراجعه‌کننده بفهرست، در پشت سر کلمه میانه دو کمانه الفاظ تفسیری (تنگه ، جزیره ، شهر ، هرمز ، هرمز کهنه) را یادداشت کرده‌ایم. همچنین افزودن کلمات تفسیری بندر ، شهر ، شهرک ، دهستان و مانند اینها در پشت سر نامها نیز بهمین منظور بوده است.

د - درمیان نام امکنه چه بسیار نامهایی است که در روزگاری محلی معتبر بوده و وجود داشته است اما امروز آن محل موجود نیست و در نقشه‌ی جغرافیایی اثری از آنها دیده نمیشود. مانند: بندر سیراف یا سینیز یا مهروبان و دژ مشقّر و صفا در بحرین بزرگ. لذا برای جلوگیری از وقوع اشتباه میان نام جاهایی که هم اکنون وجود دارد، و نام جاهایی که در روزگار ما وجود ندارد، تمایزی قائل شده‌ایم.

باین معنی که تفسیرهای نقاط موجود را بصیغه حال و تفسیرهای مربوط بجاهایی را که اکنون موجود نیست بصیغه گذشته نوشته‌ایم. مثلاً: در برابر نام ابّله نوشته شده: بندری بوده‌است در جنوب عراق کنار دجله. در برابر نام سوق بحر نوشته شده: بندری بوده در جنوب خوزستان کنار کارون. از مراجعه‌کنندگان بفهرست خواهش میکنیم باین نکته توجه دقیق مبذول فرمایند.

۴ - نام اشخاص

در چگونگی تنظیم فهرست نام اشخاص نیز چند نکته درخور توضیح است که در زیر بآنها اشاره میشود.

الف - بطور کلی نام خانوادگی در تنظیم این فهرست مورد نظر قرار گرفته است. مثلاً: برای پیدا کردن شماره‌ی صفحه‌ای که نام دکتر محمد جواد مشکور در آن آمده است باید بحرف (م) مراجعه کرد و کلمه‌ی مشکور را بدست آورد. اما در پشت سر نام خانوادگی، نام کوچک هر کس بطور کامل یادداشت شده است.

ب - درباره‌ی نام کسانی که در اعصار گذشته میزیسته‌اند و در آن زمانها نام خانوادگی بصورت امروز مرسوم نبوده است، کنیت را ملائک تنظیم فهرست قرار داده‌ایم. زیرا در آن روزگار کنیت در حکم نام خانوادگی در عصر ما بوده است. مثلاً:

ابن حوقل در آن عصر بجای حوقل پور و ابن اثیر بجای اثیر پور و ابن بلخی بجای بلخی پور امروز استعمال میشده و وسیله‌ی شناسایی صاحب کنیت بوده‌است.

ج - خواننده‌ی گرامی ملاحظه خواهند کرد که در برخی جاها از این قاعده عدول شده‌است. این استثناءات درجایی بعمل آمده است که شخص بوسیله‌ی صفتی مانند انتساب بشهری یا طایفه‌ای یا حرفه‌ای بیش از کنیت خود مشهور بوده و در چنین مواقع در عین حال آنکه صفت مشهور را ملائک تنظیم فهرست قرار داده‌ایم کنیت و نام کوچک شخص را نیز در پشت سر آن صفت ذکر کرده‌ایم. مثلاً: نام ادریسی جغرافی نویسنده مشهور را با اینکه کنیتش ابو عبدالله است در حرف (الف) و زیر لفظ « ادریسی » قید کرده‌ایم. یا جاحظ نویسنده مشهور را با اینکه کنیت او ابو عثمان بوده است در بخش (ج) منظور داشته‌ایم.

همچنین اگر نام اصلی شخصی بیش از کنیت یا لقب او مشهور است، نام شخصی را مورد نظر قرار داده و از قاعده‌ی کلی فوق عدول کرده‌ایم تا عدم شهرت کنیت یا لقب موجب اشکال نشود. مثلاً: نام شاه عباس بزرگ را که ملقب به بهادر خان و فتحعلیشاه را که پیش از سلطنت موسوم به خانبابا خان بوده است، بترتیب دربخش (ع) و (ف) قرار داده‌ایم، زیرا نام اصلی آنان خیلی بیش از آن الفاظ مشهور میباشد.

د- در پشت سر نام اشخاص تاریخی که ذکر از ایشان در متن کتاب آمده است یا روایتی از آنها نقل گردیده، کلمات توضیحی کوتاهی درمیانه‌ی دو کمانه بمنظور معرفی آنان در فهرست یادداشت‌شده است تا خواننده باجمال آگاه شود شخص مذکور از جمله‌ی چه کسانی بوده و در چه علم یا فنی شهرتی داشته است. مثلاً:

در پشت سر نام حمزه ابن حسن اصفهانی، کلمات (مورخ، ستاره‌شناس) را درمیانه‌ی دو کمانه ذکر کرده‌ایم تا خواننده بداند این شخص هم در علم تاریخ دارای تألیفات است و هم از علوم نجوم بهره‌ای شایسته داشته است.

وزارت اطلاعات امیدوار است افزودن فهرستهای مذکور در آخر جلد اول و دوم کتاب سمینار خلیج فارس که در مطبوعات فارسی کمتر رواج دارد در راهنمایی خوانندگان این کتاب مؤثر واقع شود.

فهرست نام اشخاص

الف :

- اردشیر (بنیان گذار دودمان ساسانی) : ۲ - ۷۷ - ۱۱۱ - ۱۲۰
اسکیلاکس (دریاسالار کارباندی مأمور داریوش بزرگ) : ۳ - ۶۴ - ۷۴ - ۱۱۶
اسکندر (پادشاه مقدونیه) : ۴ - ۶۲ - ۶۴ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۱۱۷ - ۱۴۴ - ۱۴۸
آلبو کرک (دریاسالار پرتغالی) : ۴ - ۶ - ۶۸ - ۹۵ - ۹۶ - ۱۱۲
اسماعیل (سر سلسله‌ی صفوی) : ۴ - ۹۵ - ۱۱۲
الله‌وردیخان (استاندار فارس در عصر شاه عباس بزرگ) : ۶ - ۹۷
امام‌قلی‌خان (استاندار فارس پسر الله‌وردیخان) : ۶ - ۷ - ۹۷
استیل ، ریچارد (سفیر انگلیس در دربار شاه عباس) : ۶
اعتمادالدوله (صدراعظم عصر صفوی) : ۱۲
احمد بن سعید (شیخ عمان) : ۱۵
البویه (نماینده ناپلئون در ایران) : ۱۶
اقبال ، عباس (نویسنده‌ی معاصر) : ۱۶ - ۱۴۳
ارجیل ، دوک (از مأمورین دولت انگلیس) : ۲۱
اچیزون : ۲۲ - ۲۷ - ۲۸
ابن‌اوژن (نویسنده‌ی فرانسوی) : ۲۳
اومت (پزشک روسی) : ۲۳
احمد بن مبارک (از مشایخ بحرین) : ۳۲
ابوالقاسم‌خان (منشی سیاسی و نماینده‌ی انگلیس در خلیج) : ۳۲

- احمد بن عبدالله الراشد (از شیوخ متصالحه): ۳۲
 ارکونا (افسر آلمانی): ۳
 امام شوشتری، سید محمد علی: ۳۶
 ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (جغرافی نویسنده): ۳۸ - ۴۰ - ۷۸
 استخری، ابراهیم بن محمد (جغرافی نویسنده): ۳۹ - ۴۱ - ۴۵ - ۴۶ - ۱۰۷ - ۱۱۱ -
 ۱۴۶ - ۱۴۷
 ابن فقیه همدانی، احمد بن محمد (جغرافی نویسنده): ۴۱ - ۴۳ - ۴۷ - ۷۸
 ابن بطوطه مغربی، شرف الدین ابو عبدالله محمد (جهانگرد): ۴۴ - ۸۶ - ۱۴۵
 ابو موسی اشعری، عبدالله بن قیس (والی بصره): ۴۷
 آریان (تاریخ نویسنده یونانی): ۶۵
 ابوسعید، بهرام جنابی (پیشوای قرمطیان در بحرین): ۱۲۱
 استرنر، مورگن (خاورشناس سوئدی): ۱۲۴
 انوالا، جمشید (خاورشناس هندی): ۱۲۵ - ۱۲۶
 اسکارمن (خاورشناس آلمانی): ۱۲۶
 آدمیت رکن زاده، محمد حسین: ۱۴۴
 ابو عبیده، معمر بن المثنی (نویسنده معروف شعوبی): ۱۴۵
 افشار، ایرج: ۱۴۷
 آل مذکور، شیخ نصر خان: ۱۴۸
 آریا بیگنس (دریاسالار ایرانی در عصر هخامنشی): ۷۳
 ارتمیز (ملکه ی هالیکارناس): ۷۳
 ارسطو (فیلسوف یونانی): ۷۵
 آرتاخه (مهندس ایرانی در عصر خشایارشا): ۷۵
 ابن خردادبه، ابوالقاسم (جغرافی نویسنده): ۷۹
 ابوزید، ابراهیم بلخی (جغرافی نویسنده): ۷۹
 استیل، ریچارد (نماینده ی بازرگانی انگلیس در دربار صفوی): ۹۸
 ابن بلخی (مؤلف فارسنامه): ۱۰۸ - ۱۴۸
 استرابون (جغرافی دان یونانی): ۱۱۵

ب :

- بارکر، توماس (نماینده ی انگلیس در دربار صفوی): ۷
 بلك، نیکلا (فرمانده نیروی دریایی هلند): ۱۲
 بن (ژنرال فرانسوی در عصر ناپلئون): ۱۳
 باذان، باذام (آخرین حکمران ایرانی یمن): ۶۵

بوبارس (مهندس ایرانی در عصر خشایارشا): ۷۵
 بلاذری بغدادی، احمد بن یحیی (تاریخ نویس): ۷۹
 بایندر (دریابان): ۸۲ - ۱۴۳
 بهنام، دکتر جمشید: ۸۴
 بیانی - دکتر خانابا: ۷۹ - ۹۴
 بازیل، گری (خاورشناس انگلیسی): ۱۰۸
 بنفاسیو (خاورشناس): ۱۱۲
 بلگواد، دکتر هراuld (کارشناس ماهی): ۱۳۸ - ۱۴۳

پ:

پیریك (دریاسالار عثمانی): ۴
 پادری (کنسول فرانسه در شیراز در عصر صفوی): ۱۲
 پلی (سرهنگ انگلیسی): ۲۱
 پرگ ساسپس (از رجال عصر هخامنشی): ۷۶
 پیرنیا، حسن (مشیرالدوله): ۷۴
 پلین (نویسنده رومی): ۱۱۵
 پتولمه، بطلمیوس (جغرافی نویس): ۱۱۵

ت:

تاورنیه (جهانگرد فرانسوی): ۱۲
 تیپو صاحب (راجهی هندی): ۱۳ - ۱۴
 تومسن (از مأمورین دولت انگلیس): ۲۱
 تاجبخش، دکتر غلامرضا: ۲۲ - ۱۱۲ - ۱۱۳
 تیمورلنگ (مؤسس خاندان گورکانی): ۱۱۱

ج:

جوئر، سرهارفورد: ۱۷
 جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر (نویسنده): ۴۱ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۷ - ۱۴۵
 جالائی، مهندس محمد علی: ۱۴۳

ح:

حمید بن محمد (از مشایخ بحرین): ۳۲
 حشور بن مکتوم (از شیوخ متصالحه): ۳۲

حمید بن عبدالله الجاسمی (از شیوخ متصالحه) : ۳۳
حسان نبطی (مأمور مالیه در زمان حجاج) : ۶۳
حجاج بن یوسف ثقفی (والی عراق در عصر اموی) : ۶۳
حمزه بن حسن اصفهانی (تاریخ نویس ، منجم) : ۶۹ - ۷۹
حسن بصری (فقیه وزاهد) : ۱۴۵
حریری (نویسنده) : ۱۴۵

خ :

خلیفه بن محمد (از مشایخ بحرین) : ۳۲
خسرو دوم (خسرو پرویز) : ۴۷ - ۶۳
خسرو اول (انوشیروان) : ۶۳ - ۶۵ - ۷۸ - ۱۱۳ - ۱۱۸ - ۱۴۴
خشایارشا (پسر داریوش اول) : ۷۲ - ۷۳ - ۷۵

د :

دومرگان (رئیس هیأت حفاران فرانسوی در شوش) : ۲
داریوش (سومین شاهنشاه هخامنشی) : ۳ - ۴۸ - ۶۴ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۱۱۶
داری ، نوکس (از اتباع استرالیا کسی که نخستین امتیاز نفت را در ایران تحصیل کرد) :
۴۲ - ۱۳۵

داود بن علی بن عبدالله بن عباسی : ۶۳
دینوری ، ابوحنیفه ، احمد بن داود (مورخ - منجم - گیاهشناس) : ۱۰۵
دارمستتر (خاورشناس فرانسوی) : ۱۳۸
دریک ، سرهنگ (کاشف نفت در پنسیلوانیا) : ۱۳۵
دون کارسیا (سفیر اسپانی در دربار شاه عباس) : ۱۴۷

ر :

رایت ، کوئینسی : ۲
رئیس حامد (وزیر هرمزی) : ۴ - ۶۸
روئه ، توماس (نماینده انگلیس در هند) : ۷ - ۹ - ۹۸
رویتز (کسی که نخستین قرارداد نفت را با دولت ایران بست) : ۲۳ - ۱۳۵
رضاشاه کبیر : ۲۶ - ۳۸ - ۱۱۴ - ۱۳۵ - ۱۴۵
راشد بن حمید النعیمی (از شیوخ متصالحه) : ۳۳
رزم آرا ، سپهبد : ۸۲

رنه سدیو (خاورشناس): ۱۲۳
راماسکویچ (خاورشناس روسی): ۱۲۶
راس ، نیکلا (خاورشناس روس سفید تبعه‌ی ایران): ۱۲۶

ز :

زیدبن‌الخلیفه (ازشیوخ متصالحه): ۳۳

ژ :

ژاك (پادشاه انگلیس معاصر شاه‌عباس اول): ۶

س :

ساتو (تاریخ‌نویس انگلیسی): ۲
سیف‌الدین (امیر جزیره‌ی هرمز): ۴
سلطان حسین (پادشاه صفوی): ۱۲
سید سعید (سلطان مسقط): ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۶ - ۲۸
سلمان بن احمد (شیخ بحرین): ۲۰
سالم بن سلطان القاسمی (ازشیوخ متصالحه): ۳۲
سفاح ، عبدالله (خلیفه اول عباسی): ۶۳
سناخریب (پادشاه آشور): ۱۴۴
سیف بن ذی یزن (شاهزاده حمیری): ۶۵
سلیمان (پادشاه اسرائیل): ۷۲
سعدی ، شیخ مصلح‌الدین (شاعر ونویسنده‌ی بزرگ): ۱۱۰

ش :

شاپور دوم ساسانی: ۶۵ - ۷۷ - ۱۴۴
شاپور اول ، پسر اردشیر بابکان: ۱۴۸
شرلی ، رابرت (نماینده‌ی شاه‌عباس صفوی در اسپانیا): ۹۸ - ۱۰۰
شارل اول (پادشاه انگلیس): ۱۰۱
شوتروك ناخوتته (پادشاه عیلامی): ۱۰۴

ص :

صفی (پادشاه صفوی جانشین شاه‌عباس بزرگ): ۱۰۰ - ۱۰۱
صحبت لاری (شاعر): ۱۳۲

صاحب‌الزنج ، محمد بن علی (پیشوای انقلاب سیاهان در قرن سوم هجری) : ۴۶

ط :

طبری ، محمد بن جریر (تاریخ‌نویس ، فقیه) : ۴۷ - ۷۸ - ۱۴۵

ع :

عزیزی ، دکتر محسن : ۱ - ۷۹

عباس (پادشاه بزرگ صفوی) : ۶ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۶۸ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۸ - ۹۹ -

۱۰۰ - ۱۱۲

عباس (شاه عباس دوم صفوی) : ۱۱ - ۱۰۰ - ۱۰۱

علی بن خلیفه (از شیوخ بحرین) : ۳۲

عبدالله بن فضل‌الله و صاف‌الحضره (مؤلف تاریخ و صاف) : ۴۱

علی بن عیسی (وزیر المقتدر خلیفه‌ی عباسی) : ۴۶

عبدالله بن جراح (وزیر عباسی) : ۶۳

عضدالدوله دیلمی ، فنا خسرو : ۷۹

عادلشاه (امیر هرمز) : ۱۱۱

عمر بن خطاب (خلیفه دوم) : ۱۴۵

ف :

فتحعلیشاه قاجار : ۱۶ - ۱۲۴

فرمانتر ، کاپیتان : ۲۷

فلیسکس ، جونز (نماینده‌ی انگلیس در بحرین) : ۲۱ - ۳۲

فرهودی ، حسین : ۵۱

فیلیپ سوم (پادشاه اسپانیا) : ۹۶

فیگروا ، دن کارسیا دوسیلوا (سفیر اسپانی در دربار شاه عباس) : ۹۶

فرتر ، روی (دریاسالار پرتغالی) : ۹۶

فسائی ، میرزا حسن (مؤلف فارسنامه) : ۱۴۸

فرصت شیرازی (شاعر) : ۱۴۸

فلسفی ، سید عبدالله شیرازی : ۱۴۹

ق :

قائم‌مقامی ، مهندس (مؤلف کتاب بحرین و خلیج فارس) : ۲۱

قروینی ، ابو عبدالله زکریا (جغرافیای‌نویس) : ۱۰۷

ك :

- كنستان ، كارل (رئيس تجارتخانه هلندی در عصر صفوی) : ۱۱
 كريم خان زند (بنیادگذار دودمان زند) : ۱۳ - ۱۴
 كريستن (افسر انگلیسی) : ۱۶
 كرز (لرد و نایب السلطنه هندوستان) : ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۲۲ - ۲۳ - ۳۳ - ۳۴
 كلرندون ، لرد (معاون وزارت خارجه انگلیس) : ۲۱ - ۲۹
 كنی چه (سرهنگ انگلیسی) : ۲۲
 كاپنیستكي (از رجال روسیه) : ۲۳ - ۳۳
 كورش بزرگ : ۶۴
 كوندك ، ادوارد (نماینده كمپانی هند شرقی انگلیس) : ۹۸ - ۹۹
 كرمول : ۱۰۱
 كشفی ، سید محمود لاری (شاعر) : ۱۳۱
 كیهان ، مسعود : ۱۴۳
 كيكائوس (پادشاه داستانی) : ۱۴۶

گ :

- گاردان (كنسول فرانسه در ایران در عصر صفوی) : ۱۲
 گوراوزلی (نماینده انگلیس در عصر فتحعلیشاه قاجار) : ۱۶
 گرانت (افسر انگلیسی) : ۱۶
 گری ، ادوارد (وزیر خارجه انگلیس) : ۲۴ - ۲۶
 گیوم ، ویلهلم (قیصر اخیر آلمان) : ۲۵
 گواد ، قباد (پادشاه ساسانی) : ۶۷
 گبر یاس (از رجال عصر داریوش اول) : ۷۳
 گریشمن (باستانشناس معاصر فرانسوی) : ۱۰۵ - ۱۱۴
 گایگر (خاورشناس آلمانی) : ۱۲۶
 گرینویچ (خاورشناس انگلیسی) : ۱۲۶

ل :

- لوئی چهاردهم (پادشاه فرانسه) : ۱۲
 لكهارت (نویسنده و مأمور سیاسی انگلیس در ایران) : ۱۴
 لاندستون (وزیر خارجه انگلیس) : ۲۴
 له سترنج (مورخ و خاورشناس انگلیسی) : ۱۰۶

اهراسب کیانی (پادشاه داستانی): ۱۱۴۸

م :

- مرادیك (دریاسالار عثمانی): ۴
 محمدرضاییك (سفیر ایران در دربار فرانسه): ۱۲
 ملکم ، سرجان (نماینده‌ی انگلیس در ایران در عصر فتحعلیشاه): ۱۶ - ۱۷ - ۳۳
 مینتو (نایب‌السلطنه‌ی هندوستان): ۱۷
 محمدبن خلیفه (ازشیوخ بحرین): ۲۱ - ۳۱ - ۳۲
 محسن‌خان ، ژنرال (وزیرمختار ایران در لندن): ۲۱ - ۲۹
 مارک (پزشک روسی): ۲۳
 ماهان (دریاسالار انگلیسی): ۲۴
 مبارک (شیخ‌کویت در ۱۸۹۶): ۳۳ - ۳۴
 ملک منصور (شاهزاده‌ی قاجار): ۳۴
 مقدسی ، محمدبن احمد (جغرافی‌نویس): ۳۸ - ۴۶ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۴۶
 مستوفی ، حمدالله (تاریخ‌نویس): ۳۸ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۴۸
 مسعودی ، علی‌بن حسین (تاریخ‌نویس): ۴۳ - ۷۸
 معاویه ، پسر ابوسفیان : ۶۳ - ۷۸
 مسلمة‌بن عبدالملک : ۶۳
 مقدسی ، مطهر بن طاهر : ۶۶
 مگاپاس (از فرماندهان ایرانی در عصر خشایارشا): ۳
 موسی‌بیك (سفیر شاه‌عباس در دربار هلند): ۹۷
 مصطفوی ، سیدمحمدتقی : ۱۰۳
 میلتن (شاعر انگلیسی): ۱۱۱
 مقتدر ، سرلشگر غلامحسین : ۱۳۳ - ۱۴۳
 مه‌رتبار ، دکتر حسین : ۱۴۳
 موسی‌کاظم (امام هشتم شیعه): ۱۴۸
 منتظم ، سید علی‌اکبر کازرونی (شاعر): ۱۴۹

ن :

- نیارکوس ، نئارخوس (دریاسالار اسکندر مقدونی): ۴ - ۶۲ - ۶۴ - ۷۴ - ۷۷ -
 ۱۱۷ - ۱۴۴
 نوک ، ادوارد (بازرگان انگلیسی): ۶
 نادرشاه (بنیادگذار دودمان افشار): ۱۳ - ۱۴ - ۶۹ - ۱۰۴

ناپلئون بناپارت (امپراتور فرانسه): ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶
 نلسن (دریاسالار معروف انگلیسی): ۱۴
 نفیسی، سعید: ۶۰
 ناصر خسرو علوی (جهانگرد، شاعر): ۸۶ - ۱۰۶ - ۱۴۷
 نقدی، ناخداایکم: ۸۱
 نوری زاده، بوشهری، اسماعیل: ۱۱۰ - ۱۴۳
 ناصرالدین شاه قاجار: ۱۴۸

و:

واسکودو گاما (دریاسالار پرتغالی): ۴ - ۱۱۸
 ویسینیچ، هوی برت (نماینده‌ی هلند در دربار صفوی): ۹
 ولید بن عبدالملك (پادشاه اموی): ۶۳
 وهرز، وهریز، دیلمی (پسر کامکار فرمانده سپاه اعزامی بیمن در زمان انوشیروان): ۶۵
 ویشتناسب (پدر داریوش اول): ۷۴
 ویسینیش هوپیر (سفیر هلند در دربار صفوی): ۹۷
 واندنبرگ (باستان‌شناس بلژیکی): ۱۰۷ - ۱۰۹
 ولادیمیر مینورسکی (شرق‌شناس روسی): ۱۲۱ - ۱۲۶
 ویلسن سر ارنولد (نویسنده‌ی انگلیسی): ۱۴۳ - ۱۴۷

ه:

هرتلد (ازمأمورین انگلیس): ۲۲
 هشام بن عبدالملك (پادشاه اموی): ۶۳
 هرودوت (تاریخ‌نویس یونانی): ۶۴ - ۷۴ - ۷۵
 هخامنش (برادر خشیارشا): ۷۳
 هوپیر (نماینده‌ی سیاسی انگلیس در دربار شاه‌عباس): ۹۹
 هربرت، سر توماس (خاورشناس انگلیسی): ۱۲۳

ی:

یزدین (رئیس دیوان خراج در عصر خسرو پرویز): ۴۷
 یاقوت حموی (بازرگان، جغرافی‌نویس): ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۱۰۵ - ۱۰۹ - ۱۴۶ - ۱۴۸
 یعقوب پسر لیث صفار (سردودمان صفاری): ۱۰۶

فهرست نام جاها

الف :

- ایستانه (شهری بوده در عصر هخامنشی کنار خلیج فارس نزدیک بندر بستانه‌ی کنونی) : ۲
امید (دماغه‌ی جنوب افریقا) : ۴ - ۵ - ۴۸ - ۹۴ - ۱۱۸
ابله (بندری بوده در جنوب شرقی بصره‌ی کنونی که در حمله‌ی مغولها ویران شد) : ۴ - ۴۵ -
۴۷ - ۷۰
۷۷ - ۱۴۵
آسیای صغیر ، آسیای کوچک آناتولی (شبه‌جزیره) : ۵ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۶ - ۳۴ -
۴۷ - ۱۱۹
اسکندریه (بندری است کنار مدیترانه) : ۵ - ۱۱۰
اصفهان : ۸ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۹ - ۲۳ - ۵۷ - ۸۹
افغانستان : ۲۵ - ۲۶
اوال (نام کهن جزیره‌ی منامه بحرین) : ۳۸ - ۱۲۱
استخر (مرکز فارس پیش از اسلام) : ۳۸ - ۱۲۱
آسک (شهری بوده در خوزستان در دهستان زیدون کنونی) : ۳۸
اهرم : ۳۹ - ۵۲
ارگان ، ارجان ، (شهری بوده نزدیک بهبهان کنونی از بناهای قباد اول ساسانی) : ۴۲ - ۴۶ -
۱۰۶ - ۱۰۷
آبادان ، عبادان (شبه‌جزیره ، شهر) : ۴۲ - ۴۳ - ۴۸ - ۵۳ - ۶۸ - ۶۹ - ۸۵ - ۸۶ -
۸۷ - ۸۹

خلیج فارس

بوشهر (بندر): ۱۴ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۲ - ۲۳ - ۳۹ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۵ - ۵۶ -
۵۷ - ۶۸ - ۸۷ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۰۹ - ۱۱۴ - ۱۲۱ - ۱۳۹ -

۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰

بلوچستان (استان): ۱۶ - ۲۰

بستانه (دماغه): ۱۸ - ۲۰ - ۵۸ - ۱۴۱

بمبی: ۱۹

باسیان (نام کهن قصبه‌ی بوزیه‌ی کنونی نزدیک شادکان): ۳۹ - ۴۶

بوالخیر (بندر): ۳۹

باکو: ۴۲

بهمشیر (نام شاخه‌ی اصلی کارون که مستقیماً بخلیج فارس میریزد): ۴۶

بردخون، بردخان (بندر): ۵۲

برازجان (شهر): ۵۲ - ۵۵ - ۵۶

بهبهان (شهرستان): ۵۳ - ۱۲۱

بستک (شهرک): ۵۳ - ۵۷

بالارود (یکی از شاخه‌های غربی رود دز): ۶۲ - ۶۴

بیت سلوخ، سلوکیه: ۶۶

بیت لابط، جندی شاپور: ۶۶

بردسیر، برداردشیر: ۶۹

بعلبک: ۷۸

بیروت (بندر): ۱۱۷

بیزانس (امپراطوری روم شرقی): ۱۱۸

برمه (کشور): ۱۲۱

پ:

پریم (جزیره‌ای است در جنوب دریای سرخ): ۱۴

پامیر (فلات): ۶۱

پالمیر، تدمر (شهر کاروانی بوده در بادیه الشام): ۱۱۶

پشور (دهی است نزدیک لارستان): ۱۲۴

ت:

تااوکه (بندری بوده نزدیک بندر لنگه‌ی کنونی): ۲

تهران: ۱۶ - ۱۷ - ۳۱ - ۳۴ - ۵۳ - ۶۰ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۹

تبت: ۲۵ - ۲۶

ترکستان : ۱۹
تریبولی ، طرابلس : ۳۲
تاب (نام کهن رود جراحی) : ۳۹ - ۱۰۵
توج ، توز (شهری بوده در ۱۲ فرسنگی ساحل در شمال خلیج فارس) : ۴۰
تارم ، طارم (بخشی هست در استان فارس) : ۴۱
تیاب (بندر) : ۵۵
توچال (قله) : ۶۰
تیسفون ، تیسپون (یکی از هفت شهرمدائن پایتخت ساسانی) : ۶۵ - ۶۶ - ۷۶ - ۱۱۶
تیز (بندری بوده نزدیک شاخه‌ی غربی رود سند) : ۶۹
تخت جمشید : ۱۰۳
تلی تل (تپه‌های باستانی در نزدیک بوشهر) : ۱۰۵
تنگستان (بخش) : ۱۲۱

ج :

جاسک (بندر) : ۷ - ۱۸ - ۲۰ - ۲۲ - ۵۳ - ۵۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۱۰۱ - ۱۳۸ - ۱۳۹
جبیلیا (جزیره) : ۲۷
جبی ، جبا ، گیان (شهری بوده در ساحل شرقی خلیج فارس در خوزستان) : ۳۹ - ۴۴
جرون ، زرون (شهری است که امروز هرمنو گویند) : ۴۶ - ۱۱۱
جیرفت (شهر) : ۵۲
جوانشیر ، گواداردشیر : ۶۹
جم ، زم (نام کوهی بوده مشرف بر سیراف) : ۱۰۸ - ۱۴۶

چ :

چین : ۵ - ۶ - ۴۴ - ۴۶ - ۴۷ - ۶۸ - ۷۷ - ۷۸ - ۱۰۸ - ۱۱۰ - ۱۲۱ - ۱۴۵
چاه‌بهار (بندر) : ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۱۳۹ - ۱۴۱
چارك (بندر) : ۵۶ - ۵۹ - ۱۴۱

ح :

حبشه ، اتیوپی (کشور) : ۴
حضر موت : ۶۹
حسنلو (تپه ، دارای آثار باستانی) : ۱۰۳
حلب (شهری است در شام) : ۱۱۰

خ :

خارك (جزیره) : ۶ - ۷ - ۳۹ - ۴۵ - ۵۳ - ۶۷ - ۶۸ - ۸۶ - ۸۸ - ۱۰۵ - ۱۱۴ -
۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۵۰

خارگو (جزیره) : ۵۳

خانقین (شهری است در عراق) : ۳۴

خاوران (جلگه‌ی شرقی خلف‌آباد در خوزستان) : ۳۷

خورموج (مرکز بخش اهرم) : ۳۹ - ۵۲

خسروآباد : ۴۲

خط (شهری بوده در استان بحرین) : ۴۷

خلف‌آباد (دهستان) : ۵۲

خرمشهر (بندر) : ۵۳ - ۵۴ - ۷۷ - ۸۱ - ۸۷ - ۸۸

خاوران ، قراقوم (دشت) : ۶۱

خاراگنه ، خاراسن (شهری بوده در جنوب غربی خوزستان) : ۶۷

خاراسن (امارت کوچکی بوده در جنوب خوزستان) : ۱۱۷

خوارزم (شهر) : ۱۲۱

خنچ (بخش) : ۱۲۴

د :

دیلمان (نام بندری بوده کنار خلیج فارس در عصر هخامنشی) : ۲
دمشق : ۵

ده مـّلا (ده بزرگی است نزدیک هندیان در خوزستان) : ۳۷

دلوار (بندر) : ۳۹

دورق (نام کهن شادکان در عصر ساسانی) : ۴۶

دارزین (شهرک) : ۵۲

دیر (بندر) : ۵۵ - ۵۶

دالکی (دهستان ، رود) : ۵۹ - ۱۴۸

دجله (رود) : ۶۱ - ۶۲ - ۶۷ - ۶۴ - ۶۹ - ۷۷ - ۱۱۷

دز (رود) : ۶۲ - ۶۴

دشت‌میشان (شهرستان غربی خوزستان) : ۶۷

داردانل (تنگه) : ۷۵

دیرستان (بخش) : ۱۲۱

دبی (امارت): ۱۲۴ - ۱۳۶

ر:

رأس الخیمه (دماغه‌ای است در جنوب غربی خلیج فارس): ۷ - ۲۰

رود حله (شهرک): ۳۸

ریشهر (بندری بوده در شبه جزیره بوشهر): ۳۹ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۴۷

ریشهر (نام بخشی بوده در شرق خوزستان که شهری بهمین نام در آن بوده): ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۴۷

رامهرمز (شهر): ۶۹

رضائیه (شهر): ۸۵

ریگ (بندر): ۳۸ - ۵۲ - ۱۰۵ - ۱۵۰

ز:

زنگبار (جزیره): ۱۹ - ۲۸ - ۶۷ - ۱۰۷ - ۱۴۶

زط (دشت پیرامون هندیان): ۳۷

زیارت (بندر، دهستان): ۳۸ - ۴۶ - ۵۹

زهره (رود هندیان): ۳۸ - ۴۶

زاهدان (شهر): ۵۳

زراه کامسیر، دراه کامسیر، دریای کام اردشیر (خلیج فارس): ۶۹

زراه فرنگ، زراه آبرنگ (نام دیگر خلیج فارس): ۶۳

س:

سوئز (خلیج، کانال): ۵ - ۴۸ - ۷۳ - ۱۱۶ - ۱۱۸

سوریه (کشور): ۱۴

سنت هلن (جزیره): ۱۶

سن پترزبورگ (لنین گراد): ۲۵ - ۲۶

سیکان، سکان (نام رود ماند در قدیم): ۳۸

سیراف، شیلو (بندری بوده نزدیک بندر طاهری کنونی): ۳۹ - ۴۶ - ۶۶ - ۶۷ - ۷۰ -

۷۹ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ -

۱۱۱ - ۱۴۶

سنیز، شنیز (بندری بوده در شمال خلیج فارس): ۴۰ - ۴۶ - ۷۰ - ۱۰۵

سیری، سری (جزیره): ۴۳ - ۱۲۱

سوق بحر (شهری بوده در دهانه رود کارون): ۴۶

سربندر (ایستگاه راه آهن): ۵۲ - ۵۴

سیبری (کشور): ۶۱

سدره (نام قسمت پایین کارون): ۶۲

سیب (نام نهري بوده در جنوب واسط در عراق): ۶۳

سند (رود): ۶۴ - ۷۴

سیرجان ، اردشیرگان : ۶۹

سالامین (تنگه‌ای دریونان): ۷۳ - ۷۶

سراندیب (سیلان): ۷۸ - ۱۱۳ - ۱۲۱ - ۱۳۴ - ۱۴۵

سورت (بندری است در هندوستان): ۱۰۱

سبزآباد (ده کوچکی است نزدیک بوشهر): ۱۰۵

ش :

شط العرب (رود): ۵ - ۱۱ - ۱۴ - ۱۸ - ۲۰ - ۴۲ - ۶۱ - ۶۲

شیراز : ۱۰ - ۱۲ - ۱۹ - ۲۳ - ۵۳ - ۵۷ - ۶۷ - ۱۴۶

شبانکاره (جنگه‌ای در شمال خلیج فارس): ۳۷

شاپور ، شهریار ، رود حله : ۳۸ - ۵۹

شمیران ، سمیران (نام کوهی بوده نزدیک سیراف قدیم) ۳۹ - ۱۰۸

شهر شاپور (مرکز شهرستان شاپورخره در فارس بوده نزدیک تنگ چوگان کنونی): ۴۰ - ۴۱

شوش (شهر باستانی): ۴۱ - ۴۸ - ۶۷ - ۱۰۳ - ۱۰۴

شاپور (بندر): ۴۴ - ۵۲ - ۵۴ - ۸۰ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹

شادکان ، فلاحیه (شهر): ۵۶

شاوور (نهری است نزدیک شوش): ۶۷

شحر (شهری است در عمان): ۶۲

شارجه (امارت): ۱۳۶

ص :

صحر (شهری است در عمان): ۱۵

ط :

طاهری (بندری است در خلیج فارس): ۵۲ - ۶۷ - ۱۰۷ - ۱۰۹ - ۱۱۰

ع :

عباسی ، بندرعباس : ۲ - ۸ - ۹ - ۱۱ - ۱۳ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۲ - ۲۳ - ۳۸ -

۴۳ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۱۰۷ - ۱۰۹ - ۱۱۰ -

۱۱۷ - ۱۲۲ - ۱۲۴ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۹ - ۱۵۰

عدن (بندر): ۹۴ - ۲۹ - ۴
 عمان (خلیج، امارت): ۱۳۹ - ۷۹ - ۶۹ - ۲۹ - ۲۲ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۲ - ۵
 عسلو (بندر): ۵۶ - ۵۳ - ۵۲

ف :

فرات (رود): ۱۴۵ - ۱۱۸ - ۱۱۷ - ۷۷ - ۷۴ - ۶۲ - ۶۱ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۵
 فاو (بندر کوچکی در کنار راست شط العرب): ۳۵
 فسا: ۴۴ - ۴۱

فرور (جزیره): ۱۴۲ - ۱۲۱ - ۵۳
 فیلیه (بندری در شمال خرمشهر کنار شط العرب): ۵۴
 فیروزآباد، جور، گور (شهر): ۱۰۹ - ۱۰۷

ق :

قشم، کشم (جزیره): ۱۲۴ - ۱۲۱ - ۵۶ - ۵۵ - ۵۳ - ۳۸ - ۲۰ - ۱۸ - ۱۲
 ۱۴۲ - ۱۴۱ - ۱۳۹ - ۱۳۸

قاهره : ۱۹

قطر (شبه جزیره): ۱۳۶ - ۶۳۱ - ۶۹

ک :

کاریبه (نام استانی بوده در آسیای صغیر): ۷۳

کرمانشاه : ۸۹

کلات (یکی از دژهای اسماعیلیه در حوزه‌ی بهبهان بوده): ۱۰۷

کنارسیاه (ده): ۱۰۷

کارتاژ (شهری بوده در شمال افریقا نزدیک تونس کنونی): ۱۱۹

کوچاران (نام دهستانی بوده در فارس): ۱۲۱

کاریان (نام شهری بوده در فارس): ۱۲۱

کوهکیلویه (شهرستان): ۱۲۱

کینهاک (پایتخت دانمارک): ۱۳۸

کوفه (شهری بوده در عراق): ۱۴۵

کیش، قیس (جزیره): ۱۰۸ - ۹۶ - ۷۹ - ۶۶ - ۵۳ - ۴۶ - ۴۱ - ۴۰ - ۳۸ - ۷

۱۴۶ - ۱۴۱ - ۱۳۴ - ۱۱۱ - ۱۱۰ - ۱۰۹

کوریا موری (چند جزیره در دریای عمان): ۲۷ - ۲۶ - ۱۴

کویت (امارت): ۱۳۶ - ۴۸ - ۳۴ - ۳۳ - ۳۲ - ۱۶ - ۱۵

کریمه (شبه‌جزیره): ۱۸
 کارون (رود): ۲۲ - ۶۱ - ۶۳ - ۶۴ - ۷۷ - ۱۳۲ - ۱۴۳
 کیل (بندری است در آلمان): ۲۵
 کل‌فام (جزیره): ۲۷
 کروزوند (جزیره): ۲۷
 کرمان (شهر): ۵۲
 کنگان (بندر): ۵۲ - ۵۳ - ۵۵
 کنگ (بندر): ۵۶ - ۱۰۰
 کلل (ده): ۵۹
 کرخه (رود): ۶۳ - ۷۶
 کسکر، کشکر (شهرستانی بوده در جنوب عراق): ۶۷
 کرخ میشان (شهری بوده کنار دجله و بروی بصره): ۶۷ - ۱۱۷
 گ:

گوگانا (بندری بوده در عصر هخامنشی کنار خلیج فارس): ۲
 گمرون، گمبرون (بندر عباس): ۷ - ۶۹ - ۹۶ - ۹۹
 گوادر (بندر): ۲۰ - ۲۲
 گناوه، گندابه، جنابه (بندر): ۳۸ - ۴۰ - ۴۶ - ۵۲ - ۵۳ - ۷۰ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۲۱
 گور، جور (نام قدیم شهر فیروزآباد کنونی): ۴۱ - ۴۴
 گچساران: ۴۳ - ۴۶
 گاوبندی (دهستان): ۴۴ - ۵۲ - ۵۶
 گذار لنده (ایستگاه تلمبه‌خانه‌ی مسجد سلیمان کنار کارون): ۵۳
 گاسباتیر (شهری بوده در سند): ۷۴
 گران (بخش): ۱۲۱

ل:

لیسن (بندر): ۴
 لاجج (امارت کوچکی است در جنوب عربستان): ۱۴
 لارک (جزیره): ۱۸ - ۵۳ - ۱۲۱ - ۱۲۴ - ۱۳۸ - ۱۳۹
 لنگه (بندر): ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۲ - ۳۹ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۶ - ۵۸ - ۱۰۰ - ۱۱۰ - ۱۳۴ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۹
 لیراوی (جلگه در شمال خلیج فارس): ۳۷

لاوان ، شیخ شعیب (جزیره) : ۷۰ - ۱۲۱

لندن : ۹۹

لیون (بندر) : ۱۲۱

لارستان (شهرستان) : ۱۲۱

لار (شهر) : ۱۲۳

م :

مسقط (امارت) : ۲ - ۴ - ۶ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۵ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۲ -

۲۸ - ۲۹ - ۳۴ - ۶۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۲۴

مدیترانه (دریا) : ۵ - ۹ - ۱۳ - ۴۸ - ۷۳ - ۷۸ - ۹۴ - ۹۹ - ۱۱۰ - ۱۱۹ - ۱۲۱

مکه : ۱۲

مصر : ۱۳ - ۱۴ - ۶۴ - ۷۲ - ۷۴ - ۷۵

محمّره (خرمشهر کنونی) : ۱۸ - ۱۹

منچستر : ۱۹ - ۲۰ - ۲۲

ماند ، مند (رود) : ۳۸ - ۵۳

میناب (رود ، بخش) : ۳۸ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۹۷ - ۱۲۱ - ۱۲۴ -

۱۴۳ - ۱۴۹

مالزی (جزایر) : ۴۰

مهر و بان (بندری بوده نزدیک بندر دیلم کنونی) : ۴۰ - ۴۶ - ۶۹ - ۱۰۵ - ۱۰۶ -

۱۰۷

مسجد سلیمان : ۴۲ - ۴۳ - ۵۳ - ۸۴ - ۹۵ - ۸۶ - ۱۳۵

معشور : ۴۳ - ۴۶ - ۵۲ - ۵۳ - ۱۰۵

مشراکه ، مشراقه (نام تپه ای در خوزستان که نهر مشرقان قدیم از نزدیک آن میگذشته) : ۵۲

مقام (بندر) : ۵۶

مغویه (بندر) : ۵۸

موصل : ۶۷

محرزه (بندری بوده کنار کارون پایین) : ۶۹

مشهد : ۸۵

مادرید : ۹۹

میاندشت (ده) : ۱۰۷

ماداگاسکار (جزیره) : ۱۱۳

موزامبیک : ۱۲۱

مکزیک (خلیج) : ۱۳۴



ن :

- نینوا (پایتخت آشور) : ۴
 نوا (رود) : ۱۸
 نابند ، ناوبند (بندر ، دماغه) : ۱۸ - ۲۰ - ۶۷ - ۱۰۹
 نفت سفید (شهر کی است در خوزستان) : ۴۲ - ۴۳
 نجیرم (بندر کوچکی بوده در کنار خلیج فارس) : ۴۶ - ۷۶ - ۷۰ - ۱۰۹
 نیل (رود) : ۴۸ - ۶۴ - ۷۳ - ۷۴
 نرماشیر ، نرم اردشیر : ۶۹
 نفت شاه ، شاه آباد غرب : ۸۹
 نجد (فلات عربستان مرکزی) : ۱۱۹

و :

- ونیز (بندر) : ۵
 ورسای : ۱۲
 ولگا (رود) : ۱۸
 وین (پایتخت اتریش) : ۹۵
 هرمزی (بندری بوده نزدیک هرمز کنونی) : ۲
 هندوستان (شبه قاره) : ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۷ - ۱۲ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ -
 ۱۹ - ۲۲ - ۲۶ - ۲۹ - ۳۱ - ۳۳ - ۴۰ - ۴۷ - ۶۱ -
 ۶۷ - ۷۲ - ۷۴ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۷ - ۹۸ - ۱۰۸ - ۱۱۰ -
 ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۹ - ۱۲۱ - ۱۴۵ - ۱۴۷ -
 هرمز (تنگه ، جزیره ، بندر ، قلعه ، هرمز نو) : ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۱۰ - ۱۸ -
 ۲۳ - ۳۸ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۶ - ۵۳ -
 ۶۸ - ۷۲ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۹ -
 ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۸ - ۱۱۱ - ۱۱۲ -
 ۱۲۱ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۱ - ۱۴۲ -
 ۱۴۶
 هنگام (جزیره) : ۱۸ - ۵۳ - ۷۲ - ۱۲۱ - ۱۳۸
 هرات (شهر) : ۱۸ - ۱۹
 هالانیا (جزیره) : ۲۷
 هسکی (جزیره) : ۲۷
 هندیجان ، هندیان ، هندگان ، (شهر کی است در شرق خوزستان) : ۳۷ - ۵۳ - ۵۶ - ۱۰۷

ف

ن :

نینوا (پایتخت آشور) : ۴

نوا (رود) : ۱۸

نابند ، ناوبند (بندر ، دماغه) : ۱۸ - ۲۰ - ۶۷ - ۱۰۹

نفت سفید (شهر کی است در خوزستان) : ۴۲ - ۴۳

نجیرم (بندر کوچکی بوده در کنار خلیج فارس) : ۴۶ - ۷۶ - ۷۰ - ۱۰۹

نیل (رود) : ۴۸ - ۶۴ - ۷۳ - ۷۴

نرماشیر ، نرم اردشیر : ۶۹

نفت شاه ، شاه آباد غرب : ۸۹

نجد (فلات عربستان مرکزی) : ۱۱۹

و :

ونیز (بندر) : ۵

ورسای : ۱۲

ولگا (رود) : ۱۸

وین (پایتخت اتریش) : ۹۵

هرمزی (بندری بوده نزدیک هرمز کنونی) : ۲

هندوستان (شبه قاره) : ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۷ - ۱۲ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ -

۱۹ - ۲۲ - ۲۶ - ۲۹ - ۳۱ - ۳۳ - ۴۰ - ۴۷ - ۶۱ -

۶۷ - ۷۲ - ۷۴ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۷ - ۹۸ - ۱۰۸ - ۱۱۰ -

۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۹ - ۱۲۱ - ۱۴۵ - ۱۴۷

هرمز (تنگه ، جزیره ، بندر ، قلعه ، هرمز نو) : ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۱۰ - ۱۸ -

۲۳ - ۳۸ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۶ - ۵۳ -

۶۸ - ۷۲ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۹ -

۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۸ - ۱۱۱ - ۱۱۲ -

۱۲۱ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۱ - ۱۴۲ -

۱۴۶

هنگام (جزیره) : ۱۸ - ۵۳ - ۷۲ - ۱۲۱ - ۱۳۸

هرات (شهر) : ۱۸ - ۱۹

هالانیا (جزیره) : ۲۷

هسکی (جزیره) : ۲۷

هندیجان ، هندیان ، هندگان ، (شهر کی است در شرق خوزستان) : ۳۷ - ۵۳ - ۵۶ - ۱۰۷

ف

هفتکل (یکی از میدانهای نفتی خوزستان): ۴۳
هجر ، (مرکز بحرین در عصر ساسانی ، لحسای کنونی): ۴۷
هیت (شهری بوده در شمال جلگه عراق): ۶۷
هزو : (بندری بوده در شرق خلیج فارس): ۶۷

ی :

یمن : ۴۸ - ۶۵ - ۸۸ - ۱۱۰ - ۱۱۳ - ۱۴۴
ینیان (نام بخش یونانی نشین آسیای صغیر): ۷۳

سید ابوالقاسم مدنی